

جنبش کارگری و مروری بر اعتراضات و اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمار سه ماهه سوم سال (ماه‌های مهر- آبان - آذر ۱۳۸۷ - ۲۰۰۸)

امیر جواهری لنگرودی
amirjavaheri@yahoo.com
دی ۱۳۸۷ - ژانویه ۲۰۰۹

مقدمه :

در شرایط پایانی سال ۲۰۰۸ (دی ماه ۸۷) با دستگیری چندی از فعالین کارگری و جنبش های اجتماعی در ایران روبرو شدیم . دستگیری بیژن امیری ، محسن حکیمی ، پدram نصرالهی ، صالح بهرامی پس آنگاه دستگیری ابراهیم مددی ، فراخواندن و پرونده سازی برای محمود صالحی و بختیار رحیمی ، بلاتکلیفی منصور اسانلو ، فرزند کمانگر و شمس قهفرخی در زندان ها و صدور احکام سنگین برای تعدادی از دانشجویان و همچنین دستگیری ۱۱ تن از معلمان و سپس آزادی آنها ، همه و همه نشانه پیشروی جنبش کارگری و اعتراضات عمومی فعالان جنبش های اجتماعی طی ماههای اخیر در ایران بوده است .

در اعتراض به این سلسله از دستگیری ها اطلاعیه و بیانیه های چندی در داخل و خارج از کشور صادر شده و میرود که اعتراضات فعالی را در پی داشته باشد .

آنچه در زیر از نظر شما می گذرد، بازتاب فعل و انفعالات جنبش کارگری و خاصه اخبار کارگری و گزارشات مبارزات بخش های فعال مزد و حقوق بگیران ، کارمندان ، پرستاران و معلمان ایران در کنار مبارزات دانشجویان دانشگاههای سراسر ایران است که طی سه ماهه سوم سال ۱۳۸۷، در مجموعه **بیش از ۷۹۰** خبر و تفسیر کارگری فراهم آمده ، به نظرتان می رسد.

در این مجموعه ما با اخبار کودکان خیابانی کار و گزارشات چندی از وضعیت آنان و همین طور اوضاع زنان و پشتیبانی دانشجویان از مبارزات کارگران ایران در عرصه های مختلفی از اعتصابات ، اعتراضات ، تجمعات کارگران در درون کارخانه ها ، در برابر دفاتر کارفرماها ، راه پیمایی ها ، راه بندان ها و اجتماع در برابر مجلس ، دادگستری ، استانداری ها ، فرمانداری ها و غیره روبرو می شویم که طی سه ماهه سوم سال ۱۳۸۷، از خبرگزاری های ایران (ایلنا - ایسنا - مهر - روزنامه سرمایه و...) و تشکل ها ، نهادها و سایت های مستقل مانند : (فعالان حقوق بشردر ایران ، کمیته کارگری پویا، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، انجمن صدای کاوه ، اتحادیه آزاد کارگران ایران ، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ، جمعی از فعالان کارگری ایران خودرو، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری ، خبرنگارنامه امیرکبیر، خبرنگارنامه مازندران ،

سایت میدان زنان، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، انجمن دفاع از کارگران و بیکاران، انجمن کارگری صدای کاوه ها، کانون صنفی معلمان تهران - تهران، سایت سلام دمکرات و غیره در داخل و همینطور امکانات خبر رسانی خارج از کشور فراهم آمده و به نظر تان می رسد.

اخبار کارگران البرز، تشکیل سندیکای کارگران هفت تپه، دشواری زندگی کارگران در عسلویه، فشار به کودکان کار در سطح خیابانها، کار خانگی زنان، مسئله خصوصی سازی ها، تعطیلی واحد ها و اخراج های بیرویه کارگران در سطوح واحد های تولیدی کارخانه ای و کارگاهها، وضعیت اسفبار کارگران قراردادی، گرانی و باز هم گرانی اجناس و مایحتاج ضروری زندگی شهروندان ایرانی با اثلام آنا در سطح خبرهای عدیده بازتاب یافته و آنرا در کنار دشواری زندگی زحمتکشان شهری و روستایی، خشکسالی زمین و نابودی محصولات کشاورزی و تورم افسار گسیخته طی همین سه ماهه سوم سال و نبودن تامین اجتماعی لازم برای کارگران، مزد و حقوق بگیران و باز نشنگان کشور، گسترش اخبار دستگیری ها و بازداشتها، همه و همه مضمون روز شمار سه ماهه سوم سال ۱۳۸۷ را همچون سه ماهه اول و دوم پوشش می دهد.

نکته پایانی اینکه؛ تلاش ما این خواهد بود که در آینده جدول آماری استنتاج های خود پیرامون روز شمار سه ماهه اول و دوم و سوم سال ۱۳۸۷ را فراهم آوریم. از فرصت استفاده می کنم. از همه تشکر های کارگری داخل که به ما مستقیماً خبر می رسانند، تشکر خود را اعلام میداریم. باشد که جمع آوری مجموعه این اخبار و آرشینو آن، بتواند در بهره وری جمعی از این اقدام موثر افتد!

اخبار مبارزات کارگران ایران، هفته اول مهر ۱۳۸۷ (سپتامبر ۲۰۰۸)

1- اعتصاب کامیون داران در اهواز:

به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران به تاریخ 1 مهر 87: بیش از ۱۷۰۰ تن از رانندگان و کامیونداران اهواز، ۱۵ روز متوالی است که با کامیونهای خود دست به اعتصاب و اعتراض زده اند، این افراد با به صف کردن ماشینهای خود در جاده سه راه خرمشهر به مسیر پایانه حمل و نقل اهواز به طول تقریباً ۳ کیلومتر خواست های خود را به شرح ذیل اعلام نموده اند:

- ۱- رسیدگی به وضعیت اعلام بار با نظارت دولت بر باربری ها
- ۲- راه اندازی مجدد سندیکای باربری که از ۱۴ ماه پیش به حالت تعلیق درآمده است
- ۳- رسیدگی به وضعیت رفاهی و امکاناتی خود

صبح روز جاری در پانزدهمین روز متوالی بیش از ۶۰۰ کامیون در این جاده به نشانه اعتراض توقف نمودند

2- دستگیری معلمان را در آستانه سال تحصیلی محکوم می کنیم:

بنا بر اخبار منتشر شده در آستانه سال تحصیلی معلمان فعالی که مبادرت به برگزاری جلسات انجمن های صنفی و مشورتی خود برای پی گیری خواسته های صنفی کرده بودند، بازداشت شدند. معلمان که در سالهای اخیر برای حقوق صنفی خود بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده اند همواره با سرکوب از جانب نیروهای امنیتی مواجه شده اند و این بار نیروهای امنیتی برای پیشگیری از اعتراض معلمان مبادرت به دستگیری آنان کرده اند.

معلمان که از زحمتکش ترین اقشار جامعه هستند همواره در شرایط معیشتی سختی به سر می برند. آنان نیروی کار خود را در جهت آموزش کودکان و جوانان صرف می کنند تا نیروی کار آینده جامعه را بازسازی کنند، اما خود از داشتن یک زندگی شرافتمندانه محرومند. مبارزات معلمان در سالهای اخیر یادآور مبارزات با شکوه آنان در دهه های گذشته است که از آن میان می توان به کشته شدن دکتر خانعلی در سال 1339 اشاره

کرد.
ما ضمن حمایت از اعتراضات به حق معلمان در جهت دست یابی به یک زندگی شرافتمندانه، خواهان آزادی فعالیت های صنفی و اجتماعی برای همگان هستیم.

کانون مدافعان حقوق کارگر

3- اخراج 600 معلم در استان هرمزگان :

رئیس جدید آموزش و پرورش استان هرمزگان شروع کار خویش را با موج جدید بیکارسازی معلمان آغاز کرده است. او در شرایطی به اخراج وسیع معلمان دست زده است که مدارس این استان به صورت بسیار دردناکی با کمبود معلم مواجه هستند. رئیس آموزش و پرورش برای این کار خویش هیچ توضیحی به هیچ کس نداده است. او خود را نیازمند طرح هیچ دلیلی برای هیچ کس نمی داند. با همه این ها دلیل واقعی آن چه که او انجام داده است و انجام می دهد برای همه معلمان بندرعباس بسیار روشن است. معلمان زیر فشار امواج کوبنده تعرض سرمایه به سطح معیشت و دستمزدهایشان به شدت عاصی و ناراضی و خشمگین هستند. آنان در همه جا خشم و عصبانیت خود را ابراز می دارند. از ضرورت پیکار سخن می رانند و خواستار مبارزه متحد جمعی علیه وضعیت موجود هستند. رئیس آموزش و پرورش توفان اعتراضات و ناراضی ها را بسیار خوب لمس کرده است. او مأمور سرمایه و مسئول تحمیل نظم سرمایه داری بر معلمان است. می داند و بسیار خوب هم می داند که دولت سرمایه داری برای تحمیل این نظم ضدانسانی و ضدکارگری بر معلمان جز توسل به تصفیه و اخراج و در صورت لزوم کشتار و حمام خون راه دیگری ندارد. او آن می کند که سرمایه می خواهد و سرمایه برای ادامه بقای خود نیاز دارد. بدیهی است که معلمان اخراجی و همزنجیران دیگر آن ها در مقابل این موج بیکارسازی دست به مبارزه خواهند زد یا، دقیق تر بگوییم، به مبارزه جاری خود ادامه خواهند داد. در این میان یک چیز روشن و در عین حال قابل تأکید است. معلمان باید دست در دست همه کارگران در راستای سازمانیابی سراسری شورایی توده های کارگر علیه سرمایه به پیکار خود ادامه دهند. تنها در این صورت است که پرتو امید و پیروزی می تواند بر رخساره مبارزات جاری آن ها بتابد. توصیه ما به معلمان هرمزگان و معلمان سراسر ایران این است که دست در دست هم حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر به صورت شورایی و سراسری علیه نظام سرمایه داری متشکل شوند.

1 مهر 87

4- گزارش کارخانه تولیدی تهران :

کارخانه تولیدی تهران حدود 400 نفر کارگر دارد که حدود 200 نفر کارگر استخدامی و 200 نفر کارگر قراردادی دارد. این شرکت تحت پوشش بازنشستگی قرار دارد. قسمت تولید به شکل دو شیفت کار می کند. قسمت های مختلفی از کارخانه مثل رستوران- کنترل و خدمات در دست پیمانکار می باشد که بیشتر کارگران قراردادی برای پیمانکار کار می کنند.

کارگران عزیز:

همان طور که اطلاع دارید در هفته های گذشته اتفاقاتی در شرکت تولیدی تهران رخ داده است که برای اطلاع عموم مختصری از آن را شرح می دهیم:
به مدیریت قبلی بارها تذکر داده بودیم که وضعیت کارخانه را سر و سامان دهد- وضعیت تولید و کیفیت تولید را بهتر نماید. طریقه ی برخورد با کارگران را اصلاح نماید.
متأسفانه هر چه بیشتر گفتیم کمتر گوش دادند. کارگران تولیدی تهران خواستار آسیب رساندن به تولید در هیچ شرایطی نبوده و نیستند اما مسائل و مشکلات فراوان باعث شد که علی رغم نامه های قبلی به مراجع ذی صلاح خود کارگران برای قطع دست های آلوده از تولید اقدام به عمل نمایند. بر این اساس کارگران تصمیم گرفتند که دسته جمعی عاملان فسادهای مالی را که در رأس آن ها مدیر عامل(کنی) قرار داشت از کارخانه اخراج نمایند. با همکاری کارگران سالن های مختلف و شورای اسلامی کار و تمامی پرسنل، کارگران به دور هم جمع شده و به سراغ آقای کنی و اطرافیان ایشان رفته و خواست خود را مبنی بر خروج ایشان از کارخانه را مطرح نمودند. با وجود مخالفت ایشان اراده دسته جمعی کارگران باعث شد که با موفقیت و بدون درگیری ایشان و همراهان به بیرون از کارخانه هدایت شوند.

ما کارگران تصمیم گرفته ایم که در هر شرایط چرخه تولید را بدون نیاز به مدیر عامل و امثال آن ها خود اداره کنیم و ثابت کردیم که می توانیم بدون داشتن عواملی که حقوق و مزایای آن ها سرسام آور است با موفقیت تولید را به پیش ببریم.

همکاران گرامی:

ما کارگران خواستار تولید با کیفیت بهتر هستیم. ما کارگران به هیچ عنوان تحقیر و توهین را نمی پذیریم و شدت کار را هماهنگ با کیفیت تولید می خواهیم. ما ضمن تشکر از همه کارگران و پرسنل زحمتکش از شورای اسلامی کار تشکر ویژه را داریم و امیدواریم این حرکت کارگران درس عبرتی باشد برای دیگران. ما کارگران نیز با هوشیاری کامل مراقب اوضاع خواهیم بود و ضمن ارجح دانستن تولید اعلام می داریم که ما می توانیم در صورت نیاز تمام چرخه تولید و فروش را با اراده جمعی خود اداره کنیم.

جمعی از کارگران تولیدی تهران

5- تعداد 10 میلیون نفر در ایران زیر خط فقر قرار دارند :

به گزارش خبرگزاری ایلنا در 1 مهر 87 آمده است : عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هفتم با تاکید بر تلاش دولت نهم در تمامی عرصه ها گفت: این که گفته می شود در طول 3 سال گذشته به اندازه 20 سال کار صورت گرفته است، واقعی به نظر نمی رسد.

به گزارش ایلنا، ابوالقاسم مختاری، با بیان اینکه آمار دقیق و قابل اتکایی در کشور وجود ندارد، گفت: چهار میلیون و 500 هزار نفر تحت پوشش کمیته امداد و 500 هزار نفر نیز تحت پوشش بهزیستی و برخی آمار هم حکایت از وجود 10 میلیون نفر در زیر خط فقر دارد.

وی مستمراً افراد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی را حتی در حد بخور و نمیر نیز ندانست و گفت: اینکه به افراد نیازمند کمک مالی مستقیم انجام شود، امری خوب و پسندیده است اما این نوع نگاه را نباید به تمام آحاد جامعه گسترش داد.

او تصریح کرد: همیشه از طریق دادن پول به مردم نمی توان مشکلات را حل کرد زیرا اگر مسوولان اولویت اولشان را رفع بیکاری قرار می دادند نتایج بهتری عاید کشور و مردم می شد، زیرا فردی شاغل می تواند نیازهای خانواده اش را برطرف نماید.

مختاری با بیان اینکه بودجه کشور بیشتر از فروش نفت تامین می شود و مالیات نقش بسیار اندکی در آن دارد، گفت: درست است که شرایط امروز فروش و قیمت نفت خوب است اما اگر به هر دلیلی صادرات نفت قطع یا قیمت آن کاهش یابد، آن گاه دولت نمی تواند پرداخت نقدی یارانه ها را ادامه دهد و این امر منجر به افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم شده و در حقیقت شرایط بدتر از زمان پیش از اجرای طرح تحول اقتصادی می شود.

نماینده زابل در مجلس هفتم تصریح کرد: میزان افزایش تورم در سه سال اخیر به حدی رسیده است که برخی از افرادی را که بالای خط فقر بودند، به زیر این خط کشانده است.

وی مهیا کردن زمینه دسترسی به مواد خوراکی، مسکن، بهداشت و درمان و آموزش را از سوی دولت برای مردم مهم دانست و گفت: دولت اگر در این زمینه ها کار بیشتری انجام دهد مطمئناً اثربخش تر از تزریق نقدینگی به جامعه است زیرا افزایش نقدینگی تورمزا است.

مختاری گفت: مبنای طرح تحول اقتصادی دادن سهام عدالت و هدفمند کردن یارانه ها است اما بهتر بود دولت تورم و نقدینگی را کاهش دهد تا بدین ترتیب قدرت خرید مردم افزایش یابد. او با بیان اینکه دولت نتوانست قیمت مسکن را در شهرهای بزرگ به سامان برساند، گفت: با این حال عملکرد دولت در مسکن روستایی قابل قبول بود.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هفتم آمار بیکاری اعلامی از سوی مسوولان را درست ندانست و گفت: بنگاه های زودبازده نتوانست اشتغال پایداری ایجاد کند و مانند وام سه میلیون تومانی دولت قبل به شکست انجامیده است.

او توجه بیشتر دولت به واحدهای بزرگ را خواستار شد و گفت: در فرهنگ حاکم بر کشور توجه بیش از حد به واحدهای کوچک نمی تواند اشتغالزا باشد.

مختاری در پایان گفت: آمارهای اشتغالزایی با واقعیات جامعه تناقض دارد.

6- دستگیری تعدادی از مدیران سابق خوزستان:

به گزارش تابناک در تاریخ 1 مهر 87: منابع خبری از بازداشت چند تن از مدیران و نمایندگان سابق استان خوزستان خبر می‌دهند. دو تن از نمایندگان سابق شهر اهواز در مجلس شورای اسلامی یکی از شهرداران سابق این شهر و برخی از اعضای سابق شورای اسلامی شهر اهواز و تعدادی دیگر از مدیران محلی در مرکز استان بازداشت شده‌اند. این منابع خبر می‌دهند که بازداشت‌شدگان به تهران منتقل شده‌اند و در حالی که مسئولان امر در این باره سکوت کرده‌اند، خبر می‌رسد که جرایم دستگیرشدگان در ارتباط با پروژه‌های شهرداری و زمین‌خواری بوده است.

7- نماینده های کارگران کارخانه های نساجی کردستان، پریس، شاهو و فرش غرب بافت ما مبصر و سانسور چی نمیخواهیم، ما کارگرم و با برگزاری مجمع عمومی خود را متحد می کنیم

پس از انتشار گزارش دومین مجمع عمومی نماینده های کارگران تعدادی از کارخانه های سنندج، کمیته هماهنگی (منطقه تهران) اقدام به صدور بیانیه ای در این زمینه کرده و با توسل به سانسور، مجمع عمومی نماینده های کارگران تعدادی از کارخانه های سنندج را ضمن حذف نام کارخانه شاهو، اجتماع عده ای از کارگران کارخانه های پریس، نساجی کردستان و فرش غرب بافت نامیده است.

در این رابطه باید بگوئیم:

اولا عده ای از کارگران سه کارخانه نبودند که به زعم کمیته هماهنگی منطقه تهران اجتماع مشترکی را برگزار کردند، بلکه این نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه های فوق، بعلاوه کارخانه شاهو بودند که آگاهانه اقدام به برگزاری مجمع عمومی نماینده های کارگران این کارخانه ها کردند.

دوما بر خلاف سانسور کمیته هماهنگی (منطقه تهران)، ما به عنوان عده ای از کارگران یک اجتماع مشترک برگزار نکردیم بلکه همانطور که در گزارش این مجمع نیز منتشر شده است و با آگاهی بر نقش مجمع عمومی در متحد کردن خود، به عنوان نمایندگان منتخب مجمع عمومی کارخانه محل کارمان، در سطح بالاتری اقدام به برپایی مجمع عمومی نماینده های کارگران کارخانه ها کردیم.

ما مجمع عمومی خود را در کارخانه محل کارمان با هدف پرداختن به مشکلات موجود و تصمیم گیری و انتخاب نماینده هایمان همیشه برگزار کرده ایم و این بار آنرا فراتر از محل کار خود در سطح نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه های ذکر شده، برگزار نمودیم و بنوبه خود تلاش خواهیم کرد برگزاری اینگونه مجامع (مجمع نماینده های کارگران کارخانه ها) را گسترش هر چه بیشتری بدهیم. چرا که برگزاری مجمع عمومی نماینده های کارگران کارخانه های مختلف میتواند پایه و ستون اصلی اتحاد ما کارگران در یک سطح فرا کارخانه ای باشد و ما کارگران با توجه به فشارهای موجود چاره ای جز این نزدیکی و متحد شدن آگاهانه از طریق برگزاری مجامع نماینده های کارگران کارخانه های مختلف نداریم.

کما اینکه پس از برگزاری این مجمع بود که کارگران کارخانه پریس بدون اینکه خود راسا تجمعی داشته باشند در تجمع مورخه 87/6/30 کارگران فرش غرب بافت در مقابل اداره کار شرکت کردند و این اولین باری بود که در این سطح در سنندج، کارگران یک کارخانه در تجمع کارگران کارخانه دیگری شرکت می کردند.

سوما: این آقایان در این چند ماه گذشته که ما کارگران نساجی و پریس و غرب بافت در شرایط طاقت فرسایی بطور مداوم درگیر مبارزه برای احقاق حق مان بودیم کجا بودند که امروزه یک مرتبه چرت شان پریده و با توسل به دروغ اعلام میکنند ما نماینده های کارگری شرکت کننده در این مجمع از تعبیر و اطلاق عنوان مجمع عمومی به آن بیزاریم. نه آقایان ما مجمع عمومی نمایندگان کارگران تعدادی از کارخانه های سنندج را تشکیل دادیم و با آگاهی بر نقش کلیدی مجمع عمومی در متحد شدنمان، با شور بیشتری این مسیر را ادامه خواهیم داد.

نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه های نساجی کردستان - پریس، شاهو و فرش غرب بافت :

شریف ساعد پناه - امجد زمانی - فرشید بهشتی زاد - خالد سواری - سید خلیل حسینی - صلاح اسکویی - ابراهیم جعفری - سعید حبیب زاده - کاظم کاظمی - خالد خالدی

1387/7/1

8- یکه تازی سرمایه در بیکارسازی کارگران ایران خودرو:

چند هفته مرخصی اجباری و سپس اخراج همیشگی از کار **بند قانونی نامکتوب** جدیدی است که سرمایه داران ایرانی در تبنای و همدستی انداموار با نهادهای دولتی سرمایه از چند سال پیش تا امروز بر ترفندها و راهکارهای جنایتکارانه ضد کارگری خود اضافه کرده اند. استثمارگران خون آشام و انسان خواری که برای یک دقیقه استثمار بیشتر هر یک کارگر دنیایی شرارت و سفاکی و درندگی به راه می اندازند، یک باره حکم به مرخصی اجباری و قهری صدها یا هزاران کارگر می دهند تا در پی آن و در غیاب خشم و عصیان توده های کارگر توطئه اخراج دسته جمعی آن ها را برنامه ریزی کرده و به اجرا گذارند. سرمایه داران زیادی تا امروز دست به این کار زده اند. اما شرکت های آدم فروشی موسوم به « پیمانکاری » در کارخانه ایران خودرو به راستی که دست همه همتایان خود را از پشت بسته اند. پیشینه کار این شرکت ها برای همه کارگران بسیار روشن است. شرکت های مقاطعه کاری در حوزه کار ایران خودرو و در سراسر جهنم سرمایه داری ایران و از این هم وسیع تر در کل دنیای جهنمی سرمایه داری، سرمایه دارانی هستند که سهم سود آنان در استثمار طبقه کارگر بین المللی از طریق تشدید هر چه سبانه تر و خونخوارانه تر استثمار نیروی کار توده های کارگر تأمین می شود. فلسفه وجودی آن ها این است که نیروی کار را به بی بهاترین میزان ممکن بخرند. تا جایی که ممکن است و به طور مثال در ایران با توسل به هزاران ترفند از پرداختن همین بهای شبه رایگان هم خودداری ورزند. طومار هر نوع استخدام درازمدت و تضمین اشتغال و کارگران را از بیخ و بن در هم پیچند. به حیات هر گونه بیمه بیکاری و بیماری کارگران پایان بخشند. فشار کار را به حداکثر ممکن برسانند. کارچندین کارگر را بر کرده یک کارگر بارکنند. هر نوع امکانات ایمنی و بهداشت محیط کار را یکسره نابود سازند. رقابت میان توده های فروشنده نیروی کار را هرچه بیشتر کنند و مورد جنایتکارانه ترین سوء استفاده ها قرار دهند. دستمزدهای نازل کارگران را مثله و قطعه قطعه کنند و به هر بهانه ای بر شمار هر چه بیشتر این قطعات آتش بزنند. در کلیه روزهای تعطیل کارگران را مجبور به کار کنند و هر نوع مرخصی سالانه و استعلاجی و هر شکل دیگر مرخصی را از ریشه قطع نمایند. شرکت های مقاطعه کاری سرمایه دارانی هستند که استثمار نیروی کار را تا بلعیدن تام و تمام شیرازه حیات کارگر و هضم سلول سلول بدن فروشندهگان نیروی کار در دستگاه گوارش سودافزایی سرمایه به پیش می برند. این شرکت ها به اعتبار این کارها سهم عظیم خود را در استثمار طبقه کارگر جهانی برداشت می کنند. کل سرمایه داران دنیا، کل تراست ها و انحصارات غول پیکر صنعتی و مالی جهان، کل دولت های سرمایه داری و در یک کلام کل سرمایه جهانی از کار این شرکت ها با پرشکوه ترین مراسم و ستایش ها استقبال می کنند و اساساً وجود آن ها را فرشته نجات خود می دانند. همه آنچه که این شرکت ها انجام می دهند نسخه سرمایه برای ادامه بقا و استمرار حیات خود است و به همین دلیل به ویژه در شرایط کنونی تاریخ زبان و سلاح و ساز و کار سرمایه برای تحمیل تمامی بار بحران و تشدید استثمارهای الزامی سرمایه بر کارگران هستند.

شرکت های پیمانکاری ایران خودرو نیز از جمله همین پیمانکاری ها و شاید از بدترین نوع آن ها هستند. کار آن ها آماده سازی نیروی کار به ارزان ترین بهای ممکن برای ایران خودرو است. کارگران را به صورت قراردادی و کوتاه مدت به کار می گیرند. در طول این مدت علاوه بر هولناک ترین میزان استثمار حق هر نفس کشیدنی را از هم از کارگران سلب می کنند. دوره کوتاه کار کارگران را به دوران قلع و قمع هر نوع احساس ذاتی و قهری اعتراض کارگر علیه استثمار و بی حقوقی سرمایه تبدیل می کنند. همه بلاهای ممکن سرمایه دارانه را بر سر بردگان مزدی فرود می آورند. آن ها همه این کارها را انجام می دهند و در پایان مدت قرارداد هر کارگری را که هر نفسی علیه شدت استثمار و سببیت سرمایه کشیده است تسلیم تیغ اخراج می کنند. سرمایه داران پیمانکار خود نیز هر از چند گاه جای خود را به شرکای تازه می سپارند و در جریان نقل و انتقال همه پرونده سازی های خویش علیه کارگران را در اختیار شرکای جانشین قرار می دهند. پیمانکاری های درون ایران خودرو در طول ماه اخیر در چهارچوب همین ترفند پردازی ها و در حین نقل و انتقال های بین خود، موج بیکارسازی های گسترده ای را همه جا علیه کارگران به راه انداخته اند. آن ها کار

را با همان شیوه معمول که بالاتر گفتیم آغاز کرده اند. دو هفته مرخصی اجباری برای چند صد کارگر صادر نموده و اجرای آن را بر همه این کارگران تحمیل کرده اند. کارگران در پایان این دو هفته به سر کار باز گشته اند. اما در روز شروع با کثیف ترین توطئه ها رو به رو شده اند. شمار کثیری از کارگران در لیست اخراج قرار دارند و هنگام رجوع به آن ها اخطار می شود که اخراجی هستند و کارت اشتغال آنان باطل گردیده است. کارگران ایران خودرو در غالب بخش ها به این جنایات اعتراض کرده اند و خواستار مبارزه متحد و دسته جمعی در حمایت از هم زنجیران خود شده اند. به نظر ما در کار سازمان دادن یک خیزش متحد جمعی علیه این جنایت نباید هیچ ثانیه ای تأخیر کرد. دفاع از کارگران اخراجی حلقه پیوسته ای در زنجیره مبارزات سراسری ما علیه سرمایه است. ما باید این حلقه را با تمامی قدرت به دست گیریم و آن را به سنگری برای مبارزه در راستای سازمانیابی سراسری و شورایی ضد سرمایه داری همه توده های طبقه خود مبدل سازیم.

9 - بلاتکلیفی کارگران اخراجی شرکت صندوق نسوز خرم ادامه دارد :

به گزارش فریاد کارگردر تاریخ 2 مهر 87 آمده است : یکی از این کارگران در این خصوص به فریاد کارگر گفت: ما همان 16 نفر کارگر اخراجی کارخانه صندوق نسوز خرم هستیم که هر جا میرویم کسی جواب ما را نمیدهد. ما 2 سال است که فقط داریم دوندگی میکنیم و به هیچ نتیجه ای نرسیده ایم. هر روز يك بلایی به سر ما می آورد تا به هر ترتیبی شده حق ما را بیش از این بالا بکشند. در حال حاضر در دادگاه باهنر ما انبوهی سند و پرونده برای شکایتمان از کارفرما تحویل داده بودیم اما امروز در جواب شکایات ما گفتند هیچ سندی در پرونده های شما وجود ندارد و ما صد روی صد اطمینان داریم که کارفرما با پشتوانه ای که در دولت دارد با پرداخت رشوه های کلان که تمام از حقوق ما کارگران است دادگاه را خریده است که اسناد دزدیهایش را سر به نیست کنند. این کار را کرده اند که بدین ترتیب هیچ رسیدگی ای به شکایات ما نشود و بعد از 2 سال دوندگی بگویند پرونده شما بی نتیجه خاتمه پیدا کرد. هر دادگاهی هم ما را به جای دیگری پاس میدهند و هیچ کس در این مملکت مسؤل رسیدگی به کار کارگران نیست. اینها همه جا نفوذ دارند و کارشان را پیش میرند. ما الان هر روز به حالت اعتراض در کارخانه حضور پیدا میکنیم و فقط آنجا مینشینیم ولی کاری نمیکنیم و خرجمان را با کار های متفرقه و شغل های کاذب در میآوریم و واقعا به لحاظ معیشتی مشکل داریم. از طرفی میزان زیادی چک و سفته به 120 کارگر داده بودند که آنها را در کارخانه نگه دارند و در واقع همه آنها را خریدند، اما این چک و سفته ها هم همه برگشت خورده و سر همشان کلاه گذاشتند. ما هیچ قانونی در این کشور نداریم وگرنه چرا باید 2 سال دنبال يك پرونده بدویم آخرش هم هیچ! به خدا قسم زندگی مان از هم پاشیده شده است. الان من کارم را از دست دادم و شبها میروم در محله نگهبانی میدهم و از این طریق کمی پول در میآورم. من الان دوتا بچه دارم. يك دختر عقد کرده دارم. يك پسر 11 ساله دارم، چطور باید خرج خانواده ام را در بیاورم. مجبورم شبها بروم نگهبانی و پلیس محله ای و این کارها را بکنم.

10 - واردات بی رویه و کابوسی به نام کالای چینی

70 درصد کارگاههای سراجی در ایران تعطیل شده اند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 2 مهر 87؛ واردات بی رویه انواع و اقسام کیف و چمدان های غیر استاندارد از چین، تعطیلی 70 درصد از کارگاه های سراجی در ایران را در پی داشته است.

رییس اتحادیه سراجان در گفت و گو با "ایلنا" با بیان اینکه بیش از 50 سال از تشکیل اتحادیه سراجان می گذرد، اظهار داشت: در ابتدا نام این اتحادیه، سراجان و تشک دوزان اتومبیل بود اما پس از مدتی این دو از هم جدا شدند.

محمد علی شکیب راد افزود: تولیدات واحدهای صنفی مربوطه در سال های آغازین، کیف و چمدان چرم بود اما در حال حاضر تولیدات این واحدها شامل ساک، چمدان، کوله پشتی، کیف مدرسه، کیف زنان و مردان، کیف آرایش و کمر بند است.

وی وظیفه اتحادیه را ایجاد تعامل بین وزارت بازرگانی و صنوف بر شمرد و گفت: صدور پروانه واحدهای صنفی تولیدی برعهده اتحادیه است.

وی با ابراز نگرانی از وضعیت نابسامان و بازار کساد واحدهای سراجی گفت: گسترش بی رویه واردات محصولات چینی، 70 درصد کارگاه های تولیدی داخلی را با تعطیلی مواجه کرده و کارگران آن بیکار شده اند.

رییس اتحادیه سراجان تصریح کرد: کیفیت کارهای تولید داخل بسیار بالاتر از محصولات وارداتی مشابه چینی است اما ظاهر پررنگ و برق و قیمت پایین این محصولات اقبال عمومی نسبت به آن را بیشتر کرده است.

شکيب راد خاطر نشان کرد: تا به حال درخواست‌هاي بسياري براي سامان دادن به بازار سراجان از مسئولان شده است و به عنوان رييس اتحاديه، از رييس جمهور درخواست رسيدگي کرده‌ام اما تاکنون هيچ پيگيري در اين زمينه صورت نگرفته است. وي با بيان اين که واردات بايد کنترل شود، گفت: بايد تعرفه واردات اين محصولات افزايش پيدا کند تا محصولات ايراني بازار خود را از دست ندهند. او افزود: در غير اين صورت نه تنها شعار افزايش اشتغال محقق نمي‌شود بلکه روز به روز شاهد بيکار شدن کارگران خواهيم بود. شکيب راد يادآور شد: بيش از 1000 واحد صنفي سراجي داراي مجوز مشغول به فعاليت بوده‌اند که به همين ميزان نيز واحد صنفي غيرقانوني وجود دارد. او افزود: کارگران واحدهاي داراي مجوز بيمه مي‌شوند اما ديگر واحدها که پروانه کسب ندارند کارگران خود را بيمه نمي‌کنند. پايان پيام

11- تهديد و سرکوب براي جلوگيري از تشکيل مجمع عمومي سندیکاى کارگران هفت تپه:

به گزارش فعالان حقوق بشر در تاريخ 2 مهر 87 آمده است: صبح روز جاري فريدون نيکو فر و بهروز نيکو فر دوتن از فعالان کارگري در هفت تپه به اطلاعات نيروي انتظامي شهرستان شوش احضار شدند. هفته ي گذشته بهروز نيکو فر دو بار به ستاد خبري اطلاعات شوش وابسته به وزارت اطلاعات احضار و پس از چند ساعت باز جويي آزاد شد. فريدون نيکو فر نيز از جمله افراي بود که در جريان اعتصابات کارگري در شرکت کشت و صنعت نيشکر هفت تپه بازداشت و با وثيقه از زندان دزفول آزاد شده و منتظر صدور حکم توسط دادگاه انقلاب دزفول مي باشد. گفته مي شود اين بازداشت ها براي جلوگيري از برگزاري مجمع عمومي سندیکاى شرکت کشت و صنعت نيشکر هفته است که قرار است طي روز هاي آينده برگزار گردد. همچنين کارگران اين شرکت اعلام کردند که با توجه به فرا رسيدن ماه مهر و بازگشايي مراکز تحصيلي و در صورت عدم پرداخت حقوق هاي معوقه دست به اعتصاب خواهند زد.

12 - گزارشی از وضعیت کارگران کارخانه بنیان دیزل : جهنمی بنام بنیان دیزل

طبق گزارش که به دستما رسیده تقریباً يك ماه است که وضع روحي وچسبي کارگران به صفر رسیده است ، از دوازده ساعت کار اجباري خسته شده اند شکوه و نارضايي به اوج خود رسیده ، اما مديران وومديريت کارخانه ها نه هيچ اقدامي در رفع اين مسئله نمي کنند ، بلکه نسبت به دامن زدن و افزايش محدوديتها و اعمال فشار کار زياد ، اقدام مستمر دارند : يك روز از افزايش آمار توليد ، ويک روز به محدود کردن ساعات استراحت کارگران اقدام مي کنند ، و تازگيها آوردن تلفن همراه به محيط کارخانه با ممنوعيت مواجه شده است ، که واقعا اين مسئله غير قابل تحمل گرديده است چون با مجموعه سرويس وساعت کاري که يك کارگر سيزده يا چهارده ساعت در راه و حمل کار حضور دارد ، لزوم داشتن تلفن همراه براي هر فرد اجباري مي گردد ، و هر شخص شرايط خانواده گي ويژه خود را دارد ، و به دليل 14 ساعته از خانه و خانواده و نداشتن موبایل مانند قطع ارتباط کامل با بيرون مي باشد و اين يك موضوع منطقي براي کارکنان ، و غير منطقي براي مديريت است. در طي هفته هاي گذشته با اوج گرفتن مسئله افزايش آمار توليد ، بدون هيچ گونه سرمايه گذاري در بهينه سازي دستگاهها و ابزار آلات و حقوق و مزايا ، آقاي مهندس آل فخري که گويا از همکلاسان آقاي صادقيان مدير عامل شرکت ، بوده به عنوان مدير توليد از طرف ايشان به اين سمت بزرگزيده شده که در اولين روز حضورش در توليد ، به گونه اي چماق به دست ، اقدام به فشار آوردن به کارگران خط توليد ، براي افزايش راندمان توليد و توهين و تهديد آنها زد ، که با مقاومت شديد اکثر آنها مواجه شد ، اما کار به جاي رسیده که دومين روز کار که آقاي مهندس آل فخري در کارگاه حضور داشت ، کارگران تصميم به اعتصاب گرفتن ، اين آقا به قدرتي پر رو است که هم اکنون نيز مانند ماموران فرعون براي خود ميزي دست و پا کرده و داروغه کارگاه شده است . در روز يکشنبه به تاريخ 87/5/27 پس از صرف صبحانه در کارگاه ، کارگران از رفتن بر سر دستگاه هاي خود امتناع ورزیدند ! و تصميم گرفتند تا اين آقا از کارگاه نرود شروع به کار نکنند ، در اين ميان اصرار هاي مکرر معاون کارگاه مهندس هوشيار ، نتيجه اي نداد ، چون آقاي مهندس آل فخر اصرار داشت که هر طوري شده بايد از امروز تعداد قطعات ماشينکاري شده و از 84 به 95 تا صد عدد در روز برسد ولي هيچ يك از کارگران اعتيالي به اين خواسته نابعاي اين آقا نکردند . تا کار به جاي رسيد که نيروهاي

اضافی قسمت کوبلینگ و فلزی کاری را به خط سر از بر کردند، و شروع به تهدید کارکنان و جایگزینی آنها با خط تولید، کردند، بعد از کشاکشی که در میان کارگران و مدیران تولید و حراست و مدیر عامل، صورت گرفت و حدود بیست و سه نفر از کارگران خط تولید دست از کار کشیدند و واقعا جای تأسف بود که به جای پاسخ به پرسشهای بر حق کارگران، تهدید آقای مدیر عامل (صادقیان) توهین نثار آنان می کرد و می گفت، "هر کسی نمی زند برود به جهنم" این بود پاسخ منطقی یک مدیر کارخانه به کارکنان رنج دیده و زحمتکش خود، خلاصه همه آن 23 نفر در اختیار قرار گرفتند و طبق معمول مدیران برایشان در نمازخانه قصه هزار رو یک شب تعریف کردند، از میان آنها چهارده نفر که حتی یکی از آنها نمایندگان کارگران آقای رضایی بود را نگه داشته و بقیه رو روانه کارگاه کردند. واقعا وضع کارگران کارخانه خیلی متشنج بود، الان سه، چهار روز از آن واقعه گذشته و از همه کارگران اعتصابی تعهد گرفته شده و از آن چهار نفر، و یک نفر هنوز در نگهداری منتظر تصمیم مدیریت است، و تعداد آنها نیز از 84 قطعه به 90 قطعه رسیده که به گفته مدیران و اخبار رسیده در ماههای آینده به صد تا صد و سی عدد خواهد رسید. واقعا ظلم کارفرمایان به آخرین حد خود رسیده و معلوم نیست این قضیه تا کی ادامه پیدا خواهد کرد.

کیتمه کارگری پویا

13 - انتقاد دبیر اجرایی خانه کارگر کاشان از قراردادهای موقت کار :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 2 مهر 87؛ دبیر اجرایی خانه کارگر کاشان گفت: قراردادهای موقت بهانه‌ای برای بعضی از مدیران شرکت‌ها شده است تا حاکمیت زورمدارانه خود را بر کارگر وارد و از نیروی کار استفاده ابزاری کنند. ماشاالله زهتابی در گفت‌وگو با "ایلنا" اظهار داشت: بعضی از مدیران واحدهای تولیدی از قراردادهای موقت در راستای اهداف مادی و اقتصادی خود بهره‌برداری کرده و از نیروی کار بهره‌کشی می‌کنند. وی با اظهار تأسف از شرایط نامناسب و غیرعادلانه نیروی کار موقت گفت: در ثبت قراردادهای موقت بعضی از کارفرمایان یا را فراتر از قانون و مقررات موجود گذاشته‌اند. دبیر اجرایی خانه کارگر کاشان تصریح کرد: در حال حاضر کارفرمایان با ثبت قراردادهای سفید امضا، امنیت شغلی و معیشتی را از نیروی کار سلب کرده و کارفرما هر زمان اراده کند و به هر بهانه‌ای، نیروی کار را اخراج می‌کند. به گفته وی در این نوع قراردادها ضمن عدم امنیت شغلی و تأمین اجتماعی، سابقه و سنوات نیروی کار نیز در پرونده‌اش منظور نمی‌شود. پایان پیام

14 - اعتصاب غذای یک زندانی سیاسی:

به گزارش فعالان حقوق بشر در تاریخ 2 مهر 87 آمده است: زندانی سیاسی شمس الله شادی در اعتراض به 9 ماه بلاتکلیفی و تعدد مکرر قرار بازداشت خود از سوی دادگاه انقلاب شهرستان سنندج از روز پنجشنبه مورخه 87/6/29 برای دومین مرتبه دست به اعتصاب غذا زده است. شمس الله شادی مدعی است بدون وجود هیچ مدرک مستند و مستدلی در پرونده از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب سنندج به اتهام اقدام علیه امنیت ملی بازداشت گردیده است، نامبرده هم اکنون در سلول انفرادی در زندان مرکزی سنندج به سر می‌برد. وی خواست خود را از اعتصاب غذا اعتراض به تداوم بازداشت خود و همچنین پایان دادن به نگهداری وی در سلول انفرادی عنوان نموده است. لازم به ذکر مدتی پیش نیز جمعی از زندانیان سیاسی زندان سنندج در نامه‌ای به آیت الله شاهرودی به بازداشت‌های طولانی مدت زندانیان اعتراض نموده بودند.

15 - واکنش کانون مدافعان حقوق کارگر به دستگیری معلمان در آستانه سال تحصیلی :

به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 2 مهر 87 آمده است: با انتشار بیانیه‌ای دستگیری معلمان را در آستانه سال تحصیلی محکوم کرد. متن بیانیه: "بنا بر اخبار منتشر شده در آستانه سال تحصیلی معلمان فعالی که مبادرت به برگزاری جلسات انجمن‌های صنفی و شورستی خود برای پی‌گیری خواسته‌های صنفی کرده بودند، بازداشت شدند." معلمان که در سالهای اخیر برای حقوق صنفی خود بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده اند همواره با سرکوب از جانب نیروهای امنیتی مواجه شده اند و این بار نیروهای امنیتی برای پیشگیری از اعتراض معلمان مبادرت به دستگیری آنان کرده اند."

معلمان که از زحمتکش ترین اقشار جامعه هستند همواره در شرایط معیشتی سختی به سر می‌برند. آنان نیروی کار خود را در جهت آموزش کودکان و جوانان صرف می‌کنند تا نیروی کار آینده جامعه را بازسازی کنند، اما خود از داشتن یک زندگی شرافتمندانه محرومند. مبارزات معلمان در سالهای اخیر یادآور مبارزات با شکوه آنان در دهه های گذشته است که از آن میان می‌توان به کشته شدن دکتر خانعلی در سال 1339 اشاره کرد.

ما ضمن حمایت از اعتراضات به حق معلمان در جهت دست یابی به یک زندگی شرافتمندانه، خواهان آزادی فعالیت های صنفی و اجتماعی برای همگان هستیم.

کانون مدافعان حقوق کارگر

<http://kanoonmodafean.blogfa.com>

16 - آرزوی سال تحصیلی پربار برای دانش آموزان و معلمان به مناسبت اول مهر از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه :

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در تاریخ 2 مهر 87 آمده است : با انتشار اطلاعیه ای به مناسبت اول مهر، سال تحصیلی پرباری را برای دانش آموزان ایران و معلمان کشور آرزو کرد. متن این اطلاعیه به شرح زیر است:
آغاز فصل علم و دانش بر دانش آموزان و معلمان مبارک باد

مهر را با مهر آغاز کنیم شما که قلبتان آکنده از مهریست برای مادران، پدران، معلمان و وطنمان ایران. مهرماه آغاز نمایش همت والای معلمان و تلاش دانش آموزان در عرصه علم و دانش است. دانش آموزان با امید به فراگیری هر چه بیشتر علوم و معلمان با امید به پرورش نهال علم پا به مدارس می گذارند. هر چند با شروع مهر هنوز بی مهریها در حق سندیکای کارگران شرکت واحد وجود دارد و ۳۰ نفر از کارگرانی که از حقوق صنفی خود و همکارانشان دفاع کرده اند، بیکار و در وضعیت دشواری روزگار می گذرانند، تلاشگران عرصه حمل و نقل در قیل و قال تهران بزرگ تمام توانشان را به کار خواهند گرفت تا بهار دانش بر کام شما شیرین و گوارا باشد .
سندیکای کارگران شرکت واحد سال تحصیلی پرباری را برای شما آرزومند است و کماکان در راه احیای حقوق حقه کارگران با تلاش هر چه تمام تر پیگیر خواسته های صنفی همکاران زحمت کش خود می باشد .

سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه

1/7/1387

17 - نماینده کارگران در شورای عالی کار: بحث تعیین حداقل مزد هنوز شروع نشده است :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 2 مهر 87 ؛ نماینده کارگران در شورای عالی کار گفت: هنوز جلسه ای در کارگروه های مربوطه در خصوص تعیین حداقل دستمزد برای سال آینده نداشته ایم. ولی الله صالحی در گفت وگو با خبرنگار گروه کارگری "ایلنا"، با بیان اینکه کارگروه های مزد متشکل از نمایندگان کارگری و کارفرمایی است، گفت: در حقیقت شورای عالی کار نظرات این کارگروه را بررسی و تصمیم نهایی را درباره حداقل مزد می گیرد.
نایب رییس کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران با تاکید بر افزایش سریع نرخ تورم گفت: باید مژدی برای کارگران در نظر گرفته شود که حداقل معیشت آنان را تامین کرده و قادر به همخوانی با افزایش سریع نرخ تورم باشد.
وی خواستار کنترل تورم از سوی دولت شد و گفت: فقط با اتکا به افزایش دستمزد نمی توان معیشت کارگران را تامین کرد، بلکه کنترل نرخ تورم تاثیر به سزایی در زندگی قشر حقوق بگیر دارد.
پایان پیام

18 - رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی قم: میان بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی تبعیض حاکم است :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 2 مهر 87 ؛ رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی استان قم از اداره تعاون این استان به خاطر عدم صدور مجوز تاسیس تعاونی مسکن این کانون انتقاد کرد و گفت: نحوه صدور مجوز برای تاسیس تعاونی‌های مسکن تبعیض‌آمیز است. محمد فاضل ترکمان در گفت‌وگو با خبرنگار گروه کارگری "ایلنا" با بیان این که کانون بازنشستگان لشکری و کشوری تعاونی مسکن تاسیس کرده‌اند، گفت: اداره کار و سازمان تامین اجتماعی استان قم برای تشکیل تعاونی مسکن بازنشستگان تامین اجتماعی قول همکاری دادند اما هیچ کاری برآیند انجام ندادند. وی همچنین از پرداخت معوقه‌های بازنشستگان قم خبر داد و گفت: با این وجود مبلغ 120 هزار تومان بن، بابت ماه مبارک رمضان پرداخت نشد و به ماه آینده موکول شد. او از تبعیض‌های میان بازنشستگان کشوری و لشکری و تامین اجتماعی انتقاد کرد و گفت: برای بازنشستگان کشوری و لشکری مبلغ 200 هزار تومان به عنوان هزینه سفر در نظر گرفته‌اند اما سازمان تامین اجتماعی مبلغی بسیار پایین‌تر از رقم فوق را برای هزینه سفر اختصاص داده است. ترکمان با اشاره به وجود 14 هزار و 500 بازنشسته تامین اجتماعی در استان قم، گفت: 1400 نفر برای وام 500 هزار تومانی ثبت‌نام کرده‌اند اما کانون می‌تواند تنها 350 نفر را به تامین اجتماعی برای دریافت وام معرفی کند که آن هم تاکنون محقق نشده است و سازمان تامین اجتماعی بودجه این کار را به استان قم اختصاص نداده است. مجید آوری فرد، رییس سازمان کار استان قم در خصوص عدم همکاری اداره کار و تامین اجتماعی برای تاسیس تعاونی مسکن کانون بازنشستگان این استان گفت: نداشتن خانه و عدم استفاده از وام و زمین دولتی برای خرید خانه از شرایط تاسیس تعاونی مسکن است. وی افزود: طبق گفته خود بازنشستگان تامین اجتماعی، 95 درصد آنان صاحب خانه هستند به همین دلیل نمی‌توانند از زمین دولتی استفاده کنند. پایان پیام

19 - میزان 70 در کارگاه‌های تولیدی داخلی با واردات چینی تعطیل شده اند:

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 2 مهر 87 آمده است ؛ محمد علی شکیب راد رئیس اتحادیه سراجان اعلام کرد: بیش از 1000 واحد صنفی سراجی دارای مجوز مشغول به فعالیت بوده اند و به همین میزان نیز واحد غیر قانونی وجود دارد. اما با واردات بی رویه محصولات چینی ، 70 درصد کارگاه‌های تولیدی داخلی تعطیل و کارگران بیکار شده اند. تولیدات این واحدها شامل ساک، چمدان ، کوله پشتی، کیف مدرسه ، کیف زنانه و مردانه ، کیف آرایش و کمر بند است.

20 - بازجویی فعالان کارگری هفت تپه در شوش :

تهران- به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران در تاریخ 2 مهر 87 آمده است ؛ فریدون نیکوفر و بهروز نیکوفر دوتن از فعالان کارگری در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اداره اطلاعات شوش مورد بازجویی قرار گرفتند . همچنین نامبردگان برای بازجویی به اطلاعات نیروی انتظامی شهرستان شوش احضار شدند.

21 - نماینده بویین زهرا و آوج در مجلس:

50 کارخانه استان قزوین به رکود کشیده شده است

طرح تحول اقتصادی چیزی عاید مردم نخواهد کرد :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 2 مهر 87 ؛ نماینده بویین زهرا و آوج در مجلس شورای اسلامی از تعطیلی و به رکود کشیده شدن 50 کارخانه در استان قزوین خبر داد. قدرت... علیخانی در بازدید از خبرگزاری کار ایران "ایلنا" و در گفت‌وگو با خبرنگار گروه کارگری، با بیان اینکه در سه سال اخیر وضعیت کارگران استان قزوین وخیم‌تر شده است، گفت: با توجه به قول مسوولان برای حل اساسی مشکل کارخانه‌های پوشینه بافت، فرنخ، مه‌نخ و نازنخ، هنوز مشکلات این واحدها پابرجاست. عضو فراکسیون اقلیت مجلس با اشاره به بومی بودن استاندار قبلی قزوین گفت: فکر می‌کنم استاندار جدید بتواند مشکلات استان از جمله مشکلات کارگری را به حداقل برساند. عضو کمیسیون قضایی مجلس هشتم، استان قزوین را یکی از عقب‌مانده‌ترین استان‌ها در زمینه راه روستایی، گازرسانی و مسایل کشاورزی و کارگری ذکر کرد و گفت: وقتی که مدیریت عالی استان ناکارآمد باشد، معلوم است که چنین وضعی پیش خواهد آمد. علیخانی در پاسخ به سوالی مبنی بر میزان موفقیت طرح بنگاه‌های زودبازده، گفت: در استان قزوین بیشترین وام‌های زودبازده پرداخت شده است، اما اطلاعی از میزان اشتغالزایی این طرح در استان منتشر نشده است.

ناطق نوري از دولت انتقاد کرد نه جهرمي

وي انتقادات حجت الاسلام ناطق نوري از ناکارآمدی تسهیلات زودبازده را، انتقاد از دولت دانست و گفت: این انتقادات را نمی‌توان انتقاد آقای ناطق نوري به جهرمي دانست. نماینده بوبین زهرا و آوج، جهرمي را مدیری قوي ارزیابی کرد و گفت: وزیر کار می‌تواند با جناح راست و چپ کار کند و نگران معاون چپ و اصلاح طلب هم نیست. چه خوب بود سایر وزرا هم این گونه بودند. وي با بیان اینکه هیچ کس به اندازه من مدافع حقوق کارگران در مجلس نبوده است، گفت: در راستای دفاع از حقوق کارگران، نطق‌های زیادی را در مجلس داشته‌ام و اگر لازم بوده نامه‌هایی را به وزیر کار و صنایع ارسال کرده‌ام.

زندگی مردم تغییر نخواهد کرد

علیخان‌ی تصریح کرد: با طرح تحول اقتصادی و سهام عدالت چیزی عاید مردم نخواهد شد و زندگی آنان تغییری نخواهد داشت. او با انتقاد از انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی گفت: دولت باید به اصول کارشناسی و برنامه ریزی تن دهد.
پایان پیام

22- تجمع در اعتراض به عبور مترو از چهار باغ اصفهان :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 2 مهر 87 آمده است : محمد علی دادخواه وکیل هزار و پانصد تن از معترضان به عبور قطار شهری اصفهان از خیابان چهار باغ اصفهان در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا گفت: در حدود سه سال پیش شرکت مترو اصفهان تصمیم گرفت که قطار شهری را از خیابان چهار باغ عبور دهد که این اقدام مورد اعتراض بیش از هزار و پانصد نفر از اهالی ادب و فرهنگ و تاریخ قرار گرفت.

دادخواه با بیان اینکه پرونده در این خصوص تشکیل شده ولی دادسرا از پذیرفتن آن امتناع ورزیده افزود: در همین رابطه در نهایت از اداره حقوقی قوه قضاییه کشور سوالی پرسیده شد مبنی بر اینکه آیا اعتراض در این زمینه وارد است یا خیر، که در جواب آنها اعلام شد که نه تنها باید رسیدگی و پیگیری شود بلکه در زمره امر به معروف و نهی از منکر است.

وی ادامه داد: در آن زمان بازپرس وقت شعبه پنجم دادسرای عمومی انقلاب اصفهان دستور تعطیلی و توقف عملیات اجرایی مترو را صادر کرد اما رییس وقت مترو اصفهان به این مساله توجه نکرد که با حکم دادسرا جلب شد.

دادخواه با بیان اینکه اخیراً رییس شورای شهر اصفهان اعلام کرده است که طبق مصوبه شورای شهر اصفهان ، قطار شهری باید از خیابان چهار باغ عبور کند، اظهار داشت: جمعی از متخصصان ایرانی از فرانسه به اصفهان آمدند تا نظر کارشناس در این رابطه ارایه دهند که در نظریه کارشناسی خود اعلام کردند عبور قطار از خیابان باعث ایراد خسارت به ساختمان بهشت، بازارچه بلند و مدرسه چهارباغ خواهد شد و بهترین گزینه این است که از خیابان شمس آبادی گذر کند.

وی تصمیم شورای شهر اصفهان را مغایر دستور قضایی و نظر کارشناسان دانست و گفت: صبح امروز جمعی از ایران دوستان در مقابل دادسرای اصفهان تجمع کردند که گروهی از این جمع نزد بازپرس شعبه پنجم رفته و اعتراض مجدد خود را اعلام کردند.

دادخواه افزود: بازپرس شعبه پنجم دادسرای عمومی انقلاب اصفهان امروز اعلام کرد که این مسیر توقیف است و هیچ کس حق ندارد از این مسیر عبور کند و حتی اقدام قانونی نسبت به این موضوع خواهد کرد. دادخواه در پایان تصریح کرد: تصمیم شورای شهر اصفهان خلاف موازین علمی و مغایر با قانون و ضد هویت تاریخی چهارباغ است چراکه نخستین خیابان سه‌سویه جهان شناخته شده است و این اقدام باعث خسارت به میراث فرهنگی است.

23- افسوس که هیچ اقدامی از سوی دولت خدمتگذار صورت نمیگیرد:

به گزارش سایت " انجمن صدای کاوها در تاریخ 3 مهر 87 آمده است : یکی از رانندگان اتوبوس در گفتگو با خبرنگار صدای کاوه ها تصریح کرد: من را ننده اتوبوس مسیر گناوه - برازجان هستم در حال حاضر کار ما لنگ شده است من به شخصه به طور مستمر در خانه هستم. هر مسیری که بین برازجان تا گناوه میروم فقط 7 هزار تومان روزانه درآمد دارم و نمیتوانم از پس خرج زندگی بر بیام از صبح تا غروب بیرون میروم در حالیکه این در آمد مقدم به صرفه نیست. به همین خاطر دیگر سر کار نمی روم .

در حال حاضر 17 تا 18 روز هست که در خانه هستم. شرایط طوری شده که بیشتر کارها را کدمانده است. و امرار معاش ها دیگر مثل قبل نیست. از دفتر و کتاب مدرسه بچه ها گرفته و تا گوشت و روغن همه قیمتها بالا رفته است. اما با این حال از دو سال پیش تا کنون کرایه ماشین 500 تومان است و ثابت باقی مانده است. روزانه دو بار که این مسیر را بروم و بر میگردد فقط 14 تومان در آمد میشود. در صورتیکه کرایه ها بالا نمیرود. سوال این جا است که این چه ظلمی است که در حق ما راننده ها میشود و قتی قیمت ها بالا می رود چرا کرایه ها بالا نمیرود.

هم اکنون فقط سه سرویس این مسیر را طی میروند و بر میگردد. بقیه همکارانم هم دیگر رانندگی نمیکنند. ما به طور واقعی زندگیمان فلج شده است. مگر کار روی ماشین چقدر درآمد دارد که هم باید خرج خوراک و پوشاک خانواده مان را را با آن تامین کنم و هم مخارج ایاب و ذهاب و مدرسه بچه ها تامین شود و از طرف دیگر خرج تعمیر ماشین هم هست. در حال حاضر هزینه تمام شده برای تعمیر ماشینم بین 3 تا 4 میلیون است.

من نمیتوانم برای تعمیر ماشینم اقدام کنیم چون در تضاد بین اینکه ماشین را تعمیر کنیم یا شکم خانواده را سیر کنیم. خوب مسلم است که سیر کردن شکم خانواده ام ارجح است. من الان شش سري مشهد رفته و مسافر بردم و آوردم دریغ از اینکه پولی برای خودم بماند. چون ماشین هست و نیاز به تعمیر دارد و مجبور شدم که لاستیک عوض کنم و لاستیک بدون تویپ 150000 هزار تومان است و بقیه خرج و مخارج دیگر هم است.

مسیر جاده برزجان و گناوه خیلی وقت است که ساخته شده و از زمان شاه به بعد دیگر هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است. دولت در طی سه سال اخیر تصمیم گرفته است که آن را بسازد ولی بعد از گذشت سه سال فقط يك قست از آن را اتوبان کردند. ولی بقیه راه جاده اش خوب نیست و فقط از گناوه تا بندرریک که 10 تا 11 کیلومتر است که اتوبان شده است این کار با کندی زیادی صورت میگیرد اینجا باید در عرض يك سال اتوبان ساخته میشود. من الان سه سال است که راننده این جاده هستم و فقط 10 کیلومتر از آن ساخته شده است. این جاده قدیمی يك طرفه است و تصادف در این مسیر خیلی زیاد است. تصادفات در این جاده بالا است الان ترافیک جاده ها خیلی زیاد شده، و جاده ها دو بانده نیستند وضعیت بسیار بدی دارند. و تصادفات جاده ای خیلی بالا رفته است. ولی افسوس که هیچ اقدامی از سوی دولت خدمتگذار صورت نمیگیرد. نه تنهادر استان بوشهر این مشکل وجود دارد بلکه بقیه استانها دیگر هم این وضعیت را دارند و این برای ما راننده ها اصلا مقدم به صرفه نیست، در حالیکه هم برای من که راننده هستم هم برای مسافر مقدم به صرفه باشد. با این استهلاک های که برای ماشین بوجود می آید و تورم که در سطح جامعه بالا رفته است پایین بودن نرخ کرایه ها هیچ گاه همخوانی لازم را ندارد.

24- برنج گیلان و مازندران سرنوشت چای شمال را پیدا کرد :

غلامعلی قربانی، عضو هیات مدیره انجمن برنج ایران به خبرگزاری فارس گفته است: تنها ۳۰ درصد برنج تولیدی مناطق اصلی تولید برنج ایران در استانهای گیلان و مازندران به فروش رفته و بقیه در انبارها مانده است.

علت به فروش نرفتن برنج، واردات بی رویه برنج خارجی و توزیع آن در سراسر ایران است و مردم هم به دلیل ارزان بودن از آن استقبال می کنند.

برنج وارداتی حتی در مراکز اصلی تولید برنج در گیلان و مازندران نیز به وفور یافت می شود این در حالی است که گزارش رسمی گمرک نشان می دهد که در هفت ماه اول سال ۶۲۰ هزار تن برنج وارد شده است که به عقیده کارشناسان، بیشتر از نیاز داخلی است و باعث شده تا تقاضا برای برنج داخلی کاهش پیدا کند.

برنج نیز سرانجام چای ایران را پیدا کرده است. چای ایرانی بازار را از دست داد و اکنون دو برابر تولید سالانه چای در انبارها در حال تبدیل شدن به کاه است.

قربانی می گوید: نگرانی در مورد برنج این است که ذائقه مردم به برنج هندی و پاکستانی عادت کند و مردم دیگر برنج ایرانی خریداری نکنند و همان بلایی که بر سر چای آمد بر سر برنج ایرانی نیز بیاید. در اسفند ماه

سال گذشته که قیمت هر کیلو برنج به پنج هزار تومان رسید، کشاورز برنجی برای فروش نداشت و دلالتها سودش بردند و چوبش را کشاورزان خوردند.

25- مشکلات دانش آموزان در آستانه باز گشایی مدارس:

او در ادامه افزود: سه تا فرزنددارم. همگی دانش آموز هستند یکی از آنها دوم دبستان درس میخواند و دو تایی دیگر در مقطع راهنمایی و دبیرستان هستند. از مشکلات عمده آنان این است که مدرسه ای در روستایی ما وجود ندارد و باید به مکان خیلی دورتر منتقل شوند و مسیر طولانی است. چون وسیله هم برای رفت و آمد آنها به مدرسه وجود ندارد، ما به عنوان والدین آنها نگران رفت و آمد آنها هستیم.

مسیر طولانی است و زمستان در پیش است.

و مسئله مهم دیگری که دانش آموزان با آن مواجه هستند، کمبود وسایل آموزشی است. این مسئله تأثیر زیادی روی فراگیری دانش آموزان دارد و دولت نسبت به این موضوع بسیار بی تفاوت عمل میکند فرزندان ما از کمترین امکانات و تسهیلات محروم هستند.

26- دبیرکل خانه کارگر:

بیکاری سرطان و تورم سردرد است

نیمی از فارغ التحصیلان بیکارند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 3 مهر 87؛ رئیس فراکسیون کارگری مجلس هشتم گفت: طبق آمار سال 1385 مرکز آمار کشور، 20 میلیون و 476 هزار نفر از جمعیت کشور شاغلان بالای 10 سال هستند که از این تعداد 608 هزار نفر از آنها دارای مشاغل مدیریتی و مقامها هستند.

به گزارش خبرنگار گروه کارگری "ایلنا"، علیرضا محجوب در یک نشست خبری با بیان اینکه 94 هزار نفر از 608 هزار نفر از مشاغل مدیریتی را زنان تشکیل میدهند، افزود: این آمار نشان میدهد که کمتر از یک هفتم مدیران کشور را زنان تشکیل میدهند در صورتی که انتظار میرفت این رقم به یک چهارم برسد.

دبیرکل خانه کارگر با اشاره به اینکه نرخ بیکاری زنان همیشه از نرخ بیکاری مردان بالاتر بوده است، گفت: یکی از دلایل این موضوع، نداشتن تخصص مدیریتی در زنان است.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به وجود یک میلیون و 923 هزار متخصص کشور با مدرک بالای کارشناسی، گفت: از این تعداد 824 هزار نفر زن هستند.

او افزود: این در حالی است که در گذشته این تعداد 200 هزار نفر بود اما هم اینک این رقم 30 درصد متخصصان را شامل میشود.

محجوب گفت: از سوی دیگر از یک میلیون و 90 هزار دستیار دارای مدرک دیپلم فنی، 213 هزار نفر زن و 788 هزار نفر مرد هستند.

دبیرکل خانه کارگر با بیان اینکه در سالهای اخیر خروجی دانشگاهها بیش از انتظار بوده است، گفت: با توجه به آمارهای ارائه شده، دو میلیون و 600 هزار شغل تخصصی قابل دسترسی برای فارغ التحصیلان دانشگاهی وجود دارد.

او نرخ اشتغال فارغ التحصیلانی را که در سال 1385 وارد بازار کار شده اند 15/8 درصد اعلام و گفت: این نرخ در سال 75 به میزان 5/8 درصد بوده است که حتماً سرازیر شدن این نرخ در یک دوره ده ساله برای بازار کار قابل هضم نبوده است.

محجوب جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی در بازار کار را مستلزم ایجاد تحولاتی در این بازار دانست و گفت: طبق آمار در بخش اداری 913 هزار نفر کارمند وجود دارد که کمتر از سه درصد این مشاغل دارای مدرک کمتر از دیپلمند.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس تصریح کرد: بازار کار محدود در مقابل خروجی دانشگاههای دولتی و غیرانتفاعی که رقمی وحشتناک است، تطابق ندارد.

رئیس فراکسیون کارگری مجلس گفت: طبق نظر سازمان جهانی کار (I.L.O) کسانی که هفته ای یک ساعت کار میکنند شاغل محسوب میشوند اما باید توجه داشت که این تعریف از مشاغل پاره وقت است.

محجوب مجلس را سمبل مدرک گرایی معرفی کرد و گفت: اینکه حداقل مدرک برای ورود به مجلس، کارشناسی ارشد در نظر گرفته شده است، نشان از توجه مجلس به مدرک گرایی است.

به گفته دبیرکل خانه کارگر، بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی دو برابر نرخ بیکاری افراد عادی است. وی با بیان اینکه نیمی از فارغ التحصیلان بیکارند، گفت: این موضوع فاجعه ای برای جامعه است.

او در پاسخ به سوال خبرنگار "ایلنا" مبنی بر اینکه برکناری مظاهری از بانک مرکزی چه تاثیری در پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده دارد، گفت: با تغییر مدیریت، بانک‌ها پولدار نمی‌شوند بنابراین منابع بانکی اجازه پرداخت بیش از حد را نخواهد داد. محجوب ارقام وصولی برخی بانک‌ها را وحشتناک توصیف کرد و گفت: این روند خطر ورشکستگی بانک‌ها را به دنبال دارد. دبیرکل خانه کارگر اشتغال را مقدم بر تورم دانست و گفت: تورم را می‌توان به سردرد و بیکاری را به سرطان تشبیه کرد. او حرکت دولت‌ها را برای رفع بیکاری ستود و گفت: با این وجود یخ بیکاری با چند کلنگ نمی‌شکند و تدبیر حل بیکاری فقط تزریق نقدینگی نیست.

پایان پیام

27 - تعداد 650 کارگر ایران صدرا به بیمه بیکاری معرفی شدند:

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 3 مهر 87؛ تعداد 650 کارگر کارخانه "ایران صدرا"ی بوشهر با مصوبه استانداری به مدت یک سال به بیمه بیکاری معرفی شدند.

به گزارش گروه کارگری "ایلنا"، استانداری بوشهر با هدف اجرای تغییر ساختار در این کارخانه سازنده کشتی و سکوهایی دریایی، با معرفی کارگران به بیمه بیکاری موافقت کرده است. در ماه‌های گذشته، کارخانه صدرا در بوشهر به دلیل نداشتن کار و ناتوانی در تمدید قرارداد کارگران خود به یکی از واحدهای بحران‌زده این استان تبدیل شده بود. باشی‌زادگان، رئیس سازمان کار و امور اجتماعی استان بوشهر در این زمینه به خبرنگار "ایلنا" گفت: راهی به جز تغییر ساختار برای کارخانه ایران صدرا باقی نمانده بود. وی گفت: طبق ضمانت‌هایی که از کارفرما گرفته شده است، تمامی 650 کارگر معرفی شده به بیمه بیکاری پس از یک سال به کار خود باز خواهند گشت. وی یادآور شد: این موضوع از یک سال پیش مطرح بود و در مواقع ضروری، کارگران نیز در جریان تصمیم‌گیری حضور داشتند. با این وجود عیسی محمدکمالی، دبیر اجرایی خانه کارگر استان بوشهر مدعی شد که تغییر ساختار معرفی کارگر به بیمه بیکاری بدون اطلاع کارگران ایران صدرا بوده است. به گفته کمالی، کارگران ایران صدرا نگران هستند که پس از اتمام مدت اعتبار بیمه بیکاری، کارفرما از همکاری با آنها خودداری کرده و آنها را تعدیل کند.

پایان پیام

28 - عملکرد وزارت کار و امور اجتماعی در سرکوب زنان برای پوشش :

به گزارش سایت میدان زنان در تاریخ 3 مهر آمده است: وظایف وزارت کار و امور اجتماعی در آئین‌نامه راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب به شرح زیر است:

- 1- ایجاد فضای مناسب برای کارکنان و برداشتن زمینه‌های اختلاط زن و مرد در محیط‌های کاری با توجه به فرهنگ عفاف و حجاب توسط کارفرمایان.
- 2- ارائه آموزش‌های لازم در خصوص رعایت ضوابط اخلاقی و ظاهری (پوشش لباس و آرایش در محیط‌های کار) با همکاری مؤسسات شایسته در این زمینه.
- 3- تعامل با وزارتخانه‌های امور خارجه، (کنسولگری‌های ایرانی در خارج از کشور) وزارت کشور و نیروی انتظامی (امور اتباع بیگانه) در خصوص توجیه روایت و ورود به کشور با حق کار نسبت به رعایت مقررات پوشش اسلامی در محیط کار.
- 4- نظارت بر رعایت حریم عفاف و حجاب در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی که ضرورتاً به صورت مختلط اداره می‌شود.
- 5- انجام تبلیغات، تهیه انواع بروشور، اطلاعیه و . . . در خصوص رعایت حجاب اسلامی و جلوگیری از بی‌بندوباری در محیط‌های کاری توسط وزارتخانه‌ها.

بدون تردید نویسندگان این آئین‌نامه شناخت درستی از شرح وظایف وزارت کار و امور اجتماعی نداشته‌اند. این وزارت صرفاً مسئول تنظیم و تمهید روابط حقوقی میان کارگر و کارفرما در چارچوب قانون کار و برنامه‌ریزی برای ارائه آموزش‌های مهارتی است. بندهای اول، دوم و پنجم به این وزارت ارتباطی نداشته و ابزاری برای اجرای آن ندارد. این وظایف را خود دستگاهها بر اساس قوانین دیگر انجام می‌دهند. در بخش‌های مختلف گزارش گروه میدان، موارد متعددی از اقدامات انجام شده در راستای بندهای اول، دوم و پنجم این

آئین‌نامه توسط خود دستگاهها وجود دارد. ضمن اینکه مسئولیت نظارت بر فضاهای کاری بخش خصوصی هم بر عهده اداره نظارت بر اماکن عمومی نیروی انتظامی بوده که در همان بخش توضیح داده شده است.

در خصوص بند چهارم باید توجه داشت که معمولاً دوره‌های آموزش مهارت‌های شغلی برای افراد شاغل یا جویای کار بوده و نیازمند ابزار و تجهیزات ویژه است. طبق ماده 34 مصوبه سال 85 هیات وزیران با عنوان نحوه تشکیل و اداره آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد، پروانه تاسیس و مدیریت آموزشگاه برای آموزش مردان صرفاً به مردان و برای آموزش به زنان صرفاً به زنان داده می‌شود. البته سازمان فنی و حرفه‌ای می‌تواند رعایت این ماده را تا زمانی که صلاح بداند معلق کند مشروط به آنکه متقاضی واجد صلاحیت بوده و کلاسها مختلط نباشند. همچنین طبق ماده 35 همین آئین‌نامه کلاسها نباید مختلط بوده و آموزش زنان بر عهده مربی زن و آموزش مردان بر عهده مربی مرد باشد البته در مواردی که مربی واجد شرایط موجود نبوده سازمان می‌تواند برای مدت محدود این ماده را هم معلق نماید(1).

اما مطابق شیوه‌نامه اعتباربخشی آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد، که در تاریخ 86/12/12 و با شماره 210/52838 از سوی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور ابلاغ شده، اجرای دوره‌های آموزشی جنس مخالف در نوبت مستقل مشروط به کارگیری مدیر واجد شرایط جنس مرتبط، از معیارهای انتخاب یک آموزشگاه به عنوان آموزشگاه نمونه و درجه یک است که مزایای زیادی برای آن آموزشگاه دارد(2). در نمونه‌های دیگر مدیر کل موسسات کارآموزی در نامه شماره 91917 مورخ 84/2/22 می‌نویسد: از آنجائیکه آموزش ICDL ویژه کارکنان دولت بدلیل کمبود کارآموزان همجنس مشکلاتی برای مسئولین آموزشگاه‌های آزاد بوجود آورده است با رعایت شرایط ذیل که طی نامه شماره 210/43523 - 84/12/20 به استحضار ریاست سازمان رسیده مقرر فرمودند مجوزهای خاص صادر شود:

- 1- متقاضی دلایل تقاضای خود را مکتوب به اداره کل اعلام نماید.
- 2- آمار کارآموزان متقاضی آموزشی همجنس دریافت شود.
- 3- ضرورتی برای آموزش مختلط وجود داشته باشد که تشخیص این امر به عهده آن اداره کل می‌باشد.
- 4- صلاحیت و عملکرد موسس، مدیر و مربی آموزشگاه مورد تأیید اداره کل باشد.

لذا پس از بررسی و انجام مراحل فوق صدور مجوز بلا مانع می‌باشد. (3)

همچنین در تاریخ 86/11/24 حراست سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور طی بخشنامه شماره 31267/س/ح/م همراه داشتن هر گونه موبایل دوربین‌دار یا دوربین عکس‌برداری در دوره‌های آموزشی رشته‌های خیاطی، آرایش و پیرایش ممنوع شده است(4). معاون فنی و آموزش سازمان هم برگزاری هر گونه تور آموزشی رشته‌های آرایش و پیرایش در خارج از کشور را ممنوع کرده و تهدید کرده است که مجوز متخلفین باطل می‌شود(5).

یکی از فعالیتهای دیگر وزارت کار در زمینه عفاف، مشارکت ادارات فنی و حرفه‌ای در ترویج حجاب و عفاف است. ادارات کل فنی و حرفه‌ای استانها به عنوان دبیرخانه فراخوان طراحی لباس زن مسلمان انتخاب شده‌اند. این ادارات با همکاری آموزشگاه‌های خیاطی اقدام به برگزاری نمایشگاه‌های لباس زن مسلمان، در استانها می‌کنند(6).

29 - اعتصاب کارگران شرکت کاغذ سازی پارس در شوش:

به گزارش فعالان حقوق بشر در تاریخ 3 مهر آمده است: حدود 800 نفر از کارگران شرکت کاغذ سازی پارس هفت تپه در اعتراض به اعلام تعطیلی این شرکت به مدت دوماه و عدم پرداخت حقوق سه ماهه ی معوقه خود در جلوی فرمانداری شهرستان شوش تجمع کردند. این کارگران پس از گذشت لحظاتی و با مشاهده عدم پاسخگویی مدیران شهرستان اقدام به بستن جاده ی اهواز به اندیمشک کردند. گفته می‌شود حدود 300 نفر از این کارگران نیز به مسدود کردن جاده مخصوص رفت و آمد شرکت های نیشکر، کاغذ سازی و حریر خوزستان به هفت تپه پرداختند. لازم به یادآوری است دلیل تعطیلی این شرکت نبود باگاس که مواد اولیه تولید کاغذ می‌باشد عنوان شده است.

30 - حمایت سندیکای کارگران شرکت واحد از کامیونداران اهواز:

در بیکار برای زندگی بهتر و رسیدن به زندگی شرافتمندانه که لایق همه کارگران می باشد ، بیش از ۱۷۰۰ نفر از رانندگان و کامیونداران زحمتکش خوزستان دست به اعتصاب زدند. اعتصاب برای رهائی از بی عدالتی ها و نابرابری ها، خواسته های آنان مطالبات صنفی، تشکیل سندیکا، پایان دادن به وضعیت حاکم برپایانه ها و مدیریت باربری ها می باشد. همچنین خواستار حذف دلالت در واگذاری بار شدند که موجب اعمال سلیقه در تعرفه های بار و کاهش شدید دستمزد رانندگان و کامیونداران شده است. این زحمتکشان به دور از خانواده روز و شب در سرما و گرما در جاده های بی پایان برای به حرکت در آوردن چرخه اقتصاد تلاش می کنند و به دلیل کمبود های فراوانی که در محیط کارشان می باشد هیچ بهره ای جز کم لطفی دولت مردان و زیاده خواهی مدیران پایانه ها عایدشان نمی شود .

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حمایت و همبستگی خود را با رانندگان و کامیونداران زحمتکش خوزستان اعلام می دارد

به امید روزی که کارگران با اتحاد و همبستگی به کلیه مطالبات صنفی و به حقشان دست پیدا کنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه
3/7/1387

31 - دستگیری ۹ نفر در درگیری مردم با ماموران گشت ارشاد میدان صادقیه :

به گزارش سایت روشنگری در تاریخ 3 مهر 87 آمده است : پایگاه اطلاع رسانی پلیس: سردار حسین ذوالفقاری در حاشیه جلسه روسای پلیس امنیت اخلاقی سراسر کشور، درخصوص نحوه برخورد ماموران گشت ارشاد در میدان صادقیه تهران که منجر به درگیری شده است، توضیح داد: به خواهری درخصوص نحوه پوشش تذکر داده شده اما این خواهر با ایجاد سر و صدا مقاومت کرده و در حین انتقال به خودروی گشت ارشاد، از همکاری ممانعت کرده است: به طوری که با ایجاد سر و صدا، افرادی در محوطه تحت تاثیر این فرد قرار گرفته و با نیروهای پلیس حاضر در محل درگیر شدند و در نهایت با حضور تعدادی از نیروهای پلیس، افرادی که با ماموران درگیر شده بودند، دستگیر شدند.

ذوالفقاری همچنین از دستگیری ۹ نفر علاوه بر دستگیری فرد مورد نظر در میدان صادقیه خبر داد و تاکید کرد: حتی بر فرض اینکه اقدام مامور پلیس فاقد ارزشها باشد، آن دختر نباید مقاومت کند و دلیلی بر مقاومت در مقابل پلیس وجود ندارد. وی با اشاره به این مثال که اگر ماموری به راننده ای به دلیل عبور از چراغ قرمز تذکر دهد، آیا فرد تذکر گیرنده باید از خودرو پیاده شده و یقه مامور را بگیرد؟ به خبرنگاران رسانه ها گفت: این موضوع را رواج ندهید؛ الحمدلله آنقدر مرجع هست که اگر نیروی انتظامی خطا کند، رسیدگی شود.

جانشین رئیس پلیس کشور همچنین تاکید کرد: در حال حاضر هفت مرجع رسمی در کشور وجود دارد که در صورت تخلفی، به تخلفات نیروی انتظامی رسیدگی کند. وی در پاسخ به این پرسش که آیا تاکنون شکایتی از سوی مردم درخصوص آنچه که برخورد ماموران در جریان حادثه میدان صادقیه عنوان شده، صورت گرفته است، توضیح داد: تا این لحظه به ما در راس نیروی انتظامی شکایتی نشده و این در حالی است که فرد خاطی مقابل پلیس مقاومت کرده است.

سردار ذوالفقاری یادآور شد: به طور معمول، از تعدادی نیروها، به اشکال مختلف شکایت و به این شکایت ها رسیدگی و به دادسرای نظامی ارجاع می شود و این در حالی است که برخی اتهامات اصلا به بعضی از افراد وارد نیست. این مقام بلندپایه انتظامی کشور درخصوص اینکه در سال جاری چند درصد تخلفات مربوط به شکایات مردم از ماموران گشت ارشاد و پلیس امنیت اخلاقی بود، اظهار کرد: آماری در اختیار ندارم، ولی در حال حاضر در جهت استانداردسازی رفتار این ماموران روسای پلیس امنیت اخلاقی سراسر کشور به مدت یک هفته تحت آموزش بودند و این آموزش ها در استان ها دنبال می شود.

وی درباره نحوه مواجهه ماموران در موارد خاصی مثل ارتباط و نسبت خانم و آقای که همراه هم هستند تاکید کرد: اگر کسی جرمی مرتکب نشده باشد، نیروی انتظامی طبق قانون حق و وظیفه ای ندارد از افراد سوال کند که چه نسبتی با هم دارند و در مواردی که مردم آن را گزارش و اعلام کرده اند، فرماندهان از ماموران توضیح خواسته اند. وی در عین حال با بیان اینکه برخی جرائم، از نوع جرائم اخلاقی آشکار هستند، خاطر نشان کرد: اگر فردی علنا مشغول ارتکاب خلاف قانون باشد، ماموران مکلفند با ترویج فساد در جامعه برخورد کنند.

32 - اعتصاب کارگران کاغذ سازی پارس :

بیش از 800 کارگر شرکت کاغذسازی پارس در هفت تپه دست به اعتصاب زدند و چرخ کار و تولید را در همه بخش های کارخانه از کار انداختند. کارفرمایان این شرکت تصمیم گرفته اند که کارخانه را برای 2 ماه به طور کامل تعطیل کنند، اقدامی که به احتمال زیاد پیش درآمد تعطیل همیشه شرکت و بیکارسازی کل 800 کارگر کارخانه است. کارگران در همان لحظات نخست با علم به سکوت و بی توجهی کارفرمایان دامنه اعتصاب را به خارج از محیط کارخانه بسط دادند. آنان جاده بزرگ ارتباطی اندیمشک - اهواز را تسخیر کردند و عبور و مرور در آن را قطع ساختند. کارگران با بستن جاده عبور ماشین های حامل همزنجیران خویش در کشت و صنعت نیشکر و حریر خواستار حمایت و همبستگی آنان از مبارزات خود شدند.

3 مهر 87

33- اعتراض کارگران در شرکت گاز کرمانشاه :

کارگران شرکت گاز کرمانشاه 3 ماه است که دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. در این سه ماه کارگران مدام در حال اعتراض بوده اند و برای پرداخت فوری حقوق های خویش تلاش می کرده اند. سرمایه داران صاحب شرکت در همه مدت کوشیده اند که کارگران را با وعده و وعید سرگرم کنند، اما هیچ یک از این وعده ها به هیچ نتیجه ای منتهی نشده است. کاسه صبر کارگران اینک لبریز شده است. فشار بدهی و گرسنگی زن و فرزند و دشواری مرگبار معیشت، جان آنان را به لب رسانده است. آن ها تصمیم به تشدید مبارزه و گسترش دامنه اعتراضات خویش گرفته اند. کارگران در محیط کارخانه اجتماع کرده اند و خواستار فوری دستمزدهای معوقه خود هستند.

3 مهر 87

34 - گزارش هایی از اعتصاب در کارخانه های نساجی کردستان، فرش غرببافت،

ریسندگی پرریس سنندج، کاغذسازی پارس و نیشکر هفته تپه :

بنابه گزارش منابع کارگری داخل کشور در تاریخ 4 مهر 87 : کارگران نساجی کردستان، فرش غرببافت و ریسندگی پرریس سنندج دست به اعتصاب زده اند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری (منطقه غرب) با اعلام این خبر در اطلاعیه ای نوشته است: در طی چند روز گذشته ما شاهد اعتراض و اعتصاب کارگران نساجی کردستان (وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان) کارخانه پرریس و فرش غرببافت سنندج بوده ایم. این اعتراضات و اعتصابات حول یک مطالبه محوری یعنی تقابل کارگران در برابر اخراج سازی های گسترده، عدم پرداخت حقوق های معوقه کارگران و سیاست های کارفرمایان این سه کارخانه شکل گرفته است. بنابر گزارش این کمیته همچنین کارگران کاغذسازی پارس نیز دست به اعتصاب زده و کارگران نیشکر هفت تپه جمعی اعتراضی برپا کرده اند.

کارگران کاغذ سازی پارس سه ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. کارگران این کارخانه برای پیگیری مطالبات خود از اول مهر ماه سال جاری اعتراضات خود را شروع کرده و روزهای اول و دوم مهر ماه، در کارخانه دست به اعتصاب زدند. روز ۳ مهر ماه، کارگران این کارخانه، اعتراضات خود را در سطح شهر به راه انداختند و سپس در مقابل فرمانداری اعتراض خود را ادامه دادند.

لازم به ذکر است که کارخانه کاغذ سازی پارس، مواد اولیه خود را از نیشکر هفت تپه تهیه می کرد، و اکنون به دلیل تعطیلی این واحد، مواد اولیه کاغذ سازی پارس نیز تامین نمیشود. از طرفی دیگر کارگران نیشکر هفت تپه نیز روز ۳ مهر ماه برای مطالبه ۲ ماه حقوق معوقه خود در مقابل درب ورودی شرکت تجمع کردند.

لازم به ذکر است که فریدون نیکوفرد یکی از فعالین کارگری نیشکر هفت تپه که از طرف اداره اطلاعات احضار شده بود، دیروز خود را به این اداره معرفی کرده و به او گفته شده است که فردا ۴ مهر ماه باید به دادگاه مراجعه کند.

35 - درس‌های سعادت‌آباد (کازم فرج‌اللهی) :

در خصوص حادثه سعادت‌آباد چند پرسش در ذهن انسان سنگینی می‌کند. آیا این ساختمان باید الزاماً تخریب می‌شد؟ اگر جواب مثبت است، مسوولیت اجرای صحیح امر تخریب اینگونه ساختمان‌ها...

در خصوص حادثه سعادت‌آباد چند پرسش در ذهن انسان سنگینی می‌کند. آیا این ساختمان باید الزاماً تخریب می‌شد؟ اگر جواب مثبت است، مسوولیت اجرای صحیح امر تخریب اینگونه ساختمان‌ها با چه کسی یا چه ارگان و نهادی است؟ چرا باید بیشترین شمار قربانیان حوادث ساختمان، کارگران باشند؟ چرا شمار قربانیان حوادث ساختمانی طبق گفته رئیس سازمان کار استان تهران از مجموع 750 مورد حادثه رخ داده در بخش کارگران ساختمانی، طی سال گذشته فقط در شهر تهران حدود 240 نفر است؟ چرا باید اکثر کارگران ساختمانی همواره خرابه‌نشین باشند از اولین روز تخریب يك بنای کلنگی، این گروه از کارگران در نامساعدترین مکان و چیزی شبیه آونک و بیغوله، با کمترین یا بهتر است بگوییم فقدان امکانات بهداشتی و رفاهی، در ساختمان‌های در حال تخریب یا نیمه‌تمام، زندگی می‌کنند و در اولین روزهایی که ساختمان، نو، تمیز و از خاک و خاکروبه تهی می‌شود اینان باید به دنبال کار و لقمه‌نانی جدید مهاجرت کرده و به بناهای کلنگی و بیغوله‌های دیگر نقل‌مکان کنند. آفرینندگان ساختمان‌های مدرن، نو و زیبا خود همواره خرابه‌نشین هستند. حتی در سرزمین و زادگاه خود؛ همانطور که من در سراسر منطقه کوه‌دشت و از جمله روستای «چنار علیا» دیدم. چه کسی یا چه ارگانی مسوولیت نظارت بر امر تخریب و ایمنی آن را به‌عهده دارد؟ شهرداری؟! شهرداری مجری تخریب است یا ناظر آن؟ آیا بر ساخت‌وساز و تخریب بناها نظارت درستی انجام می‌شود؟ روند چنین کارهایی تاکنون چگونه بوده است؟ آیا هرگونه تخلف در امر ساخت‌وساز نهایتاً با پول و جرمه پرداختی به این نهاد ناظر، قابل خریداری نیست؟ روند تاکنون چگونه بوده است؟ به قول آن مجری برنامه تلویزیونی که برای تفهیم منظور خود اندکی اغراق می‌کرد، آیا با پرداخت پول و جرمه (حال به‌صورت رسمی یا غیررسمی) نمی‌توان مجسمه فردوسی را از میدان فردوسی برداشت و به جای آن بنا و ساختمان ایجاد کرد؟ چه سازوکار دیگری می‌توان برای نظارت بر امر ایمنی و سلامت ساخت‌وساز ساختمان‌ها اندیشید؟ کارگران ساختمانی - اعم از کارگر ساده، کارگر متخصص (استادکار و بنا) و تکنیسین - تنها گروهی هستند که همواره و در تمامی مراحل عملیات ساختمانی از شروع تا پایان کار در کارگاه حضور دارند. آیا نمی‌توان از این حضور همیشگی و ذی‌نفع، به‌طور سازمان‌یافته در امر نظارت استفاده کرد؟ کمی دقت در اسامی و اطلاعات مربوط به کشته شدگان این حادثه نشان می‌دهد در يك گروه کارگران ساده ساختمانی که به صورت اتفاقی انتخاب شده و اتفاقاً (!؟) همگی کشته شده‌اند، کمتر از 20 درصدشان در سطح ابتدایی سواد دارند. بقیه افراد نیز تحصیلات حداقل پایان دوره راهنمایی یا دبیرستان و معدودی دانشگاهی دارند این آمار حکایت از واقعیتی دیگر دارد. واقعیت این است که این گروه از کارگران، یعنی کارگران ساختمانی، بهرغم اشتغال‌شان به يك کار بدنی ساده (و ظاهراً کم اهمیت) انسان‌هایی هوشمند و توانا هستند که اگر در جایگاه خویش سازماندهی شده و اندکی آموزش ببینند می‌توان از قابلیت‌های بیشتری که در آنها وجود دارد بهره‌مند شد. می‌توانیم به جای اینکه الف) آنها را تحقیر کنیم و مجبورشان کنیم به‌عنوان يك کارگر صرفاً پیدی در شرایط عادی یا با تن‌دادن به انواع فشارهای جسمانی و روانی در سن میانسالی، فرتوط و از کار افتاده شوند و یا اینکه به قول عوام با زرنگ‌بازی کمتر کار کنند و بیشتر بخوانند. ب) در شرایط غیرعادی - که با ادامه روند کنونی کم‌کم عادی می‌شود - از آنها به دلیل فقر مادی، فرهنگی، بیکاری و بی‌عدالتی و...، مجرم و بزهار بسازیم، اجازه دهیم در جایگاه واقعی خویش قرار گیرند. توانمندی‌شان را باور کنیم و بگذاریم در سازمان‌های صنفی و اجتماعی خود متشکل و سازمان‌یابند، آنگاه خواهیم دید که نه فقط به حمایت، قیومیت یا کنترل نیاز نخواهند داشت که می‌توان از توان و انرژی آنان در شادابی، بهبودی و سعادت جامعه بهره‌مند شد. اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری در صورت سالم‌بودن هدایت و رهبری آنها، ظرفیت کافی برای تامین و دفاع از منافع اعضای خود و کمک به بهبود شرایط جامعه را دارند. این نهادها در راستای دفاع از منافع صنفی خود در چارچوب کمیسیون‌های تخصصی مختلف فعالیت می‌کنند. از جمله کمیسیون آموزش و ارزشیابی مهارت‌های فنی که در این کمیسیون هر کارگر در رشته و رشته خود آموزش لازم را فرا می‌گیرد. تخصص او رده‌بندی شده و گواهی مهارت فنی دریافت می‌کند اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری در راستای دفاع از منافع صنفی و حیثیت شغلی اعضای خود دارای کمیسیون انضباطی هستند. این کمیسیون با حضور و کمک متخصصان هر رشته به شکایت شهروندانی که از کار و بازده کارگران شکایت دارند رسیدگی کرده و کارگران خاطی را که با ارائه کار نامناسب موجب خسران شهروندان شده‌اند به شیوه‌های مناسب مجازات و خسارات وارده را جبران می‌کنند. کمیسیون حقوقی سندیکاها هنگام بستن قراردادهای کار و پیمان‌های فردی و

دسته‌جمعی با ارائه مشاوره‌های حقوقی مناسب، کارگران را در انعقاد یک قرارداد کار خوب و مناسب که تامین کننده تمامی حقوق و منافع آنها باشد، یاری می‌نماید و هنگام مواجهه با مشکلات حقوقی در رابطه با مطالبات فی‌مابین کارگر و کارفرما به همین روش و با استفاده از ابزارهای مناسب و در صورت لزوم استخدام وکیل متخصص در حقوق روابط کار، حقوق و منافع اعضای خود و شهروندان را استیفا می‌کنند. کمیسیون «حفاظت و ایمنی کار» سندیکاها و اتحادیه‌ها، اعضای خود را با موازین بهداشتی و ایمنی مورد نیاز هر رشته آشنا و آموزش لازم را ارائه می‌کنند. این کمیسیون با آموزش صحیح خود، بسیاری از تلفات و خسارات حوادث ناشی از کار را به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهند. یکی از شعارهای همیشگی سندیکا و اتحادیه‌ها «اول ایمنی، بعد کار» است.

منبع: روزنامه کارگزاران تاریخ 4/7/1387 صفحه 14

36 - دبیر اجرایی خانه کارگر این استان:

200 کارگر P.V.C سمنان 5 ماه است حقوق نگرفته اند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 5 مهر 87؛ دبیر اجرایی خانه کارگر استان سمنان از پنج ماه حقوق معوقه کارگران کارخانه P.V.C سمنان خبر داد و گفت: شورای اسلامی کار این واحد در حال مذاکره با مدیریت است تا بدون این که مشکل به خارج از واحد کشانده شود حقوق های معوقه کارگران پرداخت شود. حسین طاهرزاده در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری "ایلنا"، با اشاره به اشتغال 200 کارگر در کارخانه P.V.C سمنان، گفت: بیشتر این کارگران قراردادی هستند و تعداد بسیار کمی از آنان رسمی هستند به همین دلیل این کارگران جرات دفاع از حق خود را در مقابل مدیریت ندارند. او با اشاره به خصوصی بودن کارخانه P.V.C سمنان، گفت: این واحد حدود 10 سال پیش از بنیاد به بخش خصوصی واگذار شد و از همان زمان مشکلاتش آغاز شد. وی با تاکید بر اینکه وضعیت تولید و فروش کارخانه P.V.C سمنان خوب است، گفت: مشخص نیست که چرا مدیریت این واحد از پرداخت حقوق پرسنل اش خودداری می کند. پیگیری های خبرنگار ایلنا برای بیان نقطه نظرات علی ایمانی رئیس سازمان کار استان سمنان بی نتیجه ماند.

پایان پیام

37 - عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هفتم:

قانون خدمات کشوری موجب شکاف بین کارگران و کارمندان خواهد شد :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 5 مهر 87؛ عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هفتم گفت: اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری موجب شکاف طبقاتی بین کارگران و کارمندان خواهد شد. محمد عباسپور در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری "ایلنا"، با بیان اینکه افزایش سطح حقوقی کارمندان دولت مهم ترین ویژگی لایحه نظام هماهنگ است که مورد تصویب قرار گرفته است، گفت: ارتقای سطح دستمزد سه میلیون کارمند دولت را قبول داریم اما باید فکری نیز به حال 15 میلیون کارگری شود که حتی برخی از آنها بیمه شده تامین اجتماعی نیز نیستند. نماینده ارومیه در مجلس هفتم تصریح کرد: در زمان تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری مقرر شد تا دولت لایحه ای را به مجلس بدهد تا مطابق آن برای کارگران و کارفرمایان تسهیلاتی در نظر گرفته شود اما این موضوع در عمل محقق نشد.

او با بیان اینکه اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری تحولی در وضعیت معیشتی کارمندان بوجود خواهد آورد، گفت: اگر وزارت کار و مسوولان مربوطه به فکر کارگران نباشند اجرای این قانون موجب بحران کارگری و ضعیف تر شدن معیشت این قشر خواهد بود.

عباسپور خواست مجلس هفتم را گنجاندن کارگران در قانون مدیریت خدمات کشوری دانست و گفت: به دلیل بار مالی نمایندگان نتوانستند کارگران را نیز در این قانون بگنجانند.

او هدف طرح تحول اقتصادی را اجرای عدالت ارزیابی کرد و گفت: با توجه به نادیده شدن حقوق کارگران در قانون مدیریت خدمات کشوری باید به قشر کارگر در طرح تحول اقتصادی توجه و اولویت داده شود.

پایان پیام

38 - اعتصاب ۱۷۰۰ راننده و کامیوندار در خوزستان :

به گزارش خبرگزاری خبر نامه امیر کبیر در تاریخ 5 مهر 87؛ پیش از این، و در روزهای اخیر، صدها تن از رانندگان و کامیونداران در مرکز استان خوزستان اقدام به اعتصاب کرده اند.

این اعتصاب از حمایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه برخوردار شده است.

در گزارش های غیر رسمی در خصوص این اعتصاب که انعکاسی در رسانه های ایران نداشته است، گفته می شود که حدود ۱۷۰۰ تن از اعتصاب کنندگان در روزهای گذشته با به صف کردن کامیون های خود در جاده سه راه خرمشهر به مسیر پایانه حمل و نقل اهواز به طول تقریباً سه کیلومتر، خواستار تحقق مطالبات صنفی خود شدند.

خواسته های صنفی رانندگان و کامیونداران اعتصابی حذف دلالت در واگذاری بار به رانندگان و کامیونداران و راه اندازی سندیکای رانندگان و کامیونداران اهواز که فعالیت آن از یک سال پیش توسط وزارت کار و امور اجتماعی به حال تعلیق در آمده است، از جمله خواسته های اعتصابیون است.

دیگر خواسته های صنفی معترضین، ایجاد سیستم یکپارچه امنیتی در جاده ها، برقراری خوابگاه ها و سرویس های بهداشتی برای رانندگان در محل پایانه حمل و نقل اهواز و اعمال نظارت دقیق و مناسب در فعالیت های پایانه ها و باربری ها از سوی وزارت راه و ترابری است.

مجتبی گهستونی، روزنامه نگار در اهواز، این موضوع را که اعتصاب رانندگان و کامیونداران مشکلاتی را در صنعت حمل و نقل به وجود آورده است، مورد تأیید قرار داد. وی با اشاره به اهمیت اقتصادی و تجاری استان خوزستان در ایران، از جمله داشتن مرز طولانی با عراق و قرار داشتن دو پایانه صادراتی در این استان، گفت که طبیعی است با این اعتصاب، روند کار حمل و نقل در خوزستان با مشکل مواجه شود.

آیا مسئولان استان خوزستان در جهت مذاکره با کامیونداران و رانندگان معترض دیدار و گفت و گو کرده اند؟

مجتبی گهستونی پاسخ داد که مسئولان خواستار دیدار با نمایندگان معترضین شده اند، زیرا به گفته آنان، خواسته های کامیونداران و رانندگان معترض به گونه ای نیست که قابل حل نباشد.

اعتصاب ۱۷۰۰ راننده و کامیوندار در اهواز، آخرین مورد از اعتراض ها و اعتصاب هایی است که در ماه های اخیر در واحدهای صنعتی استان خوزستان صورت گرفته اند.

آقای گهستونی دلیل این اعتراض ها و اعتصاب ها را ورشکستگی واحدهای صنعتی مانند شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و ناتوانی در پرداخت دستمزد کارگران دانست و گفت: «در صورت همدلی مسئولان استان این گونه مشکلات قابل حل هستند که به نوبه خود فشارهای اقتصادی و روحی بر کارگران و فقر در خوزستان را از بین خواهد برد.»

39- رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور:

هر استان 3 تا 4 صنعت بحران زده دارد :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 5 مهر 87؛ رئیس هیئت مدیره کانون عالی هماینگی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: در هر استان حداقل 3 تا 4 واحد صنعتی دچار مشکل و بحران هستند. به گزارش "ایلنا"، هوشنگ درویشی در نخستین گردهمایی سراسری تشکلهای اقتصادی پیرامون موانع تولید و سرمایه گذاری گفت: وجود مدیران ناتوان در رأس واحدهای تولیدی از عوامل اصلی بروز بحران در صنایع است.

وی از بحرانهای کارگری در شهرهای تهران، شیراز، قزوین و شوش به عنوان صحت ادعای خود یاد کرد و گفت: اخبار و گزارشهای مستند از پرداخت نشدن مطالبات کارگران این واحدها در 4 سال گذشته خبر میدهند.

وی یاد آور شد که در حال حاضر به دلیل واردات انبوه شکر علاوه بر کارخانههای قند شکر صنایع وابسته نظیر کارخانه کاغذ سازی پارس (هفت تپه) در آستانه بحران قرار گرفته است.

رئیس هیئت مدیره کانون هماینگی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: کارخانه نیشکر هفت تپه با یک هزار و 200 کارگر به دلیل نبود مواد اولیه که از محل ضایعات کارخانه های قند سازی تامین می شود، در آستانه تعطیلی قرار گرفته است.

به گفته درویشی هر کدام از صنایع بحران زده حداقل بطور مستقیم بر معیشت 2 هزار تن و بطور غیرمستقیم بر معیشت 50 هزار تن تأثیرگذار است.

وی افزود: ممکن است در داخل کشور بتوانیم از کنار مسایل مربوط به ناکارآمدی مدیران کارخانجات به سادگی گذر کنیم اما با منعکس شدن این موضوع در کشورهای آسوی مرز، دیگر نمی توانیم در

مقابل پرسش‌های مجامع جهانی سکوت کنیم. و برای جلوگیری از تکرار بحران‌های کارگری خواستار پرداخت به موقع تسهیلات اعتباری به بنگاه‌های متقاضی تسهیلات بانکی شد. پایان پیام

40 - اعتراض های گسترده کارگری در استان خوزستان:

به گزارش خبر نامه امیر کبیر در تاریخ 5 مهر 87؛ در روزهای اخیر، اعتراض های کارگری در برخی از نقاط استان خوزستان صورت گرفته است. در این زمینه، می توان به اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه اشاره کرد.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، در استان خوزستان، از روز سوم مهر ماه، در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق و مزایای خود، دست به اعتصاب زده اند.

کارگران اعتصابی همچنین خواسته های دیگری همچون افزایش حق مسکن، حق بدی آب و هوا و حق غذا داشته اند که به گفته فعالان کارگری در هفت تپه، با موافقت مسئولان شرکت مواجه شده است.

کوروش، یکی از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، در این مورد به «رادیو فردا» گفت که مسئولان شرکت در پی مذاکرات روز پنجشنبه با نمایندگان کارگران، با تحقق مسایل اخیر موافقت کرده اند.

به گفته او، بر این اساس، حق مسکن کارگران به ۱۳ هزار تومان و حق بدی آب و هوا به ۴۲ هزار تومان افزایش یافته است.

کوروش افزود: قرار بود این توافق ها به صورت کتبی اعلام شود که تاکنون این اقدام انجام نشده است و کارگران منتظر تحقق وعده مسئولان شرکت هستند.

او همچنین گفت که اعتصاب تا زمانی که حقوق معوقه کارگران پرداخت نشود، ادامه خواهد یافت. پیش از این نیز پرداخت حقوق و مزایای ۳۵۰۰ کارگر شرکت نیشکر هفت تپه به تعویق افتاده بود.

این شرکت همراه با سایر کارخانه های نیشکر در ایران به دلیل واردات بی رویه شکر و عدم جلوگیری از آن توسط دولت، با مشکلات گسترده اقتصادی مواجه شده اند؛ مشکلاتی که موجب شده است تا هزاران کارگر این کارخانه ها و همچنین هزاران کارگر کارخانه های وابسته به صنعت شکر در ایران برای ماه ها حقوق خود را دریافت نکنند.

به همین دلیل، هزاران کارگر شرکت نیشکر هفت تپه در دو سال گذشته، بارها اقدام به اعتصاب کرده اند تا حقوق معوقه شان را دریافت کنند.

در عین حال، کارگران این شرکت در اعتصاب های گذشته خود دولت را به دلیل چشم بر هم گذاشتن بر روی فعالیت مافیای شکر مورد انتقاد قرار دادند.

41 - تلاش برای راه اندازی دوباره سندیکای کارگران هفت تپه:

همزمان، کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در تدارک برگزاری مجمع عمومی سندیکای کارگران این شرکت به منظور راه اندازی دوباره آن هستند که فعالیت آن در ماه های نخست پس از پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷ به حال تعلیق در آمد.

کوروش در این زمینه گفت: در دو سال گذشته، یک شورای فرمایشی وجود داشت که نماینده کارگران نبود و به همین دلیل از سوی کارگران منحل اعلام شد.

این کارگر شرکت نیشکر هفت تپه افزود: این اقدام پس از نظر موافق بیش از دو هزار کارگر این شرکت انجام گرفت و در عین حال، آنان خواستار راه اندازی دوباره سندیکای کارگران شدند.

وی اضافه کرد: قرار است انتخابات نمایندگان سندیکا به زودی انجام شود.

این در حالی است که مسئولان اداره کار و وزارت اطلاعات در استان خوزستان بارها با راه اندازی دوباره این سندیکا مخالفت کرده اند.

اما به گفته کوروش، این موضوع تنها در صلاحیت کارگران است که در مورد آینده خود و تشکل صنفی شان تصمیم بگیرند.

همزمان، فعالان کارگر اعلام کردند که کارگران کاغذسازی پارس در شوش، که مواد اولیه خود را از نیشکر هفت تپه تهیه می کرد، و اکنون به دلیل تعطیلی این واحد، مواد اولیه آن تامین نمی شود، اقدام به اعتراض کرده اند.

کوروش با تایید این اعتراض گفت که به کارگران گفته شده است که کارخانه کاغذسازی پارس برای دو ماه تعطیل خواهد بود و این در حالی است که آنان سه ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

به گفته او، بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ کارگر این کارخانه روز سوم مهر ماه در مقابل فرمانداری شوش دست به تجمع زدند و خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات خود شدند.

کوروش همچنین گفت که اعتراض کارگران در روز پنجشنبه نیز ادامه داشت.

42- در ۳۰ مین روز اعتصاب غذا

آخرین خبرها از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی کرد :

پیام زندانیان زندان ارومیه در سی امین روز اعتصاب غذا

کمیته حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و مدنی: در سی امین روز اعتصاب غذای زندانیان زندان ارومیه، زندانیان سیاسی و مدنی اعتصاب کننده طی پیامی عزم خود را جهت ادامه اعتصاب غذا اعلام داشته اند. متن پیام به شرح ذیل است:

همچنانکه می دانید اعتصاب ما روز سی ام را پشت سر گذاشت. ۱۴ تن از رفقای ما هم اکنون در سلول انفرادی بوده و روز به روز با شکنجه های سنگین روحی و روانی و جسمی روبرو می شوند. از طرفی وضعیت زندانها و سلولهایی که رفقا در آن زندانی هستند نیز از لحاظ نظافت و سلامتی در وضعیتی وخیم بوده و در سلول هایی بسیار کوچک که در آن توالت هم تعبیه شده بسر می برند. سلولها بسیار مرطوب بوده و بوی بدی به مشام می رسد. احتمال بروز بیماریهای خطرناک داخلی و پوستی برای رفقا بسیار زیاد است. تا بحال هیچ یک از مسئولین به نزد ما نیامده اند و جهت مداوای بیماران نیز هیچ پزشکی را روانه نمی کنند.

پیام ما برای افکار عمومی و همه خلقمان و سازمانهای حقوق بشر این است که جهت چاره یابی این مسائل و پشتیبانی از مقاومت کنندگان در زندانها تمام تلاش خویش را به خرج دهند، تا با استفاده از متدهای حقوقی بتوان مطالبات ۶ گانه ی زندانیان را به گوش جهانیان برسانند.

همچنین سلام خود را به همه نهادها و کسانی که پشتیبانی خود را از ما اعلام نموده اند و ما را تنها نگذاشته اند می رسانیم و بخصوص به زندانیان شهر دیاربکر که جهت پشتیبانی از مقاومت زندانیان کردستان و ایران دست به اعتصاب غذا نموده اند سلام کرده و می گوئیم که روح ما یکی است و تا به آخر ادامه خواهیم داد.

سلام و درود انقلابی

زندانیان اعتصاب کننده ی زندان ارومیه

۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸

نامه سرگشاده ۲ تن از نمایندگان پارلمان اروپا به مقامات جمهوری اسلامی
خانم "فلکناس اوجا" نماینده پارلمان اروپا طی تماسی با کمیته حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

و مدنی کرد، از ارسال نامه‌ی سرگشاده‌ی او توسط خود و دیگر پارلمانتار اتحادیه اروپا آقای "پائولو جسیکا" خبر دادند. این نامه خطاب به "محمود احمدی نژاد" رییس جمهور و "آیت الله محمود هاشمی شاهرودی" رییس دستگاه قضایی جمهوری اسلامی و در ارتباط با وضعیت نگران کننده‌ی اعتصاب غذا کنندگان، به نگارش در آمده است.

متن نامه‌ی که خانم فلکناس اوجا خطاب به کمیته نوشته اند به قرار ذیل است:

همچنانکه می دانید مدت‌های مدیدی است که اتحادیه اروپا می خواهد با ایران وارد دیالوگ شود. هدف از این دیالوگ ایجاد تغییراتی دموکراتیک در ساختار حکومت ایران و دفاع از آزادی عقیده و بیان است. در ایران زنان باید آزاد باشند، بایستی حقوق اقلیتها تضمین شود و روند شکنجه و اعدام به پایان برسد. هم زمان مسوولان اتحادیه اروپا از ایران می خواهند در ارتباط با برنامه اتمی خود اطلاعات درستی در اختیار سازمان بین المللی انرژی اتمی قرار دهد.

آگاهید که در همین اواخر جمهوری اسلامی شماری از کودکان زیر ۱۸ سال و برخی فعالین کرد را اعدام کرده است و این امر موجبات اعتراضات بین المللی را فراهم آورده است. مبارزه من و دیگر پارلمانتاران اروپا در مقابله با مقوله‌ی اعدام ادامه دارد.

من و همکارم "پائولو جسیکا" به عنوان اعضای پارلمان، در ارتباط با وضعیت زندانیان سیاسی و نقض حقوق بشر نامه سرگشاده‌ی خطاب به "آقای محمود احمدی نژاد" رییس جمهور و همچنین "آیت الله محمود هاشمی شاهرودی" رییس دستگاه قضایی، نگاشته ایم که متن آن را جهت اطلاع برایتان ارسال داشته ام.

نامه سرگشاده خطاب به رییس جمهور و رییس دستگاه قضایی جمهوری اسلامی

طبق اطلاعاتی که سازمانهای بین المللی دفاع از حقوق بشر منتشر ساخته اند از ۲۵ آگوست ۲۰۰۸ صدها زندانی سیاسی و مدنی کرد دست به اعتصاب غذا زده اند. این زندانیان در اعتراض به شرایط غیر انسانی، شکنجه های روزانه و تبعیضات موجود در اغلب زندانها شروع به اعتصاب غذا کرده اند. زندانیان درخواست کرده اند که نقض حقوق بشر پایان پذیرد، اعدام و شکنجه متوقف شود و در زندانهای ایران مراکز بهداشتی و درمانی دایر شود.

ما در ارتباط با شمار روز افزون زندانیان سیاسی و مدنی به شدت نگرانیم. در میان این افراد معلمین، روزنامه نگاران، مدافعین حقوق بشر و دانشجویان وجود دارند. ما اطلاع داریم شماری از این فعالین فاقد وکیلند و بسیاری از اوقات توسط دادگاههایی چند دقیقه ای و یا حتی به صورت غیابی مورد محاکمه قرار می گیرند.

حد اقل ۷ تن از فعالین سیاسی و مدنی کرد محکوم به اعدام شده اند. اسامی این افراد از قرار ذیل است: هیوا بوتیمار، فرزاد کمانگر، انور حسین پناهی، فرهاد وکیلی، علی حیدریان، ارسلان اولیایی و حبیب الله لطیفی.

مقامات محترم!

ما استدعا داریم که جهت توقف هر چه سریعتر اعدام این افراد تلاش نمایید. احکام تبعید و زندان تمام زندانیان سیاسی را منحل اعلام نموده و نشان دهید که سیستم حکومتی ایران به خاطر فقدان آزادی بیان نباید مورد مواخذه قرار گیرد.

وضعیت بحرانیست و لازم است فوراً شرایط خطرناکی که صدها زندانی به واسطه اعتصاب غذا در آن قرار گرفته اند، عوض شود تا راهکاری انسانی برای این معضل پیدا شود و اجرای حقوق بشر تضمین گردد. تدابیر مشخصی اندیشیده شود تا جان این زندانیان بیش از این به خطر نیفتد.

من و همکارم و اعضای خانواده های این زندانیان، همچنین سازمانهای حقوق بشری از شما خواهش می‌کنیم، که سریعاً با اعتصاب کنندگان وارد دیالوگ شوید و به اقدامات غیر انسانی نسبت به زندانیان سیاسی خاتمه دهید.

ما در انتظار پاسخ شما می مانیم.

با سلامی دوستانه

فلکناس اوجا، نماینده پارلمان اروپا

پائولو جسیکا، نماینده پارلمان اروپا

سلب اجازه ملاقات حضوری از دو فعال کرد

بر اساس گزارشات ارسالی از میاندوآب، مدت ۲ هفته است که مسوولین زندان این شهر اجازه ملاقات حضوری را از دانشجوی و فعال مدنی کرد "خضر رسول مروت" و "سالار یاره" سلب نموده اند. مسوولین این زندان در پاسخ به اعتراض این دو زندانی اظهار داشته اند که بنا به دلایل امنیتی این اجازه

از آنان سلب شده و اجازه نخواهند داد در طول دوران زندان، این ۲ زندانی از ملاقاتهای حضوری بهره‌مند گردند.

کمیتة نسبت به رفتار غیر قانونی مسوولین زندان میان‌دوآب نسبت به این دو فعال کرد به شدت معترض بوده و نسبت به تسری این برخورد به دیگر زندانها هشدار می‌دهد.

43- تعویق 5 ماهه حقوق کارگران پی وی سی سمنان :

کارخانه پی وی سی سمنان حدود 200 کارگر را استثمار می‌کند. این کارخانه چند سال قبل در چهارچوب طرح خصوصی سازی به روال معمول از سوی تراسست عظیم مالی و صنعتی « بنیاد مستضعفان » به یک سرمایه دار مقرب اعوان و انصار دولتمردان مسلط سرمایه اعطا گردید. کارخانه با هیچ مشکلی از لحاظ مواد خام و مصالح تولید و وسائل نیم ساخته یا کمکی مواجه نیست. بازار فروش بسیار مطلوبی دارد. شدت استثمار کارگران بیش از حد است و منحنی نمایش سود سرمایه دار صاحب شرکت در عرش سیر می‌کند. این کارخانه با همه این مشخصات الان 5 ماه تمام است که هیچ ریالی دستمزد به هیچ کدام از 200 کارگر تحت استثمار خود نپرداخته است. در مورد دلیل این کار هیچ نکته ای گزارش نشده است. اما به نظر می‌رسد که بیان چرائی این حوادث در جهنم کارگرسوز سرمایه داری ایران توضیح و اوضحات باشد. در جامعه ای که یورش بی عنان سرمایه به سطح معیشت و حق حیات توده های کارگر از آزادترین، متداول ترین و بدیهی ترین امور به شمار می‌آید، در جامعه ای که میلیون ها کارگر بیکار و گرسنه و سرکوب شده برای سیر کردن یک روز شکم فرزندانیشان مجبور به فروش نیروی کار خود به هر بها و شرط و شروطی هستند، سرمایه دار باید دیوانه باشد که از مصادره 5 ماه دستمزد 200 کارگر و به کارگیری آن در کار سرمایه گذاری های انبوه تر خویش چشم ببوشد. در هر حال 200 کارگر پی وی سی اینک 5 ماه است که دستمزد نگرفته اند. آنان و همه افراد خانواده هایشان در شعله های سودسازی سرمایه و آتش گرسنگی ناشی از یکه تازی بی مهار سرمایه داران برای تشدید استثمار نیروی کار درحال خاکسترشدن هستند. کارگران به این جنایت اعتراض دارند و پرداخت فوری دستمزدهای 5 ماهه معوقه خود را می‌خواهند.

5 مهر 87

44- بازداشت چند تن از راننده ها و کامیونداران اعتصابی :

سایت " انجمن صدای کاوه ها " در تاریخ 6 مهر 87 نوشت : در همین حال، ابوالفضل عابدینی، روزنامه نگار در اهواز، به « رادیو فردا » گفت : ماموران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه چند تن از رانندگان و کامیونداران اعتصابی در استان خوزستان را بازداشت کردند.

وی شمار بازداشتی ها را حدود پنج نفر اعلام کرد و افزود: « ماموران نیروی انتظامی همچنین پلاکاردهای رانندگان و کامیونداران را که خواسته های خود را بر روی آنها نوشته بودند، جمع کردند ».

به گفته این روزنامه نگار در اهواز، این اقدام نیروی انتظامی موجب شد که شماری در حدود ۲۰ درصد اعتصابیون دست از اعتصاب بکشند. اما سایرین گفته اند که اعتصاب را ادامه می‌دهند

این در حالی است که هیچ منبع خبری مستقلی تاکنون این خبر را تایید نکرده است.

بهر روز کارونی

45- یک اقتصاددان:

طرح تحول اقتصادی باعث افزایش شکاف بین فقیر و غنی می‌شود :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 6 مهر 87 : یک اقتصاددان گفت: هر طرحی که باعث افزایش تولید ناخالص ملی نشود، منفععی برای هیچکس ندارد. حسین مرعشی در گفت‌وگو با خبرنگار گروه کارگری "ایلنا"، با بیان این مطلب گفت: طرح تحول اقتصادی نیز طرحی از همین دست است که کسی از آن نفعی نمی‌برد. وی افزود: فشر کارگر حلقه‌ای در زنجیره تولید ناخالص ملی است و باید زمینه فعالیت ایشان فراهم شود.

مرعشی تاکید کرد: طرح تحول اقتصادی یک طرح سیاسی است نه اقتصادی و هدف آن فرار به جلو است و هیچ اقتصاددانی موافق این طرح نیست.

این کارشناس اقتصادی خاطر نشان کرد: این طرح باعث افزایش شکاف بین فقیر و غنی خواهد شد

و شکاف طبقاتی را دامن خواهد زد. وی یادآور شد: با کاهش تولید، وضعیت اقتصادی جامعه رشد منفی یافته و این موضوع باعث تشدید فقر می‌شود.
پایان پیام

46 - اخراج 650 کارگر کارخانه ایران صدرا :

به گزارش سات ها در تاریخ 6 مهر 87 آمده است : تعداد ۶۵۰ تن از کارگران کارخانه ایران صدرا اخراج و به سازمان تامین اجتماعی برای دریافت بیمه بیکاری به مدت یک سال معرفی شدند.

اداره کار و استانداری در پی توافق با کارفرما و به بهانه ی تغییر ساختار این کار را صورت دادند. پیش از این خبر اخراج احتمالی تعدادی از کارگران ایران صدرا منتشر شده بود که منجر به تجمع اعتراضی کارگران شده بود.

اداره کار به دروغ اعلام کرده است که کارفرما متعهد شده است که پس از یک سال کارگران را بر سر کار بازگرداند، اما چه کسی است که نداند این‌ها دروغی بیش نیست و تنها برای ایجاد تفرقه در بین کارگران و جلوگیری از اعتراضات احتمالی آنان است. سرنوشت هزاران کارگر در کارخانجات دیگر این را به خوبی ثابت می‌کند.

47 - تمام اتفاقات سازمان بین المللی کار به نفع کانون عالی کارفرمایان ایران است :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 6 مهر 87 ؛ رییس کانون عالی کارفرمایان گفت: سازمان بین‌المللی کار نمایندگان کانون عالی جدید را به رسمیت می‌شناسد.
به گزارش "ایلنا" به نقل از روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی، ابوالفضل احمد خانلو با اشاره به نتایج همکاری با سازمان بین‌المللی کار، گفت: تمام اتفاقات به نفع کانون عالی کارفرمایان است.

وی افزود: جلساتی که نمایندگان کانون عالی کارفرمایان در سازمان بین‌المللی کار داشتند رضایت بخش بود و پس از حضور این نماینده‌ها در ایران آنها گزارش‌هایی از عملکرد خود ارائه خواهند کرد. احمد خانلو افزود: امسال در سازمان بین‌المللی نمایندگان کانون جدید و قدیم حضور داشتند که نمایندگان کانون جدید به تصویب رسیدند.
پایان پیام

48 - یک سوم از هزینه حمل و نقل در جیب واسطه ها

اعتراض رانندگان به قدرت گیری دلالتها در توزیع بار :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 6 مهر 87 ؛ با وجود انصراف جمعی از رانندگان کامیون‌های باربری اهواز از شرکت در ادامه اعتصابی که بیش از 2 هفته از آغاز آن می‌گذرد، این اعتصاب همچنان ادامه دارد.

به گزارش "ایلنا"، هنوز تعداد مشخص رانندگانی که به اعتصاب خود پایان داده‌اند مشخص نیست، اما به گفته فعالان کارگری و مدنی حدود 20 تا 50 درصد رانندگان از چهارشنبه تاکنون به اعتصاب خود پایان داده‌اند.

اعتصاب رانندگان در نیمه شهریور ماه در اعتراض به دخالت دلالت در توزیع بار، متوقف شدن فعالیت انجمن صنفی رانندگان کامیون استان خوزستان و شرایط بد و ناامنی که در جاده‌ها برای توقف کامیون‌ها وجود دارد، آغاز که در آن 1700 راننده شرکت داشتند.

سید حسن علوی، نماینده رانندگان اعتصاب کننده به "ایلنا" گفت: این اعتصاب به صورت توقف کامیون‌ها در حاشیه جاده اندیمشک شکل گرفت.

وی گفت: پیش از منصرف شدن عده‌ای از رانندگان از ادامه اعتصاب، برخوردهایی میان رانندگان و عوامل انتظامی به وجود آمد که به توقیف پلاک برخی کامیون‌های متوقف شده و بازداشت تعدادی از رانندگان منجر شد.

علوی با بیان اینکه به ما قول داده‌اند که پس از تشکیل و آغاز به کار دوباره انجمن صنفی به سایر خواسته‌ها رسیدگی شود، گفت: ما پس از آنکه توانسیتم مسوولان را متقاعد کنیم به اعتراض خود پایان دادیم.

ابوالفضل عابدینی از فعالان مدنی در استان خوزستان نیز با تایید این مطلب به "ایلنا" گفت: دلیل اصلی این اعتصاب ناشی از نفوذ قدرتمند دلالتی است که به پشتوانه رانت، بارها را به صورت ناعادلانه میان رانندگان توزیع می‌کنند.

وی گفت: طی دو ماه گذشته، قدرت دلالت افزایش یافته به‌طوری‌که رانندگان برای پرداخت اقساط یک تا دو میلیون تومانی خودروهای خود ناچار هستند بابت هزینه حمل و نقل یک بار 600 هزار تومانی، فقط 400 هزار تومان بگیرند.

وی یادآور شد: از زمان آغاز اعتصاب که به صورت توقف آرام خودروها در حاشیه کناری جاده اندیمشک شکل گرفته است، واسطه‌گران مجبور شدند تا بهای حمل بار را تا حدی افزایش دهند زیرا هم اکنون به دلیل این اعتصاب، حجم انباشته‌ای از کالاهای مختلف در پایانه‌های حمل و نقل ایجاد شده است.

به گفته عابدینی، صاحبان موسسات و شرکت‌های حمل‌ونقل در قدرتمند شدن دلان نقش موثری داشته‌اند، زیرا به جای رودرو شدن مستقیم با رانندگان، بارها را از طریق دلان توزیع می‌کنند. اما حسین احمدی زاده، از انجمن سراسری شرکت و موسسات حمل‌ونقل کالا کشور با رد این ادعا به "ایلنا" گفت: موسسات حمل‌ونقل هیچ نقشی در قدرتمند شدن دلان ندارند. وی با یادآوری غیرقانونی بودن فعالیت واسطه‌گری در توزیع بار بین رانندگان گفت: با وجود آنکه توزیع بار باید از سوی شرکت‌های دارای مجوز از سازمان حمل‌ونقل صورت گیرد اما هنوز درصد قابل توجهی از توزیع بارها توسط موسسات صورت می‌گیرد. این فعال کارفرمایان با تأکید بر اینکه فعالیت دلان به زیان رانندگان است، گفت: به همان اندازه موسسات حمل‌ونقل کالا نیز از این موضوع ضرر می‌کنند.

پایان پیام

49 - گزارشی از وضعیت نابسامان زنان در شیرآباد زاهدان؛ در شیرآباد زنان نمی‌خندند:

به گزارش سایت کانون زنان ایرانی در تاریخ 6 مهر آمده است: ترانه بنی یعقوب: سوله آهنی در یکی از خیابان‌های شلوغ شیرآباد زاهدان واقع شده است. اتفاقی فیزی که در یکی از شلوغ‌ترین خیابانهای منطقه شیرآباد تنها مکان گرد هم آمدن زنان این منطقه محسوب می‌شود. شیرآباد منطقه‌ای در شمال شهر زاهدان و حاشیه‌ای محسوب می‌شود. منطقه‌ای بلوچ‌نشین که در تک‌تک خیابانها و کوچه‌های شلوغش فقر و نداری موج می‌زند.

در زاهدان هر تاکسی و مسافر کشتی حاضر نیست تو را به این منطقه ببرد چون تصور اینک این منطقه جرم خیز و عبور و مرور از آن خطرناک است به یک باور عمومی در این شهر مبدل شده است. هیچ‌کس نمی‌تواند پاتوق‌های خطرناک مواد مخدر را که در یکی از خیابانهای این محله بدون هیچ ترس و کنترلی وجود دارد فراموش کند. خیابانی که گذر از آن با پای پیاده برای غریبه‌ها تقریباً غیر ممکن است.

به محله شیرآباد می‌روم و به دیدن زنانی که در این منطقه هزاران حرف ناگفته دارند.

شهناز اربابی مسئول انجمن کاهش آسیب منطقه شیرآباد که خود زنی بلوچ است تا شیرآباد همراهی مان می‌کند. او فعالیت‌های اجتماعی زیادی را برای بهبود اوضاع مردمان این منطقه به ویژه زنان انجام می‌دهد. او این بار همراهمان می‌آید تا تنها مکانی را که زنان شیرآبادی گاه‌گرم می‌آیند نشانمان دهد.

خیابانهای شلوغ شیرآباد پر از دست‌فروش است. بیشتر دستفروش‌ها پسر بچه‌های کوچکی هستند که خوراکی‌های جور و اجور می‌فروشند. بچه‌های خیلی کوچک هم خریداران پر و پا قرصشان به حساب می‌آیند. چرخ‌دستی‌های کوچکی که خوراک نخود پخته می‌فروشد بیش از بقیه جلب توجه می‌کنند. در گوشه و کنار خیابان‌های خاکی شیرآباد زباله‌های انباشته شده بارها به چشم می‌آیند. گویی جمع کردن زباله‌های این منطقه نیز مدتها فراموش شده است.

سوله کوچک آهنی در میان فریاد دستفروشان از دور به چشم می‌خورد. محوطه نسبتاً کوچکی که در ابتدای خیابانی خاکی و پر رفت و آمد واقع شده است. محوطه سوله با موکتهای آبی رنگ فرش شده است. در انتهای سالن چند چرخ‌خیاطی به چشم می‌خورد و چند لباس بچه‌گانه و دست‌دوزی بلوچی که هنرمندانه دوخته و به دیوارها نصب شده‌اند. در گوشه دیگر این سالن آشپزخانه و روشویی کوچکی قرار گرفته است. چند زن روی موکتهای آبی رنگ زانو زده‌اند و آرام در گوش یکدیگر نجوا می‌کنند.

به صورت این زنان نگاهی می‌اندازم همگی مسن و سالخورده به نظر می‌آیند با خود م می‌گویم کاش امروز چند زن جوان هم در میان زنان شیرآبادی حضور داشت تا درباره زنان جوان این منطقه بیشتر می‌دانستم.

شهناز اربابی می‌گوید: اینجا تنها جایی است که گاهی زنان شیرآبادی دور هم جمع می‌شوند. این محوطه چهار دیواری بدون سقفی بود که با برخی کمک‌های بین‌المللی که در قالب پروژه‌های فقر زدایی بودند به این شکل در آمد و محل آموزش زنان بلوچ شد. اما اکنون آموزشهایمان متوقف شده و زنان فقط هفته‌ای یک بار برای پس‌انداز پولهایشان و یا حرف زدن گرد هم می‌آیند.

نبود بودجه برای برگزاری کلاسهای آموزشی موجب توقف کار تنها مکان فراغتی زنان شیرآبادی شده است. زنانی که به قول خودشان جز ناتوانی رفتن و خرید کردن هیچ تفریح دیگری ندارند.

آنها می گویند: چهار چرخ خیاطی مان هم خراب شده است و دیگر هیچ وسیله ای برای کار و آموزش در اختیار نداریم.

در شیرآباد زنان نمی خندند

مسن ترین زنی که در سوله آهنی نشسته شاه بی بی است که با لبخندی تلخ به حرفهای دیگران گوش می دهد این زن که بیش از ۶۰ ساله به نظر می رسد فقط ۴۲ سال دارد.

به یاد اولین نگاهی که به صورت این زنان و تصویری که از سن و سال آنان به ذهنم آمده بود می افتم. اینها همه زنان بلوچ [جوانی اند که با همه جوانی شان از غم و تلخی هایشان می گویند. تلخی هائی که در جوانی صورت شان را این گونه پیر و شکسته و حدس سن و سال شان را دشوار کرده است. آنها کمتر لبخند می زنند و با نگاه و لحنی تلخ سرگذشت شان را مرور می کنند.

مهناز فقط ۲۷ سال دارد اما صورتش پر از چین و چروک است. چادر سیاهش را محکم به خود پیچیده و رخسارش را در زیر چادر پنهان می کند. ۱۵ ساله بود که به اجبار خانواده اش همسر دوم شوهرش شد. مردی با پنج فرزند.

لبخند تلخی می زند: اگر دست خودم بود هرگز شوهر نمی کردم اما می دانید که بین ما بلوچ ها این رسم است که اصلاً هنگام ازدواج نظر دختر را نمی پرسند اصلاً دخترها را آدم حساب نمی کنند شوهرم با پنج فرزند به خواستگاری ام آمد و اکنون هم نه فرزند از همسر اولش دارد.

در میان بلوچها ازدواج اجباری دختران رسمی رایج است. آنها دختران شان را بدون کوچکترین مشورتی با آنها شوهر می دهند. ازدواج دختران جوان با مردانی که قبلاً ازدواج کرده اند و زن و چندین فرزند دارند هم امری عادی و قسمت دختر محسوب می شود. ازدواج اجباری دختران کم سن و سال با مردان مسن هم از دیگر مسائل و مشکلات زنان بلوچ است.

مهناز بیش از بقیه زنان صحبت می کند و زنان دیگر با نگاههایی غمگین که نمونه اش را در چشمان کمتر زنی دیده ام به حرفهایش گوش می دهند.

او سری تکان می دهد: خیلی راحت می گویند قسمتت این بوده که زن دوم بشوی. من را هم همین طوری شوهر دادند. اما من اجازه نمی دهم همین بلا سر دختر ۱۰ ساله ام بیاید من اجازه می دهم دخترم خودش شوهرش را انتخاب کند.

مهناز هم همچون دیگر زنانی که همسر دوم مردی هستند یک شب در میان شوهرش را در تنها اتاق کوچک اجاره ای که در اختیار دارند همراه با چهار فرزندش ملاقات می کند. اتاقی که در یک سویش رختخوابهایشان را کپه می کنند و در سوئی دیگر هم چرخ خیاطی اش قرار گرفته چرخ خیاطی که نان آور زندگی خودش و فرزندانش است. اتاقی سه در چهار که عرصه زندگی را بر او و فرزندانش تنگ کرده است.

بی خانگی؛ کمبود جا؛ درآمد اندک و هزار دردسر همسر دوم بودن از جمله مواردی است که مهناز از آنها نام میبرد.

مرد دوزنه محبت سرش نمی شود

شاه بی بی که با نگاه غمگین و عمیقش به سخنان مهناز گوش می دهد. ناگهان با لهجه بلوچی اش به سخن در می آید: مرد دوزنه که محبت و انسانیت سرش نمی شود.

شاه بی بی هم طعم داشتن هوو را چشیده است. اما او به عنوان زن نخست شوهرش این تجربه تلخ را از سر گذرانده است. با لهجه بلوچی شیرنش حرف هایش را می زند و خانم اربابی تند تند حرفهایش را بر ایمان ترجمه می کند.

شاه بی بی ۱۱ ساله بود که مثل بقیه دختران بلوچ بدون آنکه نظرش را بپرسند شوهرش می دهند. او طی

سالهای زندگی با شوهرش هشت فرزند پسر و دختر به دنیا می آورد. بعد از تولد هشتمین فرزندش در بیمارستان پزشکان به شاه بی بی پیشنهاد می کنند که دیگر از بچه دار شدن خودداری کند و عمل جراحی را برای پیشگیری دائم از بچه دار شدن قبول کند.

شاه بی بی با داشتن هشت فرزند این پیشنهاد را می پذیرد اما مدت زمان کوتاهی نمی گذرد که شوهرش به بهانه اینکه او دیگر قادر نیست فرزند جدیدی بیاورد زن دومش را می گیرد. شاه بی بی طی این سالها با انگلستان هنرمندش زندگی خود و هشت فرزندش را اداره می کند سوزن دوزی های بی نظیرش مقابل پاهایش بر زمین ریخته و می توان زیبایی آنها را از پس رنج های بی پایان اش دید.

شوهرش پس از ازدواج مجدد همان اندک خرجی را که به شاه بی بی و فرزندانش می داد از آنها دریغ می کند و همه مخارج زندگی به دوش زن می افتد. شوهر شاه بی بی صاحب شش فرزند از همسر دومش می شود و به زندگی زن اولش بی توجهی می کند.

اربابی می گوید: شاه بی بی خیلی برای نجات زندگی اش تلاش کرده است اما شوهرش حتی داشتن شناسنامه را از او دریغ کرد و فاقد شناسنامه و بدون هویت به حساب می آید.

نداشتن شناسنامه یکی از مشکلات رایج در میان بلوچها به حساب می آید. شاه بی بی و همسرش هم که فاقد شناسنامه بوده اند برای دریافت آن تشکیل پرونده می دهند. پرونده آن دو یک شماره می گیرد اما وقتی شوهر شاه بی بی برای دریافت شناسنامه ها به ثبت احوال مراجعه می کند فقط شناسنامه خودش را می گیرد و از دریافت شناسنامه شاه بی بی خودداری می کند. آه تلخی می کشد: وقتی به شوهرم گفتم چرا شناسنامه من را نگرفتی گفت تو شناسنامه به چه کارت می آید مگر قرار است به سربازی بروی.

اربابی می گوید: هر چقدر برای گرفتن شناسنامه شاه بی بی تلاش کردیم به جایی نرسیدیم و بالاخره بدون شناسنامه ماند.

جان بی بی دیگر زن بلوچ که چادر چیت گلداری به سر دارد تاکنون هیچ سخنی نگفته است دندانهای ردیف جلوی دهانش کاملاً ریخته است و او سعی دارد با چادر گلدارش لثه های بی رنگش را پنهان کند. سعی می کنم درباره سنش قضاوتی نداشته باشم چون حتما دوباره تخمینی نادرست خواهم داشت. وقتی از سن و سالش می پرسم درباره سنش اظهار بی اطلاعی می کند و به جای فکر کردن به آن شناسنامه قرمز رنگش را به دستم می دهد.

۳۲ ساله است. در ۱۵ سالگی با مردی که بیست سال بزرگتر از خودش بوده ازدواج کرده و طی ۱۵ سال یازده فرزند به دنیا آورده که هشت تای آنان اکنون زنده اند.

شوهرش دو سالی هست که دار فانی را وداع گفته است. او نیز با اجبار خانواده اش به عقد مردی مسن تر از خودش در آمده بود. او بدون اینکه اجازه پیشگیری از بارداری را داشته باشد طی ۱۵ سال یازده زایمان داشته است زایمانهایی که به قیمت سلامت و جوانی اش تمام شده اند.

اربابی می گوید: امروز وقتی جان بی بی از در وارد شد شناختمش او تا چند سال پیش جوان وزیبا بود اما اکنون به دلیل مشکلات زندگی واقعا پیر و شکسته شده است.

جان بی بی هیچ نمی گوید از او می خواهم از زندگی اش بیشتر بگویم. آهی می کشد: ای خانم کدام زندگی من که زندگی ندارم.

زنایی که شوهران شان دو همسر دارند کتک می خورند

من همیشه برای لباس بچه ها و مخارج مان با شوهرم دعوا دارم و از او کتک می خورم. اینها حرفهای مهناز است. او از تنفر فرزندانش نسبت به پدرشان برایم می گوید: بچه هایم پدرشان را دوست ندارند و می گویند چرا پدرمان با اینکه زن داشت به سراغ تو آمد و تو را این طور بدبخت کرد آنها می بینند که تمام بار زندگی بر دوش من است.

قطره اشکی را که در گوشه چشمانش جمع شده پاک می کند: فقط دو کلاس سواد دارم و گرنه خاطراتم را می نوشتم تا حداقل بعد از مرگم فرزندانم بدانند که چه به سر مادرشان آمده است.

مهناز به خاطر همین مشاجره ها و گرفتن حق و حقوق فرزندانش بارها از شوهرش کتک خورده است. شاه بی بی خانم که با نگاه عمیقش مهناز را می نگرد با مکتی طولانی می گوید: زن هائی که شوهرشان چند همسر دارند حتما کتک می خورند.

مهناز هم بلافاصله حرفهای شاه بی بی خانم را با سر تایید می کند: مگر می شود کتک نخورد؟ من همیشه

سر لباس بچه ها و مخارج زندگی با شوهرم دعوا دارم او چند وقت پیش برای دختر بزرگ آن یکی زنش لباس خوبی خرید من به او اعتراض کردم که چرا از این لباس ها برای دختر من نمی خرد که گفت : دختر من ۱۵ ساله است و برایش لباس خوب خریده ام که به نظر بیاید و شوهر خوبی پیدا کند. دختر تو هنوز کوچک است اما دختر من هم ده ساله است .

مهناز هرگز با هویش دعوا نکرده چون معتقد است او هم مثل او زن بدبختی است که اسیر شرایط و ظلم شوهرش شده است و با نه فرزند زندگی به مراتب بدتری را در یک خانه اجاره ای دارد.
می گوید : من اصلا نمی دانم معنای محبت چیست ؟ هرگز هم محبت شوهرم برایم مهم نبوده است اصلا اگر به سراغم هم نیاید برایم مهم نیست . اما جرات ندارم این حرف ها را به خودش بزنم چون طلاقم می دهد و بچه هایم را از من می گیرد.

شاه بی بی هم حرفهای او را تائید می کند : خانم مرد دوزنه محبتش کجا بود ؟ من هم گاهی سر خرج و مخارج و لباس و بچه با شوهرم حرفم می شد اما حال که سالهاست مخارجم از او جداست و خدارو شکر بچه هایم هم بزرگ شده و به دادم می رسند . دیگر به شوهرم کاری ندارم مردی را که زن گرفت باید رهایش کرد.

شاه بی بی هرگز نتوانسته است موضوع ازدواج دوباره همسرش را بپذیرد و با اینکه چند همسری بین مردان بلوچ بسیار رایج است اما کمتر زنی این موضوع را پذیرفته و با آن کنار آمده است .
مهناز می گوید که خیلی از زنها به خاطر بچه هایشان شرایط سخت چنین زندگی را تحمل می کنند .
شهناز اربابی می گوید : خیلی از زنان جرات اعتراض یا اظهار تنفر نسبت به شوهران شان را که چند زنه هستند ندارند چون شوهر خیلی راحت و بدون مراحل قانونی و فقط با گفتن چند جمله زن را طلاق می دهد و فرزندانش را از او می گیرد . مرد دوزنه می گوید من زن دیگری هم دارم و او موظف است از کودکان همسر دیگرم هم نگهداری کند بنابراین اگر زنی به شوهرش زیاده از حد فشار آورد او زن را طلاق می دهد و همسر دیگرش را موظف به نگهداری از کودکانش می کند .

اینجا زنان بار همه بدبختی ها را به دوش می کشند
گوئی مشکلات این زنان پایانی ندارد و هر لحظه آنها موضوع تازه ای از رنج های شان را به یاد می آورند.
مهناز با آهی بلند سخنانش را ادامه می دهد : شوهرم فاقد شناسنامه است به همین خاطر هر گز از دوام و نام چهار فرزندم جانی ثبت نشده است . چند روز بعد اگر شوهرم هوس کند با گفتن چند جمله من را طلاق دهد چگونه می توانم ثابت کنم که من هم فرزندان داشته ام .

در شیر اباد تعداد زنانی که هر گز ازدواج و طلاق شان ثبت نشده بسیار است. برخی زنان خودشان بدون شناسنامه اند و تعدادی نیز چون شوهر مهناز مردانی بی شناسنامه اند که بی توجه به این موضوع چند همسر اختیار کرده و صاحب فرزندان متعددی هم شده اند . زندگی این زنان بدون هویت نامشخص سرگردان است و خیلی از آنها بعد از طلاق و ازدواجی که هرگز ثبت نشده دشواری های زیادی را برای اثبات وقایع زندگی شان از سر می گذرانند .

زنان مطلقه در این شرایط بسیار بدتری دارند و هر چند امکان ازدواج دوباره برای شان وجود دارد اما ازدواج های بعدی به زن سوم و چهارم مردی شدن ختم خواهد شد که وضع بدتری را برای این زنان رقم خواهد زد .

شاه بی بی می گوید : خانم اینجا هر چه بدبختی هست زن به جان می خرد زنها اینجا واقعا بدبختند .
او معتقد است این روزها تعداد مردان چند زنه به خاطر پولدار شدن مردها روز به روز در حال افزایش است .

هر چند زنانی که در سوله فلزی گرد آمده اند معتقدند مردان چند زنه اصلا قدرت چرخاندن زندگی زنان شان را ندارند و با حرفهای واهی چون حتما زندگی مان در آینده بهتر می شود یا روزی ونان به هر حال می رسد زندگی زن و فرزندان شان را تباہ می کنند .

شاه بی بی می گوید : بسیاری از زنان بلوچ این روزها ترجیح می دهند چنین مشکلاتی را تحمل نکنند و به زندگی شان پایان دهند او از قوم و خویشی یاد می کند که به دلیل ازدواج با مردی دو زنه به زندگی اش پایان داد .

مهناز هم از زنی که در همسایگی شان زندگی می کرده و به دلیل یک ازدواج اجباری در حمام خانه شان خودسوزی کرده سخن می گوید : دخترک سه ماه پس از ازدواج اجباری با شوهرش به خانه پدرش پناه آورد اما پدر دختر مدام به او می گفت به خانه ات برگرد دختر هم به جای بازگشت به خانه شوهری که دوستش نداشت خود را کشت .

سکوت جان بی بی که با چشمهای مضطربش همچنان به سخنان دیگران گوش می دهد هنوز ادامه دارد . می

پرسم : جان بی بی خانم شما نمی خواهی از مشکلاتت بگویی ؟
با چشمانی اشکبار می گوید : چه بگویم خانم! من که زندگی ندارم فکر سیر کردن شکم هشت فرزندم راحت نمی گذارد چهار فرزندم را از مدرسه بیرون آوردم تا کار کنند اما حالا دست پسر بزرگم که روزنامه می فروخت شکسته و نمی دانم با مخارج آن چه کنم . یک سالی هم هست که کمیته امداد هیچ کمکی به من نمی کند .

خانم اربابی در گوشم زمزمه می کند که جان بی بی به شدت بیمار است اما به دلیل ویزیت گران حتی قادر نیست به پزشک مراجعه کند .
به جای خالی دندانهای این زن ۳۲ ساله نگاهی می اندازم زنی که بیش از هر چیز این روزها به دنبال یافتن یک شغل است . او از کار کردن در خانه های مردم در آمد کافی به دست نمی آورد و مراجعه هایش به سازمان بهزیستی و کمیته امداد برای یافتن یک شغل مناسب نیز تاکنون ثمری نداشته است .
اربابی می گوید : بارها برای ایجاد اشتغال به ویژه برای زنان که مهم ترین نیاز زندگی شان محسوب می شود به مراکز مختلف مراجعه کرده ایم اما هرگز جوابی نگرفته ایم .
جان بی بی آه بلندی می کشد: من درباره زندگی ام سخن نگفتم چون گفتن بدبختی هایم کتابی را پر خواهد کرد که کسی حوصله شنیدن یا خواندنش را نخواهد داشت .

50 - اخراج 5 کارگر ایران خودرو :

اژانس ایران خبر در تاریخ 6 مهر 87 گزارش می دهد : ایران خودرو 5 کارگر این شرکت در سایت 2 ایتکو پرس را اخراج کرده است. این کارگران به صورت قراردادی و با قرارداد « سفید امضا » کار می کرده اند. این کارگران 4 تا 5 سال سابقه کارکردن و استنثار شدن در این تراست عظیم اتوموبیل سازی را دارند. سرمایه داران ایران خودرو دلیل اخراج این کارگران را مطابق عرف طبقاتی خود و به روال کار دولت های سرمایه « ایجاد اعتشاش در محیط کار »!! و « بی نظمی و نافرمانی »!! اعلام کرده اند. سرمایه داران منظور خویش از این اتهامات و فرمول بندی ها را بسیار صریح توضیح داده اند. در سایت 2 ایتکو پرس بیش از 400 کارگر در چهارچوب قراردادهای جنایتکارانه « سفید امضا » استنثار می شوند. این کارگران در سه شیفت کار شبانه روزی کارخانه کار می کنند و در بدترین و حادثه زاترین و فرساینده ترین شرایط کاری استنثار می شوند. 5 کارگر اخراجی به این جنایت کارفرمایان اعتراض کرده و خواستار الغای قراردادهای موقت و کاهش فشار کار و استنثار کارگران بوده اند. کارفرمایان این اقدام کارگران را اغتشاش در محیط کار اعلام کرده و دست به اخراج این 5 کارگر زده اند. حرف صاحبان سرمایه مطابق معمول این است که هر نوع اعتراض علیه هر سطح از توحش و جنایت سرمایه یا هر میزان تشدید استنثار نیروی کار توسط سرمایه در هر حال اقدام علیه امنیت سرمایه و طبقه سرمایه دار است.

6 مهر 87

51- کارگران ایران خودرو در آستانه بزرگترین اجتماع کارگری

اعلامیه ی جمعی از کارگران ایران خودرو

شنبه ۶ مهر ۱۳۸۷ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸

جمعی از کارگران ایران خودرو در ارتباط با وقایع اخیر این شرکت اعلامیه ای منتشر کرده اند که در آن چنین آمده است:

برای رسیدن به خواسته های خود نه فریب می خوریم و نه کوتاه می آیم
آگاهی اتحاد و تشکل رمز پیروزی ماست
هر گونه اخراج کارگران را محکوم می کنیم
امنیت شغلی حق مسلم هر کارگر است

دوستان و همکاران گرامی

بنابر گزارشهای رسیده مدیریت تصمیم گرفته است که در آستانه عید فطر به یکی از قول های داده شده در اعتصاب ۱۰ تیر وفا کرده و با برگزاری یک اجتماع بزرگ، به ۱۰ هزار نفر از کارگران ارتقاء شغلی - که یکی از خواسته ای اصلی ما کارگران برای افزایش حقوق ها بود - بدهد.

ما تصمیم مدیریت را به فال نیک گرفته و خواهان بر آورده ساختن این تصمیم هستیم. ولی در این مورد سوال می کنیم چرا برای ۱۰ هزار نفر؟

آیا مگر ایران خودرو فقط ۱۰ هزار نفر کارگر دارد پس بقیه هیچ حقی در این افزایش حقوق ندارند؟

نه دوستان! افزایش حقوق باید شامل همه کارکنان ایران خودرو چه کارگر و چه کارمند چه رسمی و چه غیر رسمی و چه پیمانکار و چه روز مزد، شود. همانطوریکه اطلاع دارید کارگران شرکتهای پیمانکاری و روزمزد گروه شغلی ندارند پس چطور می توانند ارتقاء شغلی بگیرند؟

نه دوستان! ما خواستهای خود را در ۱۰ تیر اعلام کرده و روی آنها پافشاری می کنیم. اعتصاب ما فقط برای ارتقای یک گروه شغلی نبود.

ما فریب نمی خوریم و اجازه نمی دهیم اجتماع ما کارگران کلاه تبلیغاتی برای دیگران باشد. ما روی خواسته های تصویب شده ۱۰ تیر می ایستیم و کوتاه هم نمی آیم.

اولین خواست ما خروج نیروهای نظامی و حراست از سالنها می باشد. تا زمانی که جو پادگانی در شرکت حاکم است کارگران نمی توانند حرفهای خود را بزنند.

دوم خواست اساسی ما ایجاد تشکل آزاد و مستقل است. دوستان تا ما تشکل نداشته باشیم نمی توانیم حرفهای خود را بزنیم و کسی هم به حرفهای تک تک ما توجه نخواهد کرد و اگر کسی هم حرف زد کارش با حراست است، ولی تشکل می تواند به نمایندگی از ما کارگر ان هم حرف بزند و هم در رسیدن به خواسته هایمان به ما کمک کند.

ما از مدیریت می پرسیم چرا اجازه برگزاری انتخابات را نمی دهد؟ طبق کدام قانون ایجاد تشکل برای بیش از ۴۵ هزار کارگر غیر قانونی است؟

آقای باقری معاون منابع انسانی شرکت می گوید کارگران برای بیان خواسته هایشان از مجرای قانونی استفاده کنند،

ما می پرسیم آقای باقری مجرای قانونی کدام است؟

در شرکتها و کارخانجات، کارگران فقط از طریق تشکلهای خود می توانند حرفهای خود را بزنند. ما خواهان ایجاد تشکل هستیم و آقای باقری باید در این اجتماع به ما بگوید چرا جلو ایجاد تشکل را گرفته است.

سومین خواسته اصلی ما امنیت شغلی است. وجود شرکتهای پیمانکاری و وجود قراردادهای موقت، امنیت شغلی ما را تهدید می کند. ما هیچ امنیت شغلی نداریم. روزانه ده ها تن از دوستان کارگر به بهانه های مختلف اخراج می شوند. به این وضعیت باید خاتمه داده شود. شرکتهای پیمانکاری باید منحل شوند. کارگران اخراجی باید سر کار برگردند و همه کارگران قراردادی استخدام شوند.

دوستان و همکاران گرامی!

ما یکبار دیگر اهم خواستهای خودمان را که در اعتصاب ۱۰ تیر آن را تصویب کرده ایم اعلام می کنیم و به مدیریت می گوئیم ما فریب ارتقاء یک گروه شغلی را نمی خوریم، ما خواهان بر آورده ساختن خواسته های خود هستیم که در اعتصاب ۱۰ تیر اعلام کردیم.

خواستهای کارگران ایران خودرو:

- ۱- آزادی تشکلهای کارگری، عدم ورود حراست به سالنها
- ۲- لغو اضافه کاری اجباری و برداشتن سقف اضافه کار عادی
- ۳- افزایش حق آکورد (حق بهره وری)
- ۴- افزایش حقوق ها متناسب با افزایش قیمت ها در کشور
- ۵- بازگشت کارگران اخراجی و لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران
- ۶- جلوگیری از گسترش شرکت های پیمانکاری و انتقال کارگران آن به خود شرکت
- ۷- شرکت نمایندگان کارگران در کمیته مشاغل طبق بندی
- ۸- شرکت نمایندگان کارگران در کمیته تشخیص کارهای سخت و زیان آور
- ۹- کاهش فشار کاری با استخدام نیروهای جدید
- ۱۰- آزادی تحصیل و لغو بخشنامه محدودیت ادامه تحصیل

52- افق اقتصادی شدید ایران در سه سال آینده :

به گزارش رادیو آلمان در تاریخ 6 مهر 87 آمده است : کارشناسان گفته های رئیس جمهور ایران در باره رشد سرمایه گذاری خارجی در ایران را به دیده تردید می نگرند و می گویند، با روندی که در ایران آغاز شده، افق رشد اقتصادی اصلا امیدوارکننده نیست.

محمود احمدی‌نژاد در هفته‌ی دولت، گزارشی از موفقیت‌های اقتصادی ایران در زمینه‌ی جلب سرمایه‌های خارجی در ایران ارائه داد و گفت: سیل سرمایه‌های خارجی به سمت داخل کشور از رشدی تصاعدی برخوردار است. به گفته‌ی آقای احمدی‌نژاد، حجم این سرمایه‌ها در دوره‌ی سه ساله‌ی ریاست جمهوری او، ۳۰ میلیارد دلار بوده است. کارشناسان به این رقم با دیده‌ی تردید می‌نگرند و می‌گویند، با روندی که در ایران آغاز شده، افق رشد اقتصادی اصلاً امیدوارکننده نیست و در سه سال آینده احتمالاً با افتی شدید همراه خواهد بود.

روزنامه‌ی کارگزاران، با استناد به گزارش آنکتاب از سرمایه‌گذاری جهانی در سال ۲۰۰۸ و نیز سخنان معاون وزیر اقتصاد و رییس سازمان سرمایه‌گذاری خارجی نوشته است که آمارها با ادعای آقای احمدی‌نژاد مغایرند و بنا بر گزارش آنکتاب، حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ۱۸ سال اخیر در ایران، تنها ۵،۲۹ میلیارد دلار بوده است. دویچه وله در رابطه با میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سه ساله اخیر، گفت‌وگویی داشته است با دکتر مهرداد عمادی متخصص امور سرمایه‌گذاری در اتحادیه اروپا و از مشاوران مسایل پولی و بانکی این اتحادیه.

دویچه‌وله: سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در ایران چه مسیری را در این سه سال طی کرده و الان در چه وضعیتی قرار دارد؟

مهرداد عمادی: در این سه سال سرمایه‌گذاری خارجی بدون تشویق و تضمین بانک مرکزی ایران به شدت رو به کاهش بوده است. ما حتا می‌بینیم در بخش انرژی و نفت و گاز علی‌رغم پارانها و سوبسیدهایی که دولت ایران حاضر شد بدهد، نتوانست پروژه‌هایی که با ترکیه و با روسیه در حوزه‌ی پارس ۲ می‌خواست شروع کند، وارد عملیات سرمایه‌گذاری کند. اخیراً (در شش ماه اخیر) دولت در مواردی موفق به جذب شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران شده، که حاضر شده است تضمین صددرصد به اضافه‌ی یک درصد ریسک به این شرکت‌های خارجی بدهد، که شرکت‌های خارجی اگر شامل محدودیت‌ها و محاصره‌های اقتصادی غرب و بخصوص آمریکا شدند و ضررهایی از فعالیت‌هایشان در غرب دیدند، آن اضافه بر صددرصد در حقیقت جبران ضررهایی شود که ممکن است اینها در بازارهای اتحادیه اروپا و آمریکا ببینند. در مجموع اگر نگاه بکنیم به زیربنای رقیمی که دولت داده و سه مورد سرمایه‌گذاری‌های بزرگی که بوده، در هر سه مورد بانک مرکزی ایران برای شرکت‌های خارجی تضمینهای صددرصد داده است، که این خودش نشان‌دهنده‌ی عدم تمایل شرکت‌های خارجی است که مشارکت ریسک را به‌طور همسان با همتای ایرانی خودشان پذیرا باشند.

دویچه‌وله: در صورتی که شرکت‌های خارجی با وجود چنین تضمینی حاضر بشوند در ایران سرمایه‌گذاری بکنند، ضرر آن برای چه خواهد بود؟

مهرداد عمادی: ایران دو ضرر عمده از این مسئله خواهد دید. یکی این که ما عمدتاً در مورد کشورهایایی مثل ایران، کره جنوبی یا سنگاپور دیده‌ایم که موفق‌ترین سناریوی انتقال تکنولوژی این بوده که ما به اصطلاح یک شریک خارجی پیدا کرده‌ایم و این شریک خارجی تکنولوژی‌اش را به کارخانجات و واحدهای تولیدی‌اش در داخل ایران انتقال داده است. از این طریق هم مهندسی و کارگران ایرانی آموزش دیده‌اند و هم یک مقدار بازارهای خارجی یا بازارهای صادراتی را به روی کالاهای ایرانی باز کرده است. هرگاه ما نتوانیم این انتقال تکنولوژی را از سرمایه‌گذاری مشترک انجام بدهیم، دولت ایران مجبور خواهد بود این تکنولوژی را به صورت عاریتی بخرد. و این یعنی انتقال بسیار محدود و کند تکنولوژی. از این نظر انتظاری که در مورد ایران می‌رود این است که رشد صنعتی و بخصوص رشد پروژه‌ی صنعتی ایران در سالهای اخیر و سالهای آینده، بسیار بسیار پایین‌تر از آن حدی باشد که در برنامه‌های اقتصادی ایران پیش‌بینی شده بود.

دویچه‌وله: این رشد اقتصادی، گذشته از آنکه تحت تاثیر سیاست‌های اقتصادی و سیاسی دولت ایران است، تا چه اندازه ممکن است تحت تاثیر بحران مالی جهانی قرار گیرد و شرکت‌های خارجی تا چه اندازه می‌توانند این بحران را به ایران منتقل کنند؟

مهرداد عمادی: در کوتاه‌مدت صدماتی که اقتصاد ایران از بحران مالی خواهد دید محدود است. بخاطر این که اقتصاد ایران عمدتاً بر نفت استوار است و قراردادهای عمده‌ی انرژی ایران در حال حاضر با هند،

چین و کشورهای شرق و غرب و آسیاست. از این نظر ایران شاید کمتر در میان مدت تاثیر بگیرد. ولی در درازمدت آن اثر منفی را خواهیم دید. اینجا شرکتهای خارجی نقش بسیار بسیار عمده‌ای که خواهند داشت این است که بخاطر بالارفتن ریسک در سیستم پولی، بانکی جهانی، تمایل به مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، بخصوص در بخش انرژی در ایران، بسیار ضعیف خواهد شد و از این نظر رشد صنایع انرژی ایران که به عنوان مرکز و منبع جهش اقتصادی در دهسال آینده پیش‌بینی شده است، هم بسیار کند خواهد بود و هم بسیار پرهزینه. برای این که با توجه به بالارفتن ریسک در سیستم بانکی جهانی برای دولت ایران بسیار مشکل خواهد بود که با توجه به محاصره‌های اقتصادی که در حال حاضر شامل آنهاست، بتواند شرکتهای خارجی را ترغیب کند که اینها وارد پروژه‌های درازمدت در ایران شوند و در نهایت افق رشد صنعتی و رشد اقتصادی در ایران در حال حاضر اصلاً امیدوارکننده نیست و انتظار می‌رود در حدود سه سال آینده رشد اقتصادی ایران چیزی در حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش پیدا بکند.

مصاحبه‌گر: مریم انصاری

53- تجمع اعتراضی کارگران سراب بافت :

کارگران کارخانه سراب بافت صبح روز شنبه 6 مهرماه 87 در مقابل مجلس اسلامی سرمایه دست به اجتماع زدند و تلاش کردند تا اعتراض خود علیه کارفرمایان را به گوش نمایندگان این مجلس برسانند. آنان 14 ماه است که در بلاتکلیفی به سر می‌برند و 17 ماه تمام است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. کارگران خواستار تضمین اشتغال خویش و پرداخت تمامی حقوق معوقه خود هستند.

6 مهر 87

54- تجمع کارگران اخراجی در برابر مجلس :

به گزارش ایلنا در تاریخ 6 مهر 87 آمده است : تعدادی از کارکنان اخراجی شرکت سراب بافت صبح امروز شنبه مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. کارگران شرکت سراب بافت علت تجمع خود را اعتراض نسبت به آنچه سهل انگاری و ضعف مدیریت کارفرما می‌خواندند، عنوان نمودند. تجمع کنندگان در پلاکاردهایی که به همراه داشتند عنوان کرده بودند که به مدت 14 ماه بلاتکلیف بوده و 17 ماه حقوق معوقه طلب دارند. آنها از اعضای خانه ملت می‌خواستند تا با اصلاح قانون کار و نظارت بر حسن اجرای آن مانع از تکرار اینگونه مشکلات و تداوم آن شوند.

55- کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتصاب اخیر خود، به بخش مهمی از خواست هایشان خود دست یافتند :

در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه 3 و 4 مهرماه، کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برای دستیابی به خواسته‌های خود همچون پرداخت حقوق و مزایای دو ماهه‌ی گذشته و پرداخت هزینه‌هایی چون غذا، حق مسکن، رفت و آمد، حق همسر و فرزندان و برقراری طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب زدند. کارگران در این اعتصاب پیروزمندانه موفق شدند و در این اعتصاب 2 روزه به بخش مهمی از خواست‌های خود رسیدند:

- 1- کمک هزینه‌ی خوراک روزانه از مبلغ 500 تومان به 1500 افزایش یافت.
 - 2- کمک هزینه‌ی سختی محیط زیست ماهیانه از 2500 تومان به 10000 تومان افزایش یافت.
 - 3- کمک هزینه‌ی ایاب و ذهاب از 24000 تومان به 41700 تومان افزایش یافت.
 - 4- حق همسر و فرزندان از 2000 هزار تومان به 13720 تومان افزایش یافت.
 - 5- جیره‌ی 39 عدد دفتر و خودکار برای فرزندان دانش آموز کارگران که در مهر ماه سال گذشته مدیریت حاضر به تحویل آن نشده بود.
 - 6- آزادی دو تن از فعالین کارگری هفت تپه.
- کارگران در جریان این اعتصاب در واکنشی تحسین برانگیز از اعتصاب و تجمع کارگران کاغذ سازی پارس حمایت کردند.

در ارتباط با پرداخت حقوق و مزایای ماه‌های مرداد و شهریور، از طرف مدیریت به کارگران گفته شد که حقوق معوقه‌ی آنان حتماً تا قبل از عید فطر پرداخت خواهد شد. نمایندگان کارگران برای دستیابی به دیگر

خواست های خود، با مدیریت در حال مذاکره می باشند.

لازم به ذکر است که فریدون نیکوفرد و بهروز نیکوفرد دو تن از فعالین کارگری که در روز سه شنبه 2 مهر ماه به ترتیب در سر کار خود و منزل شان دستگیر شده بودند، پس از چندین ساعت بازجویی آزاد شده‌اند. گفته می‌شود که علت دستگیری‌های اخیر تحرکاتی بوده است که کارگران برای تدارک مجمع عمومی تشکل مستقل خود داشته‌اند.

ما اعضای کمیته‌ی هماهنگی، این پیروزی را به کارگران هفت تپه صمیمانه تبریک گفته و آرزو مندیم، در آینده ای نزدیک شاهد برپایی تشکل مستقل و آزاد هم طبقه های خویش در شرکت نیشکر هفت تپه باشیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

1387/7/5

56- گزارشی از وضعیت آموزش و پرورش شهر آبادان :

به گزارش کانون صنفی معلمان تهران (طیف صنفی) در تاریخ 6 مهر 87 آمده است : من یکی از معلمان آبادان هستم، امیدوارم از طریق این وبلاگ و دادن این خبر به مسئولین بتوانم به معلمان، دانش آموزان ، اولیای دانش آموزان و کارکنان آموزش و پرورش آبادان کمکی کرده باشم، پیشنهاد می دهم مسئولین وزارت یا سازمان آ.پ خوزستان دست کم یکبار هم شده از وضعیت آموزش و پرورش شهر ما دیدن کنند. اما بطور خلاصه می توانم برای آنان گزارشی به شرح زیر ارائه دهم:

اکنون 6 روز از ماه مهر گذشته است، مدارس شهر آبادان هنوز سازماندهی نشده اند، مردم آبادان برای نام نویسی فرزندان خود بایستی راه مدرسه، منزل و آموزش و پرورش رادر گرمای طاقت فرسا و گرانی کرایه ی تاکسی و مشکلات زندگی خود چندین و چندبار طی کنند، راهروی اداره ی آموزش و پرورش و مدارس آبادان لبریز از جمعیت اولیایی است که برای نام نویسی فرزندان خود مراجعه کرده اند، اما نتوانسته اند که فرزندان خود را نام نویسی کنند.

آموزش و پرورش آبادان آمار دقیقی از تعداد معلمان و دانش آموزان شهر ندارد، سردرگم است که با این اوضاع آشفتنه چه کند، چندین مدرسه منحل اعلام شده است، از طرفی کمبود شدید معلم در برخی رشته ها آزار دهنده است، برخی مدارس بر غم اعلام مسئولین مبنی بر پایان تعمیر مدارس کشور، در آبادان هنوز بسیاری از مدارس ریخت و پاش و ساخت و ساز و تعمیر ادامه دارد. معلمان نگران گرفتن اضافه کاری برای خرج زندگی در سال آینده، پرداخت نشدن اضافه کاری های سال گذشته، مطالبات یارانه ی مسکن، یکماه مرخصی مناطق محروم و ... هستند، معلمانی که از شهرهای دیگر برای تدریس آمده اند، با کمبود جا روبرو هستند، مردم و معلمان و دانش آموزان تاکنون در هیچ سالی با چنین بحرانی روبرو نبوده اند. از مسئولین خواهشمندیم برای نجات مردم آبادان کاری بکنند.

57- میزان 74 درصد زنان آسیب دیده اجتماعی بیکارند :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ شنبه 6 مهر 87 آمده است : بر اساس پژوهش سازمان بهزیستی در بررسی وضعیت زنان آسیب دیده اجتماعی پذیرش شده در مراکز بازپروری، 74 درصد از آنها به هیچ کاری اشتغال نداشته و بیکار بوده اند و بیکاری یکی از دلایل موثر در آسیب پذیری آنها بوده است. در این پژوهش که توسط منیره اسماعیل کوره پز رئیس گروه دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور و روح انگیز کاووسی روان شناس این دفتر انجام شده، ویژگی های دختران و زنان آسیب دیده اجتماعی که در سال های 83 تا 85 در مراکز بازپروری بهزیستی پذیرش شده اند، مورد بررسی قرار گرفته است.

این دو محقق داده های 21 مرکز (19 استان) را جمع آوری کرده و مورد مقایسه و تحلیل قرار داده اند و به این نتیجه رسیده اند که در سال 85 ، 74 درصد مراجعان به مراکز بازپروری، بیکار بوده اند. از طرف دیگر، بیشتر افراد مراجعه کننده به این مراکز، افراد بی درآمد بوده اند به طوری که 34 درصد آنها هیچ درآمدی نداشته اند و مشغول به کار نبوده اند، 30 درصد آنها هم درآمدی تا 100 هزار تومان داشته اند. بنابراین بیشتر این زنان آسیب دیده اجتماعی یا درآمدی نداشته اند یا درآمدشان زیر 100 هزار تومان بوده و آسیب پذیری آنها نشانگر تبعات منفی ناشی از فقدان درآمد یا نداشتن درآمد مکفی بوده است. تعداد افراد مراجعه کننده بی درآمد و با درآمد کمتر از 100 هزار تومان طی سال های 83 تا 85 رو به رشد

بوده و رشد قابل توجه مربوط به گروهی است که اشتغال موقت داشته اند که در این سال ها تعداد این افراد 365 درصد رشد داشته است.

در مقابل تعداد افرادی که درآمد 300 هزار تومان به بالا داشته اند، طی این سال ها 85 درصد کاهش داشته است.

نوع مراجعه افراد به مراکز بازپروری در بیشتر موارد از طریق قوه قضائیه یا نیروی انتظامی بوده، اما افرادی هم به صورت خودمعرف به این مراکز مراجعه می کنند. نکته قابل توجه در این سال ها کاهش 60 درصدی مراجعه به صورت خودمعرف بوده است و از آنجا که مراجعه خدمت گیرندگان به صورت خودمعرف اهمیت خاص دارد، رشد منفی این نوع مراجعه باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، بیشتر مراجعان به این مراکز (51 درصد) زنان بدسرپرست و بی سرپرست بوده اند و در بین سال های 83 تا 85 تعداد مراجعه کنندگان خودسرپرست هم 34 درصد رشد نشان داده است. وضعیت تاهل مراجعه کنندگان هم نشان می دهد 52 درصد آنها مجرد بوده اند. در این دوره سه ساله میزان مراجعه افراد مجرد رشد 27 درصدی داشته است. در مقابل تعداد مراجعانی که همسر خود را از دست داده بودند، از همه کمتر بوده است.

اما نکته قابل توجه افزایش مراجعان همسر از دست داده با رشد 85 درصدی است. تعداد مراجعه افرادی که متارکه کرده اند، نیز 15 درصد کاهش داشته است.

سن مراجعه کنندگان هم گویای آن است که 30 درصد آنها 18 تا 20 سال سن دارند و 27 درصدشان هم 21 تا 26 ساله بوده اند. آنچه مهم است تغییراتی است که در گروه سنی تا 15 سال به وجود آمده است. طی این سال ها میزان مراجعه گروه سنی 15 سال، 36 درصد رشد داشته که مساله قابل تعمقی است.

در مورد میزان تحصیلات مراجعه کنندگان هم می توان گفت 30 درصد آنها تحصیلات ابتدایی و 31 درصد تحصیلات دوره راهنمایی داشته اند. به غیر از افراد بی سواد و افرادی که مدرک لیسانس دارند، تعداد افرادی که در تمام سطوح تحصیلی بوده اند رو به رشد بوده و از همه بیشتر رشد مثبت مقطع تحصیلی دانشجو با رقم 367 درصد، رشد قابل ملاحظه ای است که در واقع زنگ خطری هم محسوب می شود.

در مورد بومی بودن یا نبودن این افراد هم باید گفت در سال 85، 53 درصد آنها بومی-شهری بوده اند و کمترین رقم به افراد غیربومی-روستایی اختصاص دارد. اما میزان رشد رو به افزایش 28 درصد افراد بومی-شهری در این سه سال قابل توجه است.

به این ترتیب بیشترین مراجعان این مراکز بومی-شهری بوده و برای بار اول در این مراکز پذیرش شده اند. از نظر شیوع بیماری های جسمی در افراد مراجعه کننده در سال 85، بیماری هیپاتیت و اچ آی وی ایدز در میان مراجعه کنندگان 100 درصد رشد داشته که این هم رقم نگران کننده ای است و نیاز به تدابیر خاصی دارد.

از طرف دیگر بیشتر زنان مراکز بازپروری در دوران کودکی، آزار را به انواع مختلف تجربه کرده اند که اشکال آن متفاوت و بیشترین نوع آزار به صورت آزار جسمانی بوده است. آزمون شخصیت از مراجعه کنندگان به این مراکز هم نشان می دهد اختلالات افسردگی ضعیف و شدید در مقایسه با اختلالات دیگر در میان این افراد بیشتر شیوع داشته است.

از سوی دیگر بیشتر مراجعه کنندگان سابقه هم جنس گرایی نداشته اند اما در زندان آن را تجربه کرده اند که لازم است به این موضوع هم توجه شود.

از نظر اعتیاد به مواد مخدر نیز بیشتر مراجعه کنندگان سابقه اعتیاد نداشته اند و تنها هشت درصد آنها به تریاک و شیره اعتیاد داشته اند که آن هم به خاطر سهل الوصول بودن آن است اما آنچه نگران کننده است، رشد مثبت یا رو به افزایش استفاده از هروئین به میزان 110 درصد و داروهای توهم زا با 100 درصد و الکل با 70 درصد است. در نهایت 51 درصد از افراد در مراکز بازپروری یا به خانواده بازگردانده می شوند یا به مراکز بهزیستی و بقیه آنها زندگی مستقلی را در پیش می گیرند.

58 - ادامه مبارزات رانندگان کامیون :

رانندگان کامیون در اهواز به مبارزات خود ادامه می دهند. در خبرهای قبلی گفتیم که 1700 کارگر راننده در اعتراض به تنزل سطح دستمزدهایشان دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. ماجرا از آن جا آغاز شده است که سرمایه داران صاحب شرکت های حمل و نقل و شرکای دلال آن ها برای افزایش نرخ سود سرمایه های خود تعرفه موسوم به « حق کمیسیون » را به صورت شگفت انگیزی بالا برده اند. معنای مستقیم این کار آن است که کارگران در قیاس با سابق بخش بیشتری از مزدهای خویش را به دلالان و مالکان شرکت ها پرداخت می کنند. بیش از 1700 کارگر راننده در اعتراض به این اقدام سرمایه داران و دولت آن ها از چند روز پیش دست از کار کشیدند و هر نوع حمل و نقل کالا را متوقف کردند. نهادهای دولتی سرمایه در این چند روز تلاش بسیار وسیعی را آغاز کردند تا رانندگان را به شکستن اعتصاب و بازگشت به کار متقاعد سازند. آخرین خبرها حاکی است که طرفندهای دولتمردان و مسئولان نهادهای دولتی تا حدودی بر اراده کارگران اثر گذاشته

است و درصد قابل توجهی از آنان به اعتصاب خود پایان داده اند. با همه این ها بیش از 60% کارگران راننده همچنان در اعتصاب به سر می برند. آنان اعلام کرده اند که تا الغای کامل تصمیمات جدید صاحبان سرمایه و کاهش حق کمیسیون شرکت های باربری به مبارزه ادامه خواهند داد.

6 مهر 87

59 - حدیث تلخ زندگی يك کارگر:

به نوشته وبلاگ " انجمن کارگران برق و فلز کار کرمانشاه " من يك کارگر هستم ولی کارگر صفر، کارم این است که آجر می‌دهم دست بنا یا اینکه در میدان می ایستم، تا يك نفر بیاید و ما را برای کار ببرد. من کارگر روز مزد هستم 7 هزار تومان روزانه دریافت میکنم

بیمارم ولی خرج درمان ندارم به همین خاطر مجبورم سر کار بروم از هفت صبح میروم تا 5 بعداز ظهر کار میکنم.

بیماریم اجازه نمیدهد بیشتر کار کنم، به همین خاطر همیشه نمیتوانم سرکار بروم، يك روز در میان سر کار میروم.

من در ده زندگی میکنم نه کشاورزی دارم و نه این که يك اتاق دارم که در آن زندگی کنم، با سه تا بچه که حتی توان تامین کوچکترین چیزها را برای آنها را ندارم. الان ماه رمضان است من تا حالا نتوانستم يك كيلو گوشت برای آنها بخرم. در حال حاضر بچه ها هم روزه هستند و ضعیف شدند. نیاز به گوشت یا شیرینی و میوه دارند و لی يك كيلو گوشت 6 تا 7 هزار تومان است من ندارم که برای آنها بخرم گرانی بیداد میکند. همیشه که بچه ها را قانع کنیم. يك روغن 5 کیلویی ده هزار تومان خریدیم، حالا ده هزار تومان گوشت بخر، ده هزار تومان مرغ و ده هزار تومان يك چیز دیگه ...

ما واقعا زجر میکشیم و فقط من هم نیستیم بلکه خیلی از کارگران مثل من هستند. در زنجان، در خدابنده، در قیدار، در ده ما ... دهی که من در آن زندگی میکنم 5 کیلومتر از شهر فاصله دارد، در شهر نمیتوانیم زندگی کنیم 1 میلیون پول پیش با 70 تا 80 هزار تومان باید برای کرایه خانه بدهیم، من ندارم که بدهم به همین خاطر در ده زندگی میکنیم.

60- کارگران اتحاد، اتحاد، اتحاد، از اعتصاب کارگران لاستیک البرز حمایت می کنیم:

همکاران و هم طبقه ای های ما در کارخانه لاستیک البرز نزدیک به سه ماه است در اعتصاب بسر می برند. این دوستان مدت پنج ماه است همچون ما کارگران نساجی کردستان و پرریس و فرش غرب بافت و کارگران دهها و صدها کارخانه دیگر در شهر صنعتی قزوین و شمال و جنوب کشور دستمزدی دریافت نکرده اند.

این وضعیت در پرداخت دستمزدها در شرایطی بر ما کارگران تحمیل شده است که تورم و گرانی مایحتاج زندگی بیداد میکند و ما درمانده تر از همیشه برای گذران زندگی دست و پا می زنیم. ما شرمنده همسر و فرزندان خود هستیم و تالمات روحی جانکاه و جبران ناپذیری تمام هستی ما را در خود فرو برده است. فرزندان خرد سال مان هر روزه شاهد دستان خالی ما هستند و حسرت نگاه شان چونان تیری کشنده قلب ما را می شکافد.

اما انگار نه انگار که صدها هزار خانواده کارگری و فرزندان خردسال شان در این کشور، در جهنمی به نام زندگی در حال له شدن زیر پنجه های فقر، و تبعات خرد کننده روحی ناشی از آن هستند.

دوستان و همکاران گرامی در کارخانه لاستیک البرز

راستش، این وضعیت تا کنون دل هیچ مسئولی را بدر نیآورده است، نه تنها بدر نیآورده است بلکه ادارات کار و سایر نهادهای مسئول با سردواندن ما و بند و بست های اینجا و آنجا با کارفرمایان، خود شریک برپایی

چنین جهنم طاقت فرسایی برای ما و خانواده هایمان بوده اند. این وضعیت تمام روزه های احتمالی برون رفت از اخراجها، دستمزدهای زیر خط فقر و عدم پرداخت آنها را بر روی ما بسته و هیچ راهی جهت خلاصی از آن برایمان باقی نگذاشته است، مگر نیروی متحدان.

اتحاد و تشکل ما تنها ضامن پایان دادن به این زندگی فلاکت بار است و ما با حمایت قاطعانه از اعتصاب شما، شما هم طبقه ای هایمان را در لاستیک البرز، نیشکر هفت تپه، ایران خودرو، شهر صنعتی قزوین و ساوه و... به اتحاد و یکپارچگی برای رسیدن به خواست هایمان دعوت می کنیم.

دوستان! درد ما یکی است و راه خلاصی از آن نیز یک راه بیشتر ندارد: **اتحاد، اتحاد، اتحاد**

مجمع عمومی نماینده های کارگران نساجی کردستان، کارخانه شاهو، شرکت ریسندگی پریس و شرکت فرش ماشینی غرب بافت

1387/7/6

منتشره از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران

61- گفتگو با همسر منصور اسانلو رییس سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی:

وضعیت وخیم اسانلو در زندان

به گزارش سایت (شهرگان/مسعودباستانی) در تاریخ 6 مهر 87 آمده است: اسانلو را با دستبند به بیمارستان آوردند شاید این روزها رنجنامه همسران و نزدیکان افرادی که به خاطر ابراز عقیده و یا فعالیت های اجتماعی و مدنی در زندان به سر می برند از ماجرای زندانیان سیاسی و وضعیت آنها در دوران حبس دردناک تر و یا حتی شنیدنی تر است.

در حالی که این افراد در زندان حضور دارند اعضای خانواده آنان فارغ از هرگونه گرایش سیاسی و اجتماعی و یا بدون هیچ گناه و یا اقدامی باید برای آزادی و یا رسیدگی به پرونده عزیزانشان تلاش کنند. اعضای خانواده تنها به خاطر ارتباط عاطفی با بستگان نزدیک در کنار وکلای آن فرد، در جریان پرونده قرار می گیرند و گام به گام شاهد روند محکمه و یا مجازات آنان هستند و در این مسیر با ناملایمات و حتی مشکلات و سختی هایی مواجه می شوند که شرحی مفصل دارد و خود دفتتری دیگر است. پروانه اسانلو همسر منصور اسانلو یکی از همسرانی است که در طول مدت فعالیت شوهرش در سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد تهران، همواره در نقش بانویی صبور و بردبار مشکلات و سختی های راه را بر دوش کشیده است.

او می گوید که در حال حاضر همسرش مدت 25 ماه متوالی در حبس به سر می برد و این بار به رغم وضعیت جسمی خطرناک و نامساعد اسانلو تاکنون به وی مرخصی درمانی داده نشده است. پروانه از مشکلات زندگی شخصی می گوید ولی تاکید می کند که از شوهرش گلایه ای ندارد، زیرا او تنها برای احقاق حقوق خود و سایر کارگران و در چارچوب قانون فعالیت کرده است. چشمان پروانه سرشار از اضطراب است و اگر چه سعی می کند تا نگرانی را در صورت خسته اش پنهان کند، اما وقتی درباره ناراحتی قلبی و یا بخیه چشم های اسانلو سخن می گوید صدایش می لرزد.

او از رفتار مقام های مسئول گلایه مند است زیرا در تلویزیون دیده است که رئیس جمهوری ایران در پاسخ به خبرنگاران حاضر در نیویورک تاکید کرد که در ایران زندانیان با حضور وکیل مدافع و به صورت علنی محاکمه می شوند ولی در طی این مدت شاهد چنین رفتاری در رابطه با همسرش منصور نبوده است. پروانه می داند مرخصی حق زندانیان است اما معلوم نیست چرا در طول این 25 ماه و حتی علی رغم بیماری و نیاز مبرم به معالجات پزشکی، حتی یک روز هم به همسرش مرخصی درمانی تعلق نگرفته است؟

پروانه با بغض از انتقال همسرش به بیمارستان سخن می گوید و صراحتاً اظهار می کند که نباید در هنگام درمان و یا معاینه پزشکی به او دست بند بزنند و این رفتاری است که اشک را در چشمان او و مادر منصور اسانلو ماندگار کرد.

م. ا

خانم اسانلو بر اساس اطلاعات در هفته گذشته همسر شما را با دست بند و پا بند به بیمارستان آوردند و پس از معاینه پزشکان بلافاصله به زندان باز گردانده شد. لطفا کمی در رابطه با این اتفاقات توضیح دهید؟

- بلی! بالاخره بعد از یک تاخیر چند ماهه، همسر من را در تاریخ 31 شهریور به بیمارستان لیبافی نژاد آوردند. وضعیت انتقال او این بار بی سابقه بود و در ابتدا من و مادرش مشاهده کردیم که اسانلو را با دست بند و پای بند به اینجا آورده اند. این شرایط برای ما خیلی ناراحت کننده بود. البته در ابتدای ورودش به بیمارستان پای بند او را باز کردند تا بتواند راه برود. در طول این مدت یکی از بخیه های چشمش چسبندگی پیدا کرده بود و فشار خونس به شکل بی سابقه ای تا مرز 14 رسیده بود که بخیه کنترل شد و پزشکان داروهای جدید قلب را تجویز کردند. او حدود 2 ساعت تحت معالجه قرار گرفت و بلافاصله به زندان رجایی شهر بازگردانده شد.

نظر پزشکان معالج چه بود؟

- آنها تاکید داشتند که منصور باید به صورت مستمر چکاب شود و بنابر این باید او را در نزدیکی بیمارستان نگهداری کرد. زیرا دو تا از رگ های قلبش مسدود شده است و برای کنترل این عارضه باید در مکانی به دور از آلودگی و استرس نگهداری شود. حتی یکی از پزشکان پس از مشاهده دست بند طی نامه ای از ریاست زندان خواست تا برای جلوگیری از عارضه قلبی از چنین ابزاری که باعث استرس به بیمار می شود استفاده نکنند.

پرسش من این است که چرا چندی پیش آقای اسانلو به صورت ناگهانی به زندان رجایی شهر منتقل شدند؟ به نظرم این انتقالی درست زمانی رخ داد که قرار بود وی به بیمارستان منتقل شود. علت چه بود؟

- به خاطر دارم روز سوم شهریور دقیقاً زمانی که قرار بود او برای معاینه قلبی و چشم به بیمارستان منتقل شود، بدون اطلاع قبلی به زندان رجایی شهر منتقل شد. ما بر اساس قرار منتظر ایشان بودیم و بعد متوجه شدیم که تاخیر کردند. بلافاصله با زندان اوین تماس گرفتم و آنها گفتند که اعزام شده است. بعد از این جریان ما از وضعیت منصور بی اطلاع بودیم تا اینکه خودش در ساعت 8 همان شب با منزل تماس گرفت و گفت که صبح امروز ماموران بدون اینکه خودش را هم در جریان بگذارند، او را به زندان رجایی-شهر منتقل کردند و وقتی هم که خودش اعتراض کرده بود و علت را پرسیده بود تنها جواب داده بودند که ماموریم و مطابق دستور عمل می کنیم. پس از این جریان ما تا سه یا چهار روز نتوانستیم به وی سری بزنیم و همسر من هم نتوانسته بود که لوازم شخصی، لباس زیر و حتی داروهایش را با خود بیاورد. در طی این مدت هم من و خانواده اش تنها چند بار به ملاقات منصور رفتیم و هر بار هم از طریق کابین ملاقات کردیم و از پشت شیشه او را دیدیم.

خانم اسانلو! مسئولان پرونده و مقام های قضایی علت این انتقال و جابجایی را چه طور عنوان کردند؟

- روز چهارم شهریور یعنی یک روز پس از انتقال منصور به زندان رجایی شهر من به همراه مادر و خواهر همسر من به قاضی پرونده اش مراجعه کردیم. ایشان اظهار بی اطلاعی کرد و گفت که در جریان نیست ولی قضیه را پیگیری خواهد کرد. فردای آن روز ما دوباره به دادسرا رفتیم و این بار پس از ساعت ها انتظار آقای قاضی را ملاقات کردیم. ایشان گفت که طبق دستور شورای امنیت استان تهران و سازمان زندان ها این تصمیم گرفته شده است و تنها دلیل هم این بود که آقای اسانلو حرف می زند. من هم گفتم خوب آدم زنده حرف می زند. وقتی شما یک فرد را در زندان نگاه می دارید؛ طبیعی است که او برای اینکه تخلیه شود حرف بزند یا حتی اعتراض کند. ما اعتراض کردیم و یادآوری کردیم که منصور باید برای ادامه درمانش در دسترس باشد و حداقل ماهی یک نوبت چشم او معاینه شود. ایشان هم در باره پیگیری وضعیت درمانی آقای اسانلو به ما قول مساعدت داد و از ما خواست تا طی نامه ای این شرایط را بنویسیم.

با توجه به آئین نامه سازمان زندان ها وقتی یک زندانی بیمار باشد و به معالجات پزشکی نیاز داشته باشد.

باید به او مرخصی استعلاجی تعلق گیرد. آیا شما تقاضای مرخصی درمانی را به قاضی ارائه کردید؟

- بلی! ما تا کنون بارها و بارها تقاضای مرخصی استعلاجی کرده ایم. همانطور که می دانید قبلاً هم پزشکی قانونی تایید کرده بود که او باید یک ماه و نیم بیرون از زندان به درمانش ادامه دهد که موافقت نشده بود. آخرین بار که تقاضای مرخصی داشتیم به ما اعلام شد که به هیچ وجه ممکن نیست ولی از نظر درمانی مساعدت خواهیم کرد. ما پرسیدیم چرا به او مرخصی استعلاجی تعلق نمی گیرد؟ و آنها گفتند که بر اساس عرف در داخل زندان مسئولین تشخیص می دهند که چه کسی به مرخصی استعلاجی برود یا نرود!!

به نظر می رسد شما و فرزندانتان در پیگیری کارهای آقای اسانلو تنها مانده اید و باید علاوه بر تحمل مشکلات زندگی برخی از فشارهای مضاعف را هم تحمل کنید. آیا وکلای اسانلو و همفکرانش در سندیکا به شما کمک می کنند؟

- من به همراه مادر و خواهر منصور مرتباً به دفتر وکلای سر می زنیم و پرونده را پیگیری می کنیم. اما

واقعیت این است که آنان به جز پرونده منصور کارهای دیگری هم دارند. از سوی دیگر عملا در این پرونده‌ها وکلا را دخالت نمی‌دهند. یعنی وقتی به دادسرا مراجعه می‌کنند با سردی و بی تفاوتی مواجه می‌شوند. ولی آنان تا حد امکان تلاش می‌کنند که از ایشان ممنون هستیم. همکاران و همفکران چه طور؟

- اوایل کارگران سندیکا به ما سر می‌زدند و حال منصور را جویا می‌شدند اما الان مدت یک سال و نیم است که منصور به صورت مداوم در زندان است و کارگران سندیکا و همکاران همسر هم گرفتار هستند. بچه‌های سندیکا گرفتاری‌های اقتصادی دارند و به دنبال یک لقمه نان می‌دوند. واقعا توقعی از آنان نداریم اما ای کاش بیشتر تلاش می‌کردند تا حداقل وضعیت ناگوار رئیس سندیکا به گوش مسئولین قضایی می‌رسید. اسانلو نماینده کارگران است و برای یک کار جمعی فعالیت کرده‌است.

شما یک شهروند ایرانی هستید ولی گویا مشکلات روزمره و گرفتاری‌های مربوط به همسرتان سختی‌ها و محدودیت‌های زیادی را بر شما تحمیل کرده‌است. کمی هم از فشار کار و سختی‌ها بگویید؟

- خودتان بهتر می‌دانید که الان وضعیت طوری است که دو یا سه نفر از اعضای خانواده برای تامین هزینه‌های روزانه کار می‌کنند. ولی من به تنهایی باید بار هزینه‌های زندگی را بر دوش بکنم. همچنین از نظر عاطفی و روحی هم تنها هستم و در این مدت یک سال و نیم که شوهرم در زندان است، مجبورم دو شیفت کار کنم و عملا باید فرصتی را هم که برای پیگیری پرونده همسرم از محل کار مرخصی می‌گیرم جبران شود. الان پسر بزرگ من نامزد دارد و باید او را سر و سامان بدهیم اما من به تنهایی از پس این کار بر نمی‌آیم. پسر دوم من هم در دانشگاه قبول شده است و مشکل تامین هزینه تحصیل او هم اضافه شده است. البته پسرانم بچه‌های بسیار خوبی هستند ولی در این موقعیت یک زن تنها بدون داشتن همسر و حضور وی چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

خانم پروانه اسانلو! می‌خواهم کمی بی‌پرده سؤال کنم. آیا از همسرتان گلایه مند نیستید؟ آیا از او به خاطر این مشکلات شکایتی ندارید؟

- من تنها این را می‌دانم که او به خواست خودش به زندان نرفته‌است و برای دفاع از حقوق خود و همکارانش فعالیت می‌کرده‌است. دفاع از حقوق کارگران زحمت کش جرم نیست. اکنون خود مسئولین هم سفارش می‌کنند که شهروندان از حقوق شهروندی خودشان دفاع کنند. همسرم هیچ کاری بر ضد نظام یا انقلاب و یا امنیت ملی انجام نداده‌است و همه حرکات او کاملا قانونی است. او بیش از دیگران می‌کوشید تا در چارچوب قوانین فعالیت کند.

شما نسبت به انتقال آقای اسانلو به زندان رجایی شهر معترض هستید و تاکید دارید که ایشان باید در بیمارستان و تحت مراقبت باشند. مگر شرایط ایشان در آن زندان چگونه است؟

- اسانلو به هیچ وجه نباید در آنجا نگهداری شود. اول اینکه جای او در بین زندانیان عادی نیست. ایشان باید در یک زندان و در میان هم‌رده‌های خودش این دوران را بگذرانند. در تمام این مدت که منصور آنجاست ما دائما نگران هستیم و زندگی مان از حالت طبیعی خارج شده است. مثلا وقتی او می‌خواهد با ما تماس بگیرد باید در صف طولانی تلفن بایستد و در مدت کوتاه دو دقیقه‌ای تماس منصور با خانه فرصت مشورت و یا همفکری با او درباره مشکلات زندگی و مسائل بچه‌ها به دست نمی‌آید. از طرف دیگر محیط آن زندان بسیار نامناسب است. بر اساس اظهارات همسرم زندانیان عادی در آنجا بروی همدیگر چاقو می‌کشند و نزاع‌های خطرناکی رخ می‌دهد. شرایط محیطی هم برای سلامتی همسرم خطرناک است. آنجا اغلب افراد سیگار می‌کشند و تهویه مناسب هم وجود ندارد، بلکه هوا داخل اتاق‌ها از طریق پنجره‌های زیر سقف‌ها جا به جا می‌شود. همچنین از ساعت 2 بعد از ظهر به این طرف هم کسی نمی‌تواند از هواخوری استفاده کند. دود سیگار برای قلب، ریه و چشم منصور مضر است. چرا شما اعتراض نمی‌کنید؟

- من سعی کرده‌ام تا از طریق معاونت امنیت، صدای اعتراضم را به گوش مقام‌های مسئول برسانم. من به دفتر حمایت از حقوق شهروندی هم رفتم و برای دفتر ریاست قوه قضاییه هم نامه نوشتم و این وضعیت را شرح دادم و در اینجا هم بار دیگر از آقای هاشمی شاهرودی تقاضا می‌کنم که به داد خانواده ما برسد. نمی‌دانم ایشان اکنون در جریان اخبار وضعیت نگران‌کننده اسانلو هستند یا خیر؟! من بارها به ایشان نامه نوشتم اما تا کنون هیچ جوابی دریافت نکردم. تقاضای من به عنوان یک شهروند ایرانی و یک هموطن در این مملکت این است که به نامه‌های من توجه کنند. ما هم در این کشور حق و حقوقی داریم و از کره مریخ به اینجا نیامده‌ایم. اگر از وضعیت همسر و خانه و کاشانه من مطلع هستند چرا کوتاهی کرده و رفتارهای غیر قانونی را پیگیری نمی‌کنند؟! اگر هم در جریان نیستند من بار دیگر از همین جا از ایشان استمداد می‌طلبم.

یکی از کارگران شریف از عسلویه به خبر نگار صدای کاوه ها در خصوص وضعیت کارگران در این منطقه چنین گفت: عسلویه تبعید گاه ایران بوده است. این مکان ۱۰۰ متر پایین از دریا است و از طرف دیگر محاط به کوه شده است. اینجا صورت مسئله مشکل شرکت خاص و یا کارخانه خاص نیست، بحث صنف و اتحادیه کارگری است، ما باید این را حل کنیم، بحث این نیست که این شرکت ۴ ماه حقوق گرفت و یا نگرفت، این نیست. بحث این هست که کارگر از نظر این ها بی ارزش ترین موجود است. رنج و گرفتاری و بدبختی برای ما کارگران است. عسلویه جهنم ما است و بهشت دیگران است، بهشت پولدارها و بهشت پارتی دارها است، بهشت کسانی است که میتوانند و قدرت دارند که دودرصد و یا سه درصد این مملکت هستند. ما کارگران باید جان بکنیم و عرق بریزم و از خانواده ۳ ماه دور باشیم. و در اتاقهای سه در پنج ۱۵ نفره زندگی کنیم

ولی این آقایان و آقازاده که به اینجا میآیند ۳ روز این جا میمانند، ۱۰ روز نزد خانواده خودشان میروند. در حال حاضر ۷۰ روز است که خانواده ام تنها هستند و هیچ کسی هم بالای سرشان در آن شهر نیست. این کجای عدالت است؟؟؟

از طرف دیگر قراردادهای پنهانی، پرداخت ۴ تا رشوه همزمان با هم، ده تا ماشین پژو، ۲۰۰ میلیون پول برای یک قرارداد دومیلاردی از سوی این آقایان صورت میگیرد. آنها در بهشتند ما در جهنم به سر میبریم، اگر بخواهید این مسائل را درست موشکافی کنید، از کارشان سر در نمی آوريد.

ساعات کاری در ماه رمضان

ما ساعت ۷ صبح کارمون را شروع میکنیم و تا ۶ بعد از ظهر ادامه میدهیم، ساعت ۱۲ تا ۱ یک ساعت زمان استراحت داریم، کارخانه ما بدین صورت میباشد، ولی بقیه کارخانه ها هم دو شیفت هستند ولی زمان استراحت در مجموع در کارخانه ها یک ساعت بیشتر نیست. و در ماه رمضان و با گرمای فوق العاده ای که در عسلویه است. برای کارگران کار در چنین شرایطی بسیار سخت و غیرقابل تحمل است.

از لحاظ غذایی همان غذایی که از ظهر مانده را برای سحر به کارگران میدهند. اینجا غذایی امروز میماند، را برای فردا در غذای فردا قاطی میکنند، افطار به اندازه یک نعلبکی سوپ به ما میدهند و این غذا به قدری بد کیفیت است، که هیچ کس تمایل به خوردن ندارد ولی مجبور هستیم که بسازیم. اینجا معنای ماه رمضان از دیدگاه و جایگاه من به عنوان یک کارگر یعنی همین که گفتم.

البته برای کسانی که در بهشت عسلویه هستند، تسهیلات بی نهایت است.

هیچ زمان و هیچ رسانه ای انعکاس درستی از وضعیت ما کارگران در این منطقه را نمیدهد.

تعدادی واحد در عسلویه راه اندازی شده، که این واحدها گازهای بسیار خطرناکی تولید میکند، که روی اعصاب تاثیر بسیار زیان آوری دارند، در این منطقه با انتشار این گاز کلیه پرندگان به حالت کوما رفته اند، این گاز روی اعصاب موجودات زنده تاثیر مخرب میگذارد، و اکثر کسانی که بعد از چند سال در معرض مستمر با این گازها قرار بگیرند، دچار انواع بیماریهای روانی خواهند شد.

فاجعه عظیم

در حال حاضر الودگی عسلویه ۵ برابر شهر تهران است. و وقتی کارخانه ها راه اندازی شود ۲۰ برابر تهران خواهد بود.

در ارتباط با آلودگی این جا آلودگی بیداد میکند. هرچه در مورد این موضوع بنویسید، کم نوشتید به خصوص وقتی یک نفر متخصص بیاید ببینند آن وقت ابعاد فاجعه بهتر مشخص میگردد.

این مشعلهای عسلویه هنگامی که در بالاترین حد موجود کار میکنند، شما آن زمان به هیچ وجه آسمان را نمی بینید، به طوریکه شما نمیتوانید رشته کوه زاگرس با این عظمت را ببینید. اگر قرار باشد در آن لحظه باران ببارد، یک باران اسیدی خواهد بود.

هرکس که به اینجا می آید در ابتدای کار برای رد گم کردن یک دوره کلاس ایمنی برای او میگذارند، و در همان کلاس برای او توضیح میدهند:

که در حال حاضر آلودگی در شهر عسلویه ۵ برابر شهر تهران است البته و وقتی راه اندازی شود ۲۰ برابر تهران خواهد شد، تا تاثیر همان گازهای موجود بر روی ما کارگران بدین صورت خواهد بود که ما دیگر به درد خانواده مان نمیخوریم، این که سرنوشت ما چه خواهد شد، معلوم نیست.

ما محکوم به این هستیم که در معرض انواع بیماریها به خصوص بیماریهای خونی و ریوی قرار بگیریم. البته همین حد از خبر را که در کلاس ایمنی میگویند آن چیزی است که نفر توجیه کننده اجازه دارد تا این حد به ما بگوید و اینکه به طور واقعی در پس پرده چه میگذرد را خدا داند و بس.

عسلویه پایتخت اقتصادی ایران و جهان

در رابطه با این منطقه بسیاری از مسائل ناگفته باقی مانده است. در تبلیغات بسیاری که این روزها در ارتباط با این منطقه میکنند، عسلویه را پایتخت اقتصادی ایران و جهان معرفی میکنند. به طور مستمر در تلویزیون چراغ های روشن عسلویه را نشان میدهند، البته به درستی در این منطقه مکانهای بسیار زیبایی وجود دارد ولی آن مکانها در اختیار کسانی است که فقط ۲ تا ۳ درصد از کل جامعه را تشکیل میدهند و آن مکان متعلق به آقازاده ها و کارفرمایان وابسته به این آقازاده میباشد. در این منطقه سایت های بسیار زیبایی وجود دارد که پر از گل های زیبا است. وقتی وارد این پارک میشوید فکر میکنید که وارد پارک ملت ایران شدید. شاید هیچ کس باور نکند زیرا کافی است از این منطقه صد متر آن طرفتر بروید، در آنجا آشغال ها و آهن آلات و زباله هایی است، که کارگران در آن دست و پنجه نرم میکنند.

تفاوت دو دنیا

من از این که یک کارگر هستم از خودم بدم میاید در حال حاضر اینجا تبعیض طبقاتی بیداد میکند، در این کارخانه یک رستوران وجود دارد که از ساعت: ۳۰.۱۱ تا ۳۰.۱۲ متعلق به آقا زاده ها و کارفرمایان وابسته به آنها است و هر چیزی که در یک غذای جانانه گنجانده میشود دیده میشود. انواع غذاها و نوشیدنها و انواع دسر ها سرو میشود. راس ساعت ۳۰:۱۲ کارگران برای خوردن غذا میایند. برای سرو غذا تمام مواد و وسایلی که روی میز چیده شده، جمع میشود. هر چیزی که هست جمع میشود. چند روز قبل برای ده تا دانه سیر به شخصیت یک کارگر توهین شد. آیا میتوانید این موضوع را تحلیل و تفسیر کنید؟ فقط برای ده تا دانه سیر. شاید آن کسی که چنگ زد و ۱۰ دانه سیر را از دست آن کارگر در آورد مجبور بود که این کار را بکند اما من از خودم بیزارم، من از صنف کارگری بیزارم. از کارگر متنفرم. یک روزی هم چنین توهینی به من هم میشود البته همین حالا هم به من توهین میشود.

شما اگر بودید چه کار میکردید؟

من اینجا را به همین خاطر انتخاب کردم که به زندگیم تکانی بدهم. قبلا ۲۷۰ هزار تومان حقوق میگرفتم ولی اصلا فکر نمی کردم که به ازای ۱۰۰ هزار تومان بیشتر بخواهم اینجوری روح و جسمم در معرض نابودی قرار بگیرد. به خاطر وضعیت بد اقتصادی چاره ای دیگری نداشتم. قیمت ها سرسام آور رو به فزونی است، با میوه کیلویی ۵ هزار تومان از کجا بیاورم و خرج زندگیم را تامین کنم. من محکوم هستم و باید کاری کنم. فرزندم که در این جامعه زندگی میکند به فساد کشیده نشود و برای خودش کسی شود و سری در سرها در بیاورد. به همین خاطر من محکوم شرایط بد و سخت این جا را تحمل کنم. من از این که یک کارگر هستم از خودم بدم میاید، و از صنف کارگری بیزار هستم.

انجمن صدای کاوه ها

منبع: <http://www.socialist-k.blogfa.com/post-30.aspx>

63- تعلیق دانشجوی دانشگاه عمران با اتهام جعلی توهین به مقدسات :

به گزارش سایت گزارشگران در تاریخ 7 مهر آمده است : محمد محسن موسوی دانشجوی رشته ی عمران مرکز آموزش عالی باهنر شیراز معلق شد

طی فشار های بسیاری که اخیرا به برخی دانشجویان در شیراز ، اصفهان و رشت انجام شده ، محمد محسن موسوی دانشجوی رشته ی عمران مرکز آموزش عالی باهنر شیراز در حالی که با تقاضای مهمانی در دانشگاه شهید چمران رشت برای گذراندن ترم مهر پس از تحصیل در همین آموزشگاه در ترم تابستان موافقت شده بود، در دوم مهرماه مسئولین دانشگاه شهید چمران پس از انتخاب واحد وی در بیست چهارم شهریور نامه ای حاکی از رد صلاحیت این دانشگاه ارایه کردند و دروس او را حذف کرد اند. محسن موسوی در تاریخ سوم مهرماه به وزارت مربوطه مراجعه کرد ایشان با طرح شکایت خود پس از از تماس های مکرر و مشکوک با بی توجهی مواجه شدند. این در حالی است که از فرصت ثبت دانشجو در دانشگاه باهنر شیراز و عدم موافقت ایشان در چمران رشت گذشته، بدون هیچ دلایل و انجام کمیته ی انضباطی تکلیف ایشان تعلیق است. چندی قبل هم اتهام تخریب اذهان را در خوابگاه لاکان و توهین به مقدسات را که توسط اشخاصی مجهول به اطلاعات گزارش شده بود او را در سر جلسه ی امتحان به حراست احضار کرده بودند و ایشان اتهامات

گزارش شده را تکذیب کرده است.

<http://www.socialist-students.com>

64- در سال گذشته 117 نفر بدلیل حوادث ناشی از کار فوت کرده اند :

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 مهر 87 آمده است : سیاوش قراگزلو مدیرکل دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی گفت: در سال گذشته 117 نفر بدلیل حوادث ناشی از کار فوت کرده اند . همچنین 260 نفر بطور کلی از کار افتاده اند و 596 نفر دچار از کار افتادگی بین 33 تا 66 درصد شده اند . در ضمن 1184 نفر دچار از کار افتادگی کمتر از 33 درصد می باشند و 24075 نفر در حوادث کار مجروح شده اند.

65- قیمت برنج قد می کشد :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ یکشنبه 7 مهر 87 آمده است : برخلاف گزارش های منتشر شده بانک مرکزی و نظر برخی از کارشناسان مبنی بر کاهش قیمت برنج، بهای این محصول طی یک ماه گذشته با رشد 10 درصدی روبه رو بوده است. نایب رئیس انجمن برنج کشور در این رابطه پرویز حسین به «سرمایه» گفت: «... اگر چه قیمت برنج هم اکنون و در مقایسه با اوایل سال جاری کاهش یافته است اما در مقایسه با سال گذشته بیش از 100 درصد افزایش را تجربه کرده است.» نتاج با پیش بینی تداوم رشد قیمت برنج در بازارهای داخلی تصریح کرد: «به طور قطع پس از اتمام ماه مبارک رمضان بازار برنج با افزایش قیمت روبه رو خواهد شد، به طوری که پیش بینی می شود قیمت این محصول مجدداً به نرخ های ابتدایی سال جاری بازگردد.» وی در رابطه با علت این امر گفت: «باتوجه به اینکه فصل پیک برداشت برنج در اکثر مناطق شمال کشور به اتمام رسیده است. عرضه این محصول با محدودیت مواجه می شود که این امر منجر به افزایش قیمت برنج خواهد شد.»

وی با اشاره به نقش تورم روند صعودی قیمت این محصول گفت: «بازار برنج همچون دیگر بازارهای کشور از تورم موجود در جامعه تاثیر می پذیرد که این امر به روند صعودی بهای این محصول استراتژیک دامن خواهد زد.» وی... اظهار داشت: «متأسفانه نظارت دقیق و جامعی بر بازار برنج و نحوه قیمت گذاری برنج وارداتی صورت نمی گیرد و مسوولان مربوطه برنامه ریزی همه جانبه و کاملی برای نظارت و مهارت قیمت ها ارائه نمی دهند و مقصران اصلی گرانی های برنج هیچ گاه شناسایی و معرفی نمی شوند. به عنوان مثال افزایش قیمت برنج در بازارهای جهانی در اوایل سال جاری منجر به بالا رفتن قیمت انواع وارداتی این محصول در بازارهای داخلی شد اما تاثیر کاهش قیمتی که پس از آن در بازارهای جهانی اتفاق افتاد هیچ گاه در بازارهای داخلی کشور دیده نشد که این امر نشانگر نبود نظارت بر نحوه فروش و قیمت گذاری این محصول استراتژیک است.» دبیر انجمن برنج کشور با اشاره به اینکه قیمت برنج نسبت به یک ماه گذشته 10 درصد افزایش داشته است، گفت: «در صورت کنترل نکردن قیمت ها و عدم نظارت بر بازار برنج، این محصول در اواخر مهر و اوایل آبان افزایش بی رویه قیمت را تجربه خواهد کرد.» جمیل علیزاده شایق با اشاره به پایان رسیدن فصل برداشت برنج افزود: «بر این اساس باید برنج در ارزان ترین قیمت در بازار به فروش برسد اما به دلیل عدم نظارت جامع و کنترل مناسب از سوی سازمان حمایت از مصرف کننده و تعزیرات حکومتی، قیمت ها در بازار تهران و سایر شهرها با وجود عرضه زیاد با افزایش مواجه شده است.» وی تصریح کرد: «به علت فروش این محصول از سوی تولیدکنندگان و دستیابی دلالان و سودجویان به آن، بازار برنج همانند گذشته دستخوش نابسامانی و آشفتگی شده است.» وی با بیان اینکه در صورت کنترل نکردن قیمت های برنج از سوی سازمان های نظارتی، بازار با افزایش بی سابقه برنج روبه رو خواهد شد، اظهار کرد: «به دلیل پایان قطعی فروش برنج و کاهش عرضه آن در اواخر مهر و اوایل آبان ماه، قیمت این محصول با افزایش بی سابقه ای که نمونه آن در اوایل سال جاری رخ داد، مواجه خواهد شد.» دبیر انجمن برنج کشور درخصوص قیمت های برنج در بازار بیان داشت: «در حال حاضر قیمت یک کیلو برنج در شمال کشور بین سه تا 3200 تومان به فروش می رسد و در بازار تهران همین نوع برنج با قیمت 3500 تا 3900 تومان عرضه می شود.»

رکود تورمی در بازار برنج :

فریدون قاسمی یکی از تجار و فعالان بازار برنج ضمن بیان این مطلب به خبرنگار ما گفت: «در حال حاضر هر کیلو برنج هاشمی و صدری در مناطق شمالی کشور بسته به نوع و کیفیت آن با قیمت هایی از 2750 تا 3100 تومان و 2850 تا 3200 تومان عرضه می شوند که در مقایسه با ماه گذشته با افزایش 200 تا 300 تومانی در هر کیلو روبه رو بوده اند.» وی گفت: «برخلاف عرف هر ساله بازار در زمان برداشت محصول شاهد افزایش قیمت ها در بازار برنج بوده ایم که این رشد قیمت پیام آور تداوم روند صعودی بهای این محصول طی ماه های آینده است.»

وی افزود: «در حال حاضر رکود تورمی در بازار برنج حاکم است و تجار به امید بالا رفتن بیشتر قیمت ها

از انجام معاملات خودداری می کنند.» به گزارش خبرنگار ما در حال حاضر هر کیلو شالی ندا با قیمت 700 تومان فروخته می شود. همچنین بهای هر کیلو شالی خزر 1100 تومان است. این قیمت برای شالی فجر به 800 تومان و برای شالی های متفرقه به حدود 730 تومان می رسد. براساس این گزارش هم اکنون قیمت هر کیلو برنج هاشمی در خرده فروشی های تهران بین 3500 تا 4000 تومان است. هر کیلو برنج صدری نیز در این مراکز به بهای 3600 تا 4100 تومان فروخته می شود. قیمت هر کیلو برنج هندی نیز حدود 2050 تا 2100 تومان و هر کیلو برنج پاکستانی 1600 تا 1700 تومان است. همچنین هر کیلو برنج تایلندی و اروگونه به ترتیب با قیمت 1450 تومان و 1700 تا 1800 تومان در خرده فروشی های تهران به دست مصرف کننده می رسد.

66- زنان دوم و سوم در شیرآباد زاهدان :

به گزارش سایت کانون زنان ایرانی در تاریخ 7 مهر آمده است : ترانه بنی یعقوب :سوله آهنی در یکی از خیابان های شلوغ شیر آباد زاهدان واقع شده است . اتاقکی فلزی که در یکی از شلوغ ترین خیابانهای منطقه شیر آباد تنها مکان گرد هم آمدن زنان این منطقه محسوب می شود . شیر آباد منطقه ای در شمال شهر زاهدان و حاشیه ای محسوب می شود. منطقه ای بلوچ نشین که در تک تک خیابانها و کوچه های شلوغش فقر و ناداری موج می زند .

در زاهدان هر تاکسی و مسافر کشی حاضر نیست تو را به این منطقه ببرد چون تصور اینکه این منطقه جرم خیز و عبور و مرور از آن خطرناک است به یک باور عمومی در این شهر مبدل شده است. هیچ کس نمی تواند پاتوق های خطرناک مواد مخدر را که در یکی از خیابانهای این محله بدون هیچ ترس و کنترلی وجود دارد فراموش کند. خیابانی که گذر از آن با پای پیاده برای غریبه ها تقریباً غیر ممکن است.

به محله شیر آباد می روم و به دیدن زنانی که در این منطقه هزاران حرف ناگفته دارند .

شهناز اربابی مسئول انجمن کاهش آسیب منطقه شیر آباد که خود زنی بلوچ است تا شیر آباد همراهی مان می کند . او فعالیتهای اجتماعی زیادی را برای بهبود اوضاع مردمان این منطقه به ویژه زنان انجام می دهد . او این بار همراهان می آید تا تنها مکانی را که زنان شیر آبدی گاه گرد هم می آیند نشانمان دهد .

خیابانهای شلوغ شیر آباد پر از دست فروش است. بیشتر دستفروش ها پسر بچه های کوچکی هستند که خوراکی های جور و اجور می فروشند. بچه های خیلی کوچک هم خریداران پر و پا قرصشان به حساب می آیند . چرخ دستیهای کوچکی که خوراک نخود پخته می فروشند بیش از بقیه جلب توجه می کنند. در گوشه و کنار خیابان های خاکی شیر آباد زباله های انباشته شده بارها به چشم می آیند. گویی جمع کردن زباله های این منطقه نیز مدتها فراموش شده است .

سوله کوچک آهنی در میان فریاد دستفروشان از دور به چشم می خورد. محوطه نسبتاً کوچکی که در ابتدای خیابانی خاکی و پر رفت و آمد واقع شده است . محوطه سوله با موکت های آبی رنگ فرش شده است. در انتهای سالن چند چرخ خیاطی به چشم می خورد و چند لباس بچه گانه و دست دوزی بلوچی که هنرمندان دوخته و به دیوارها نصب شده اند. در گوشه دیگر این سالن آشپزخانه و روشویی کوچکی قرار گرفته است. چند زن روی موکت های آبی رنگ زانو زده اند و آرام در گوش یکدیگر نجوا می کنند .

به صورت این زنان نگاهی می اندازم همگی مسن و سالخورده به نظر می آیند با خود م می گویم کاش امروز چند زن جوان هم در میان زنان شیر آبدی حضور داشت تا درباره زنان جوان این منطقه بیشتر می دانستم .

شهناز اربابی می گوید : " اینجا تنها جایی است که گاهی زنان شیر آبدی دور هم جمع می شوند. این محوطه چهار دیواری بدون سقفی بود که با برخی کمک های بین المللی که در قالب پروژه های فقر زدائی بودند به این شکل در آمد و محل آموزش زنان بلوچ شد . اما اکنون آموزشهایمان متوقف شده و زنان فقط هفته ای یک بار برای پس انداز پولهایشان و یا حرف زدن گرد هم می آیند . "

نیود بودجه برای برگزاری کلاسهای آموزشی موجب توقف کار تنها مکان فراغتی زنان شیر آبدی شده است. زنانی که به قول خودشان جز نانوائی رفتن و خرید کردن هیچ تفریح دیگری ندارند .

آنها می گویند: "چهار چرخ خیاطی مان هم خراب شده است و دیگر هیچ وسیله ای برای کار و آموزش در اختیار نداریم."

در شیر آباد زنان نمی خندند

مسن ترین زنی که در سوله آهنی نشسته شاه بی بی است که با لبخندی تلخ به حرفهای دیگران گوش می دهد این زن که بیش از 60 ساله به نظر می رسد فقط 42 سال دارد.

به یاد اولین نگاهی که به صورت این زنان و تصویری که از سن و سال آنان به ذهنم آمده بود می افتم. اینها همه زنان بلوچ [جوانی اند که با همه جوانی شان از غم و تلخی هایشان می گویند. تلخی هائی که در جوانی صورت شان را این گونه پیر و شکسته و حدس سن و سال شان را دشوار کرده است. آنها کمتر لبخند می زنند و با نگاه و لحنی تلخ سر گذشت شان را مرور می کنند.

مهناز فقط 27 سال دارد اما صورتش پر از چین و چروک است. چادر سیاهش را محکم به خود پیچیده و رخسارش را در زیر چادر پنهان می کند. 15 ساله بود که به اجبار خانواده اش همسر دوم شوهرش شد. مردی با پنج فرزند.

لبخند تلخی می زند: "اگر دست خودم بود هر گز شوهر نمی کردم اما می دانید که بین ما بلوچ ها این رسم است که اصلاً هنگام ازدواج نظر دختر را نمی پرسند اصلاً دخترها را آدم حساب نمی کنند شوهرم با پنج فرزند به خواستگاری ام آمد و اکنون هم نه فرزند از همسر اولش دارد."

در میان بلوچها ازدواج اجباری دختران رسمی رایج است. آنها دختران شان را بدون کوچکترین مشورتی با آنها شوهر می دهند. ازدواج دختران جوان با مردانی که قبلاً ازدواج کرده اند و زن و چندین فرزند دارند هم امری عادی و قسمت دختر محسوب می شود. ازدواج اجباری دختران کم سن و سال با مردان مسن هم از دیگر مسائل و مشکلات زنان بلوچ است.

مهناز بیش از بقیه زنان صحبت می کند و زنان دیگر با نگاههایی غمگین که نمونه اش را در چشمان کمتر زنی دیده ام به حرفهایش گوش می دهند.

او سری تکان می دهد: "خیلی راحت می گویند قسمتت این بوده که زن دوم بشوی. من را هم همین طوری شوهر دادند. اما من اجازه نمی دهم همین بلا سر دختر 10 ساله ام بیاید من اجازه می دهم دخترم خودش شوهرش را انتخاب کند."

مهناز هم همچون دیگر زنانی که همسر دوم هستند یک شب در میان شوهرش را در تنها اتاق کوچک اجاره ای که در اختیار دارند همراه با چهار فرزندش ملاقات می کند. اتاقی که در یک سویش رختخوابهایشان را کپه می کنند و در سوئی دیگر هم چرخ خیاطی اش قرار گرفته چرخ خیاطی که نان آور زندگی خودش و فرزندانش است. اتاقی سه در چهار که عرصه زندگی را بر او و فرزندانش تنگ کرده است.

بی خانگی؛ کمبود جا؛ درآمد اندک و هزار دردسر همسر دوم بودن از جمله مواردی است که مهناز از آنها نام میبرد.

مرد دوزنه محبت سرش نمی شود

شاه بی بی که با نگاه غمگین و عمیقش به سخنان مهناز گوش می دهد. ناگهان با لهجه بلوچی اش به سخن در می آید: "مرد دوزنه که محبت و انسانیت سرش نمی شود."

شاه بی بی هم طعم داشتن هوو را چشیده است. اما او به عنوان زن نخست شوهرش این تجربه تلخ را از سر گذرانده است. با لهجه بلوچی شیرنش حرف هایش را می زند و خانم اربابی تند تند حرفهایش را برایشان ترجمه می کند.

شاه بی بی 11 ساله بود که مثل بقیه دختران بلوچ بدون آنکه نظرش را بپرسند شوهرش می دهند . او طی سالهای زندگی با شوهرش هشت فرزند پسر و دختر به دنیا می آورد . بعد از تولد هشتمین فرزندش در بیمارستان پزشکان به شاه بی بی پیشنهاد می کنند که دیگر از بچه دار شدن خودداری کند و عمل جراحی را برای پیشگیری دائم از بچه دار شدن قبول کند .

شاه بی بی با داشتن هشت فرزند این پیشنهاد را می پذیرد اما مدت زمان کوتاهی نمی گذرد که شوهرش به بهانه اینکه او دیگر قادر نیست فرزند جدیدی بیاورد زن دومش را می گیرد . شاه بی بی طی این سالها با انگلستان هنرمندش زندگی خود و هشت فرزندش را اداره می کند سوزن دوزی های بی نظیرش مقابل پاهایش بر زمین ریخته و می توان زیبایی آنها را از پس رنج های بی پایان اش دید.

شوهرش پس از ازدواج مجدد همان اندک خرجی را که به شاه بی بی و فرزندانش می داد از آنها دریغ می کند و همه مخارج زندگی به دوش زن می افتد . شوهر شاه بی بی صاحب شش فرزند از همسر دومش می شود و به زندگی زن اولش بی توجهی می کند .

اربابی می گوید : "شاه بی بی خیلی برای نجات زندگی اش تلاش کرده است اما شوهرش حتی داشتن شناسنامه را از او دریغ کرد او فاقد شناسنامه و بدون هویت به حساب می آید ."

نداشتن شناسنامه یکی از مشکلات رایج در میان بلوچها به حساب می آید . شاه بی بی و همسرش هم که فاقد شناسنامه بوده اند برای دریافت آن تشکیل پرونده می دهند . پرونده آن دو یک شماره می گیرد اما وقتی شوهر شاه بی بی برای دریافت شناسنامه ها به ثبت احوال مراجعه می کند فقط شناسنامه خودش را می گیرد و از دریافت شناسنامه شاه بی بی خودداری می کند . آه تلخی می کشد : " وقتی به شوهرم گفتم چرا شناسنامه من را نگرفتی گفت تو شناسنامه به چه کارت می آید مگر قرار است به سربازی بروی ."

اربابی می گوید : "هر چقدر برای گرفتن شناسنامه شاه بی بی تلاش کردیم به جایی نرسیدیم وبالاخره بدون شناسنامه ماند ."

جان بی بی دیگر زن بلوچ که چادر چیت گذاری به سر دارد تاکنون هیچ سخنی نگفته است دندانهای ردیف جلوی دهانش کاملاً ریخته است و او سعی دارد با چادرگذارش لثه های بی رنگش را پنهان کند . سعی می کنم درباره سنش قضاوتی نداشته باشم چون حتما دوباره تخمینی نادرست خواهم داشت . وقتی از سن و سالش می پرسم درباره سنش اظهار بی اطلاعی می کند و به جای فکر کردن به آن شناسنامه قرمز رنگش را به دستم می دهد .

32 ساله است . در 15 سالگی با مردی که بیست سال بزرگتر از خودش بوده ازدواج کرده و طی 15 سال یازده فرزند به دنیا آورده که هشت تای آنان اکنون زنده اند .

شوهرش دو سالی هست که دار فانی را وداع گفته است . او نیز با اجبار خانواده اش به عقد مردی مسن تر از خودش در آمده بود . او بدون اینکه اجازه پیشگیری از بارداری را داشته باشد طی 15 سال یازده زایمان داشته است زایمانهایی که به قیمت سلامت و جوانی اش تمام شده اند .

اربابی می گوید : "امروز وقتی جان بی بی از در وارد شد نشناختمش او تا چند سال پیش جوان وزیبا بود اما اکنون به دلیل مشکلات زندگی واقعا پیر و شکسته شده است ."

جان بی بی هیچ نمی گوید از او می خواهم از زندگی اش بیشتر بگوید . آهی می کشد : " ای خانم کدام زندگی من که زندگی ندارم ."

زنانی که شوهران شان دو همسر دارند کتک می خورند

"من همیشه برای لباس بچه ها و مخارج مان با شوهرم دعوا دارم و از او کتک می خورم . " اینها حرفهای مهناز است . او از تنفر فرزندانش نسبت به پدرشان برایم می گوید : "بچه هایم پدرشان را دوست ندارند و می

گویند چرا پدرمان با اینکه زن داشت به سراغ تو آمد و تو را این طور بدبخت کرد آنها می بینند که تمام بار زندگی بر دوش من است ."

قطره اشکی را که در گوشه چشمانش جمع شده پاک می کند: "فقط دو کلاس سواد دارم و گرنه خاطراتم را می نوشتم تا حداقل بعد از مرگم فرزندانم بدانند که چه به سر مادرشان آمده است ."

مهناز به خاطر همین مشاجره ها و گرفتن حق و حقوق فرزندانش بارها از شوهرش کتک خورده است . شاه بی بی خانم که با نگاه عمیقش مهناز را می نگرند با مکتی طولانی می گوید : "زن هائی که شوهرشان چند همسر دارند حتما کتک می خورند ."

مهناز هم بلافاصله حرفهای شاه بی بی خانم را با سر تایید می کند : "مگر می شود کتک نخورد؟ من همیشه سر لباس بچه ها و مخارج زندگی با شوهرم دعوا دارم او چند وقت پیش برای دختر بزرگ آن یکی زنش لباس خوبی خرید من به او اعتراض کردم که چرا از این لباس ها برای دختر من نمی خرد که گفت : " دختر من 15 ساله است و برایش لباس خوب خریده ام که به نظر بیاید و شوهر خوبی پیدا کند . دختر تو هنوز کوچک است اما دختر من هم ده ساله است ."

مهناز هرگز با هویش دعوا نکرده چون معتقد است او هم مثل او زن بدبختی است که اسیر شرایط و ظلم شوهرش شده است و با نه فرزند زندگی به مراتب بدتری را در یک خانه اجاره ای دارد .

می گوید : "من اصلا نمی دانم معنای محبت چیست ؟ هرگز هم محبت شوهرم برایم مهم نبوده است اصلا اگر به سراغم هم نیاید برایم مهم نیست . اما جرات ندارم این حرف ها را به خودش بزنم چون طلاقم می دهد و بچه هایم را از من می گیرد ."

شاه بی بی هم حرفهای او را تایید می کند : "خانم مرد دوزنه محبتش کجا بود ؟ من هم گاهی سر خرج و مخارج و لباس و بچه با شوهرم حرفم می شد اما حال که سالهاست مخارجم از او جداست و خدارو شکر بچه هایم هم بزرگ شده و به دادم می رسند . دیگر به شوهرم کاری ندارم مردی را که زن گرفت باید رهانش کرد ."

شاه بی بی هرگز نتوانسته است موضوع ازدواج دوباره همسرش را بپذیرد و با اینکه چند همسری بین مردان بلوچ بسیار رایج است اما کمتر زنی این موضوع را پذیرفته و با آن کنار آمده است .

مهناز می گوید " که خیلی از زنها به خاطر بچه هایشان شرایط سخت چنین زندگی را تحمل می کنند ."

شهناز اربابی می گوید : "خیلی از زنان جرات اعتراض یا اظهار تنفر نسبت به شوهران شان را که چند زنه هستند ندارند چون شوهر خیلی راحت و بدون مراحل قانونی فقط با گفتن چند جمله زن را طلاق می دهد و فرزندان را از او می گیرد . مرد دوزنه می گوید من زن دیگری هم دارم و او موظف است از کودکان همسر دیگرم هم نگهداری کند بنابراین اگر زنی به شوهرش زیاده از حد فشار آورد او زن را طلاق می دهد و همسر دیگرش را موظف به نگهداری از کودکانش می کند ."

اینجا زنان بار همه بدبختی ها را به دوش می کشند

گوئی مشکلات این زنان پایانی ندارد و هر لحظه آنها موضوع تازه ای از رنج های شان را به یاد می آورند .

مهناز با آهی بلند سخنانش را ادامه می دهد : "شوهرم فاقد شناسنامه است به همین خاطر هر گز ازدوایم و نام چهار فرزندم جائی ثبت نشده است . چند روز بعد اگر شوهرم هوس کند با گفتن چند جمله من را طلاق دهد چگونه می توانم ثابت کنم که من هم فرزندان داشته ام ."

در شیر اباد تعداد زنانی که هر گز ازدواج و طلاق شان ثبت نشده بسیار است . برخی زنان خودشان بدون شناسنامه اند و تعدادی نیز چون شوهر مهناز مردانی بی شناسنامه اند که بی توجه به این موضوع چند همسر اختیار کرده و صاحب فرزندان متعددی هم شده اند . زندگی این زنان بدون هویت نامشخص سرگردان است

و خیلی از آنها بعد از طلاق و ازدواجی که هرگز ثبت نشده دشواری های زیادی را برای اثبات وقایع زندگی شان از سر می گذرانند .

زنان مطلقه در این شرایط اوضاع بسیار بدتری دارند و هر چند امکان ازدواج دوباره برای شان وجود دارد اما ازدواج های بعدی به زن سوم و چهارم مردی شدن ختم خواهد شد که وضع بدتری را برای این زنان رقم خواهد زد .

شاه بی بی می گوید : "خانم اینجا هر چه بدبختی هست زن به جان می خرد زنها اینجا واقعا بدبختند ."

او معتقد است این روزها تعداد مردان چند زنه به خاطر پولدار شدن مردها روز به روز در حال افزایش است هر چند زنانی که در سوله فلزی گرد آمده اند معتقدند مردان چند زنه اصلا قدرت چرخاندن زندگی زنان شان را ندارند و با حرفهای واهی چون حتما زندگی مان در آینده بهتر می شود یا روزی ونان به هر حال می رسد زندگی زن و فرزندان شان را تباہ می کنند ."

شاه بی بی می گوید : "بسیاری از زنان بلوچ این روزها ترجیح می دهند چنین مشکلاتی را تحمل نکنند و به زندگی شان پایان دهند او از قوم و خویشی یاد می کند که به دلیل ازدواج با مردی دو زنه به زندگی اش پایان داد."

مهناز هم از زنی که در همسایگی شان زندگی می کرده و به دلیل یک ازدواج اجباری در حمام خانه شان خودسوزی کرده سخن می گوید : "دخترک سه ماه پس از ازدواج اجباری با شوهرش به خانه پدرش پناه آورد اما پدر دختر مدام به او می گفت به خانه ات برگرد دختر هم به جای بازگشت به خانه شوهری که دوستش نداشت خود را کشت ."

سکوت جان بی بی که با چشمهای مضطربش همچنان به سخنان دیگران گوش می دهد هنوز ادامه دارد . می پرسد : "جان بی بی خانم شما نمی خواهی از مشکلاتت بگویی؟"

با چشمانی اشکبار می گوید : "چه بگویم خانم! من که زندگی ندارم فکر سیر کردن شکم هشت فرزندم راحت نمی گذارد چهار فرزندم را از مدرسه بیرون آوردم تا کار کنند اما حالا دست پسر بزرگم که روزنامه می فروخت شکسته و نمی دانم با مخارج ان چه کنم . یک سالی هم هست که کمیته امداد هیچ کمکی به من نمی کند ."

خانم اربابی در گوشم زمزمه می کند که جان بی بی به شدت بیمار است اما به دلیل ویزیت گران حتی قادر نیست به پزشک مراجعه کند .

به جای خالی دندانهای این زن 32 ساله نگاهی می اندازم زنی که بیش از هر چیز این روزها به دنبال یافتن یک شغل است . او از کار کردن در خانه های مردم در آمد کافی به دست نمی آورد و مراجعه هایش به سازمان بهزیستی و کمیته امداد برای یافتن یک شغل مناسب نیز تاکنون ثمری نداشته است .

اربابی می گوید : "بارها برای ایجاد اشتغال به ویژه برای زنان که مهم ترین نیاز زندگی شان محسوب می شودبه مراکز مختلف مراجعه کرده ایم اما هرگز جوابی نگرفته ایم ."

جان بی بی آه بلندی می کشد : "من درباره زندگی ام سخن نگفتم چون گفتن بدبختی هایم کتابی را پر خواهد کرد که کسی حوصله شنیدن یا خواندنش را نخواهد داشت."

67- احتمال تعطیل سه کارخانه مهم لاستیک و خطر بیکارهای صدها کارگر:

خبرها حکایت از آن دارند که سه کارخانه مهم لاستیک سازی بارز، کویرتایر و پارس به زودی تعطیل می شوند و صدها کارگر شاغل آن ها اخراج و بیکار می شوند. این کارخانه ها هنگامی در معرض تعطیل قرار می گیرند که قبل از آن ها 2 واحد مهم لاستیک سازی دیگر نیز عملاً تعطیل شده و صدها کارگر آن ها در حال بیکاری به سر می برند. کارخانه های در معرض تعطیل متعلق به بانک های ملی، سپه و صنعت و معدن هستند و جالب است که هر 3 بانک دلیل تعطیل شرکت را کمبود نقدینگی اعلام کرده اند!! هیچ معلوم نیست 163 هزار میلیارد تومان نقدینگی موجود در بازار داخلی سرمایه داری ایران که همه جا مثل نقل و نبات در بسته بندی های پر از توهم و عوام فریبی به عنوان عامل افزایش جهشی بهای نیازهای اولیه زندگی کارگران در رسانه ها فریاد می شود در زیر کدام صندوق ها چال شده اند که حتی سه بانک از مهم ترین بانک های دولتی سرمایه هم به دلیل عدم دسترسی به نقدینگی کارخانه ها را تعطیل و کارگران را صد تا صد تا اخراج می کنند!؟

7 مهر 87

68- اعتصاب رانندگان تاکسی در بوکان :

صدها راننده تاکسی در بوکان با اعلام اعتصاب دست از کار کشیدند و عبور و مرور تاکسی ها را در شهر متوقف کردند. کارگران به کمبود چشمگیر جیره سوخت به ویژه حجم بسیار اندک گاز دریافتی اعتراض دارند. آنان کاهش سوخت خودروهای خود را موجب تنزل فاحش دستمزدهای روزانه و وخامت هر چه بیشتر وضع معیشتی خویش می دانند. رانندگان اضافه می کنند که ساعت ها انتظار اجباری در پمپ های گاز نیز به نوبه خود ساعات کار آن ها را افزایش و میزان دستمزد روزانه آنان را کاهش می دهد. کارگران راننده در اعتراض به همه این معضلات و کمبودها و فشارهای کار و معیشت خود دست از کار کشیده اند. آنان خواستار تغییر جدی این شرایط هستند و اعلام کرده اند که تا گرفتن نتیجه به اعتصاب ادامه خواهند داد.

7 مهر 87

69- سازمان تأمین اجتماعی و بخشش حاتم وار به صاحبان سرمایه:

خرج که از کیسه مهمان بود حاتم طائی شدن آسان بود

رئیس سازمان تأمین اجتماعی کاشان از تلاش های این سازمان برای کاهش بیکاری سخن رانده است و فهرستی از اقدامات مهم و « محیرالعقول » خود برای ایجاد اشتغال را در اختیار روزنامه ها قرار داده است تا از طریق این رسانه ها با ستایش و مدح و تمجید بیش از حد به اطلاع خوانندگان برسد. راهکارهای مسئولان این نهاد دولتی بیانگر کشفیاتی بسیار عظیم و ابتکاراتی بسیار درخشان است. آنان می گویند سرمایه داران صاحب 4 کارخانه مهم به اسامی مخمل و حریر، ریسندگی و بافندگی، راوند و نسجانی مبالغ بسیار عظیمی به سازمان تأمین اجتماعی کاشان و امدار بوده اند. میزان این وام ها آن قدر بالا بوده که 95% کل بدهی این 4 کارخانه را شامل می شده است. دولتمردان گرداننده این نهاد دولتی پس از وقوف به ماجرا و تعمق در مشکلات آقایان صاحبان سرمایه!! یک باره دیگ سخاوتمندان به جوش آمده است و تصمیم به بخشش دیون این سرمایه داران مستضعف گرفته اند. آنان به مالک کارخانه ریسندگی و بافندگی اطلاع داده اند که اگر از بدهی 45 میلیون تومانی خود 25 میلیون تومان پرداخت کند کل 20 میلیون تومان دیگر به او هدیه داده خواهد شد. مسئولان سازمان تأمین اجتماعی نامه ای با همین مضمون برای سرمایه داران دیگر هم ارسال داشته اند و همین درصد از بدهی هر کدام آن ها را پیشکش کرده اند.

ضرب المثل معروفی است که می گویند از کور پرسیدند چه می خواهی و او بی درنگ پاسخ داد که: « دو چشم بینا ». مالکان این 4 کارخانه هم به دنبال بیکارسازی های وسیع کارگران، به دنبال مصادره ماه های طولانی دستمزد صدها کارگر و همه جنایات و شرارت های خود فقط همین چپاول و تاراج را کم داشتند که سازمان تأمین اجتماعی میلیون ها تومان از حاصل کار و استثماری همان کارگران اخراجی و بیکار و گرسنه و سرگردان در برهوت بدبختی را به سرمایه داران پاداش دهد.

7 مهر 87

70- تجمع اعتراضی در برابر مجلس :

به گزارش ایسنا در تاریخ 7 مهر 87 آمده است : صبح امروز چهار گروه در مقابل درب اصلی مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

علاوه بر معلمان دیپلمه حق التدریسی که صبح امروز در مقابل مجلس تجمع کردند، برخی جانبازان شیمیایی کمتر از 25 درصد در اعتراض به آنچه قطع حقوق و مزایای خود می نامیدند، در مقابل مجلس تجمع کردند. این تجمع کنندگان که حدود 50 تا 70 نفر بودند، از نمایندگان مجلس درخواست داشتند که حتی اگر دولت برای پرداخت مقرری آنها بودجه ندارد، حداقل به آنها کار بدهد.

این تجمع کنندگان از استان های کرمانشاه، رشت و تهران بودند.

شرکت کنندگان در آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور نیز از دیگر تجمع کنندگانی بودند که نسبت به قبولی مشروط و یا عدم پذیرش شان از سوی این دانشگاه اعتراض داشتند.

همچنین برخی دانش آموزان فنی ، حرفه ای که به گفته خود با طرازهای کمتر از هشت هزار در کنکور

سراسری فنی ، حرفه ای مردود شناخته شده بودند، نیز در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

آنها با اعتراض نسبت به آنچه بی اعتنایی سازمان سنجش نسبت به وضعیت آنها می نامیدند، طی نامه ای به علی عباسپور رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات خواستار پیگیری وضعیت تحصیلی خود شدند.

71- اجتماع اعتراضی معلمان حق التدریسی در برابر مجلس :

شمار زیادی از معلمان مشمول قراردادهای موقت کار « حق التدریسی » در برابر مجلس اجتماع کردند تا خشم و عصیان خویش را به مدافعان نظام سرمایه داری نشان دهند و همزمان فریاد اعتراض خود علیه مظالم و جنایات سرمایه را به گوش کارگران در سراسر ایران و جهان برسانند. معلمان خواستار الغای قرارداد موقت یا ترفند سرمایه برای تشدید هر چه وحشیانه تر استثماری خویش هستند. آنان می خواهند از تضمین کامل

اشتغال خود برخوردار باشند. معلمان تصریح کردند که سال هاست این اعتراضات ادامه دارد و تا دستیابی به نتیجه حتما ادامه خواهد یافت.

7 مهر 87

72- کارگران لاستیک البرز دفتر مرکزی کارخانه را قفل کردند :

چند روز قبل در لا به لای اخبار سایت ها خواندیم که سرمایه داران صاحب لاستیک البرز با تشکیل یک شبکه مخوف مافیایی و جاسوسی در تدارک دلسرد کردن از ادامه پیکار با سرمایه داری بر آمده اند. آنان مزدورانی را استخدام کرده اند و به آن ها مأموریت داده اند که اینجا و آنجا با بهره گیری از تمام تجارب تبلیغاتی و پلیسی و عوام فریبی با کارگران گفتگو کنند و چشم انداز هر نوع پیروزی در مبارزات را از برابر دیدگان آن ها خط بزنند و کور کنند. بسیار شنیدنی است که همین سرمایه داران که 2 سال است دستمزد کارگران را پرداخت نمی کنند، همین سرمایه داران که 2 سال است در مقابل تمامی اشکال مبارزه کارگران علیه عدم پرداخت دستمزدها مقاومت می کنند، همین سرمایه داران که در طول این 2 سال به کمک نیروی سرکوب و پلیس سرمایه بارها مبارزات کارگران برای حصول دستمزد خویش را قلع و قمع کرده اند، آری همین سرمایه داران بر اساس یک سند مکتوب کشف شده یک میلیون تومان به رئیس کارگزینی شرکت پرداخت کرده اند تا برای تشکیل این شبکه سپاه جاسوسی اقدام کند. کارگران لاستیک البرز که 2 سال تمام است برای دریافت دستمزدها و تضمین اشتغال خویش به همه اشکال اعتراض متوسل شده اند و به هیچ نتیجه مطلوبی دست نیافته اند به دنبال اطلاع از این توطئه کثیف صاحبان سرمایه به سوی دفتر مرکزی شرکت هجوم بردند. آنان از شدت خشم و قهر در ورودی شرکت را قفل کردند و اعلام داشتند که از باز کردن قفل توسط سرمایه داران جلوگیری خواهند کرد.

7 مهر 87

73- پذیرش صورتجلسه ساختگی انحلال شرکت فرش غرب بافت از طرف اداره کار سنندج، مبنای حکم اخراج کارگران بود :

بر اساس تحقیقات انجام گرفته از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج در یک تبنانی آشکار با کارفرما صورتجلسه خانوادگی کارفرمای فرش غرب بافت مبنی بر انحلال این شرکت را مبنای اخراج کارگران قرار داده است.

بر این اساس کارفرمای فرش غرب بافت که سهامداران آن اعضای خانواده وی هستند طی مجمع عمومی فوق العاده و پس از اخراج کارگران و شکایت آنان به اداره کار، انحلال شرکت را مصوب کرده است و اداره کار این صورتجلسه را مبنای صدور رای برای اخراج کارگران قرار داده است.

در حالیکه بر اساس قوانین موجود انحلال یک شرکت پس از طی مراحل قانونی آن از قبیل روشن شدن وضعیت مالی با درج آگهی در روزنامه های کثیرالانتشار و مطلع نمودن طلبکاران، معلوم شدن دارایی شرکت و ممیزی و تصفیه حساب مالیاتی صورت می گیرد و سر انجام با درج آگهی انحلال از سوی اداره ثبت شرکتها در روزنامه رسمی، انحلال یک شرکت قانونی میشود و تصویب انحلال آن توسط مجمع عمومی سهامداران نمیتواند مبنای صدور رای در مراجع قانونی در رابطه با مسائل مربوط به آن شرکت باشد. کارگران فرش غرب بافت پس از آگاهی از این مسئله بشدت معترض هستند و از فردا شروع به افشاگری این تبنانی از طریق مراجعه به استانداری، شورای شهر، اداره اطلاعات و... خواهند کرد و به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

اتحادیه آزاد کارگران 87/7/7

74- کارگران پریس امروز تمامی مطالبات معوقه خود را دریافت کردند:

امروز مورخه 87/7/7 کارگران کارخانه ریسندگی پریس موفق شدند دو ماه از دستمزدهای معوقه خود به اضافه مطالبات مربوط به عدم استفاده از مرخصی هایشان را در سالهای 85 و 86 دریافت نمایند. از طرف دیگر اداره کار سنندج در تبنانی با کارفرما مسئله نبود مواد اولیه را از کارفرما برای عدم بازگشت بکار کارگران پذیرفته و در حکم خود ضمن مکلف کردن کارفرما به بکارگیری این کارگران پس از تامین مواد اولیه، از کارگران نیز خواسته است تا تامین مواد اولیه و شروع تولید، خود را به بیمه بیکاری متصل نمایند.

این حکم عملا و بطور غیر مستقیم حکم اخراج کارگران را صادر کرده است. کارگران پریس به این حکم معترض هستند و امروز پس از دریافت دستمزدهایشان برای شروع کار به کارخانه مراجعه کردند اما به آنان

اعلام شد مواد اولیه وجود ندارد و کارگران ضمن امضای صورتجلسه ای در این مورد قرار است فردا در اعتراض به طرح ساختگی نبود مواد اولیه از سوی کارفرما، در مقابل اداره کار تجمع نمایند.

اتحادیه آزاد کارگران 87/7/7

75- جنایتی دیگر در شرکت رامشیر در عسلویه :

غروب روز چهارشنبه 87/7/3 علیرضا بابائی کارگر شرکت پیمانکاری رنگ و عایق از شرکتهای زیر مجموعه شرکت رامشیر در پالایشگاه فازهای 9 و 10 عسلویه در خوابگاه هنگامی که تازه از سر کار برگشته بود به علت برق گرفتگی جان خود را از دست داد. به گفته همکاران او که شاهد این حادثه دردناک بوده اند برق گرفتگی بخاطر فرسوده بودن دستگاه کولر اتاق و نداشتن سیستم ارت بوده است. علیرضا که خسته از سر کار برگشته بود بعد از شستن دست و صورت و جوراب قصد داشته جورابهایش را روی کولر بیاندازد تا خشک شوند اما با تماس دست او به بدنه کولر دچار برق گرفتگی می شود. همکاران وی بلافاصله او را به دفتر مسؤل کمپ می برند تا به بیمارستان منتقل کنند ولی مسؤل ضد کارگر کمپ مانند دفعه قبل که از انتقال نجم الدین پرتو به بیمارستان خودداری کرده بود، این بار هم ضدیتش با کارگر را با سوءعیت بیشتر به نمایش گذاشته و از دادن ماشین برای انتقال علیرضا به بیمارستان خودداری کرد که در نتیجه بعد از نیم ساعت کارگر حادثه دیده در مقابل دفتر مسؤل کمپ جاننش را از دست داد. علیرضا اهل شهرستان میناب و دارای دو فرزند بود که به عنوان کارگر روزمزد و با دستمزد 10 هزار تومان در روز و بدون هیچ گونه بیمه و تسهیلات دیگری در شرکت رامشیر کار می کرد. قبل از این جنایت، کارگران نسبت به برق دار بودن بدنه کولرهای خوابگاهها به مسؤل کمپ اطلاع داده بودند اما مسؤل کمپ و مسؤلین ضد انسان و سودجوی شرکت رامشیر هیچ اقدامی برای ایمن ساختن کولرها انجام ندادند.

همکاران علیرضا که از مرگ او به علت اهمیت ندادن کارفرما به جان کارگران به خشم آمده بودند اقدام به امضاء طومار در محکومیت کارفرما و عواملش به عنوان عاملین جنایت کردند. کارفرمای شرکت رامشیر که از اقدام کارگران مطلع شده بود حراست را مأمور ترساندن کارگران کرده تا از پیگیری طومار منصرف شوند.

عوامل سرکوبگر حراست به کارگران معترض گفته اند در صورت پیگیری طومار، همه امضاء کنندگان در لیست سیاه قرار گرفته و همچنین حقوق به آنها پرداخت نخواهد شد. کارفرما علاوه بر اقدامات سرکوبگرانه و ترساندن کارگران از پیگیری برای مجازات عاملین قتل، با تشکیل پرونده ای مبنی بر سکتة علیرضا، اقدام به صحنه سازی کرده است تا خود را از این جنایت مبرا کند.

اتحادیه آزاد کارگران 87/7/7

76- کنترل دفتر مرکزی شرکت لاستیک البرز همچنان در اختیار کارگران این کارخانه است:

بر اساس گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران لاستیک البرز از روز دوشنبه اول مهر ماه عوامل کارفرما را از دفتر مرکزی شرکت بیرون کردند و با در اختیار گرفتن آن، دو نفر نگهبان در سه شیفت در آنجا مستقر نمودند.

بر اساس این گزارش دیشب عوامل کارفرما به همراه یک مأمور مسلح ملبس به اونیفورم نیروی انتظامی به دفتر مرکزی شرکت هجوم برده و و با حمله به نگهبانان وارد دفتر مدیر عامل شده و برخی اسناد مهم شرکت را با خود برده اند.

بدنبال پخش این خبر امروز صد نفر از کارگران لاستیک البرز به دفتر مرکزی آمده و ضمن نصب پارچه نوشته هایی بر سر در دفتر مرکزی شرکت (مشرف به خیابان آزادی) در آنجا مستقر شدند تا بر کنترل خود بیافزایند. همگی این کارگران در حال حاضر و بصورت شبانه روزی در دفتر مرکزی شرکت مستقر شده اند.

بنا بر برخی گفته ها سهم کارفرمای اصلی لاستیک البرز با پیگیریهای این کارگران به زیر 50 درصد کاهش یافته و قرار است بزودی مدیریت جدیدی اداره شرکت را بدست گیرد و این مدیریت ضمن به راه انداختن کارخانه بودجه دو میلیاردی اختصاص یافته به دستمزد کارگران را به آنها پرداخت نماید.

اخبار مبارزات کارگران ایران ، هفته دوم مهر ۱۳۸۷ (سپتامبر و اکتبر ۲۰۰۸)

77- کشته و زخمی شدن 6 کارگر هنگام کار برای سرمایه دار:

روزنامه ها نوشته اند که 3 کارگر آب و فاضلاب در شهر بجنورد در حین کار برای سرمایه دار جان خویش را از دست داده اند. در همین گزارش ها گفته شده است که 3 کارگر دیگر همزنجیر این کشته شدگان نیز سخت مجروح شده و برای مداوا به مراکز امدادی!! منتقل شده اند. این 6 کارگر در منطقه ای به نام آرامستان جاوید در شبکه جمع آوری فاضلاب کار می کرده اند و هنگام کار کانال فاضلاب شهر با تمامی سرعت و قدرت بر سر و روی آن ها سرازیر شده است. رفتار این گونه با توده های کارگر و گسیل آن ها بدون هیچ نوع وسیله ایمنی و حفاظتی به قتلگاه سودسازی سرمایه سناریوی سیاه پلیدی است که طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری ایران آن را لحظه به لحظه در سراسر کشور برای کارگران اجرا می کند. این سناریو ارزش و اعتبار کارگر را به روشنی نمایش می دهد. هر کجا که پای ضرورت افزایش سود در میان است چه باک اگر هزاران کارگر قربانی یک ریال سود بیشتر سرمایه شوند!!

8 مهر 87

78- زنده باد هبستگی کارگران نساجیهای کردستان، پرریس و فرش بافت غرب

دروغ بر اراده مستحکم کارگران شرکت لاستیک البرز:

کارگران مبارز و حق طلب نساجیهای کردستان، پرریس و فرش بافت غرب علی رغم بر دوش کشیدن مشکلات اقتصادی فراوان خود و مواجهه با دردهای بیش از حدی که کارفرمایانشان با کمک ادارت مرتبط از جمله اداره کار و در حمایت نیروی انتظامی بر آنان تحمیل نموده اند و مدت‌های مدیدی است که با مشکل بی پولی به دلیل به تعویق افتادن حقوقهایشان و همچنین خطر اخراج رو در رو هستند اما با درک درست از هم سرنوشتی و درد مشترک همه کارگران، پایمال شدن حقوق کارگران شرکت لاستیک البرز را درد تجربه کرده خود دانسته و همچنین مبارزه و رسیدن به مطالبات آن کارگران را به مثابه موفقیتی برای خود دانسته اند. از آنرو با انتشار پیام حمایت از مبارزات کارگران شرکت البرز اعلام کرده اند که یک صف شریک در اعتراضشان هستند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ، ضمن پیوستن به اعلام حمایت کارگران نساجیهای کردستان، پرریس و فرش بافت از کارگران شرکت لاستیک البرز، حق کارگران البرز می داند مدیری که صلاحیت اداره شرکت و پرداخت حقوق کارگران را ندارد بیرون کرده و خود کنترل را به دست گیرند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه 1387/7/8

79- مدیرعامل شرکت شهرکهای صنعتی آذربایجان شرقی خبر داد

وجود 180 واحد صنعتی راکد در سطح استان :

تبریز- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 8 مهر 87 ؛ مدیرعامل شرکت شهرکهای صنعتی آذربایجان شرقی گفت: هم اکنون 180 واحد صنعتی راکد در سطح شهرکهای صنعتی استان وجود دارد که برای تعیین تکلیف در مرحله پیگیری قرار دارند.

به گزارش "ایلنا"، محمدرضا زعفرانی افزود: 50 واحد صنعتی دیگر نیز در دستگاه قضایی مراحل حقوقی خود را طی می‌کنند.

وی در عین حال با تأکید بر اینکه وجود واحدهای صنعتی را که در شهرک‌های صنعتی آذربایجان شرقی معنا ندارد، اظهار داشت: متوسط زمان بهره‌برداری از یک واحد صنعتی دو سال است، با توجه به اینکه بخش اعظمی از قراردادهای شرکت شهرک‌های صنعتی استان در طول دو سال گذشته منعقد شده است، بنابراین در مدت زمان کوتاهی این واحدها به بهره‌برداری می‌رسند. وی افزود: کل قراردادهای شرکت شهرک‌های صنعتی استان 2 هزار و 690 واحد است که از این تعداد یک هزار و 100 واحد به بهره‌برداری رسیده و یک هزار و 500 واحد باقیمانده طی دو سال گذشته، عملیات راه‌اندازی را آغاز کرده‌اند.

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان آذربایجان شرقی با مقایسه آمار قراردادهای واحدهای صنعتی منعقد شده طی سه ماهه اول سال جاری با مدت مشابه در سال قبل افزود: تعداد قرارداد واحدهای صنعتی در این مدت در سال 86 و 87 به ترتیب 146 و 230 واحد بوده که 18 درصد کاهش را نشان می‌دهد، این در حالی است که میانگین کشوری 43 درصد کاهش دارد که یکی از دلایل اصلی این کاهش تغییر در شیوه آرایه تسهیلات بانکی به متقاضیان بوده است. مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان آذربایجان شرقی با بیان اینکه تعداد شهرک‌های صنعتی استان از 9 شهرک در سال 1380 به 33 شهرک مصوب در سال 87 رسیده است، افزود: وسعت شهرک‌ها و نواحی صنعتی استان آذربایجان شرقی از یک هزار و 199 هکتار به 11 هزار و 193 هکتار افزایش یافته است.

وی همچنین گفت: در سال 87 ایجاد شهرک صنعتی بناب 2 به وسعت 250 هکتار، بستان آباد دو به وسعت 300 هکتار، جلفا به وسعت 260 هکتار، کلبر به وسعت 98 هکتار، مراغه 2 به وسعت 300 هکتار و مرند 2 به وسعت 200 هکتار شهرک‌های صنعتی مصوب شده‌اند.

پایان پیام

80- تجمع دانشجویان در تبریز :

به گزارش خبرنگار امیرکبیر در تاریخ 8 مهر 87 : روز شنبه گذشته دانشجویان دانشگاه تبریز به همراه اعضای انجمن اسلامی این دانشگاه در اعتراض به بازداشت دانشجویان هویت طلب تبریز در تابستان و عدم آزادی آنها، در صحن دانشگاه تحصن تحصن کردند.

این تحصن از مقابل دانشکده انسانی دانشگاه تبریز آغاز شده و دانشجویان ضمن سر دادن شعار و حمل پلاکارد در حمایت از دانشجویان بازداشت شده، به سمت دانشکده فنی دانشگاه تبریز حرکت کردند. به گزارش خبرنگار امیرکبیر بر روی پلاکارها عباراتی همچون "دوستانمان را آزاد کنید: سجاد رادمهر، فراز زهتابی، آیدین خواجه ای، امیر مردانی، منصور امینیان، مقصود عهدی"، "قیزیلدان اولسا قفسیم، آز ادلیقا وار هوسیم"، "خسته نشو ای من من، آخر جاده روشنه"، "حرف را باید زد، درد را باید گفت"، "our release friend" نوشته شده بود.

دانشجویان معترض با حرکت به سمت ساختمان مرکزی دانشگاه در آن جا نیز تجمع نمودند و در نهایت با قرائت نامه ای خطاب به ریاست دانشگاه تجمع اعتراضی خود را به پایان رساندند. متن نامه ی قرائت شده دانشجویان به این شرح است:

بسمه تعالی

ریاست محترم دانشگاه تبریز جناب آقای دکتر علوی

با سلام

همچنان که مستحضرید دانشجویان دانشگاه تبریز سال تحصیلی جدید را در حالی آغاز می کنند که ۶ تن از دوستان و همکلاسی هایشان در بازداشت به سر می برند. این دستگیری ها از روز ۲۷ تیر ماه با بازداشت سجاد رادمهر- دانشجوی کارشناسی ارشد مکانیک، فراز زهتاب و آیدین خواجه ای-دانشجویان کارشناسی حقوق- آغاز شد و با بازداشت امیر مردانی-دانشجوی مهندسی برق-، مقصود عهدی-دانشجوی جغرافیا- و منصور امینیان-دانشجوی کارشناسی ارشد مکانیک- ادامه یافت و با توجه به طولانی بودن مدت زمان بازداشت این دانشجویان مهر ماه را از حضور در ساحت دانشگاه محروم مانده اند.

دانشگاه به عنوان قلب تپنده ی ظلم ستیزی، همواره طعم تلخ برخورد های قهر آمیز را چشیده با این حال هرگز تزلزلی در اراده ی حق خواهی خود راه نداده است. ادامه ی چنین برخوردهایی نیز نتیجه ای جز افزایش نارضایتی در میان اقشار مختلف جامعه نخواهد داشت.

در این میان بازداشت های اخیر با بی مهری و بی توجهی مسئولین دانشگاه همراه بوده است. بی شک در مقام حمایت بر آمدن از این دانشجویان نه کاری سترگ که حفظ شان و حیثیت دانشجو و دانشگاه است.

لذا از شما به عنوان مقام اول دانشگاه خواهشمندیم از تمامی توان و اختیارات خود برای آزادی هرچه سریعتر دانشجویان در بند استفاده نمایید

با تشکر

رونوشت به:
نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه تبریز
ریاست دانشکده ی مهندسی کامپیوتر و برق
ریاست دانشکده ی علوم انسانی و اجتماعی
ریاست دانشکده ی فنی مهندسی مکانیک

81- کارگران پریس دو ماه حقوق معوقه دریافت کردند اما کماکان کارخانه برویشان بسته است:

بر پایه گزارشات دریافتی ، امروز 8 مهر 87؛ کارگران پریس توانستند حقوق معوقه دو ماه را دریافت کنند و در عین حال با تصمیم کارفرما مبنی بر بسته شدن کارخانه به دلیل نبود مواد اولیه روبرو شدند. کارفرما اعلام کرده است تا رسیدن مواد باید از اداره کار بیمه بیکاری دریافت کنند. قبلا هم اداره کار در بی دادنامه هیات تشخیص که مجموعا بنفع کارفرما بود غیر از پرداخت دو ماه و 13 روز حقوق معوقه ، دیگر خواستههای کارگران را رد کرده بود و به نفع کارفرما رای صادر کرد که این مبنای دهن کجی بیشتر اسفندیاری کارفرمای پریس به کارگران شده است. امروز کارگران به کارخانه بازگشتند و ضمن اعتراض شدید به تصمیم کارفرما و به رای بی دادنامه هیات تشخیص اداره کار ، بر ادامه مبارزه خود تاکید کردند.

رفقای کارگر!

هم اکنون کارفرما بر خواست خود مبنی بر بستن کارخانه، فشار بر شما کارگران معترض و حق طلب و احيانا اخراج تعدادی ادامه میدهد. استخدام کارگر ارزان و خاموش هدف جدی کارفرماست. اداره کار و کارفرما باید تحت فشار قرار بگیرند که کارخانه فعالیت مجدد داشته باشد این حق مسلم شماست. کارخانه را باید محل تجمع هر روزه کرد و اداره کار و استانداری بعنوان مقامات مسئول و همدست کارفرمای جنایتکار تحت فشار قرار بگیرند تا او را وادار به راه اندازی مجدد کارخانه کنند.

8 مهر 1387

29 سپتامبر 2008

82- مردم در زمستان امسال هم گرفتار قطع گاز خواهند شد :

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 8 مهر 87: رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تاکید کرد که حتی در صورت قطع نشدن صادرات گاز ترکمنستان به ایران باز هم زمستان امسال با قطعی گاز مواجه خواهیم بود.

حمیدرضا کاتوزیان تاکید کرد: هنوز قرارداد جدید با کشور ترکمنستان برای صادرات گاز این کشور به ایران منعقد نشده و هم اکنون مسوولان دو طرف در حال مذاکره هستند اما باید در نظر داشت که با وجود صادرات گاز ترکمنستان به ایران باز هم به دلیل اینکه مصرف گاز در کشور رو به افزایش است پیش بینی ما در کمیسیون انرژی این است که زمستان امسال هم شاهد قطعی گاز در کشور خواهیم بود.

وی یادآور شد: مشکل ما در رابطه با مصرف گاز این است که الگوی مصرف درستی نداریم و به دلیل اینکه قیمت گاز در کشور بسیار ارزان است نمی توان رفتار مصرف کننده را کنترل کرد.

وی تصریح کرد: قیمت سوخت در ایران واقعی نیست و تا زمانی که در رابطه با قیمت انرژی در کشور اقدامی صورت نگیرد نمی توان نسبت به کنترل مصرف گاز خوش بین بود و با این وجود مصرف گاز در کشور همچنان رو به افزایش است.

83- ادامه اعتراضات معلمان حق التدریسی:

روز شنبه هفتم مهرماه، 250 معلم حق التدریسی در مقابل مجلس اجتماع کردند و علیه وضعیت کار و فقدان هر نوع تضمین اشتغال خود دست به اعتراض زدند. بیشتر معلمان از استان لرستان به تهران آمده اند، اما مطالبات آنان همان مطالبات بخش عظیمی از همزنجیران آن ها در سراسر ایران است. وضعیت کار و اشتغال این معلمان همچون همه بخش های دیگر طبقه کارگر بسیار رقت بار و تأسف انگیز است. 250 معلمی که در

مقابل مجلس اجتماع کرده اند عموماً در مناطق عشایری غرب تدریس می کنند. آنان باید مدام جاده های پرخطر کوهستانی را پشت سر نهند و از نقطه ای به نقطه دیگر بروند تا به دانش آموزان درس بدهند. این معلمان به دنبال تحمل تمامی این سختی ها و رنج ها در بهترین حالت و در صورتی که تمام وقت کار کرده باشند و، از این مهم تر، در صورتی که رؤسا و مسئولان آموزش و پرورش کار تمام وقت آن ها را تأیید کرده باشند در ماه چیزی میان 130 تا 150 هزار تومان حقوق می گیرند. آنان در ماه های تعطیل مدارس هم هیچ حقوقی دریافت نمی کنند و به این ترتیب در سال فقط 8 یا 9 ماه حقوق می گیرند. این که همین حقوق ناچیز هم چند ماه یک بار به آن ها داده شود موضوعی است که یکسره به میل و رغبت و اراده سردمداران وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادهای دولتی سرمایه بستگی دارد. چندین هزار معلم در سراسر ایران سی سال است که رنج سنگین و کشنده این وضعیت هولناک زندگی و کار و را تحمل می کنند و علیه آن فریاد سر داده و دست به اعتراض زده اند. اجتماع کنونی معلمان در مقابل مجلس گوشه کوچکی از دنیای این مبارزات و اعتراضات سی ساله است. آنان خواستار تضمین اشتغال خود، افزایش دستمزدها و تغییر کل این وضعیت هستند.

8 مهر 87

84- سال گذشته 117 نفر در حوادث ناشی از کار فوت کردند :

به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 8 مهر 87 ؛ مدیرکل دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی گفت: در سال گذشته 117 نفر به دلیل حوادث ناشی از کار فوت کرده اند. به گزارش خبرنگار گروه کارگری "ایلنا"، سیاوش قراگزلو، تعداد از کارافتادگان کلی در سال گذشته را 260 نفر اعلام کرد و گفت: همچنین 596 نفر دچار از کارافتادگی جزئی شدند؛ یعنی از کارافتادگی این افراد بین 33 تا 66 درصد است. وی غرامت مقطوع نقص عضو را کمتر از 33 درصد ذکر کرد و گفت: یک هزار و 184 نفر در سال گذشته دچار چنین حوادثی شدند. او تعداد مجروحان حوادث ناشی از کار در سال گذشته را 24 هزار و 75 نفر اعلام و افزود: از این تعداد 21 هزار و 918 نفر بهبودی کامل یافتند

85- مدیرکارخانه پریس برای بیرون کردن کارگران نیروهای انتظامی و امنیتی را به

کارخانه آورد :

امروز مورخه 1387/7/9 کارگران پریس مطابق معمول هر روز به کارخانه رفتند اما نگهبان کارخانه از ورود آنان ممانعت به عمل آورد با اینحال کارگران وارد کارخانه شدند و اعلام کردند ما کارگر شاغل این کارخانه هستیم.

بدنبال ورود این کارگران به کارخانه مدیر کارخانه پریس با نیروی انتظامی و اداره اطلاعات تماس گرفته و آنان را برای بیرون کردن کارگران به کارخانه آورد. اما کارگران مقاومت کرده و حاضر به ترک کارخانه نشدند و پس از دو ساعت گفتگو و صحبت هایی که کارگران کردند این نیروها هیچ اقدامی در راستای خواست مدیر کارخانه برای بیرون کردن کارگران انجام ندادند. پس از این گفتگوها نیروهای اداره اطلاعات محل را ترک کردند اما مأمورین نیروی انتظامی تا پایان وقت اداری در کارخانه ماندند.

از سوی دیگر نماینده های کارگران پریس امروز اعتراض خود را نسبت به حکم هیئت تشخیص اداره کار سنندج به این اداره دادند.

قرار است روز پنجشنبه مورخه 87/7/11 اداره کار سنندج تاریخ رسیدگی به این اعتراض را به کارگران پریس اعلام کند.

کارگران پریس نبود مواد اولیه برای عدم پذیرش کارگران بر سر کار را یک بهانه از سوی کارفرما برای مقابله با خود میدانند و در اعتراض خود به رای هیئت تشخیص به توصیه این هیئت مبنی بر وصل کارگران

به بیمه بیکاری معترض شده و اعلام کرده اند ما کارگر شاغل کارخانه پرریس هستیم و کارفرما تا تهیه مواد اولیه و شروع کار باید دستمزد ما را بدهد.

اتحادیه آزاد کارگران 87/7/9

86- احضار مجدد یک عضو کانون صنفی معلمان به واحد بررسی تخلفات اداری:

به گزارش کانون صنفی معلمان در تاریخ 9 مهر 87 آمده است: بار دیگر گوردژ شفیعیان فرهنگی محقق و مولف که از اعضای کانون صنفی معلمان است از سوی واحد تخلفات اداری استان فارس احضار گردید. در این احضار به آقای شفیعیان خواسته شده تا در روز 14 مهر ماه به واحد تخلفات اداری مراجعه نمایند. این چندمین باری است که شفیعیان به این صورت احضار شده است. بار قبل این فرهنگی محقق و مولف مدتی به اتهام:

1- چاپ مقاله!! در مجله چشم انداز ایران، در تیر و مرداد ماه 1386 زیر نام "حرکت معلمان و عمیق تر شدن مبارزات اجتماعی در ایران"

2- اقدام به تحریک معلمان!! به اعتراض و تجمع برای پیگیری خواسته های خود، در روز جهانی معلم هفته معلم و توزیع اطلاعیه های کانون فرهنگیان کشور در منطقه.

3- افتخار به چاپ مقاله!! خود در سایت ها و مجلات داخلی و معرفی سایت ها به معلمان و تشویق آنان به بازدید از سایت ها

4- معرفی خود، به عنوان موسس کانون فرهنگیان ممسنی!!

5- آوردن موضوع احضارها!! و بازداشت های خود در سایت های اینترنتی.

همچنین به اتهام، ساده لوح بودن!! به 2 ماه انفصال از خدمت از طرف واحد تخلفات اداری محکوم گردید!!

87 - میزان 40 درصد ایرانیان، زیر خط فقر :

به گزارش کارگزاران به نقل از سایت گزارشگران در تاریخ 9 مهر 87 آمده است: فقر یکی از مشکلات بزرگ در جوامع بشری است؛ مشکلی که ظاهری اقتصادی دارد ولی به دنبال خود تبعات منفی اجتماعی را نیز به همراه می آورد و حتی می تواند امنیت کشور را نیز تحت تاثیر قرار دهد. اخیراً نیز سازمان بین المللی شفافیت در گزارشی اعلام کرد که فقر و فساد اقتصادی رابطه مستقیم با یکدیگر دارند. طبق مطالعات انجام شده توسط این سازمان هر چه میزان فقر در کشوری بیشتر باشد، زمینه مساعدتری برای افزایش فساد اقتصادی در آن کشور وجود دارد و حتی می توان این رابطه را در جهت مخالف نیز بررسی کرد. به این معنا که در کشورهایی که فساد اقتصادی زیادی دارند زمینه برای افزایش فقر در این کشور فراهم می شود و شمار زیادی از مردم در مشکلات اقتصادی زندگی می کنند. هیوگت لیبلر رئیس سازمان بین المللی شفافیت در مورد این گزارش می گوید: فقر و فساد اقتصادی رابطه مستقیم و تنگاتنگی با یکدیگر دارند. هر چه سطح فقر در کشوری بیشتر باشد میزان فساد اقتصادی در آن کشور بیشتر است. در چنین کشورهایی شاخص فساد تا اندازه زیادی تفاوت بین مرگ و زندگی را نشان می دهد زیرا مردم فقیر این کشورها حتی توان تامین هزینه لازم برای پرداخت هزینه های بیمارستان با خرید و استفاده از آب سالم را ندارند. وی ادامه داد: مطالعات سال های اخیر نشان داده است روند افزایش فساد در کشورهای مختلف جهان در سال های مختلف ادامه داشته و نکته با اهمیت این است که در کشورهای فقیر این سیر فزاینده با شدت بیشتری انجام شد. هر چه میزان فساد اقتصادی در کشوری بیشتری باشد افراد ساکن در آن کشور با مشکلات بیشتری دست و پنجه نرم می کنند و فضای اقتصادی به گونه ای است که فاصله مردن با بیماری های مهلک یا حتی مرگ بسیار کم می شود. مخربترین آثار فقر زمانی آشکار می شود که کودکان را گریبانگیر خود کند. مطالعات سازمان یونسف نشان می دهد از مجموع کودکانی که در کره زمین زندگی می کنند 27 تا 28 درصد به مشکل نارس بودن یا کمبود وزن دچار هستند که اغلب این افراد در کشورهای جنوب قاره آسیا و جنوب صحرائی آفریقا سکونت دارند. نکته با اهمیت این است که ادامه این روند و عدم انجام کارهای مناسب برای ممانعت از بیشتر شدن این مشکل سبب می شود

تا برنامه‌های سازمان ملل در مورد کاهش شمار فقرا به نتیجه مطلوب نرسد. این سازمان در نظر داشت تا با استفاده از برنامه‌های شمار فقرای جهان را کاهش دهد ولی پیش‌بینی می‌شود با ادامه این طرح در چند ماه آینده شمار کودکانی که با مشکل فقر دست و پنجه نرم می‌کنند به بیشتر از 30 میلیون نفر برسد. به گزارش یونیسف روزانه بین 26 هزار و 500 تا 30 هزار نفر از کودکان کره زمین در اثر فقر جان خود را از دست می‌دهند. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند نشانی از فقر جهانی باشد عدم دسترسی افراد به آب سالم یا برق یا سرپناه است. طبق گزارش‌های آخر تا آغاز سال 2007 میلادی 1/1 میلیارد نفر از ساکنان کره زمین به آب سالم و تصفیه شده دسترسی نداشتند و 2/6 میلیارد نفر حتی امکانات اولیه برای برخورداری از آب سالم را هم در اختیار نداشتند. این گروه باید از آب‌های روان در کوچه‌ها و غیره استفاده می‌کردند در حالی که 1/1 میلیارد نفری که ذکر شد در ظاهر آب تصفیه شده مصرف می‌کردند ولی کیفیت تصفیه بسیار پایین بود و بسیاری از بیماری‌ها را منتقل می‌کرد. از طرف دیگر دو نفر از سه نفری که به آب سالم دسترسی نداشتند با درآمدی کمتر از دو دلار در هر روز زندگی می‌کردند و یک نفر از سه نفری که با مشکل آب روبه‌رو بودند، زیر خط فقر مطلق قرار داشتند. به تعبیر بهتر در سال مورد بررسی 660 میلیون نفر با درآمدی کمتر از دو دلار در روز و 385 میلیون نفر با درآمدی کمتر از یک دلار گذران زندگی می‌کردند. مطالعات نشان می‌دهد بیشتر از 85 درصد از 20 درصد ثروتمندترین مردم جهان به آب تصفیه شده و لوله‌کشی دسترسی داشتند در حالی که تنها 25 درصد از 20 درصد فقرا از این خدمات اجتماعی برخوردار بودند. در اثر استفاده از آب ناسالم سالانه 1/8 میلیون کودک در سراسر دنیا جان خود را به دلیل بیماری و با از دست می‌دهند و 443 میلیون کودک به دلیل بیماری‌های مرتبط با استفاده از آب ناسالم نمی‌توانند برای چند روز در کلاس درس حضور یابند. شایان ذکر است تقریباً نیمی از مردم کشورهای در حال توسعه از مشکلات ناشی از استفاده آب ناسالم یا آب‌هایی که به صورت غیر استاندارد تصفیه شده است دچار مشکل می‌شوند. یکی دیگر از عوامل سازنده فقر در جهان، بیکاری است. این مشکل هم‌اکنون در تمامی نقاط دنیا افزایش یافته ولی در سال گذشته میلادی کشورهای نایورا، لیبیریا، زیمبابوه و ترکمنستان رکورددار بیکاری در دنیا بودند. نرخ بیکاری در این کشورها بین 80 تا 90 درصد جمعیت فعال بالاتر از 20 سال بود. طبق این گزارش، نرخ بیکاری در ایران برابر با 15 درصد است و ایران جایگاه 47 را در جهان به خود اختصاص داده است. ایران در میان 181 کشور جهان و در طبقه‌بندی به ترتیب کاهش نرخ بیکاری رتبه 47 را به خود اختصاص داده است. نرخ بیکاری در کشورهای بحرین و عمان نیز مشابه ایران است و این کشورها هم جایگاه 47 را دارند. کمترین نرخ بیکاری در جهان به کشور آذربایجان اختصاص دارد. این کشور در سال گذشته با نرخ بیکاری 1/2 درصد رکورددار دنیا بود و توانست جایگاه خوبی را به خود اختصاص دهد. در سال گذشته میلادی کشور کویت در میان تمامی کشورهای خاورمیانه کمترین نرخ بیکاری را داشت. نرخ بیکاری در این کشور در سال 2007 میلادی برابر با 2/20 درصد بود و کشور امارات که دومین جایگاه را در منطقه داشت با بیکاری 2/40 درصدی مواجه بود. در سال گذشته نرخ بیکاری در قطر 3/20 درصد، در الجزایر 15/7 درصد، در عراق 25 درصد، در لیبی 30 درصد، در یمن 35 درصد و در آمریکا 4/8 درصد بوده است.

شایان ذکر است در ژانویه سال 2008 میلادی نرخ تورم اعلام شده برای ایران برابر با 15/8 درصد بود. در سال گذشته ایران در میان 181 کشور جهان رتبه هفتم دنیا را داشت. بالاترین تورم در جهان در سال گذشته برای کشور زیمبابوه بود و بعد از آن عراق رتبه دوم را داشت. کمترین تورم در دنیا در سال گذشته میلادی به کشور ژاپن اختصاص داشت. در این سال تورم در ژاپن کمتر از یک درصد بود.

گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت

سازمان بین‌المللی شفافیت برای تعیین شاخص فساد اقتصادی، فاکتورهای مختلف اقتصادی و اجتماعی را مورد ارزیابی قرار داده و برآیند این شاخص‌ها موجب ایجاد شاخص فساد شده است. شاخص فساد ارائه شده توسط سازمان بین‌المللی شفافیت عددی بین یک تا 10 است. کشورهایی که شاخص کمتری دارند، سطح فساد اقتصادی در آنها بیشتر است و کشورهایی که میزان شاخص آنها به عدد 10 نزدیکتر است، کمترین میزان فساد اقتصادی را دارند. مطالعه نشان می‌دهد در سال گذشته میلادی میزان شاخص فساد در کشورهای اروپایی کاهش یافته است. به این معنا که وخیمتر شدن اوضاع اقتصادی کشورهای اروپایی به دنبال مشکلات اقتصادی آمریکا سبب شد تا میزان فساد اقتصادی در این کشورها افزایش یابد. طبق گزارش ارائه شده توسط این سازمان شاخص فساد اقتصادی در ایران معادل 2/3 است و این کشور در میان 180 کشور مورد بررسی رتبه 141 را به خود اختصاص داده است. طبق این گزارش، شاخص فساد اقتصادی در کشورهای یمن، کامرون، ایران و فیلیپین با یکدیگر مساوی است و تمامی این کشورها در جایگاه 141 جدول جای گرفته‌اند. شاخص فساد اقتصادی در کشورهای قزاقستان و تیمور لسته برابر با 2/2 است و این کشورها بعد از ایران

قرار گرفته‌اند. جایگاه کشور سوریه در جدول بعد از تیمور لسته است و شاخص فساد اقتصادی در این کشور برابر با 2/1 اعلام شده است. همانطور که پیش‌تر گفته شد کمتر شدن شاخص و نزدیک‌تر شدن به عدد يك نشان‌دهنده بیشتر شدن میزان فساد در کشور است. شاخص فساد در کشور سومالی که آخرین کشور فهرست است معادل يك برآورد شده است. شاخص فساد در کشورهای میانمار و عراق برابر با 1/3 است و این دو کشور جایگاه قبلی سومالی را دارند. شاخص فساد در هائیتی 1/4، در افغانستان 1/5 و در سودان، چاد و گینه برابر با 1/6 است. شاخص فساد در کشورهای گینه اکورینال و جمهوری دموکراتیک کنگو که هر دو جایگاه 171 جدول را به خود اختصاص داده‌اند برابر با 1/7 است. شاخص فساد اقتصادی در کشورهای دانمارک، سوئد و نیوزیلند که هر سه رتبه اول را در جدول به خود اختصاص داده‌اند برابر با 9/3 برآورد شده است. در جدول شماره يك جایگاه برخی از کشورها از نظر فساد اقتصادی و شاخص فساد آنها را می‌بینید:

گزارش صندوق بین‌المللی پول

صندوق بین‌المللی پول در گزارش اخیر خود آماری در مورد درصد افراد زیر خط فقر ارائه داده است. در مرحله اول برای تعیین این آمار تعریفی برای فقر مطلق در نظر گرفته شده است که با تعریف قبلی یعنی کسب يك دلار در هر روز متفاوت است. تاکنون شنیده‌اید خط فقر معادل کسب درآمد کمتر از يك دلار (کمتر از يك هزار تومان) در هر روز است اما با توجه به شرایط کنونی اقتصاد جهانی این تعریف نادرستی است زیرا با کسب این درآمد حتی نیمی از نیازهای حیاتی يك فرد نیز تامین نمی‌شود و در فاصله زمانی کوتاهی فرد در آستانه مرگ قرار می‌گیرد. نادرست است. ضمن اینکه معیار خط فقر در کشورهای مختلف با یکدیگر فرق دارد. بر طبق مطالعات انجام شده خط فقر حداقل درآمدی است که با داشتن آن نیازهای اولیه زندگی تامین می‌شود. با توجه به این تعریف حداقل درآمدی که برای تامین نیازهای اولیه در کشورهای مختلف مورد نیاز است با یکدیگر تفاوت دارد و شرایط حاکم بر اقتصاد آن کشور می‌تواند تعیین‌کننده حداقل درآمد لازم برای ادامه بقا باشد. برای محاسبه خط فقر از روش زیر استفاده می‌کنیم: در مرحله اول هزینه‌ای که هر فرد برای تامین نیازهای اولیه زندگی خود از جمله خوراک و پوشاک و مسکن نیاز دارد را محاسبه می‌کنیم. این مبلغ را به روزهای يك ماه یعنی عدد 30 تقسیم کنیم حداقل درآمد مورد نیاز برای زندگی محاسبه می‌شود و این مبلغ به عنوان خط فقر معرفی می‌شود. بدون شك این مبلغ تعیین شده برای خط فقر به نرخ تورم در کشور مورد بررسی ارتباط زیادی دارد. هر چه تورم در کشور بیشتر باشد، مبلغ لازم برای تامین حداقل نیازها بیشتر است و خط فقر عدد بزرگتری خواهد داشت. افرادی که درآمدشان کمتر از این مبلغ باشد در فقر مطلق زندگی می‌کنند و با انواع بیماری‌ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند. به گزارش صندوق بین‌المللی پول بیشترین شمار فقراي جهان در قاره آفریقا ساکن هستند و قاره آسیا در رده بعدی قرار دارد. اگرچه به دلیل وجود نظام دقیق ارزیابی و شمارش فقرا به آمارهای ارائه شده توسط کشورهای توسعه یافته و صنعتی بیشتر از کشورهای در حال توسعه یا فقیر می‌توان اطمینان داشت. در برخی از کشورهای فقیر یا در حال توسعه به این دلیل که نظام دقیقی برای تعیین شمار فقرا وجود ندارد نرخ فقر پایین‌تر از میزان واقعی اعلام می‌شود. بر طبق گزارش ارائه شده توسط صندوق بین‌المللی پول در سال جاری میلادی بیشتر سن شمار فقرا در کشورهای زامبیا و زیمبابوه وجود داشته است. در این دو کشور بیشتر از 80 درصد از مردم زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند. در کشور افغانستان بیشتر از 53 درصد از مردم، در کشور عراق، در کشور ایران 40 درصد از مردم، در مالزی 8 درصد مردم و در فرانسه 6/5 درصد از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. شایان ذکر است در این آمارگیری تنها 80 کشور از مجموع 180 کشور جهان مورد ارزیابی قرار گرفتند و کشورهایی که آمارهای خود را به این سازمان اعلام نکرده‌اند کشورهای هستند که یا به دلیل بی‌ثباتی سیاسی یا به دلیل مشکلات داخلی آمارهای دقیق نداشتند. یکی از این کشورها عراق است که در جدول ارائه شده توسط صندوق بین‌المللی پول آمار آن ارائه نشده است. کشور سومالی هم در این دسته جای گرفته است. کشورهایی که کمترین شمار فقرا را در خود جای داده‌اند عبارتند از: بلژیک، بلغارستان و تایوان. نرخ فقر در تایوان معادل 0/9 درصد است و این کشور رکورددار جهان است. کشورهایی از قبیل نروژ، سوئیس و سوئد که در جهان از نظر میزان رفاه و یکپارچگی اقتصادی معروف هستند، هر يك کمتر از 10 درصد فقیر را در خود جای داده‌اند.

88 - تخم مرغ 10/8 درصد گران شد :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ سه شنبه 9 مهر 87 آمده است: قیمت هر شانه حدود دو کیلویی تخم مرغ در هفته منتهی به پنجم ماه جاری در مقایسه با مدت مشابه ماه قبل 10/8 درصد افزایش یافته است. به گزارش دفتر آمارهای اقتصادی بانک مرکزی متوسط نرخ خرده فروشی تخم مرغ در هفته مورد بررسی

نسبت به هفته ماقبل نیز 1/4 درصد رشد یافته است به طوری که هر شانه حدود دو کیلویی آن به قیمت 3200 تا 3700 تومان فروش رفت در صورتی که در مدت مشابه ماه گذشته هر شانه تخم مرغ در فروشگاه های شهر تهران حدود 3100 تومان به فروش می رسید.

براساس این گزارش قیمت میوه نیز در هفته منتهی به پنجم مهرماه سال جاری در مقایسه با هفته ماقبل و هفته مشابه ماه قبل به ترتیب 1/8 و 5/1 درصد رشد را نشان می دهد. این افزایش قیمت بیشتر ناشی از رشد بهای برخی از میوه ها همچون سیب گلاب، انار، گلابی، طالبی و شلیل و شیرنگ بوده است. متوسط قیمت هر کیلو سیب گلاب، طالبی، انار و گلابی در هفته مورد بررسی به ترتیب 1923، 547، 1737 و 2139 تومان گزارش شده که در مقایسه با مدت مشابه در ماه قبل به ترتیب 6/5، 6/4، 5/1 و پنج درصد افزایش قیمت نشان می دهد.

افزایش 30 تا 200 درصدی قیمت برخی میوه ها و سبزیجات

در فروشگاه های شهر، قیمت برخی اقلام گروه میوه های تازه از افزایش بی منطق و بی دلیلی برخوردار شده است به طوری که قیمت برخی اقلام گروه میوه و سبزی از 30 تا 200 درصد افزایش یافته است. براساس گزارش فارس قیمت هندوانه که تا هفته پیش کیلویی 350 تومان بود به یکباره به 450 تا 500 تومان رسیده است و همچنین قیمت خربزه از کیلویی 600 تومان به 1000 تا 1300 تومان رسیده و قیمت انگور نیز از هر کیلو 1600 تومان به 2200 تا 2500 تومان افزایش یافته است. بنا براین گزارش، قیمت سیب زمینی در خرده فروشی های شهر به کیلویی 600 تومان رسیده است و این در حالی است که در هفته گذشته این محصول به قیمت 300 تومان عرضه می شد و از افزایش قیمت 200 درصدی در طول یک هفته برخوردار بوده است. اما نکته جالب در افزایش قیمت ها این است که بنا بر گزارش خرده فروشی بانک مرکزی منتهی به هفته پنجم مهرماه امسال، قیمت خربزه همچنان 544 تومان بود و نسبت به هفته گذشته 7/3 درصد کاهش داشته است و همچنین قیمت هندوانه 338 تومان بوده که نسبت به هفته گذشته ثابت گزارش شده است.

در هفته مورد بررسی در میداين زیر نظر شهرداری تهران پرتقال درجه یک، لیمو شیرین، انار و شلیل و شیرنگ عرضه نمی شد ولی بقیه اقلام میوه و سبزی تازه را که تعدادی از آنها از نظر کیفی در سطح پایینی قرار داشتند به نرخ مصوب سازمان میداين میوه و تره بار شهرداری می فروختند. میوه فروشی های سطح شهر اقلام مرغوب میوه و سبزی تازه را عرضه می کردند که در گروه میوه های تازه قیمت هندوانه ثابت بود. بهای انواع سیب تخم لبنان و خربزه کاهش ولی قیمت سایر اقلام این گروه افزایش یافت. در گروه سبزی های تازه قیمت پیاز، لوبیا سبز و سبزی های برگی افزایش ولی بهای سایر اقلام این گروه کاهش داشت. در این هفته قیمت گوشت مرغ کاهش ولی بهای گوشت تازه گاو و گوساله افزایش جزئی یافت و قیمت گوشت گوسفند ثابت بود. در هفته مورد بررسی قیمت شکر و چای خارجی کاهش یافت و بهای قند و انواع روغن نباتی ثابت بود.

لبنیات

در هفته مورد گزارش در گروه لبنیات بهای پنیر غیرپاستوریزه 0/5 درصد افزایش یافت و قیمت سایر اقلام این گروه نسبت به هفته قبل ثابت بود.

برنج و حبوبات

در هفته مورد بررسی در گروه برنج قیمت برنج وارداتی تایلندی 1/8 درصد و برنج داخله درجه یک و دو به ترتیب 1/7 و دو درصد کاهش یافت و بهای برنج وارداتی غیرتایلندی ثابت بود. در گروه حبوب قیمت لپه خود 0/3 درصد افزایش یافت و بهای سایر اقلام این گروه ثابت بود.

میوه ها و سبزی های تازه

در هفته مورد گزارش در گروه میوه های تازه قیمت سیب زرد و قرمز تخم لبنان به ترتیب معادل دو و 2/7 درصد و خربزه 7/3 درصد کاهش ولی بهای سایر اقلام این گروه بین 0/6 تا 6/5 درصد افزایش یافت. در گروه سبزی های تازه قیمت پیاز 2/2 درصد، لوبیا سبز یک درصد و سبزی های برگی 0/5 درصد افزایش ولی بهای سایر اقلام این گروه بین 0/7 تا 2/8 درصد کاهش داشت.

گوشت قرمز و گوشت مرغ

در هفته مورد گزارش قیمت گوشت مرغ 4/2 درصد کاهش ولی بهای گوشت تازه گاو و گوساله 0/3 درصد افزایش داشت. قیمت گوشت گوسفند نیز ثابت بود.

قند، شکر، چای و روغن نباتی

در هفته مورد گزارش قیمت چای خارجی 3/5 و شکر 0/5 درصد کاهش ولی بهای قند و انواع روغن نباتی ثابت بود.

89 - سه نفر در حادثه کارگری کشته شدند :

به نوشته روزنامه کیهان در تاریخ 9 مهر 87 آمده است : در پی ریزش کانال فاضلاب در شهر بجنورد سه کارگر بنامهای "روح الله مرادی" ، "ابراهیم فرهادی" و "محمد قبادی" در حین گودبرداری جان خود را از دست دادند.

90 - اخراج وسیع کارگران کشتی سازی صدرا :

مطابق گزارشات رسیده در توافقی که میان افراد نهاد دولتی موسوم به «خانه کارگر» با سرمایه داران مالک کارخانه کشتی سازی صدرا صورت گرفته است شمار زیادی از کارگران رسمی این کارخانه مشمول بیکارسازی قرار گرفته و همه آن ها اخراج شده اند. موج اخراج کارگران صدرا از دوسال پیش به راه افتاده و تا امروز بیش از یک هزار قربانی گرفته است. کارگران در تمامی طول این مدت مقاومت کرده اند. سرمایه داران با ترفندبازی تمام بیکارسازی ها را به صورت بسیار حساب شده و سنجیده مرحله به مرحله به پیش برده اند و از این طریق تلاش کرده اند تا از حرکت متحد و سازمان یافته و یکصدای کارگران جلوگیری کنند. انتظار می رود که تجارب تلخ تا کنونی به همه کارگران این واحد بزرگ صنعتی آموخته باشد که باید درمقابل اخراج هریک کارگر دست از کاربکشند. باید دست به کار سازمانیابی شورایی خود شوند. باید با کارگران استان و جاهای دیگر متحد شوند و از طریق تلاش برای سازمانیابی سراسری توده همزنجیر خود علیه سرمایه با تعرضات و تهاجمات لحظه به لحظه کارفرمایان ایران صدرا مقابله کنند.

9 مهر 87

91- پای درد دل یک کارگر کارخانه « ایده نگر» قم:

... این ماه هم 3 کارگر دیگر را اخراج کردند. کارفرمایان می گویند که احتیاج به نیروی کار برای اضافه کاری ندارند. اداره کار به معضلات بیکاری کارگران هیچ نگاهی نمی کند. در دادگاه هایی!! که تشکیل می شود به کارگران می گویند که شما حق حرف زدن ندارید و فقط آمده اید تا نتیجه حکم را بشنوید. قضات دادگاه ها از قبل بسیار صریح اعلام می کنند که حق با کارفرما است و هر تصمیم سرمایه دار در مورد کارگر عین حق و قانون است. تا حال هیچ گاه در هیچ کجا اتفاق نیافتاده که دادگاه کار!! به نفع کارگر رأی دهد. تشکیل دادگاه صرفاً اقدامی برای اعلام حقانیت سرمایه دار و محکومیت کارگر است.

دلیل اخراج کارگران همواره فرار کارفرما از حل مشکل و قبول مطالبات آنان است. بسیاری از اوقات هم سرمایه دار وجود کارگر را موافق معیارهای خود نمی بیند و یا حتی از قیافه یک کارگر خوشش نمی آید. هر کارگری که به نحوی باب طبع صاحب سرمایه نباشد اخراج او حتمی است. در این جا هیچ حساب و کتابی و وجدانی و شرافتی ملاک تصمیم گیری در مورد کار و زندگی کارگران نیست.

ما هنوز حقوق ماه شهریور را نگرفته ایم و بخشی از حقوق مردادماه را هم همین چند روز قبل دریافت کردیم. ما را مرتباً تهدید به اخراج می کنند و شمشیر بیکارسازی حتی یک دقیقه از بالای سر ما به کنار نمی رود. 7 ماه از شروع سال جاری می گذرد و در این مدت هیچ لباس کاری به ما نداده اند. ما با ورق های تیز و برنده آهن کار می کنیم و لباس هایمان دائماً در اثر اصابت با ورقه ها پاره پاره می شود. ما مجبوریم بدون هیچ دستکشی کار کنیم. در کارخانه ما به رغم شرایط بسیار سخت کار و با این که شرایط کارمان بسیار مهلک و خطرآفرین است از هیچ نوع وسائل ایمنی و امکانات حفاظتی هیچ خبری نیست.

9 مهر 87

92- در کارخانه کاغذ پارس چه می گذرد و کارگران چه باید بکنند ؟

در کارخانه کاغذ پارس حدود 2300 کارگر اخراج شده اند و شمار فروشندگان نیروی کار در آن از 3500 به 1200 نفر کاهش یافته است. جمعیت عظیم کارگران اخراجی دچار هولناک ترین وضعیت معیشتی هستند و مبارزات آن ها برای بازگشت به کار به هیچ نتیجه ای نرسیده است. حق اولاد، حق اضافه کاری، حق سختی کار و همه آنچه که بخش های پیوسته دستمزد نازل کارگران را تشکیل می دهد همه و همه قطع شده اند. دستمزدها به سطحی سقوط کرده است که حتی برای پایین ترین سطح زندگی یا برای نان بخور و نمیر هم کفاف نمی دهد. « مهدی راد » مدیر کارخانه نماد قدرت بی مهار سرمایه در لباس آدمیزاد است. او هر چه اراده می کند علیه توده های کارگر انجام می دهد و هر جنابیتی که لازمه افزایش سود سرمایه است بر کارگران تحمیل می کند. او به جمعیت وسیعی از بیکار شدگان اعلام کرده است که در شمار بازنشستگان یا بازخرید شدگان هستند. اما این شمار کثیر به اصطلاح بازنشسته و بیکار تا امروز حتی یک ریال حقوق دریافت نکرده اند.

خدایگان قدرت بی مهار سرمایه به همه این ها هم اکتفا نکرده است. او اینک تصمیم به تعطیل کل کارخانه و اخراج 1200 کارگر باقی مانده گرفته است. در شروع ماجرا اعلام کرد که کارخانه برای 2 ماه تعطیل خواهد بود. همه کارگران به محض شنیدن خبر دریافتند که توطئه ای عظیم در کار است. در وضعیت جاری جهنم سرمایه داری ایران کمتر کارگری است که چند و چون ترفندبازی ها و دسیسه پردازی های سرمایه داران را نداند و حدس نزنند. کارگران کاغذ سازی پارس با داشتن تجربه تلخ همزنجیران خود در نیشکر هفت تپه و لوله سازی خوزستان بسیار خوب متوجه بودند که بحث 2 ماه تعطیل کارخانه نیرنگی برای تعطیل همیشگی شرکت و بیکار سازی مادام العمر آنان است. کارگران به همین دلیل در ضرورت و اکنش حاد و شروع مبارزه وسیع و متحد تردید نکردند. آنان دست به اعتصاب زدند. جاده اندیشک به اهواز را بستند و عبور و مرور و وسایط نقلیه در این جاده مهم تجاری را قطع کردند. سرمایه داران و دولتمردان سرمایه در مقابل موج اعتراض کارگران سکوت را بر پاسخ ترجیح دادند. آن ها کوشیدند تا با سلاح سکوت و بی تفاوتی توفان خشم و عصیان کارگران را فرو نشانند. چند روز بعد یعنی دوشنبه نهم شهریور کارگران در مقابل دفتر فرمانداری شهر دست به تحصن و تشکیل اجتماع زدند. آنان در همه این مدت خواستار جلوگیری از تعطیل کارخانه و تضمین اشتغال خود بودند و آگاهانه می کوشیدند تا شاید ترفند سرمایه دار را در نطفه خفه سازند. کارگران این را خوب درک کرده بودند که با تعطیل کارخانه تمامی توان اعمال قدرت علیه سرمایه داران از آن ها سلب می شود و از آن پس آنان نه متوقف کنندگان چرخه تولید و نه صاحبان قدرت لازم برای از کار انداختن چرخ سودسازی سرمایه بلکه مشتی توده بیکار خارج از میدان واقعی تقابل و اعمال قدرت خواهند بود. کارگران به همین دلیل دست به کار سازماندهی مقاومت مؤثرتر و نیرومندتر شدند و درست در پیچ و خم همین کشاکش ها بود که مالکان شرکت همان گونه که کارگران می پنداشتند پرده از توطئه سیاه کارگرکش خود برداشتند و از درون مقر قدرت خود پیام دادند که کارخانه برای همیشه تعطیل می شود.

خبر تعطیل کارخانه کاغذ سازی پارس اینک در خانه تک تک کارگران شیون به پا کرده است. بسیاری از کارگران با شنیدن وقوع حادثه زار زار به گریه افتادند. خطر بیکاری و گرسنگی زن و فرزند هر روزنه امید به زندگی را در برابر چشمان آنان تاریک کرده است. همه از ضرورت مقاومت سخن می رانند و در این میان تمامی بحث بر سر این است که راه مقاومت و غلبه بر ترفندهای جنایتکارانه صاحبان سرمایه کدام است؟ تشخیص درست و پخته این راه تعیین کننده ترین و سرنوشت ساز ترین مسئله روز کارگران کاغذسازی پارس است. به راستی چه باید کرد؟

آیا به دخالت نهادهای دولتی و اعجاز دولتمردان امید ببندیم؟ این فقط فاجعه است. کارخانه کاغذسازی پارس و نیشکر هفت تپه و لوله سازی خوزستان در مالکیت و مدیریت دولت سرمایه داری است و تمامی فجایعی که تا امروز بر سر کارگران آن ها رفته است توسط دولتمردان و عوامل آن ها برنامه ریزی شده است. انتظار گره گشایی از این نهادها دیگر حتی بردن شکایت از دزد پیش رئیس دزدان هم نیست. بلکه آه و ناله پر از استیصال و حقارت در بارگاه قدرت نیروها و کسانی است که مستقیماً ما را به منجلاب گرسنگی و ذلت پرتاب کرده اند. این نه راه بلکه بیراهه ای است که جز بلا تکلیفی و سرگردانی نتیجه ای ندارد.

برویم بنشینیم و از سندیکاسازی سخن بگوئیم و به چند نفر فرصت طلب فرقه باز اجازه بدهیم که به نام ما و زیر پوشش چیزی به اسم سندیکای کارگری برای خود دفتر و دستکی راه اندازند؟! که این سندیکا و سرنشینان آن چه کنند و چه آشی برای ما بپزند؟ این کار بی تردید برای ما اشتغال و دستمزد و معیشت و نان فرزندان نخواهد شد و در بهترین حالت دکان کسب و کار عوام فریبانه ای برای مشتی سودجو و جاه طلب خواهد گردید. این حادثه در برخی جاها روی داده است و حاصل آن فقط سوء استفاده زشت از نام همزنجیران ما و گم و گور کردن قدرت بیکار توده های طبقه مان بوده است. این راه نیز به دنبال خود سیاه رفتن است.

آیا به همین تحسن ها و راه بندان ها و تجمعات اعتراضی خشک و خالی تاکتونی بسنده کنیم و روزها پشت سر هم آن ها را تکرار نمائیم؟ باز هم کسی به داد ما نخواهد رسید. در این صورت، سرمایه داران و نهادهای دولتی آن ها در بهترین حالت سیاست صبر و انتظار در پیش می گیرند و می گذارند تا ما خسته و مأیوس و فرسوده شویم و دست از این کارها برداریم. صبر می کنند تا زیر فشار پآس و خستگی و عجز صفوف متحد ما متلاشی شود و آنگاه در یک شبیخون جنایتکارانه باقی مانده مقاومت ما را هم در هم می کوبند.

پس چه باید بکنیم؟

راه هایی که تا این جا گفتیم و شاید هم بسیاری راه های مشابه دیگر در مجموع راه حل های آسانی به نظر می آیند. اما ما نه یکبار بلکه صدها بار و نه یک جا که در سراسر ایران آن ها را آزموده ایم و به نتیجه نرسیده ایم. فقط به همین اطراف خود کمی نگاه کنیم. همسرنوشتان ما در نیشکر هفت تپه همه این کارها و بسیار بزرگ تر از این ها را کردند. با جسارت و شهامت و اتحاد پرشکوه خود بارها جاده ها را بستند. به همه جا شکایت کردند. روزها به تحصن پرداختند. به چند نفر فرصت دادند که به نامشان سندیکا بسازند. آنان همچنان ادامه می دهند ولی تاکنون به هیچ نتیجه مطلوبی دست نیافته اند. حتی دستمزدهای معوقه خود را نگرفته اند. عین همین روند را همزنجیران دیگر ما در لوله سازی خوزستان، لاستیک البرز و صدرای بوشهر و بسیاری جاهای دیگر پشت سر نهادند ولی در هیچ کجا تا لحظه حاضر موفقیت مهمی به دست نیاورده اند و چشم اندازی هم برای کسب موفقیت در پیش روی آن ها دیده نمی شود. این راه ها همه تجربه های زنده مبارزات توده های طبقه ما در همین شرایط حاضر و روزهای گذشته و حال است.

همزنجیران!

همه راه های بالا را رفته ایم و همه چیز فریاد می زند که باید چاره ای دیگر اندیشید. باید به راستی خطر کرد و مراد از خطر کردن فقط استقبال از مرگ و رفتن جلو گلوله و آمادگی برای تیرباران نیست. پیداست که مبارزه با بیکاری و از گرسنگی نمردن همه این ها را دارد و باید پذیرای همه این ها بود. اما منظور ما از خطر کردن در اینجا نه این ها بلکه چیز دیگری است. باید به چاره پردازی های مهم تر و سخت تر و سهمگین تر روی کنیم. باید دست به کارهایی بزنیم که تا کنون کمتر به آن ها پرداخته ایم. همه ما می دانیم که برای مبارزه با بیکاری و نمردن از گرسنگی باید قدرت داشت و باید به طور واقعی اعمال قدرت کرد. ما باید سرمایه داران و دولت آن را با قبول خواسته های خود مجبور کنیم. این مسئله کلیدی پیکار روز ماست. اعتصاب و راه بندان و تحصن و راه پیمایی همه شکل های اعمال قدرت ما و راهکارهای بسیار کارساز برای پیشبرد مبارزات ما هستند. اما کافی نیستند. این ها همه باید به یک محور مهم تمرکز و اعمال قدرت تعیین کننده پیوند بخورند تا بتوانیم صاحبان سرمایه و دولت را مجبور به پذیرش حرف های خویش کنیم. در این جا لازم است مجبور کردن سرمایه داران و دولت را اندکی بشکافیم. موضوع هیچ پپیچیده نیست. اگر کارگران راننده جاده بندرعباس به مناطق مختلف ایران، در طول یک هفته دست از کار بکشند بخش اعظم مراکز کار و تولید در ایران به طور کامل از کار خواهند افتاد. به احتمال زیاد بسیاری از فروشگاه ها و تجارت خانه های مهم سرمایه داران هم تعطیل خواهد شد. صاحبان سرمایه و دولت آن ها چنین خیزشی را تحمل نخواهند کرد و در مقابل آن یکی از این دو راه حل را انتخاب خواهند کرد: یا متوسل به سرکوب می شوند و یا دست به عقب نشینی می زنند و مطالبات آنان را می پذیرند. در حالت دوم کارگران به طور موقت و در سطح انتظار روز به نتیجه رسیده اند و در حالت اول با خطر شکست مواجه می شوند. فکر کنید که به محض تهاجم نیروی سرکوب، کارگران تمامی پالایشگاه های نفت به حمایت از آن ها برخیزند و باز فکر کنید که کارگران برق همه شهرستان ها به دولت سرمایه اخطار کنند که در صورت سرکوب رانندگان حتماً برق همه کارخانه ها و دوایر دولتی را قطع خواهند کرد. بی تردید اگر چنین حادثه ای رخ دهد سرمایه داران و دولت مجبور به عقب نشینی و قبول خواسته های کارگران می شوند. چرا چنین است؟ زیرا اولاً کارگران راننده با اعمال قدرت به روند کار و تولید سود سرمایه مستقیم حمله کرده اند. آنان چرخ کار و تولید را از کار انداخته اند و این وضع برای صاحبان سرمایه و دولت قابل تحمل نیست. ثانیاً رانندگان کامیون های جاده بندرعباس دست تنها نمانده اند و از حمایت نیرومند همزنجیران خویش در نفت و گاز و برق و آب و خودروسازی و جاهای دیگر برخوردار شده اند. ما برای مجبور ساختن دولت به قبول خواسته هایمان به این هر دو عامل سخت نیاز داریم. باید اولاً محور واقعی تمرکز قدرت علیه سرمایه را درست انتخاب کنیم و در شرایط کنونی ما تصرف کارخانه برای کارگران کارخانه های در حال تعطیل را مناسب ترین محور اعمال قدرت می دانیم. عده ای معنای این حرف را درست نمی فهمند و آن را به صورت بسیار وارونه ای برداشت می کنند. تصور آنان این است که تصرف کارخانه یعنی گرفتن ساختمان کارگاه و بعد دست روی دست گذاشتن و سرگردان ماندن که ای وای چه خاکی به سر خود بریزیم!! کو مواد اولیه؟ پول از کجا بیاوریم و کارخانه را چگونه راه اندازیم؟ کسانی که این چنین می پندارند معنای مبارزه طبقاتی را درک نکرده اند و قادر به فهم جنبش کارگری و ظرفیت پیکار توده های کارگر نیستند. معنای واقعی تصرف کارخانه نه آنچه که اینان می پندارند بلکه چیز کاملاً متفاوت دیگری است. اولاً ما تصرف کارخانه را به عنوان یک اقدام محلی و در سطح این یا آن کارخانه در اینجا و آنجا مطرح نمی کنیم. منظور ما از تصرف کارخانه های در معرض تعطیل اقدام همزمان سراسری در سطح حداقل ده ها کارخانه در سطح کشور

است. ثانياً این اقدام درست به دلیل سراسری بودن و گستردگی آن می تواند و باید دولت را تحت فشار بگذارد تا مواد اولیه و سایر نیازهای این کارخانه ها در اختیار کارگران گذارد. این کار را هم اکنون دولت دارد می کند، منتها برای سرمایه داران این کارخانه ها و نه برای کارگران. قدرت سراسری کارگران تصرف کننده کارخانه ها در صورتی که موفق به جلب حمایت بخش های مهم و کلیدی طبقه کارگر شود می تواند دولت را مجبور کند که امکاناتی را که هم اکنون در اختیار سرمایه گذاران می گذارد به طور رایگان در اختیار کارگران بگذارد. ثالثاً اقدام همزمان دیگری که باید توسط کارگران انجام گیرد دعوت از تمام مردم - نه فقط مردم ایران بلکه مردم سراسر جهان - برای دادن سفارش تولید کالا به آن ها و پیش پرداخت وجوه این سفارشات به حساب کارگران است. بدین سان، کارگران می توانند این کارخانه ها را راه بیندازند و از بیکاری خود جلوگیری کنند. در عین حال، در یک چشم انداز کلان تر و گسترده تر، تصرف کارخانه های در حال تعطیل در واقع نقطه عطف تبدیل مبارزه تدافعی کارگران به مبارزه تهاجمی آنان علیه سرمایه و دولت آن است. کارخانه، حتی کارخانه های در حال تعطیل، دنیایی سرمایه در دست مالکان آن است. سرمایه داران حاضر به رها ساختن این سرمایه ها نیستند. همه تلاش آن ها این است که این ها را در جاهای دیگر و در حوزه های بسیار پرسودتر سرمایه گذاری کنند. بنا براین، تدارک تصرف این کارخانه ها از سوی ما بازگشای یک میدان واقعی و گسترده پیکار علیه صاحبان آن ها و طبعاً دولت مدافع آنان است. وقتی ما به طور متحد و قدرتمند دست به تصرف کارخانه می زنیم بسیار فرق می کند با این که مثلاً در جایی تحصن کنیم یا حتی این جا و آن جا به طور موقت به بستن یک جاده اقدام کنیم. تصرف کارخانه شروع واقعی یک حمله و گرفتن سنگر در قلب قدرت سرمایه است. اما تا این جا فقط نقطه شروع کار است و تازه همین نقطه شروع دنیایی تدارک و آمادگی و زمینه سازی قبلی لازم دارد. برای تصرف کارخانه باید پیش از آن در یک تشکل شورایی نیرومند متحد و متشکل شد. باید شورا را ظرف اعمال قدرت علیه سرمایه ساخت. شورا را می سازیم و همه ما به عنوان احاد متحد فعال و دخالتگر شورا سراغ همزنجیران خویش در جاهای دیگر، در مراکز استخراج و تولید و پالایش نفت، در شبکه های سراسری برق و آب، در شبکه های حمل و نقل، در خودروسازی ها و مراکز تولید فولاد و پتروشیمی و لاستیک، در معادن و بیمارستان ها و مدارس سراسر کشور، می رویم. همه راه می افتیم و برای همراه ساختن کارگران مراکز دیگر تلاش می کنیم. فراموش نکنیم که بخش عظیمی از آن ها وضعیت خود ما را دارند و فریاد کمک خواهی ما عین حرف دل آنان نیز هست.

همزنجیران!

راه مبارزه ما از این گردنه های صعب العبور می گذرد. منظور ما از خطر کردن، بيمودن همین راه سخت و صعب العبور است. تکرار آزموده های شکست خورده خطا است. چاره دیگر باید جست. باید «مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران» را به نقطه عزیمت مبارزه سراسری و متشکل خود علیه سرمایه تبدیل کنیم و برای اتحاد سراسری شورایی حول این منشور تلاش کنیم و از درون همین تلاش و پیکار علیه سرمایه کارخانه های در حال تعطیل از جمله کارخانه کاغذ سازی پارس را به تصرف خود درآوریم.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در معرض تعطیل را به تصرف خود درآوریم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

10 مهر 87

93- منصور اسانلو با دستبند و پابند :

به گزارش سایت " کانون مدافعان حقوق کارگران ، در تاریخ 10 مهر 87 ؛ منصور اسانلو رئیس هیات مدیره شرکت واحد که دوران محکومیت پنج ساله خود را به خاطر فعالیت های کارگری در زندان طی می کند دو روز پیش درحالی که او را همانند زندانیان خطرناک دست بند و پابند زده بودند برای ادامه معالجه به بیمارستان لبافی نژاد آوردند. منصور اسانلو در ماه گذشته به دلایل نامعلوم به زندان گهر دشت منتقل شد او در حالیکه از ناراحتی های قلب و ریه رنج می برد در این زندان شرایط بسیار سختی را می گذراند. بر طبق اطلاع بر خلاف توصیه پزشکان مبنی بر بستری شدن اسانلو، مقامات زندان با این امر مخالفت کرده و او را با حالت بسیار نامناسب به زندان بازگرداندند.

94- مصوب دولت درباره پرداخت جرایم پرورش دهندگان میگو اجرا نشده است :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 10 مهر 87 ؛ رییس اتحادیه های پرورش میگو سیستان و بلوچستان از رئیس سازمان شیلات، وزرای کار و امور اجتماعی و جهاد کشاورزی خواست تا هر چه

سریعتر در خصوص پرداخت جرایم بانکی پرورش دهندگان میگو تشکیل جلسه دهند. به گزارش "ایلنا"، کیان رهبران با تاکید دوباره بر اجرا نشدن مصوبه هیات دولت که در رابطه با پرداخت جرایم پرورش دهندگان میگو به تصویب رسیده بود، گفت: چنانچه این مصوبه اجرا نشود به زودی تمامی پرورش دهندگان فعلی میگو از ادامه فعالیت در این رشته اقتصادی منصرف می‌شوند. وی افزود: در حال حاضر تنها در استان سیستان و بلوچستان هزار نفر به صورت مستقیم در حوزه پرورش میگو مشغول به فعالیت هستند. به گفته رهبران، کمبود نقدینگی در حال حاضر باعث شده تا امسال پرورش دهندگان میگو با مسایلی چون شیوع بیماری بین میگوها مواجه شدند. وی افزود: شرایط پیش آمده در حالی است که امسال پرورش دهندگان میگو به اعتبار این مصوبه فعالیت خود را توسعه داده‌اند.

پایان پیام

95- هجوم نیروی سرکوب به کارگران پریس:

اعتصاب کارگران کارخانه پریس سنندج همچنان ادامه دارد. روزهای متوالی تحصن کارگران در مقابل اداره کار مطابق معمول به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است. نهادهای دولتی چنان که سرشت و سنت کار آن هاست نه فقط در مقابل فریاد و اعتراض کارگران هیچ واکنش موافقی نشان نداده‌اند بلکه با تمامی توان و ترفند دست به کار تبنای با کارفرمایان برای به شکست کشیدن مبارزات کارگران بوده‌اند و هستند. کارگران معترض و اعتصابی بار دیگر تجمعات اعتراضی خود را به درون کارخانه منتقل کرده‌اند و همچنان بر ادامه مبارزه و مقاومت پای می‌فشارند. تضمین اشتغال و پرداخت دستمزدهای معوقه در صدر مطالبات کارگران قرار دارد. روز نهم مهرماه سرمایه‌دار مالک شرکت از نیروی پلیس و دستگاه‌های سرکوب سرمایه‌برای متفرق کردن کارگران کمک خواست و سرکوبگران نیز بی‌درنگ در پاسخ به تقاضای وی راهی کارخانه شدند و کارگران معترض را در محاصره خود گرفتند. کارگران مقاومت کرده و شعارهای همیشگی خویش را باز هم با صدای بلند تکرار کرده‌اند. آنان تأکید کرده‌اند که از تعطیل شدن کارخانه جلوگیری خواهند کرد. به اعتصاب و سایر اشکال اعتراض ادامه خواهند داد و در برابر فشار و توطئه و سرسختی کارفرما و دولت دست از مبارزه برنخواهند داشت.

10 مهر 87

96- از زبان یکی از کارگران صندوق نسوز کاوه:

.... به ما گفتند که به خاطر ماه رمضان و تولد امام حسن!! 4 کیلو گوشت گوسفند به هر کارگر می‌دهند. اما ندادند و گفتند به جای آن 12 لیتر روغن مایع به شما می‌دهیم. تازه اگر می‌دادند، تفاوتش همه‌اش 15 هزار تومان می‌شد که هیچ‌تکالی به هیچ‌کجای دنیای بدبختی‌های ما نمی‌داد. اما حتی این نیز کلاه برداری و عوام‌فریبی بود.

الان مدتی از ماه مهر می‌گذرد اما ما هنوز حقوق ماه شهریور را نگرفته‌ایم و معلوم هم نیست چه زمانی به ما پرداخت خواهد شد. 4 کیلو گوشت صدقه‌شان پیشکش. دستمزدهای سنار سی‌شاهی‌مان را هم نمی‌دهند. چهار ماه آکورد طلب‌کاریم و هر چه اعتراض می‌کنیم تا حالا یک ریال آن را پرداخت نکرده‌اند. همه‌اش زورگویی است. مدیریت جدید کارخانه به جای دادن تسهیلات همان حداقل امکانات دوره‌های قبل ما را هم که با خون دل به دست آورده بودیم یکسره تار و مار کرد و به باد هوا داد.

در حال حاضر اعلام کرده‌اند که حتی سرویس‌های ایاب و ذهاب ما را هم تا نصف کاهش خواهند داد. انجام این کار برای ما فاجعه است. در کارخانه فردی به نام وحیدی مدعی است که نماینده کارگران است اما همه می‌دانند که او نماینده و مزدور کارفرما است. همین آقای وحیدی همراه صاحبان کارخانه در تدارک کاهش سرویس‌های حمل و نقل هستند. با اجرای این طرح، اتوبوس‌ها به طور مثال وسیله ایاب و ذهاب ما باید دور تهران را چرخ بخورد و سپس بیاید وارد مسیر میدان خراسان و امام حسین شود و ما را به کارخانه برساند. آن‌ها با نصف کردن تعداد اتوبوس‌ها یک دنیا صرفه‌جویی می‌کنند و ما در عوض باید هر روز ساعات بیشتری از شبانه‌روز را مفت و مجانی صرف دویدن برای رسیدن به اتوبوس کنیم. این وحیدی به حق آدم خائنی است. زیر نام نماینده کارگران!! فقط به کارفرمایان خدمت می‌کند و آنچه آنان می‌خواهند بر ما تحمیل می‌کند.

سرمایه‌داران صاحب کارخانه در هر مهمانی که برای عیش و نوش خود و شرکایشان برگزار می‌کنند میلیون‌ها خرج می‌کنند. در چنین مواقعی صرفه‌جویی یادشان می‌رود. اما وقتی پای وسیله ایاب و ذهاب کارگر پیش می‌آید، یک باره همه چیز را به تیغ صرفه‌جویی می‌سپارند و قلع و قمع می‌کنند. وضعیت ما بسیار وحشتناک است و هر روز از روز پیش بدتر می‌شود.

10 مهر 87

97- حل مسال کودکان خیابانی تهران باعوض کردن تعریف کودک خیابانی :

به گزارش سایت تابناک و به نقل از سایت گزارشگران در تاریخ 10 مهر 87 آمده است: بخش زیادی از جلسه روز سه شنبه شورای اسلامی شهر تهران را بحث داغ جمع آوری متکدیان به خود معطوف کرد که اعلام رسول خادم در خصوص اینکه "تهران کودک خیابانی ندارد" توجه رسانه ها را به خود جلب کرد.

به گزارش خبرنگار اجتماعی ایرنا، رسول خادم در بخشی از سخنان امروز خود در شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به مباحث صورت گرفته در بحث متکدیان، کودکان کار، خیابانی و بی خانمان ها گفت: ما در تهران کودک خیابانی نداریم و این در حالی است که در رسانه ها دائماً به این موضوع اشاره می شود. وی تصریح کرد: ما در ایران کودک در معرض آسیب و آسیب دیده داریم و کودک خیابانی به کسی اطلاق می شود که در خیابان به دنیا آمده در خیابان زندگی کند و در خیابان بمیرد!

** در جریان بررسی لایحه تشکیل شورای نظام هماهنگی شهر تهران احمد مسجد جامعی رییس کمیسیون فرهنگی شورای شهر خواستار حضور شهردار تهران در جلسات هیات دولت شد و اظهار داشت: حضور شهردار تهران در جلسات دولت، به عنوان نماینده دستگاه های اجرایی مدیریت شهری، می تواند زمینه تشکیل و تحقق به مدیریت واحد شهری را فراهم کند.

مسجد جامعی گفت: خیلی از چالش هایی که از طریق رسانه ها مچ گیری و به دولت منتقل می شود ناشی از فاصله ها بوده که در نزدیکی فیزیکی بیشتری با دولت و مجلس قابل حل است!

** بحث طولانی اعضای شورای اسلامی شهر تهران در تصویب کمک به آزادی زنان زندانی تهران اعتراض برخی اعضای شورای شهر را در پی داشت که از آن دست حبیب کاشانی با بیان اینکه نباید این موضوع را خیلی پیچیده کرد گفت: وی برای یک میلیارد تومان این میزان کنکاش و کمیته ایجاد کردن و لازم نیست و به معنای بی اعتمادی به مجری آن یعنی شهرداری است.

کاشانی افزود: شهردار می توانست بدون اطلاع شورا براساس اختیاراتی که دارد این پول را براساس ماده 17 قانون بودجه به شهرداری تا 25 میلیون تومان به افراد حقیقی کمک مالی کند و اتفاقی هم نیفتد اما این کار را نکرده و حالا لازم نیست این قدر روی این موضوع حساس شویم.

98- بعد از 30 سال کار در شرکت پیمانکاری

کارکنان شرکتی دانشگاه علوم پزشکی چهارمحال و بختیاری بلاتکلیفند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 10 مهر 87؛ رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان چهارمحال و بختیاری از بلاتکلیفی یک هزار و 200 نفر از کارکنان شرکتی دانشگاه علوم پزشکی استان خبر داد.

حجت الله سلیمی در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری "ایلنا"، افزود: در بین این کارگران افرادی با سوابق 25 و 30 سال وجود دارند.

وی با بیان اینکه دانشگاه علوم پزشکی استان چهارمحال و بختیاری دارای ده شورای اسلامی کار در واحدهای زیرمجموعه خود است، گفت: وزارت بهداشت نامه ای را برای تعیین تکلیف نیروهای شرکتی به دانشگاه استان ارسال کرده بود اما پس از مدت اندکی نامه ای دیگر می آمد که دانشگاه فعلاً باید صبر کند و اقدامی در زمینه انجام ندهد.

او گفت: شرکت پیمانکار طرف قرارداد با دانشگاه علوم پزشکی چهارمحال و بختیاری رابطه خاصی با کارگران ندارد، فقط در مناقصه سالانه برنده می شود و مبلغ 40 میلیون تومان را از دانشگاه دریافت می کند.

در همین خصوص پرویز سلطانی، رئیس سازمان کار استان چهارمحال و بختیاری تبدیل وضعیت کارگران شرکتی به قراردادی را از اختیارات بالاترین مقام اجرایی دستگاه مربوطه ذکر کرد و گفت: سازمان کار در این زمینه نمی تواند کاری انجام دهد.

او تصریح کرد: کاری که سازمان کار استان توانست برای کارکنان دانشگاه علوم پزشکی چهارمحال و بختیاری انجام دهد اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بود.

سلطانی با بیان اینکه کارشناسان روابط کار سازمان کار استان یک ماه وقت صرف صدور طرح طبقه بندی مشاغل 1200 نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی استان کردند، گفت: اگر دانشگاه از اجرای این احکام طفره رود، کارگران می توانند با مراجعه به سازمان کار احکام صادره را برای اجرا به دادگستری استان ببرند.

وی گفت: براساس طرح طبقه بندی مشاغل، دانشگاه موظف است مابه التفاوت سالهای گذشته کارکنان شرکتی را نیز پرداخت کند.

پایان پیام

99- رییس سازمان تامین اجتماعی کاشان:

پرداخت حقوق مستمری بگیران با مشکل روبرو خواهد شد :

اصفهان- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 10 مهر 87 : عدم پرداخت حق بیمه کارخانجات بحران زده شهرستان کاشان، در آینده پرداخت حقوق مستمری بگیران را با تهدید مواجه خواهد کرد. رئیس سازمان تامین اجتماعی شهرستان کاشان در گفت و گو با خبرنگار "ایلنا" با بیان این مطلب گفت: عدم پرداخت حق بیمه کارخانجات نساجی، ریسندگی و بافندگی، مخمل و ابریشم و صنایع راوند کاشان به سازمان تامین اجتماعی در آینده پرداخت حقوق مستمری بگیران را با تهدید مواجه خواهد کرد.

وی گفت: سازمان تامین اجتماعی کشور در چند سال اخیر بیشترین خدمات را به شرکت های بحران زده شهرستان کاشان نموده است.

شعبانی زاده گفت: در این مدت تنها سه هزار نفر از شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان بازنشسته شده اند که سازمان ماهیانه بیش از یک میلیارد و 400 میلیون تومان بابت حقوق ماهیانه به آنها پرداخت می نماید و این در حالی است که در طول ده سال گذشته حتی یک ریال نیز بابت حق بیمه به سازمان پرداخت ننموده اند و انتظاراتی فراتر از قانون نیز از سازمان دارند.

وی خاطر نشان کرد: سازمان تامین اجتماعی کاشان در ایجاد امنیت و کاهش تنش ها در این شهرستان نقش موثری را ایفا نموده است.

شعبانی زاده تصریح کرد: نرخ بیمه بیکاری در این شهرستان در طول فعالیت دولت نهم 40 درصد کاهش داشته است و تعداد هزار و سیصد و پنجاه نفر در این شهرستان از سازمان، بیمه بیکاری دریافت می نماید.

وی تعداد بانک های رفاه کارگران موجود در شهرستان کاشان را کافی ندانست و گفت: تنها چهار بانک رفاه کارگران و یک پست بانک جهت بیمه شدگان وجود دارد و سازمان جهت رفع این مشکل تمهیداتی را جهت رفاه حال بیمه شدگان و مستمری بگیران در دست پیگیری دارد.

رئیس سازمان امنیت اجتماعی کاشان آمار بیمه شدگان در این شهرستان را پنجاه و سه هزار نفر و مستمری بگیران را چهارده هزار نفر اعلام کرد.

پایان پیام

100 - اعتراض رانندگان کامیون در قزوین:

به دنبال اعتراض کارگران راننده در اهواز جمعیت کثیری از رانندگان کامیون در سایر شهرها از جمله قزوین نیز دست به اعتراض زدند. مشکلات کارگران راننده در همه جا یکسان است. واگذاری پایانه های حمل و نقل به دلالان و سرمایه داران خصوصی جدید با فشارهایی بسیار سنگین بر روی سطح دستمزد و معیشت رانندگان همراه شده است. صاحبان جدید پایانه ها بهای حمل و نقل کالاها را به صورت سرسام آوری بالا برده اند و همزمان میزان درآمد و دستمزد کارگران را به شدت تنزل داده اند. اینان، به طور مثال، تعرفه های 280 هزار تومانی حمل بار را تا رقم 450 هزار تومان و گاه بیشتر افزایش داده و بدین سان میزان سود خود را عملاً تا دو برابر سابق ارتقا داده اند. آنان به این نیز اکتفا نکرده و با تنزل دستمزد کارگران در قبال حمل هر محموله کالا باز هم سودهای بسیار انبوه تری را به سوی خود سرازیر ساخته اند.

رانندگان کامیون در پایانه قزوین نیز همچون سایر همزنجیران خود در اهواز و مشهد دست به اعتراض زده اند. پاسخ کارفرمایان به آن ها این است که ما سرمایه دار و صاحبان جدید این پایانه ها هستیم. ما اختیار تام داریم که هر تصمیمی را اتخاذ کنیم و هیچ کس و هیچ نهادی حق هیچ نوع دخالتی را در امور ما ندارد. سرمایه داران جدید با سوء استفاده ه از نیاز کارگران راننده به اشتغال تلاش دارند تا رقابت وسیعی را در میان آنان برای گرفتن بار سازمان دهند و از این طریق نیز بر سطح دستمزدهای آن ها حداکثر فشار را وارد سازند. در پایانه قزوین حدود 4000 راننده کامیون کار می کنند. رانندگان به این وضعیت سخت اعتراض دارند و خواستار لغای کامل تمامی شرایط و تصمیمات ظالمانه و ضدکارگری اخیر صاحبان سرمایه هستند.

10 مهر 87

101- عسلویه، اردوگاه کار اجباری مدرن :

عسلویه، نامی که دیگر نام آشناست، نامی یادآور دو دسته صفات و ویژگی متضاد؛ استثمار شدن و استثمار کردن، پول و ثروت، فقر و تنگدستی، آزادی و بردگی، کار و سرمایه، بهشت و جهنم و ... منطقه ای در جنوبی ترین نقطه استان بوشهر با دارا بودن 7 % منابع گاز دنیا و پروژه های گوناگون و فراوانش. پروژه هایی که اگر بنا به گفته مدیران به بهره برداری برسند ثروت های کلانی را نصیب سرمایه داری می کند، پس شب و روز آمار موفقیت ها و پیشرفت کار را از رسانه هایشان تبلیغ می کنند و افق توسعه و پیشرفت را نوید می دهند؛ توسعه سرمایه داری و نمایاندن يك چهره آن.

احداث و راه اندازی پالایشگاه ها، نیروگاه ها، بزرگراه ها، فرودگاه، اسکله ها، رستوران ها و ... همه و همه روی زیبا و قشنگ عسلویه را می نمایاند که بیانگر توسعه سرمایه داری و بهشت سرمایه داران و کارفرمایان

است. اما عسلویه چهره و روی دیگری هم دارد، روی واقعی و صد البته زشت، چهره‌ای که بازتاب زندگی و شرایط کار کارگران است؛ کارگرانی با صورت‌های سوخته و اندام‌های نحیف، حقوق و دستمزدهای بسیار نازل، خوابگاه‌های بی‌روح و بی‌امکانات، آفق‌های تاریک و مبهم و محرومیت و محرومیت و باید عسلویه بوده باشی و زندگی و کار در عسلویه را تجربه کرده باشی تا 12 ساعت کار طاقت فرسا در گرمای 50 درجه و رطوبت گاه بالای 70% قابل درک باشد و دیگر دیدن کارگرانی که بطری‌های آب سرد پیچیده در گونی را به کمر بسته‌اند و گه گاه از شدت کار از هوش می‌روند برایت غیر عادی به نظر نیاید. گاه یافتن سایه‌ای اندک برای در امن ماندن از شدت آفتاب همراه با لیوانی آب خنک آرزویی دست نیافتنی می‌شود.

اینجا هم استبداد سرمایه‌بی‌کم و کاست و حد و مرز حکم می‌راند و کارگران هم فقط باید کار کنند و دم بر نیاورند. اینجا هم به یمن و برکت توسعه سرمایه‌داری!، دستمزدها هم به حداقل رسیده، یعنی همان میزانی که نمایندگان کارفرما و دولت برای زنده نگه داشتن کارگران تعیین کرده‌اند. بیکاری‌های گسترده کارگران جوان و اغلب بدون مهارت بسیاری را به امید یافتن شغل به عسلویه کشانده و ناچار به هر دستمزدی تن می‌دهند.

اینجا هم طنز آزادی از زبان منادیان آن تبلیغ می‌شود و قانون اقتصاد سرمایه‌داری توجیه‌گر است؛ قانون عرضه و تقاضا در بازار کار؛ کارگر آزاد است و می‌تواند نیروی کارش را گرانتر بفروشد یا اصلاً نفروشد و کار نکند.

کارگران بی‌پناه و اما خوشبختی که کاری پیدا کرده‌اند شبها را در کمپ‌هایی کوچک و بزرگ اسکان داده‌اند، کمپ‌هایی با اطاق‌های کوچک و سیمانی و مرطوب بدون هیچ امکاناتی تفریحی، نه تلویزیونی و روزنامه‌ای و نه وسیله سرگرمی سالمی؛ بخش بزرگی از آنان برای ماه‌ها مجبورند در عسلویه بمانند و جان بکنند، شیره جانشان مکیده شود و ارزش اضافی بیشتری تولید کنند تا اندک پولی جمع کنند و پیش زن و بچه‌هایشان برگردند، تازه اگر جزو کارگران خوش‌شانسی باشند که پایان ماه دستمزدشان را گرفته باشند. مواد مخدر به وفور و به راحتی مصرف می‌شود به گونه‌ای که بنا به گفته کارشناسان بهداشت منطقه، بیش از 50% معتادان عسلویه برای اولین بار در عسلویه به مواد مخدر روی آورده‌اند.

هر از چند گاهی کارگران یک شرکت نسبت به وضعیتشان و اغلب نسبت به نپرداختن دستمزدهایشان از سوی کارفرما دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند، گاه پیروز می‌شوند و گاه شکست می‌خورند و همچنان بردگی و استثمار ادامه دارد.

وضعیت و شرایط و حتی آینده کارگران عسلویه ناامید کننده است. نه تشکلی و نه حتی نطفه‌های هیچ نوع تشکل کارگری‌ای موجود نیست. فعالان کارگری و کارگران پیشرو مانده‌اند و کوهی از کار و تلاش در میان کارگران با فرهنگ‌های مختلف و ویژگی‌های کار پروژه‌ای.

عسلویه به معنای واقعی جهنم است و تضاد کار و سرمایه به عیان‌ترین شکلش نمایان است. اینجا عسلویه است، اردوگاهی برای کار به شکل اجباری و استثمار به شیوه مدرن و امروزی. فردین نگهدار

عسلویه – 1387/07/11

102- « نماینده کارگر فقط یک عنوان فریبکارانه است »

یکی از کارگران استان قم می‌گوید: « من 8 ماه است که نماینده کارگران هستم. سرمایه‌داران نه فقط هیچ محلی به هیچ حرف من نمی‌گذارند بلکه اصلاً مرا آدم حساب نمی‌کنند و حاضر نیستند در هیچ زمینه‌ای حتی یک ثانیه به حرف‌های من گوش کنند. من باید بر اساس مسئولیت خود به جلسات مختلف بروم و دردهای کارگران را منتقل کنم. اما هیچ ارگانی هیچ‌گاه هیچ دعوت‌نامه‌ای برای من ارسال نمی‌کند. در تمامی این 8 ماه مرا حتی به یک جلسه هم راه نداده‌اند. نه اداره کار و نه خانه کارگر و نه ارگان‌های دیگر هیچ‌کدام وجود مرا قبول ندارند. کارخانه هیچ ساعتی مرخصی به من نمی‌دهد که بتوانم دنبال کار کارگران بروم. از جانب مراکز دولتی هم اصلاً دعوت نمی‌شوم. نماینده کارگر بودن یک عنوان فریبکارانه است که صاحبان سرمایه ساخته‌اند تا بساط عوام فریبی خود را تکمیل کنند. اصلاً معلوم نیست که من برای دفاع از حقوق کارگران باید به کجا رجوع کنم. می‌گویند اداره کار محل رجوع شکایت‌ها است. اما این اداره به طور واقعی دشمن ما کارگران و حامی بسیار جان سخت کارفرمایان است.

منبع: انجمن دفاع از کارگران و بیکاران (نقل به مضمون با تلخیص)

به گزارش سایت سلام دمکرات در تاریخ 11 مهر 87 آمده است : علیرضا بابائی کارگر روزمزد شرکت پیمانکاری رنگ و عایق از شرکتهای زیر مجموعه شرکت رامشیر در پالایشگاه فازهای 9 و 10 عسلویه به علت برق گرفتگی کشته شد. کارگران نسبت به برق دار بودن بدنه کولرهای خوابگاه ها به مسئولان کمپ هشدار داده بودند، اما مسئول کمپ و مسئولان شرکت رامشیر هیچ اقدامی برای ایمن ساختن کولرها انجام ندادند.

104- یک کشف محیرالعقول تاریخی : «تهران کودک خیابانی ندارد» !!

چند سال پیش دولت سرمایه داری ایران با راه انداختن یکی از عظیم ترین حمام خون های تاریخ، چندین هزار زندانی سیاسی را در عرض چند شبانه روز تسلیم جوخه های مرگ کرد و در پی آن اعلام کرد که ایران اصلاً زندانی سیاسی ندارد!! در سال 1360 رئیس مجلس وقت سرمایه نیز که حتی از سوی رقبای قدرت کنار دستش به بلع سیری ناپذیر و تصاحب لحظه به لحظه غول های عظیم مالی و صنعتی اشتها یافته بود در نماز جمعه تهران اعلام کرد که مادر پیر مفلوکش بی کلفت مانده است زیرا ثروت و تنعم و رفاه و امکانات معیشتی و اجتماعی آن چنان از سر و کول توده های کارگر ایران بالا رفته است که در هیچ کجا هیچ کس حاضر به کلفتی نیست!! رئیس جمهوری و کل دولتمردان دیگر این نظام هم این روزها مکرر و بی امان در چهارگوشه دنیا فریاد می زنند که بیایید به شیوه ما فقر را ریشه کن کنید و ما در اجرای عهد الهی و رسالت آسمانی خود چنین کمکی را از شما دریغ نخواهیم کرد!! آقایان بوش، بلر، گوردون و سارکوزی نیز هدف تمامی جنگ های بشرسوز کنونی را آزادی انسان ها و اعطای دموکراسی به کشورها اعلام می کنند. فهرست این خزعلات بسیار مسخره و چندان بار نمایندگان فکری و سیاسی سرمایه به طور قطع مثنوی هفتاد منی خواهد شد. سخنان اخیر آقای رسول خادم عضو شورای اسلامی شهر تهران هم در درون همین فهرست هفتاد منی جای خاص خود را دارد. او در یکی از جلسات این شورا در میان بهت و حیرت 70 میلیون سکنه جهنم سرمایه داری ایران اعلام کرده است که در کشور ایران اصلاً هیچ کودک خیابانی وجود ندارد!! رسول خادم در تشریح و اثبات ادعای خویش هم هیچ کوتاهی نکرده است. او گفته است : «کودک خیابانی کودکی است که حتماً در خیابان متولد شده باشد و حتماً در خیابان هم مرده باشد»!! ایشان اضافه کرده است که سندی در دست نیست که چند میلیون کودک کارتن خواب مشغول گدایی در حاشیه کوچه ها و خیابان های ایران حتماً مصداق تعریف مکشوفه بالا باشد. رسول خادم به احتمال خیلی زیاد به خاطر این کشف محیرالعقول منبعث از بالاترین سطح ذکاوت و استعداد تفویض شده از بارگاه الاهی سرمایه از متولیان داخلی و خارجی این نظام جایزه ویژه « کاشفان نخبه» را دریافت خواهد کرد. اعطای این جایزه بزرگ تاریخی به وی به طور خاص از این بابت صورت می گیرد که معضل کودکان خیابانی در ایران نیز پدیده ای پایان یافته تلقی خواهد شد و دولت سرمایه داری ایران از این تاریخ به بعد در شمار دولت های سرمایه داری بهینه فاقد کودک خیابانی قرار خواهد گرفت.

11 مهر 87

105- بلاتکلیفی کارگران دانشگاه چهارمحال و بختیاری:

بیش از 1200 کارگر در اسارت شرکت های مقاطعه کاری مجبور به کار برده وار روز به روز برای دانشگاه علوم پزشکی استان چهارمحال و بختیاری هستند. بسیاری از این کارگران حدود 25 تا 30 سال توسط همین شرکت های آدم فروشی موسوم به مقاطعه کاری به هولناک ترین شکل مورد استثمار قرار گرفته اند. آنان در تمامی این سال ها به طور موقت و بدون هیچ نوع تضمینی برای اشتغال فردای خویش کار کرده اند. عمر کاری این 1200 کارگر اکنون به طور واقعی به پایان رسیده است. اما آنان همچنان بدون هیچ پشتوانه، بدون هیچ امیدی به کار روز بعد خویش، در لابه لای موج وحشت و هراس ناشی از بیکارسازی و گرسنگی و ذلت و سیه روزی ناشی از آن کار می کنند. بخش اعظم این کارگران در همین روزها و در آینده بسیار نزدیک زیر فشار فرسایش ناشی از کار مرگبار سی ساله آخرین رمق تلاش و آخرین شانس فروش نیروی کار را هم از دست می دهند و هیچ سرمایه داری حتی استثمار آن ها را نیز به صرفه نخواهد دید. همه این کارگران در آستانه پرتاب به برهوت گرسنگی و مرگ ناشی از نداری و فقر هستند. کل عمرشان قطره قطره در کشتزار سوداندوزی سرمایه داران آب شده و سودهای کلان برای مالکان دولتی و خصوصی سرمایه خلق کرده است. 1200 کارگر بلاتکلیف اینک در چنین وضعیتی بدون داشتن هیچ نوع روزنه امیدی به زندگی زانوی غم به سینه می فشارند و فریاد اعتراض جگرخراش آنان گوش هیچ سرمایه دار یا هیچ دولتمرد نظام سرمایه داری را نمی آزرده. اداره کار در پاسخ اعتراضات آنان می گوید که هیچ کاری از دستش ساخته نیست. سرمایه داران خونخوار مالک شرکت پیمانکاری اصلاً با آن ها حرف نمی زنند و دانشگاه علوم پزشکی چهارمحال و بختیاری آن ها را موجودات قابل گفتگو تلقی نمی کند. سرمایه داران چنین می کنند و آنچه می کنند مقتضای بسیار طبیعی سرشت آن ها و سرشت سرمایه است. آن ها یکه تاز و بی هیچ پرس و جو به همه این جنایات دست می زنند، زیرا قدرت دارند و سؤال این است که کارگران چه کار باید بکنند؟

هیچ راهی نیست جز این که کارگران هم قدرت پیدا کنند و قدرت آن ها در سازمانیابی متحد سراسری آن ها است. سرمایه داران هر ریال افزایش سود خود را از طریق فشار بر زندگی کارگران و تشدید استثمار آنان دنبال می کنند. کارگران نیز باید قدرت خود را به طور مستقیم علیه سرمایه و علیه روند تولید سود سرمایه ها اعمال کنند. سرمایه داران یک طبقه اند و دولت دارند. کارگران نیز یک طبقه اند و می توانند سازمان شورایی سراسری و ضدسرمایه داری خود را پدید آورند. سرمایه داران در تشدید استثمار کارگران از ملزومات بازتولید و افزایش و گسترش و کوه پیکر ساختن سرمایه های خود عزیمت می کنند. کارگران نیز باید منشور مطالبات پایه ای طبقه خویش را به سنگر نخست اعتراض سازمانیافته خود به نظام سرمایه داری تبدیل کنند. سرمایه داران و دولت آن ها همه آنچه را که لازمه ماندگاری نظام سرمایه داری است با بیشترین توحش و کارگرکشی انجام می دهند و اگر این کارها را انجام ندهند چشم اندازی برای بقای خود و نظام خود نمی بینند. کارگران نیز اگر قرار است زنده بمانند جز عزیمت از سازمانیابی سراسری و شورایی پیکار خود حول منشور مطالبات پایه ای و ادامه مبارزه تا امحای سرمایه هیچ چاره دیگری ندارند.

106- بیکاری 70 در صد ناشنوایان در کشور :

به گزارش خبرگزاری کار ایران در تاریخ 12 مهر 87 آمده است: پروانه سلیمی عضو انجمن خانواده ناشنوایان اعلام کرد: 70 درصد کشور بیکار هستند. براساس قانون حمایت از معلولان، 3 درصد فرصت شغلی در هر نهاد باید در اختیار معلولان قرار گیرد، اما در عمل چنین چیزی محقق نشده است. وی افزود: دستگاههای دولتی استقبال چندانی از این قانون نکرده اند.

107 - یک فعال کارگری:

بدون فشار طبقه کارگر دستمزدها افزایش نمی یابد :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 12 مهر 87؛ به اعتقاد یک فعال کارگری دولت نه می تواند و نه می خواهد دستمزدهای کارگران را بر مبنای هزینه های واقعی زندگی افزایش دهد. به گزارش "ایلنا"، کاظم فرج اللهی گفت: دولت ایران به دلیل داشتن وابستگی با کارفرمایان بخش خصوصی و نیز حضور در اقتصاد به عنوان بزرگترین کارفرمای کشور، دارای ماهیتی کارفرمایی است. وی افزود: به دلیل همین ماهیت کارفرمایی، دولت ایران هیچگاه در عمل از افزایش دستمزدهای کارگران استقبال نمی کند.

این فعال کارگری گفت: در این شرایط حتی اگر دولت بخواهد دستمزد کارگران را بر مبنای قیمت های واقعی افزایش دهد باز به دلیل تعداد زیاد افراد بیکار و جویای کار امکان افزایش دستمزدها وجود ندارد. فرج اللهی یادآور شد: در هر جامعه ای پدیده بیکاری باعث شکل گیری کار ارزان در آن جامعه می شود، زیرا به دلیل کم بودن فرصت های شغلی، فرد بیکار حاضر است در برابر دریافت دستمزد کمتر و چشمپوشی از حداقل حقوق قانونی خود برای کارفرما کار کند. وی با بیان اینکه هیچ کارفرمایی حاضر نیست با پرداخت دستمزد واقعی از بازار ارزان نیروی انسانی چشمپوشی کند، گفت: در ایران به دلیل ماهیت کارفرمایی دولت، منافع طبقاتی به دولت اجازه پرداخت دستمزدهای واقعی را نمی دهد.

به اعتقاد این فعال کارگری اجرای سیاست های اقتصادی که از سوی نهادهای جهانی چون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به ایران تحمیل شده است، به دلیل غیرمردمی و غیرتولیدی بودن مانع از پرداخت دستمزد واقعی به کارگران است.

وی گفت: به جز در صنایعی که هزینه نیروی انسانی و انرژی مورد نیاز آن ارزان است، اجرای این سیاست ها نتیجه ای جز تبدیل شدن ایران به بازاری برای مصرف کالاهای خارجی ندارد. وی یادآور شد: اجرای این سیاست ها که آغاز آن به سال های پایان جنگ باز می گردد باعث رکود تولید و در نتیجه، تعطیلی کارخانه ها و حذف روابط کارگری و کارفرمایی شده است. فرج اللهی گفت: وقتی کارخانه ای نباشد پس کاری برای کارگر که بتوان در ازای انجام آن دستمزد واقعی را از کارفرما مطالبه کرد، وجود ندارد.

وی در پایان گفت: برای افزایش دستمزدها باید کارگران از طریق سازمان های صنفی مستقل و فراگیر خود، کارفرما و دولت را مجاب کنند.

پایان پیام

108- شمار سالمندان ایران حدود، 5/4 میلیون نفر است

***تنها يك درصد از مجموع قوانين تصويب شده در ايران مربوط به سالمندان است**

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 12 مهر 87 آمده است: مدیر گروه سالمندی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اعلام کرد: جمعیت سالمندان کشور در حال حاضر حدود، 5/4 میلیون نفر است که این جمعیت تا سال 2050 به بیش از 26 میلیون نفر می‌رسد.

دکتر رضا فدای وطن افزود: آمارهای متفاوتی از سوی سازمان‌ها در رابطه با جمعیت سالمندان کشور اعلام می‌شود، اما به طور میانگین، این رقم حدودا 4/6 درصد جمعیت کشور است و بر این اساس پیش‌بینی شده، تا سال 2050 جمعیت سالمند ایران به 26 میلیون و 393 هزار نفر می‌رسد که در آن زمان، سالمندان 26 درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

مدیر گروه سالمندی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تصریح کرد: این قشر گنجینه‌های ارزشمند از علم و تجربه هستند، اما متأسفانه در جامعه ما برای سالمندان کار اندکی صورت گرفته است.

فدای وطن عنوان کرد: سالمندان تنها يك درصد از مجموع قوانين تصويب شده را در اختيار دارند که از این مقدار، 62 درصد اقتصادي، 22 درصد اجتماعي و 16 درصد رفاهي و بهداشتي است.

به گفته وي، مجموع این بررسی‌ها نشان می‌دهد، از سالمندی و جایگاه آن‌ها در جامعه تعریف حقیقی ارائه نشده است و به همین منظور، مسوولان موظف به تقویت نهادها و انجمن‌های حامی سالمندان و ارائه خدمات بهتر به آن‌ها در جامعه هستند، تا این قشر همانند اقشار دیگر جامعه با آرامش زندگی کنند.

109- تشدید استثمار رانندگان توسط دلالان:

ارزش اضافی‌های تولید شده توسط توده‌های طبقه کارگر سیلاب وار در مجاری حیات سرمایه به راه می‌افتد و سرمایه داران مختلف از کارخانه دار تا تاجر بازار، از صاحبان زمین تا مالکان مستغلات، از دولت‌مردان مجری نظم سیاسی تا نیروی سرکوب و دستگاه‌های اعمال قهر سرمایه، از نمایندگان فکری و عناصر عالی مقام برنامه ریزی نظم تولیدی تا خیل عظیم عماله و اگره نظام بردگی مزدی همه و همه هر کدام به فراخور میزان سرمایه و مالکیت یا نقش و موقعیت خویش سهمی از آن را به خود اختصاص می‌دهند. شرکت‌ها یا افراد واسطه نیز در زمره این جماعت هستند و دلالان حمل کالا و مسافر در پایانه‌های کشور نیز به ایفای همین نقش مشغولند. اینان نیز هر کدام در گوشه و کنار دریای عظیم سودی که از چشمه ساران همیشه جوشان استثمار نیروی کار جاری است سهم خود را شکار می‌کنند و به میزان آن در تشدید استثمار توده‌های کارگر شریک می‌شوند. قرعه فال سیه روزی در این جا به نام توده وسیع رانندگان افتاده است و اینان هستند که باید بخش قابل توجهی از دستمزد ناچیز خویش یا قسمت مهمی از نان بخورونمیر فرزندانیشان را برای پر کردن کیسه این دلالان از دست بدهند. تا چندی پیش راننده‌ای که یک محموله بار را از اهواز به کرمان حمل می‌کرد در قبال آن چیزی حدود 250 هزار تومان دستمزد و هزینه حمل و نقل یا استهلاک کامیون و پول سوخت و مانند این‌ها دریافت می‌کرد. این راننده امروز در قبال حمل همان محموله حداکثر 120 هزار تومان می‌گیرد و مابه‌التفاوت میان این دو مبلغ یگراست نصیب سرمایه می‌شود. دلالان حمل و نقل و صاحبان بنگاه‌های مسافری در یک برنامه ریزی مشترک با یکدیگر این مابه‌التفاوت چشمگیر را میان خود تقسیم می‌کنند. روند ماجرا این گونه است که بنگاه‌ها از تحویل مستقیم محموله‌ها به رانندگان خودداری می‌کنند و دلالان که همه آن‌ها سرمایه داران دولتی و صاحب اقتدار کافی در دستگاه‌های نظم سرمایه هستند به فعالان مابین تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت کار یا بیکار ماندن رانندگان تبدیل می‌شوند. اینان با استفاده از این قدرت و موقعیت دستمزد 250 هزار تومانی حمل کالا در مورد بالا را به 120 هزار تومان کاهش می‌دهند. رانندگان هم جز قبول این میزان دستمزد راه دیگری برایش باقی نمی‌ماند و در این میان سرمایه دار دلال و سرمایه دار مالک بنگاه مبلغ 130 هزار تومان مابه‌التفاوت را به صورت بسیار منصفانه و عادلانه میان خود تقسیم می‌کنند!! عین همین مشکل در مورد رانندگان اتوبوس‌های مسافربری نیز وجود دارد. در این جا نیز حداقل 20% دستمزد روزانه هر راننده نصیب سرمایه داران دلال شریک بنگاه‌های مسافربری می‌شود.

110- کنترل دفتر مرکزی شرکت لاستیک البرز همچنان در اختیار کارگران این کارخانه است:

به گزارش شبکه همبستگی کارگری در تاریخ 13 مهر 87 آمده است: بر اساس گزارش های دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران لاستیک البرز از روز دوشنبه اول مهر ماه عوامل کارفرما را از دفتر مرکزی شرکت بیرون کردند و با در اختیار گرفتن آن، دو نفر نگهبان در سه شیفت در آنجا مستقر نمودند.

بر اساس این گزارش دیشب عوامل کارفرما به همراه یک مامور مسلح ملبس به اونیفورم نیروی انتظامی به دفتر مرکزی شرکت هجوم برده و و با حمله به نگهبانان وارد دفتر مدیر عامل شده و برخی اسناد مهم شرکت را با خود برده اند.

بدنبال پخش این خبر امروز صد نفر از کارگران لاستیک البرز به دفتر مرکزی آمده و ضمن نصب پارچه نوشته هایی بر سر در دفتر مرکزی شرکت (مشرف به خیابان آزادی) در آنجا مستقر شدند تا بر کنترل خود بیافزایند. همگی این کارگران در حال حاضر و بصورت شبانه روزی در دفتر مرکزی شرکت مستقر شده اند.

بنا بر برخی گفته ها سهم کارفرمای اصلی لاستیک البرز با پیگیری های این کارگران به زیر 50 درصد کاهش یافته و قرار است بزودی مدیریت جدیدی اداره شرکت را بدست گیرد و این مدیریت ضمن به راه انداختن کارخانه بودجه دو میلیاردی اختصاص یافته به دستمزد کارگران را به آنها پرداخت نماید.

111- جوانان در کرمانشاه از فرط فقر و بیکاری به کلیه فروشی رو آورده اند : *قیمت کلیه در حال حاضر 4 تا 5 میلیون تومان است

به گزارش خبرگزاری فارس در تاریخ 13 مهر 87 آمده است: مدیر مرکز بیماری های خاص استان کرمان گفت: وجود مشکلات مالی برخی از جوانان را به فروش کلیه ترغیب می کند.

علی شمسی نیا با اشاره به مراجعه برخی از این افراد به مرکز بیماری های خاص استان کرمان برای فروش کلیه تصریح کرد: علی رغم اینکه ما به جوانان و گروه های سنی بزرگسال توصیه می کنیم که کلیه خود را نفروشند، اما با اصرار زیاد برخی از آنها عمل فروش کلیه در نهایت انجام می شود. وی افزود: با تقاضای جوانان کمتر از 18 سال که تقاضای فروش کلیه خود را دارند موافقت نمی شود.

شمسی نیا در ادامه به قیمت فروش کلیه اشاره کرد و گفت: هم اکنون این قیمت در حدود 4 تا 5 میلیون تومان است که وجه آن تحت عنوان هدیه ایثار به فرد فروشنده کلیه اهدا می شود.

مدیر مرکز بیماری های خاص استان کرمان در ادامه تأکید کرد: اگر بخش پیوند اعضا در استان کرمان فعال تر شود این مشکل نیز برطرف می شود.

13 مهر: معلمان ایران حتی از برگزاری یک مراسم ساده که هر ساله توسط میلیون ها معلم در سراسر جهان برگزار می گردد محروم گردیده اند احساس می کنم در هر کنار و گوشه این شوره زار یاس چندین هزار جنگل شاداب ناگهان

می روید از زمین.

فرهنگیان عزیز، ملت شریف ایران

همانگونه که می دانید، یکی از مظاهر پیشرفت هر جامعه ای، وجود نهادهای مستقل از دولت است که وظیفه آنها علاوه بر نظارت و نقد عملکرد دولت ها، جلوگیری از فساد ناشی از تمرکز قدرت و تعدیل خواسته ها و انتظارات قشرهای مختلف مردم و متناسب کردن این گونه انتظارات با واقعیت هاست. به همین علت در بسیاری از کشورهای پیشرفته، حاکمان و دولت ها نه تنها مانع از رشد و گسترش این گونه نهاد ها نمی شوند بلکه از تمام توان خود برای گسترش آنها بهره می گیرند بطوریکه حضور یک فرد در چند نهاد مستقل مدنی

را نشانه رشد مدنیّت ، شادابی و توسعه یک کشور می دانند.

در کشور ما اما چند سالی است که تلاش های گسترده ای صورت گرفته و می گیرد تا با محدود کردن دایره فعالیت این گونه نهادها ، آنها را به ورطه نابودی کشانده یا بی اثر و خنثی نمایند. برخورد های چند سال اخیر نهادهای امنیتی با فعالان صنفی معلمان از جمله : بازداشت ها و دستگیری ها ، انفصال از خدمت و اخراج بسیاری از آنها و صدور احکام سنگین تعلیقی و تعزیری و حتی اجرای احکام تبعید برای این قشر فر هیخته ، همه و همه نشان دهنده این واقعیت تلخ است که مسئولان فعلی دولت هیچگونه اعتباری برای این گونه فعالیت های مسالمت آمیز قائل نیستند.

اما فعالان صنفی معلمان ایران پایدار و استوار و با عزمی جزم تر از گذشته ، به دلیل اعتقاد به حقانیت راهی که برگزیده اند ، تا رسیدن به مطلوب به راه خود ادامه خواهند داد و تهدیدها و تنبیه ها نتوانسته و نخواهد توانست در اراده آنان خللی ایجاد نماید.

همکاران گرامی ، ملت بزرگ ایران

حتماً شنیده اید که ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران ، در مصاحبه های اخیر خود، ایران را آزادترین کشور دنیا معرفی کرده است و مدعی شده که در این کشور مردم آزاده به همه مسئولان انتقاد می کنند و در عوض کوچکترین برخوردی با آنان صورت نمی گیرد!!!

این ادعاها در شرایطی مطرح می شود که معلمان ایران حتی از برگزاری یک مراسم ساده به مناسبت روز جهانی معلم که هر ساله توسط میلیون ها معلم در سراسر جهان برگزار می گردد محروم گردیده اند و مسئولان کشور نه تنها به درخواست کتبی کانون صنفی معلمان ایران برای برگزاری مراسم راهپیمایی در این روز پاسخی نداده اند بلکه تلاش اعضای کانون برای برگزاری مراسمی جشن گونه در مقابل وزارت آموزش و پرورش (خانه معلمان) که بنا بود با اهدای گل و شیرینی همراه باشد با تهدید های نیروهای امنیتی از مأموران وزرات اطلاعات گرفته تا پلیس امنیت و معاونت امنیت دادگاه انقلاب با شکست مواجه می گردد.

در چنین شرایطی ، کانون صنفی معلمان ایران ضمن اعتراض شدید به این گونه برخوردها که مغایرت آن با بسیاری از اصول قانون اساسی به ویژه اصل ۲۷ و قانون حقوق شهروندی کاملاً محرز است از تمامی دلسوزان نظام ، نمایندگان مستقل شورای اسلامی ، خبرگزاری ها و روزنامه های مستقل و همچنین ریاست محترم قوه قضاییه مصرانه می خواهد تا ضمن پیگیری برخورد های غیرقانونی مذکور ، مشکلات آموزش و پرورش را جدی گرفته و در برابر تضییع حقوق قانونی فرهنگیان و نمایندگان واقعی آنها در تشکل های صنفی ، بیش از این سکوت نکرده و با واکنش به موقع خود ، این نهاد گسترده و تأثیر گذار را که متعلق به تمام اقشار و آحاد جامعه است از بحران هایی که حتی برخی نمایندگان محترم مجلس نیز نتوانستند وجود آن را انکار نمایند ، نجات دهند.

ما معتقدیم که مشکل آموزش و پرورش تنها به فرهنگیان و تشکل های صنفی مربوط نیست بلکه مشکل آموزش و پرورش مشکل همه جامعه است لذا حل این مشکل نیز بر عهده تمامی اقشار جامعه است . بنابراین انصاف نیست که هزینه اصلاح آموزش و پرورش تنها و تنها به فرهنگیان و فعالان صنفی تحمیل گردد.

کانون صنفی معلمان ایران که در طی حیات خود ثابت نموده دفاع از حقوق فرهنگیان را با نگرش یک راهبردی آگاهانه و نه یک تاکتیک زودگذر از مسیرهای گوناگون دنبال می کند اعلام می دارد با توجه به قول رئیس فراکسیون فرهنگیان در دیدار اعضای شورای هماهنگی که، نظام پرداخت هماهنگ تا ۱۵ آذر عملاً اجرا خواهد شد ، برای اتمام حجت ضمن تأکید مجدد بر لزوم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری ، یادآور می شود که آخرین مهلت قانونی دولت برای اجرایی کردن این قانون ۱۵ آذر ماه ۸۷ است .

والسلام

کانون صنفی معلمان ایران

112- وعده خوداری از اخراج 700 کارگر دیگر سد گتوند :

به گزارش خبرگزاری فارس در تاریخ 13 مهر 87 آمده است : نماینده مجلس از شوشتر گفت: روند اخراج و تعدیل نیرو در شرکت های مجری احداث سد گتوند متوقف شده است و در حال رایزنی برای بازگشت نیروها بر سر کار خود هستیم.

وی افزود: در حال حاضر برای رفع مشکل کارگران بیکار شده، در صدد پرداخت بیمه بیکاری به آنها و رایزنی برای رفع مشکل و برطرف کردن موانع بازگشت این کارگران بر سر کار خود هستیم.

دبیر مجمع نمایندگان خوزستان در مجلس شورای اسلامی در مورد مشکلات این پروژه گفت: عدم اختصاص اعتبار برای ادامه این پروژه از مشکلات عمده پیش روی احداث سد گتوند است که برای رفع این مشکل قرار است نشست با وزیر نیرو انجام و برای رفع مشکل این پروژه چاره اندیشی شود.

سادات ابراهیمی خاطرنشان کرد: این پروژه عظیم می‌تواند بیکاران زیادی را به خود جذب کند، اما در حال حاضر عدم اختصاص اعتبار، مشکلات عدیده‌ای را برای روند تکمیل این سد عظیم به‌وجود آورده است.

پیمانکار سد گتوند در هفته گذشته به عنوان تعدیل نیرو بیش از 300 نفر از کارگران خود را اخراج کرد و قرار بود در آینده نزدیک 700 نفر دیگر را نیز اخراج کند. سد گتوند علیاً از جمله پروژه‌های منحصر به فرد و عظیم سدسازی است که در شهرستان گتوند در حال ساخت بوده و به دلیل اختصاص اعتبارات با مشکل مواجه شده است.

عملیات اجرایی سد گتوند با مدت زمان پیش‌بینی شده 90 ماه از سال 1380 در 12 کیلومتری شهرستان گتوند آغاز شده است.

113- بیمه کارگران ساختمانی در هزار توی خانه ملت

معاش 630 خانوار کارگری در سال 86 قطع شد :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 13 مهر 87 :

حمید سلیمانی

با تصویب یک فوریت طرح بیمه کارگران ساختمانی دیگر بار امیدهایی در دل کارگران این رشته برای برخورداری از حقوق بشری-انسانی زنده شد، حقوقی که پیش از این و به دلایل واهی از سوی مجلس هفتم به محاق رفته بود.

واقعیت این است که بنا به آمارهای اعلامی از سوی مراجع معتبر، بیشترین حوادث کار در بخش ساختمانی رخ می‌دهد. بنا به آمار رسمی اعلامی از سوی سازمان تامین اجتماعی از مجموع 11 هزار و 634 حادثه اتفاق افتاده در حین کار، در نیمه نخست سال گذشته 86، 60 نفر جان خود را در این حوادث از دست دادند. بیشترین حوادث ناشی از کار برای مردان و متاهلین به ترتیب با 11 هزار و 448 و 8 هزار و 729 مورد اتفاق افتاده و سهم مجردها در حوادث ناشی از کار دو هزار و 95 مورد بوده است. همچنین مطابق آمار همین مرجع، در سال 85 بیش از 21 هزار حادثه در کشور اتفاق افتاده و در سال 86 با رشد معادل 9 درصد، تعداد حوادث بالغ بر 23 هزار مورد شده است که از این تعداد بالغ بر دو هزار و 100 نفر بر اثر این حوادث و بیماری‌های ناشی از آن دچار فوت یا از کار افتادگی شده‌اند. همچنین بنا به گفته ابراهیم نظری جلالی، معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی، بخش ساختمان به تنهایی 30 درصد از حوادث ناشی از کار را به خود اختصاص داده است. نتیجه مستفاد از این آمارها این است که در سال 1386، قریب 630 کارگر در بخش ساختمانی بر اثر حوادث ناشی از کار، دچار فوت و یا از کار افتادگی شده‌اند و به عبارتی در این سال، منبع رزق 630 خانواده ایرانی از بین رفته است بدون اینکه پشتوانه تامین اجتماعی برای ایشان برقرار باشد.

حال در خصوص این موضوع باید سوال کرد که تمامی هزینه‌هایی که مخالفان طرح بیمه کارگران ساختمانی با تکیه بر آن، این حق انسانی را مسکوت گذاشتند چه میزان بوده و آیا با هزینه‌هایی که از طریق قطع معاش 630 خانوار بر کشور وارد می‌شود، قابل مقایسه است؟ فراموش نکنیم که همین تعلیق، خود سبب می‌شود که متولیان با عدم احساس مسئولیت در قبال کارگران ساختمانی، نظارت‌های پنهان و آشکار خویش بر ایمنی و بهداشت این کارگران را نیز فراموش کنند که خود این امر مسببی برای افزایش احتمالی این حوادث خواهد بود. درک درست نمایندگان مجلس از حقوق انسانی و قانونی کارگران ساختمانی که جزء محروم‌ترین اقشار جامعه به حساب می‌آیند، می‌تواند سبب شود که مجلس هشتم در اولین گام خویش در راستای قانونگذاری برای کارگران، یکی از آرزوهای دیرینه این قشر را برآورده کرده و آسایش و امنیت روحی و روانی را برای این افراد فراهم آورد.

پایان پیام

114- آمار تلفات سوانح هنگام کار به روایت سازمان تأمین اجتماعی:

فقط در نیمه نخست سال 1386 بیش از 634 11 حادثه هنگام کار برای کارگران رخ داده است. در جریان وقوع این حوادث حداقل 60 کارگر در همان لحظه نخست جان خویش را از دست داده‌اند. بیشترین حوادث برای کارگران متأهل رخ داده است که به خاطر تأمین معاش فرزندانشان مجبور بوده‌اند به هر خطری تن دهند. شمار کشته شدگان و مصدومان و مجروحان این بخش در همان 6 ماهه اول سال مذکور از 8 هزار و 729 نفر فراتر رفته است.

شمار سوانح برای کل سال 1386 به بیش از 23 هزار مورد رسیده است که در قیاس با سال پر از سانحه 1385 باز هم 9% افزایش داشته است. در سال 85 تعداد سوانح هنگام کار حدود 21 هزار مورد بوده است.

در سال 86 تعداد کل مقتولان و از کار افتادگان ناشی از سوانح کار 2 هزار و صد نفر گزارش شده است. 30% کل مقتولان و مجروحان سوانح کار به بخش ساختمان اختصاص داشته است. در این بخش حداقل 630 کارگر حین کار کردن به قتل رسیده اند و یا این که به جرگه از کارافتادگان مادام العمر پیوسته اند. با قتل و از کار افتادگی این کارگران حداقل 630 خانواده و در هر خانواده چندین انسان تنها نان آور خویش را از دست داده و به نفرین شدگان گرسنه جهنم سرمایه افزوده شده اند.

13 مهر 87

115- گرانی بلیط اتوبوس و اعتراض مردم *یک شهروند: مرغ گران، گوشت گران، پودر لباسشویی کمیاب، بنزین کارتی و بلیط اتوبوس 2 برابر...*

به گزارش سایت روشنگری در تاریخ 13 مهر 87 آمده است: مردم مشهد به تایید گرانی قیمت بلیط اتوبوس های شهری از سوی شورای شهر مشهد معترضند. شورای شهر تصمیم شهرداری برای افزایش قیمت بلیط را تایید کرد. به گزارش ایسنا این اقدام در حالی صورت گرفت که "هنوز مردم مشهد از شوک ناشی از افزایش نرخ کرایه تاکسی های درون شهری و تاکسی تلفنی ها خارج نشده اند". بر اساس این گزارش "از حدود 2 هفته پیش و بنا به مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد، قیمت بلیط اتوبوس های سازمان اتوبوسرانی در تمام خطوط از 30 به 50 تومان و در واقع 70 درصد افزایش یافت. البته ذکر این نکته که قرار بود این قیمت ابتدا 100 تومان باشد و در نهایت و با لطف مسوولان به 50 تومان اکتفا شده است نیز نباید فراموش شود!" ایسنا در ادامه این گزارش گلایه های مردم به گرانی قیمت اتوبوس را به شرح زیر آورده است.

"یکی از شهروندان مشهدی در گفت و گو با خبرنگار ایسنا، می گوید: آیا واقعا هیچ راه دیگری جز گران کردن بلیط اتوبوسی نبود که بیشتر مخاطبان آن را قشر ضعیف جامعه تشکیل می دهند تا کسری بودجه سازمان اتوبوسرانی تامین شود؟"

او خود را يك کارمند باز نشته معرفی کرده و ادامه می دهد: "می خواهم به مسوولان بگویم دست مریزاد، نفسان از جای گرم بلند می شود، البته حق دارید چون سواره از پیاده خبر ندارد."

شهروند دیگری نیز می گوید: "کاش مسوولان اول به فکر تغییرات کمی و کیفی در ناوگان اتوبوسرانی می بودند و بعد بلیط را گران می کردند، حداقل در آن شرایط دلمان نمی سوخت که تقریبا 2 برابر گذشته پول بلیط می دهیم."

او می افزاید: "از اتوبوس قشر متوسط و بیشتر اقشار کم درآمد بهره می گیرند و ریال به ریال افزایش قیمت برایشان ارقام درشتی است."

فرهاد هم خود را دانشجوی معرفی کرده و می گوید: "چرا باید در تهران که آن همه امکانات دارد قیمت بلیط 20 تومان باشد ولی در مشهد که هیچ امکاناتی ندارد شاهد بلیط 50 تومانی باشیم؟"

وی ادامه می دهد: "مشهد همیشه در خط مقدم افزایش نرخ بلیط بوده است، با این حال مسوولان با چه امیدی مردم را به استفاده از حمل و نقل عمومی تشویق می کنند؟"

يك خانم کارمند نیز با انتقاد از افزایش نرخ بلیط اتوبوس می گوید: "مرغ گران، گوشت گران، پودر لباسشویی کمیاب، بنزین کارتی و بلیط اتوبوس 2 برابر؛ مسوولان! واقعا خسته نباشید."

شهروند دیگری نیز به خبرنگار ایسنا _ منطقه خراسان، می گوید: "شاید این افزایش قیمت قیمت نوعی حمایت از قشر ضعیف و کم درآمد جامعه است!"

وی با اشاره به دستورالعملی مبنی بر توزیع بلیط های ارزان قیمت به اقشار آسیب پذیر جامعه می گوید: "آیا منی که يك کارگر ساده و دارای چند فرزند هستم جزء اقشار کم درآمد و ضعیف محسوب نمی شوم که باید به 2 برابر قیمت قبلی پول بلیط بدهم."

116- حادثه در کارگاه آسفالت موجب مرگ یک کارگر شد:

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 13 مهر 87؛
دبیراجرایی خانه کارگر کردستان از کشته شدن یک کارگر در کارگاه آسفالت سازی خبر داد.
به گزارش "ایلنا"، اقبال رضایی با بیان این مطلب افزود: ترکیدن تانکر قیر در یک کارگاه آسفالت سازی موجب کشته شدن یک کارگر قراردادی و مجروح شدن دو تن دیگر شد.
وی گفت: این حادثه یکشنبه گذشته در کارگاه آسفالت سازی روزه لات سقز در مسیر جاده سقز- مریوان رخ داد و علت آن افزایش بیش از حد حرارت بود.
پایان پیام

117- قربانی شدن یک کارگر در انفجار تانکر ذوب قیر:

انفجار تانکر ذوب قیر کارگر دیگری را قربانی گرفت و از هستی ساقط ساخت. این کارگر برای شرکت آسفالت سازی «روزه لات» در جاده سقز - مریوان کار می کرد و توسط صاحب این شرکت استنمار می شد. او به حکم کارفرمای مالک شرکت مجبور بود که در کنار تانکر ذوب قیر کار کند. هیچ نوع پوشش ایمنی و هیچ وسیله ای برای حفاظت در مقابل حوادث مرگبار محیط کار با خود به همراه نداشت. تانکر بدون هیچ محاسبات ایمنی و هیچ نوع کنترل فنی در حال داغ شدن بود که ناگهان منفجر شد. حادثه انفجار تانکر به گرفتن جان کارگر مزبور محدود نشد. دو همسرنوشت دیگر او نیز که در همان جا کار می کردند سخت زخمی شدند. از چند و چون حال این دو کارگر مصدوم و مجروح هیچ گزارشی داده نشده است. کارگر مقتول و هر دو همزنجیر مجروح وی طبق معمول به صورت قراردادی کار می کردند. آنان از جمله ارزان بهترین و بی مقدارترین انسان ها بودند. با کشته و مجروح شدن این کارگران تمامی افراد خانواده آنان نیز نه فقط به خاطر از دست دادن یا معلول شدن آن ها، که در وحشت گرسنگی و مرگ تک تک خویش به سوگ نشسته اند. چرا کارگران کشته و مجروح شدند؟ زیرا تانکر منفجر شد. چرا تانکر منفجر شد؟ زیرا برای جلوگیری از انفجار آن باید درصد بسیار کمی از حجم اضافه ارزش های تولید شده توسط کارگران به امکانات ایمنی محیط کار اختصاص داده می شد و سرمایه دار پرداخت این مبلغ ناچیز را به سود خود نمی دانست. چرا سرمایه دار مبلغ ناچیزی سود افزون تر را به جان کارگران ترجیح داد؟ زیرا بود و بقای صاحبان سرمایه درگرو سوداندوزی هرچه بیشتر و بی ارزش دانستن جان کارگران است. چرا صاحبان سرمایه به خود اجازه می دهند هیچ ارزشی برای جان کارگران قائل نشوند؟ زیرا از یک سو قدرت و حکومت و قانون و نظم و دولت و سپاه و ارتش و دادگاه و کل نظم اجتماعی حاکم از آن سرمایه، در خدمت ماندگاری سرمایه و ضامن بقای استنمار کارگر توسط سرمایه است و از سوی دیگر کارگران هیچ قدرتی ندارند. و بالاخره سؤال آخر این که چگونه می توان از وقوع این جنایات جلوگیری کرد؟ تنها راهش این است که کارگران تبدیل به قدرت شوند و گام نخست قدرت یابی کارگران هم سازمانیابی سراسری و شورایی و ضد سرمایه داری آن ها حول «منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران» است.

13 مهر 87

118- در حاشیه دستگیری پدر و مادری که قصد فروش فرزند خود را داشتند از سوی رییس پلیس آگاهی تهران بزرگ اعلام شد: خرید و فروش و اجاره کودکان امری رایج است :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 13 مهر 87 آمده است: رییس پلیس آگاهی تهران بزرگ، از دستگیری پدر و مادری که برای گدایی، قصد فروش کودک یکساله خود را داشتند، خبر داد.

سر هنگ محمدیان اظهار کرد: در پی دریافت گزارشی درباره خرید و فروش يك كودك يك ساله در نهم مهر ماه امسال، ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران، به محل فروش كودك در میدان ونك اعزام شدند.

وی افزود: کارآگاهان پلیس پس از حضور در محل فروش كودك و همچنین تحت پوشش قرار دادن این مکان در عملیات تعقیب و مراقبت، مرد 54 ساله‌ای به نام "خدا مراد" را که قرار بود، كودك را به فروش برساند، دستگیر کردند.

سر هنگ محمدیان با اشاره به این که متهم دستگیر شده پس از انتقال به اداره یازدهم پلیس آگاهی اعتراف کرد که قصد فروش كودك يكساله‌اش را داشته و فرزندش به همراه همسرش، در حال حاضر در خیابان‌های شمال تهران در حال گدایی هستند، افزود: با هماهنگی قاضی کشیک دادسرای جنایی تهران، همسر "خدا مراد" به نام "شهناز" 37 ساله، در حالی که در یکی از چهارراه‌های خیابان شریعتی در حال گدایی همراه با كودك خود

بود، توسط پلیس شناسایی و دستگیر شد.

وی ادامه داد: پس از دستگیری متهم، ماموران در بررسی‌های بیشتر متوجه شدند که "شهناز" معتاد بوده و برای خواباندن طولانی مدت کودک نیز در طول زمان گدایی، کودک یکساله را نیز معتاد کرده است.

به گفته رییس پلیس آگاهی پایتخت، در جریان رسیدگی به این پرونده، پلیس متوجه شد، "خدامراد" بیسواد بوده و تحت پوشش یکی از سازمان‌های دولتی، دارای حقوق مستمری ماهانه 300 هزار تومان است. همچنین در شناسنامه این متهم مشخصات سه زن به عنوان همسر قید شده و قصد داشته که کودکش را به مبلغ دو میلیون تومان بفروشد.

در نتیجه پلیس با توجه به این که در بین متکدیان خرید و فروش و یا اجاره کودک امری عادی تلقی می‌شود، احتمال داد که "خدامراد"، دارای همسران صیغه‌ای دیگری نیز بوده و یا در گذشته هم کودکان دیگری را به فروش رسانده باشد که این موضوع در حال حاضر تحت بررسی کارآگاهان قرار دارد.

سر هنگ محمدیان اضافه کرد: "شهناز" نیز به علت اعتیاد و همچنین معتاد کردن دو کودک يك و سه ساله‌اش به دستور مقام قضایی بازداشت و روانه زندان شد.

119- برگزاری گلگشت های آزادی افشین شمس قهفرخی :

به گزارش سایت سلام دمکرات از قول : کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ، در تاریخ 13 مهر 87 ؛ چندین مراسم به شکل زیر گزارش گردید .

برگزاری مراسم گلگشت در منطقه شمال

در پی فراخوان "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" و اعلام برگزاری مراسم و اجتماعاتی در اعتراض به دستگیری و بازداشت افشین شمس قهفرخی، امروز جمعه مورخه 87/7/12، گلگشت‌هایی در برخی از شهر های ایران برگزار شد.

در همین رابطه کمیته هماهنگی منطقه شمال نیز مراسمی را در رشت و در شرایط نامساعد جوی برگزار نمود که تعدادی از اعضای کمیته منطقه تهران نیز در آن حضور داشتند.

شرکت کنندگان در این مراسم، با در دست داشتن پلاکاردهایی، با مضامین "کارگر زندانی آزاد باید گردد" ، "افشین شمس، فعال کارگری آزاد باید گردد"، و . . . و با حمل نوشته‌هایی اعتراض خود را به بازداشت این فعال کارگری اعلام داشتند.

در این برنامه، یکی از اعضای کمیته ضمن بیان توضیحاتی در ارتباط با وضعیت کار و زندگی افشین شمس در جنبش کارگری، تلاش‌های این فعال کارگری را در همراهی و هماهنگی با کارگران برای احقاق حقوق و مطالبات حقه و انسانی طبقه کارگر، در همه عرصه‌ها، بویژه کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری برجسته نموده و آنها را یک به یک مورد تأیید قرار داد.

پس از آن، یکی از اعضای کمیته هماهنگی منطقه شمال، به خلاصه‌ای از فعالیت‌های این کمیته، در طول مدت فعالیت‌های آن اشاره نموده و خواهان تلاش و فعالیت بیشتر اعضاء و فعالین این منطقه در سازمان یابی بیشتر کارگران و کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری شد.

مراسم یاد شده در نهایت، با قرائت قطعنامه سراسری، در ارتباط با آزادی افشین شمس و تاکید شرکت کنندگان بر تلاش و فعالیت هرچه بیشتر برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری پایان یافت .

برگزاری گلگشت در شهر بوکان

امروز 12 مهر 87 بنا به تصمیم " کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری " گلگشتی در جهت دفاع از افشین شمس فعال کارگری و عضو این کمیته، که مدتی است به جرم فعالیت کارگری زندانی و تاکنون در وضعیتی نامعلوم بسر میبرد، برگزار گردید. در این خصوص جمعی از اعضای کمیته در شهرستان

بوکان دور هم جمع شده و به بحث و تبادل نظر پرداختند، که همگی بر این امر واقف بودند که نظام سرمایه داری برای ماندگاری خود و کسب سود بیشتر از هیچ جنایتی روی گردان نیست و این تنها اتحاد و همبستگی طبقه کارگر است که میتواند بنیان ستم و استثمار را درهم بشکند و دنیای بسازد که انسان برای زندگی کردن تلاش کند نه زنده ماندن. پس باید سعی و تلاش نمود که طبقه کارگر با همت و توانمندیهای خود تشکل طبقاتی را به وجود آورد، تشکلی که خود نماینده‌هایش را برگزیند و هرگاه آن نمایندگان خلاف منافع طبقاتی کارگران حرکت نمایند، عزل شوند. ما چنین تشکلی را که بتواند در جهت نابودی استثمار انسان از انسان حرکت کند، شورا می‌نامیم. درخاتمه قطعنامه‌ای که به این مناسبت از طرف کمیته نوشته شده بود، قرائت گردید و توسط حاضرین مورد تأیید قرار گرفت.

گزارش مراسم گلگشت سنندج مراسم امروز به فراخوان کمیته هماهنگی و با حضور جمعی از کارگران و فعالان کارگری برگزار شد. پس از خیر مقدم حاضرین به احترام و یاد تمام کسانی که در راه جنبش کارگری جان باخته‌اند قیام و یک دقیقه سکوت کردند. مراسم با توضیح در رابطه با شرایط افشین شمس قهفرخی که بیش از سه ماه از دستگیری وی می‌گذرد و با تأکید بر دستگیری به خاطر فعالیت‌های کارگری و محکوم کردن بلاتکلیف بودن وضعیت ایشان، با شعارهای "افشین شمس به خاطر دفاع از حقوق کارگران در زندان است"، "افشین شمس آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "فعال جنبش کارگری افشین شمس آزاد باید گردد" و ... همراه بود.

سپس چندین نفر از کارگران و اعضای کمیته هماهنگی اقدام به تجزیه و تحلیل مسائل و شرایط حال حاضر جنبش کارگری در ایران و جهان کردند که در این رابطه تشریح شرایط فعلی موانع گوناگون ایجاد شده برای اعتراضات کارگری از جمله دستگیریها، اخراج سازیه‌ها و همچنین تهدیدها پرونده سازی های اخیر را به چالش کشیده و در مورد مشکلات و موانع خاص کارگران در رابطه با اعتراضاتشان به وضعیت موجود به تبادل نظر پرداختند.

در ادامه معضلات فراروی جنبشهای اعتراضی خصوصاً جنبش کارگری ارزیابی و تشریح شد. سپس یکی از کارگران نساجی شهر سنندج در مورد اعتراضات اخیر خود صحبت کرده که این مسئله موجب انتقال تجربیات آنها به سایر کارگران شد. سپس حاضرین حمایت خود را از اعتراضات کارگران اخراجی فرش غرب بافت اعلام داشته و به فراخوان کمک مالی آنها جواب دادند. روند برنامه با خواندن شعر و نمایشنامه کارگری حال و هوای خاصی داشت که در نهایت با خواندن قطعنامه مراسم به پایان رسید.

گزارش بر گزارى گلگشت در شهر بانه

امروز 12 آبان ماه 87، بنا به تصمیم "کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در دفاع از افشین شمس در یک گلگشت سراسری، تعدادی از اعضای این کمیته و تنی چند از فعالان کارگری شهرستان بانه دور هم جمع شدند. این جمع رفیقانه ضمن نقد و بررسی وضعیت طبقه کارگر در شرایط کنونی و حرکت‌های اخیر آن در رابطه با فشارهای نظام سرمایه‌داری که هرروز ستم و استثمار آنرا بر زندگی خود بیشتر احساس میکنند، به گفت و شنود پرداختند و در نهایت راه پایان دادن به تمامی این مصیبت‌ها را متشکل شدن کارگران در تشکل‌های آزاد و طبقاتی خویش و نابودی استثمار و بر خورداری از یک زندگی انسانی ارزیابی نموده و متعهد شدند که به این امر خطیر طبقاتی و انسانی یاری رسانند.

ما ضمن محکوم نمودن دست گیری افشین شمس و احکام غیر انسانی شلاق و زندان برای فعالان کارگری، آزادی بدون قید و شرط این فعال کارگری، لغو احکام صادره و منع تعقیب دیگر فعالان کارگری را خواهیم.

برگزاری مراسم گلگشت آزادی افشین شمس در سقز

افشین شمس یکی از فعالان کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری از تاریخ 13/ تیر / 87 در محل کارش در اصفهان دستگیر شد. هیئت اجرایی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری تصمیم گرفت تا به اعتراض به دستگیری افشین شمس گلگشتی را در مناطق های مختلف برگزار کند. روز 87/7/12 جمع کثیری از زنان و مردان آزادیخواه شهرستان سقز در پاسخ به این تصمیم هیئت اجرایی کمیته هماهنگی مراسمی را در جاده سقز مریوان برگزار کردند. این مراسم از ساعت 3 بعد از ظهر با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد و خاطره جان باختگان جنبش کارگری از طرف آقای جلال حسینی

شروع شد. به دنبال آن جلال حسینی فهرست برنامه ها را اعلام کرد و از محمود صالحی خواست تا در مورد این مراسم برای حاضران سخنرانی کند.

محمود صالحی ضمن ابراز خوشحالی و تشکر و قدردانی از شرکت و سازمان دادن این گلگشت، اشاره کرد: این گلگشت به مناسبت اعتراض به دستگیری آقای افشین شمس برگزار شده که مدت زیادی از بازداشت ایشان می گذرد. افشین شمس یکی از فعالان کارگری است که مدت زیادی در قرار بازداشت موقت به سر می برد، ما امروز در این مکان جمع شدیم تا به دستگیری این فعال کارگری اعتراض کنیم، افشین شمس جز دفاع از محرومان هیچ جرمی مرتکب نشده، تا با این شیوه با ایشان برخورد شود. نظام سرمایه داری برای بقای خود هر گونه صدای حق طلبی را در گلو خفه می کند. نظام سرمایه داری و حامیانش برایشان فرق ندارد که اعتراض کننده مرد یا زن باشد، ما امسال به خوبی مشاهده کردیم که در سندج زنان را به اتهام شرکت در اول ماه مه به زندان و شلاق محکوم کرده اند. دوستان من می خواهم در این مراسم به چند نکته دیگر اشاره کنم. یکم وضعیت جامعه از نظر مصرف مواد مخدر و دوم مبارزه زنان در شرایط فعلی.

محمود صالحی در رابطه با وضعیت جامعه از نظر مصرف مواد مخدر گفت: مواد مخدر یکی از معضلی بزرگی است که امروز دامن قسمتی از خانواده های این کشور را گرفته است و انسان های معمولی توان مقابله با آن را ندارند. ما باید حاکمیت را زیر فشار قرار دهیم تا با این بلای خانمان سوز مقابله کند. دوستان هر کالای که تولید می شود برای مصرف است. مواد مخدر هم برای مصرف تولید می شود. ما باید به اطرافیان خود آگاهی دهیم که دچار این بلای خانمان سوز نشوند. سرمایه داران برای اینکه توان مقابله با معضل بیکاری را ندارند و نظام هایشان در این مورد کیش و مات شده است، به فراوانی مواد مخدر را در بین جوانان با قیمتی نا چیز پخش می کند تا جوانان را به این بلای خانمان سوز دچار کند و توان اعتراض را از آنان سلب کند و ... ما باید جوانان را آگاه و آنان را برای مبارزه با مواد مخدر سازماندهی و متشکل کنیم. (نه مبارزه با چند نفر مواد فروش یا مصرف کننده.)

محمود صالحی در ادامه صحبت‌هایش اضافه کرد که: امروز زنان از هر قشر دیگری از جامعه بیشتر مورد ستم قرار گرفته اند. روزی نیست که زنان به اعتراض به وضعیت موجود دست به خود کشی نزنند. اگر زنان چشم انتظار آن هستند تا دستی از غیب بیاید و آنان را از این ستم رهایی برساند. جز خواب و خیال چیز دیگری نیست. زنان باید خود برای رهایی از هرگونه نابرابری اقدام کنند. ما موظف هستیم تا زنان را که نصف جامعه ما را تشکیل می دهند راهنمایی و متشکل کنیم تا در برابر سرکوب های عریان مقابله کنند. اگر زنان بجای مسائل حاشیه ای به تشکیل تشکل های خود بپردازند، می توانند نصف مشکلات خود را حل کنند. امروز فیمنیست ها در ایران از هر زمانی بیشتر به فعالیت افتاده اند. تا زنان را نه بر علیه نظام سرمایه داری، بلکه بر علیه مردان بشوراندند و مبارزه اصلی زنان را در قالب مرد ستیزی سازماندهی کنند. ما با این تفکر مرز بندی داریم، زنان جزی از طبقه کارگر بدون مزد هستند. زنان باید استقلال اقتصادی داشته باشند و این استقلال اقتصادی بدون مبارزه به دست نخواهد آمد. من یقین دارم که زنان توانای هرگونه فعالیتی را دارند. خصوصاً تشکیل تشکلهای خود ساخته.

در ادامه پرسش و پاسخ شروع شد که کلیه حاضران و مخصوصاً زنان در این پرسش و پاسخ نقش فعالی ایفا کردند.

با قرائت قطعنامه از طرف یکی از حاضرین در مراسم، گلگشت آزادی افشین شمس به پایان رسید.

120- قطعنامه سراسری شرکت کنندگان در گلگشت آزادی افشین شمس:

به موازات تاریخ موجودیت طبقه کارگر، ستم و استثمار طبقاتی و همراه با آن فشار و سرکوب سرمایه، به اشکال و صور مختلف وجود داشته و تا آن زمان که مناسبات نابرابر و ضد انسانی سرمایه داری پایرجاست وجود خواهد داشت.

بدون تردید سرکوب اعتراضات کارگران، توسط طبقه ی سرمایه‌دار را باید ناشی از هر اس این طبقه استثمارگر، در مقابله با رشد و گسترش اعتراضات کارگری، که در جهت تحقق خواست‌ها و مطالبات انسانی و طبقاتی این طبقه تحت ستم و استثمار صورت می گیرد، ارزیابی نمود.

بویژه در چنین شرایطی است که شاهد دستگیریها و اعمال فشارهایی بر کارگران و فعالین کارگری می‌باشیم. افشین شمس نیز به عنوان یکی از فعالان کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های

کارگری است که در راستای این گونه اعمال فشارها و سرکوبها توسط عوامل سرمایه، در تاریخ 13 تیر ماه 87 در محل کارش دستگیر و از آن تاریخ در وضعیتی نامعلوم به سر میبرد. این در حالی است که فعالیتهای ایشان تماماً در راستای تحقق خواستههای انسانی و بر حق کارگران، از جمله ایجاد تشکلهای کارگری بوده است.

لذا فعالین متشکل در کمیته هماهنگی ضمن محکوم نمودن هرگونه فشار و سرکوب علیه کارگران و فعالان کارگری، خواستهای انسانی و طبقاتی خویش را در این خصوص به صورت زیر اعلام میدارند:

1- افشین شمس قهفرخی بدون قید و شرط آزاد باید گردد.

2- ما کارگران خواهان لغو احکام ضد انسانی شلاق و زندان علیه دستگیر شدگان مراسم اول ماه مه سنندج هستیم.

3- ما کارگران خواستار پایان دادن به ارباب و تهدید و احضار کارگران و فعالین کارگری بخصوص کارگران هفت تپه و.... میباشیم.

4- ما کارگران حمایت خود را از هم طبقه‌ای‌هایمان از جمله کارگران هفت تپه، لاستیک البرز، کوره پزخانه ها، نساجی‌های کردستان و ... اعلام میداریم.

5- ما کارگران هرگونه تهمت و پرونده سازی علیه کارگران و فعالان کارگری را به شدت محکوم می‌نماییم

121- از تجمع کارگران لاستیک البرز حمایت کنیم کارگران لاستیک البرز فردا صبح در مقابل وزارت کار دست به تجمع خواهند زد:

کارگران لاستیک البرز در اعتراض به بلاتکلیفی تحمیل شده بر آنان از سوی کارفرما و وزارت کار و عدم پرداخت دستمزدهایشان، فردا از ساعت 8 صبح در مقابل وزارت کار دست به تجمع خواهند زد.

نماینده های این کارگران امروز برای پیگیری مسئله مربوط به مدیریت جدید به وزارت صنایع رفتند اما در آنجا پاسخ روشنی به آنان ندادند.

لازم به یادآوری است از مورخه 87/6/14 که این کارگران در مقابل نهاد ریاست جمهوری دست به تجمع زدند به آنان وعده داده شده است مدیریت کارخانه را عوض خواهند کرد و مشکلات این کارگران را حل خواهند نمود. اما تاکنون هیچکدام از وعده های داده شده عملی نشده است.

کارگران لاستیک البرز در ادامه اعتراضات خود از اول مهر ماه مدیریت کارخانه را از دفتر مرکزی این شرکت بیرون کرده و خود در آنجا مستقر شده اند.

کارگران لاستیک البرز 5 ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند و فقر و فلاکتی دهشتناک زندگی آنان را در خود فرو برده و بعضاً خانواده های آنان در حال فرو پاشی است.

عدم پرداخت دستمزد کارگران تنها مشکل کارگران لاستیک البرز نیست، امروز در سطح کشور صدها هزار نفر از کارگران دستمزدهای خود را با تاخیر دریافت میکنند و این وضعیت تمام شیرازه زندگی آنان را در هم پیچیده است.

مسئولین دولتی در قبال این وضعیت کاری جز سردواندن کارگران انجام نمیدهند و زندگی میلیونها خانواده کارگری و فرزندان کوچک آنان که هر روز باید در حسرت برآورده شدن نیازهایشان بسوزند، در معرض نابودی و تباهی قرار دارد. این وضعیت ضد انسانی شایسته هیچ بنی بشری نیست و باید به آن خاتمه داد.

کارگران

پایان دادن به این وضعیت ضد انسانی تنها و تنها در گرو اعتراضات متحدانه و سراسری ماست، ما کارگران در نیشکر هفت تپه، شهر صنعتی قزوین، لاستیک البرز، کارخانه پرریس، ایران خودرو و دهها و صدها کارخانه دیگر باید دست در دست هم بگذاریم و با نیروی متحد خود برای همیشه به این وضعیت ضد انسانی خاتمه دهیم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران، ضمن حمایت از تجمع کارگران لاستیک البرز، عموم کارگران و سازمانها و نهادهای کارگری را به حمایت از کارگران لاستیک البرز فرا می خواند. هر چند فرصت برای شرکت در تجمع فردای کارگران لاستیک البرز کم است اما تا میتوانیم در حمایت از این کارگران در تجمع آنان در مقابل وزارت کار شرکت کنیم و متحدانه پایان دادن به عدم پرداخت دستمزدها، اخراج سازی ها و لغو قرار دادهای موقت را فریاد بزنیم.

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه به فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران در حمایت از مبارزه کارگران لاستیک البرز می پیوندد و خود را در کنار و همدوش کارگران مذکور در ادامه اعتراضاتشان تا رسیدن به خواسته های آنان قرار می دهد.

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه 1387/7/13

122 - مبلغ یک صد هزار تومان به کارگران فرش غرب بافت سندانج کمک شد:

امروز شنبه 1387/7/13 جمعی از کارگران و دوستان در اصفهان به فراخوان کمک مالی کارگران فرش غرب بافت سندانج که از طریق فعالین اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه آگاهی یافته بودند مبلغ یک صد هزار تومان به حساب اعلام شده کارگران فرش غرب بافت واریز کرده و مبلغ واریزی مذکور را به فعالین انجمن اعلام کردند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه 1387/7/13

123- تجمع کارکنان کاغذ پارس هفت تپه در فرمانداری شوش:

روزدوشنبه بیش از 600 نفر از کارکنان پارس هفت تپه کاغذ خوزستان جهت تعطیلی کارخانه کاغذ پارس در فرمانداری شوش دانیال تجمع کردند.

در این تجمع این کارکنان خواستار حقوق قانونی کار خود و درخواست باز گشایی کارخانه بودند. کارکنان "صدای گرسنه ایم الله اکبر" و آیا فریاد رسی نیست را سر می دادند.

گفتنی است چند خانم کارمند نیز در بین تجمع کنندگان دیده میشدند که همگی اشکریزان میگفتند و الله به خدا مملکت ایران صاحب ندارد.

یکی از کارکنان گفت: بلایی که این دولت بر سر کارخانه قند شوش در آورد بر سر ما کارکنان هم آورد.

وی گفت: از اول مهر ماه کارخانه تعطیل شده است، آنها حتی آب کارخانه و سرویس بهداشتی را هم قطع کرده اند. دو روز گذشته شخص فرماندار قول داد که کارخانه را باز گشایی کند ولی طبق آخرین خبر که مسئول اداره کارخانه اعلام کرده است، مدیر کارخانه طبق فاکس ارسالی اعلام داشته که نه دو ماه بلکه دیگر کارکنان منتظر بازگشایی کارخانه نباشند.

در این حین یکی از کارکنان با صدای بلند فریاد زد چرا ما را به ذلت می برید؟ چرا مارا زنده زنده می کشید؟ چرا کسی جوابگوی ما قشر زحمت کش نیست؟ وی در حالیکه گریه میکرد می گفت فقط بخاطر خانواده ام اشک می ریزم که نمیدانم از این پس با چه رویی نزدشان بروم؟

آژانس ایران خبر

124 - تجمع کارگران لاستیک البرز در برابر وزارت کار

مدیرکل صندوق بیمه بیکاری وزارت کار و امور اجتماعی:

مکاتبات لازم برای برکناری کارفرما صورت گرفته است :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 14 مهر 87؛ به دنبال تجمع اعتراضی صبح امروز کارگران کارخانه لاستیک البرز در محوطه وزارت کار و امور اجتماعی، مدیرکل صندوق حمایت از بیمه بیکاری وزارت کار و امور اجتماعی از مکاتبات این وزارتخانه با نهاد ریاست جمهوری، برای برکناری مالک فعلی این کارخانه خبر داد.

به گزارش "ایلنا"، صبح امروز جمعی از کارگران لاستیک البرز با تجمع در اعتراض به آنچه که پاسخگو نبودن مسوولان نامیدند، در محوطه وزارت کار و امور اجتماعی تجمع کردند. گودرز کریمی، مدیرکل صندوق بیمه بیکاری وزارت کار و امور اجتماعی در حاشیه این تجمع به خبرنگار "ایلنا" گفت: با توجه به ادامه مشکلات کارخانه لاستیک البرز، از نهاد ریاست جمهوری خواسته‌ایم تا در صورت امکان، همانند کارخانه فرخ و مه‌نخ، دستور برکناری مالک فعلی را صادر کند. این در حالی است که به ادعای تجمع‌کنندگان، مقامات مسوولی که تاکنون از سوی نهادهای مختلف مسوول رسیدگی به مسئله کارگران کارخانه لاستیک البرز شده‌اند، با اتخاذ روند فرسایشی به جای پاسخگویی و رسیدگی به خواسته‌های کارگران، از کارفرمای خصوصی این شرکت حمایت کرده‌اند. به گفته کارگران معترض لاستیک البرز، مقام‌های مسوول به آنها گفته‌اند که اگر به ادامه تولید و حفظ کار خود علاقمند هستید، باید در اداره کارگاه مشارکت کنید.

کریمی نیز با تأیید این موضوع به "ایلنا"، گفت: از کارگرانی که مایل به ادامه کار در این کارخانه هستند، خواسته‌ایم تا از میان خود 5 نفر را انتخاب کنند تا آنها بر نحوه هزینه شدن وامی که قرار است از سوی کمیسیون صنایع در اختیار این کارخانه قرار گیرد، نظارت کنند.

به گفته مدیرکل صندوق بیمه بیکاری وزارت کار و امور اجتماعی، تا زمانی که نهاد ریاست جمهوری به درخواست این وزارت پاسخ بدهد، برای کارخانه لاستیک البرز و کارگران آن، به غیر از سه راه تعطیلی کارخانه و معرفی شدن کارگران به بیمه بیکاری، باقیماندن مالک خصوصی فعلی در سمت اداره این کارخانه و یا واگذاری موقت اداره این کارخانه به دولت در قالب اختیارات ماده 142 قانون کار، راه دیگری وجود ندارد.

با وجود تأکید این مقام مسوول وزارت کار و امور اجتماعی بر اجرای ماده 143 قانون کار و مشارکت منتخبان کارگران در نظارت بر اداره این کارخانه، کارگران لاستیک البرز نسبت به این پیشنهاد خوشبین نبوده و معتقدند ورود کارگران به اداره کارخانه می‌تواند باعث آلوده شدن آنها به برخی مسائل و در نتیجه رفع اعلام برائت مدیران ناکارآمد فعلی شود.

پایان پیام.

125- کارگران لاستیک البرز امروز در مقابل وزارت کار دست به تجمع زدند:

امروز مورخه 87/7/14 حدود 500 نفر از کارگران لاستیک البرز در مقابل وزارت کار دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواست های خود شدند.

کارگران لاستیک البرز در حالی دور جدیدی از اعتراضات خود را آغاز کرده اند که تاکنون وعده های داده شده به این کارگران مبنی بر واگذاری مدیریت کارخانه به بخش دولتی عملی نشده است. پس از تجمع کارگران لاستیک البرز در مقابل نهاد ریاست جمهوری به این کارگران قول دادند با واگذاری مدیریت کارخانه به بخش دولتی دستمزدهای آنان پرداخت خواهد شد.

اما پس از گذشت یکماه از این وعده ها، دیروز در وزارت صنایع به نماینده های این کارگران اعلام شد گره کار شما در وزارت کار است و ما کاری از دستان بر نمی آید.

کارگران لاستیک البرز امروز در اعتراض به این وضعیت و سر دواندنشان از سوی نهادهای دولتی از ساعت 8 صبح تا 15 بعد از ظهر در مقابل وزارت کار دست به تجمع زدند.

کارگران لاستیک البرز پارچه نوشته هایی را بر نرده های وزارت کار نصب کرده و روی یکی از آنها نوشته بودند: آقای وزیر شش ماه حقوق نگرفته ایم شما چطور.

پس از تجمع کارگران در مقابل وزارت کار دو تن از معاونان جهرمی به میان کارگران آمده و اعلام کردند ما پیگیر کارهای شما هستیم. اما کارگران این وعده ها را قبول نکرده و خواهان پرداخت دستمزدهای خود شدند.

تجمع امروز کارگران لاستیک البرز بدون رسیدن به نتیجه روشنی پایان گرفت.

قرار است فردا 27 نفر از نماینده های کارگران با اعضای شورای کارخانه (3 نفر) و مهندسین شرکت جمعی را برگزار کنند و سپس با جمع بندی مسائل امروز جمعی بزرگتری را با شرکت تمامی کارگران برای تصمیم گیری در مورد چگونگی ادامه اعتراضاتشان برگزار نمایند.

این کارگان اعلام کرده اند در صورت تداوم وضعیت موجود و عدم رسیدگی فوری به خواسته هایشان همراه با خانواده های خود در مقابل مجلس دست به تجمع خواهند زد.

لازم به یادآوری است کارفرمای لاستیک البرز در حال حاضر سرویس ایاب و ذهاب و ناهار این کارگران را قطع کرده است و دفترچه های درمانی آنان تمدید نشده است.

اتحادیه آزاد کارگران 87/7/14

126- تصمیم کارگران غرب بافت به ادامه اعتراض و تجمع کارگران پریس در پشت نرده های درب کارخانه :

کارگران پریس مطابق معمول هر روز، امروز مورخه 87/7/14 نیز به کارخانه رفتند اما با دربهای زنجیر شده کارخانه مواجه شدند. اعتراض کارگران در مقابل درب کارخانه باعث شد تا مدیر کارخانه از پشت درب با کارگران صحبت کند.

کارگران پریس خواهان گرفتن رونوشت قراردادهای خود بودند اما مدیر کارخانه از دادن آن سرباز میزد. به دنبال این وضعیت کارگران به شدت عصبانی شده و با داد و فریاد و فشار بر درب، مدیر کارخانه را وادار کردند تا در را باز کند.

در همین حال نیروهای انتظامی نیز که مدیر کارخانه آنها را خبر کرده بود به محل آمدند. اما کارگران که وارد کارخانه شده بودند تا گرفتن قرار دادهای خود حاضر به ترک آنجا نشدند و در نهایت مدیر کارخانه مجبور شد قرار دادهای کارگران را به آنها بدهد.

لازم به یادآوری است کارگران پریس از ده روز پیش خواهان دریافت رونوشت قراردادهای خود بودند اما کارفرمای پریس از دادن آنها به کارگران خودداری میکرد.

کارگران پریس احتمال میدهند کارفرما در قراردادهای آنها دست کاری کرده باشد و تصمیم دارند این مسئله را روشن کنند.

در همین حال نماینده های کارگران فرش غرب بافت با مراجعه به تهران آقای دکتر خلیل بهرامیان را به عنوان وکیل خود انتخاب کردند. این کارگران تصمیم دارند اعتراضات خود را در سطح شهر سنندج طی روزهای آینده تشدید کنند. لازم به یادآوری است کارگران پریس نیز دکتر خلیل بهرامیان و جعفر عظیم زاده را به عنوان وکلای خود به اداره کار سنندج معرفی کرده اند.

اتحادیه آزاد کارگران 87/7/14

127- عضو شورای عالی کار: مبلغ بن کارگری باید افزایش یابد :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 14 مهر 87 ؛ عضو شورای عالی کار از جلسه این شورا در خصوص نحوه پرداخت و تغییر مبلغ بن کارگری خبر داد.
محمد سلیم بهرامی در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری "ایلنا"، افزود: هر چند کارگران از نقدي دادن بن کارگري رضایت دارند اما صحبت های کارشناسی در این زمینه وجود دارد و منعی برای بیان نظرات نیست.

وي مبلغ يارانه دولت در بن کارگري را ناچيز دانست و گفت: اين مبلغ بايد افزايش يابد و واقعي تر شود. اين مقام کارگري در خصوص ميزان افزايش مبلغ بن کارگري گفت: در اين خصوص بايد نظر کانون عالي شوراهای اسلامي کار کشور را جویا شد.
پایان پیام

128- رييس سازمان فني و حرفه‌اي کشور خبر داد: 1700 کارگاه فني دولتي خصوصي مي‌شود :

تهران- خبرگزاري کار ايران در تاريخ 14 مهر 87 ؛ معاون وزير کار و امور اجتماعي و رييس سازمان آموزش فني و حرفه‌اي، از واگذاري يکهزار و 700 کارگاه حرفه آموزي وابسته به اين سازمان به بخش خصوصي تا پايان سال جاري خبر داد.
به گزارش "ايلنا" به نقل از روابط عمومي وزارت کار و امور اجتماعي، مرتضي شريف‌النسبي گفت: واگذاري اين کارگاه‌ها در راستاي اجرائي اصل 44 قانون اساسي و تقويت بخش خصوصي در کشور صورت مي‌گيرد.
وي افزود: از مجموع کارگاه‌هاي يادشده، تعداد 800 کارگاه در نيمه اول سال جاري به بخش خصوصي واگذار شده است.
شريف‌النسبي، شمار کل کارگاه‌هاي فني و حرفه‌اي که در اجرائي اصل 44 واگذار خواهد شد را دو هزار واحد بيان کرد.
معاون وزير کار، با بيان اينکه واگذاري کارگاه‌هاي فني و حرفه‌اي به بخش خصوصي، افزايش انگيزه در مهارت آموزي را به همراه داشته است، گفت: آموزش افراد در جهت ايجاد اشتغال مهمترين هدف واگذاري کارگاه‌هاي فني و حرفه‌اي به بخش خصوصي است.
وي به چهار هزار و 300 کارگاه فني و حرفه‌اي فعال کشور اشاره کرد و اظهار داشت: در سال نوآوري و شکوفايي، 600 کارگاه فني و حرفه‌اي جديد در کشور ايجاد خواهد شد.
شريف‌النسبي، با اشاره به بخشي از حرفه آموزان مراکز فني و حرفه‌اي که از دانشگاه‌هاي کشور فارغ‌التحصيل مي‌شوند، افزود: 40 درصد ظرفيت مراکز فني و حرفه‌اي کشور به فارغ‌التحصيلان دانشگاهي اختصاص يافته است.
وي خاطر نشان کرد: در حال حاضر 23 ميليون نفر در کشور مشغول به کار هستند و بطور متوسط، سالانه يک ميليون و 200 هزار نفر وارد بازار کار مي‌شوند.
رييس سازمان فني و حرفه‌اي کشور، سياست اين سازمان را در زمينه آموزش مهارت آموزان مبتني بر تفاضلي بخش‌هاي مختلف توليدي و نيازهاي جامعه دانست و گفت: براي ايجاد شکوفايي در امر اشتغال و افزايش بهره‌وري در آموزش مهارت آموزان از اساتيد برجسته دنيا استفاده خواهد شد.
پایان پیام

129- مديرکل آمار سازمان تامين اجتماعي: پا، پرحادثه‌ترين عضو بدن کارگران است :

تهران- خبرگزاري کار ايران در تاريخ 14 مهر 87 ؛ مديرکل آمار و محاسبات اقتصادي و اجتماعي سازمان تامين اجتماعي با بيان اينکه طي سال گذشته 25 هزار و 459 مورد، حوادث ناشي از کار در کل کشور اتفاق افتاده است، گفت: پا با شش هزار و 595 مورد حادثه در صدر اعضاي آسيب‌پذير قرار داشت.
به گزارش "ايلنا"، سيواوش قراگزلو انگشتان دست و دست را در رتبه‌هاي بعدي اعضاي حادثه ديده در حوادث کار اعلام کرد و افزود: انگشتان دست با شش هزار و 503 مورد حادثه و دست هم با شش هزار و 105 مورد حادثه در صدر اعضاي آسيب ديده حوادث ناشي از کار هستند.
وي تعداد حوادث ناشي از کار در اعضاي جمجمه، مغز، چشم، صورت و گردن را به ترتيب 371، 71، 504، 855 و 268 مورد ذکر کرد و گفت: در انگشتان پا 715 مورد حادثه، ستون فقرات 878 مورد حادثه و تمام بدن هم 427 مورد حادثه داشته‌ايم.
قراگزلو حوادث ناشي از کار ساير اعضا را يک هزار و 165 مورد و موارد اظهار نشده را 436 مورد اعلام کرد.
پایان پیام

130- تحسن دانشجویان در اعتراض به بازنشسته کردن استادان :

به گزارش روزنامه سرمايه در تاريخ 14 مهر 87 : دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به بازنشسته کردن استادان دانشگاه تحسن کردند. در پی بازنشسته شدن 21 استاد برجسته رشته های علوم انسانی دانشگاه تهران، دانشجویان این دانشگاه روز گذشته از ساعت یک بعداز ظهر در صحن اصلی دانشکده حقوق به تجمع پرداختند. در این تجمع حدود 200 نفر از دانشجویان در اعتراض به بازنشسته کردن استادان دانشگاه تهران

دور هم جمع شدند و بیانیه ای هم در اعتراض به این اقدام صادر کردند. با اینکه این تجمع تا ساعت 5/3 بعداز ظهر ادامه داشت اما هیچ کدام از مسوولان دانشگاه حاضر به پاسخگویی در برابر اقدام بازنشستگی استادان نشدند.

این در حالی است که جمعی از استادان ممتاز و صاحب نام دانشگاه تهران در تابستان امسال زمانی که دانشگاه ها در تعطیلات تابستانی به سر می برند، با حکم بازنشستگی یا حکم انتظار خدمت روبه رو شدند و مدیرکل مدیریت نیروی انسانی دانشگاه تهران در مردادماه اعلام کرد همه این استادان بالای 70 سال سن دارند و سابقه خدمت آنان بیش از 35 سال است بنابراین دانشگاه مکلف است هر یک از اعضای رسمی هیات علمی که به سن 65 سال تمام رسیده باشند را بازنشسته کند.

بنابراین استادان برجسته دانشگاه یک ماه پیش از آغاز سال تحصیلی دانشگاه ها به امور اداری مراکز دانشگاهی فراخوانده شدند تا هرچه سریع تر مدارک خود را برای بازنشستگی تکمیل کنند. با اینکه مسوولان دانشگاه تهران هنوز راجع به این اقدام هیچ موضع گیری ای نکرده اند اما نمی توان سر این موضوع سرپوش گذاشت که استادان بازنشسته شده جزء سرمایه های علمی کشور محسوب می شوند و نبود آنها در محیط های آموزشی می تواند در سطح علمی دانشگاه ها نیز خلل ایجاد کند.

این اتفاق در حالی می افتد که استادان بازنشسته شده از نظر رتبه بندی دانشگاهی در ردیف استاد ممتاز هستند و بازنشستگی شامل آنها نمی شود و جایگزین کردن استادانی که از تجربه و بار علمی این چهره های معتبر برخوردار باشند، کار آسانی نخواهد بود. همه این اتفاقات در پی ابلاغ آیین نامه جدیدی از سوی مسوولان دانشگاه تهران انجام شده که براساس آن استادانی که سن آنها 70 سال یا بیشتر است، باید بازنشسته شوند اما استادانی که بین 65 تا 70 ساله هستند می توانند با اجازه دانشگاه به تدریس ادامه دهند. بنابراین برخلاف محتوای آیین نامه، روند بازنشستگی ها فراتر از آن بوده و استادان کمتر از 70 سال را نیز در بر گرفته است.

131- تنها 30 درصد جمعیت روستایی در ایران از آب شرب سالم برخوردار هستند:

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 14 مهر 87 : نماینده مریوان با بیان این که در حال حاضر بیش از 35 درصد از تاسیساتی که شامل خطوط انتقال و شبکه توزیع آب شرب می شود، فرسوده است، توجه مسوولان به این مساله در جهت بازسازی آن را لازم برشمرد.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، اقبال محمدی در نطق پیش از دستور امروز خود یادآور شد: کشور ایران با در اختیار داشتن 1/1 درصد از اراضی و 36 درصد از منابع آبی جهان با 240 میلی متر متوسط بارندگی سالانه در اقلیم خشک و نیمه خشک قرار گرفته است. میزان سرانه آب کشور از 7 هزار متر مکعب در سال 1335 به 2 هزار و 500 متر مکعب در سال جاری کاهش یافته است و پیش بینی می شود تا سال 1395 به کمتر از هزار متر مکعب تقلیل یابد.

این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: براساس شاخص های جهانی هرگاه سرانه آب در هر کشوری به کمتر از 1700 متر مکعب تقلیل یابد آن کشور با بحران کم آبی مواجه است و این سر نوشت در آینده ای نه چندان دور در انتظار ایران است.

محمدی در ادامه اظهار داشت: در کشور ما با تمام اقدامات انجام شده جمعیت تحت پوشش شبکه فاضلاب از 31 درصد بالاتر نرفته، هر متر مکعب فاضلاب نسویه نشده، وقتی به سفرهای آب زیرزمینی وارد شود بیش از 40 متر مکعب آب سالم را آلوده می کند، تا کنون ظرفیت تولید آب شرب در کشور به 6/4 میلیارد متر مکعب در سال رسیده، ولی ما به 7/5 متر مکعب آب شرب در سال نیاز داریم.

این نماینده مجلس با بیان این که تنها 30 درصد جمعیت روستایی از آب شرب سالم برخوردار هستند، افزود: براساس آنچه در قانون برنامه چهارم توسعه پیش بینی شده بایستی میزان دسترسی جمعیت روستایی به آب شرب سالم به 87 درصد و میزان بهره مندی از خدمات فاضلاب به 7 درصد برسد که آمارها از نظر خدمات رسانی به روستاها ضعیف و تکان دهنده است.

نماینده مریوان در ادامه گفت: طول خطوط انتقال و توزیع آب شرب در کشور قریب به 260 هزار کیلومتر است که اگر براساس استانداردهای جهانی و موجود سالانه 5 درصد آن بازسازی شود هر سال به بیش از 3 هزار میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد. در حال حاضر بیش از 35 درصد از تاسیسات شامل خطوط انتقال و

شبكة توزیع آب شرب کشور فرسوده و نیازمند بازسازی است که قریب 20 درصد آب تصفیه شده را هدر می‌دهد. پس لازم است هم دولت و هم نمایندگان با توجه به قوانین بین‌المللی نسبت به تصویب بودجه سالانه این بخش به خصوص کنترل آب‌های مرزی کشور عنایت ویژه داشته باشند.

132- کشته شدن یک کارگر در سیمان بجنورد:

سرمایه این بار در هیئت عایق سیلوی سیمان گلوی کارگری را فشار داد و او را از ارتفاع 25 متری با قساوت و بیرحمی تمام به زمین پرتاب کرد. کارگر مزبور به گونه بسیار رقت باروغم انگیزی جان داد. او زیر فشار جبر کارگربودن، به حکم سرمایه و در هنگام استثمار شدن توسط سرمایه از هستی ساقط شد. با مرگ این کارگر زندگی تمامی افراد خانواده او نیز به سیاهی نشست و جغد شوم گرسنگی و فقر و مذلت بال خود را بر سر و روی آنان پهن کرد. این نخستین حادثه کشتار کارگران در کارخانه سیمان بجنورد نیست. سال پیش نیز 3 کارگر دیگر در هنگام کار در اثر ریزش سقف سیلو زیر هزاران تن خاک دفن شدند. از نگاه سرمایه داران جان صدها کارگر بسیار بی بهاتر از آن است که به خاطر حفظ آن چند قطره از دریای سود سرمایه های خویش بکاهند و برای ایمنی محیط کار کارگران هزینه کنند.

14 مهر 87

133- در گذشت یک کارگر حین کار:

به گزارش خبر نامه فعالین مازندران در تاریخ 14 مهر 87 آمده است: يك کارگر ساختمانی روز جمعه به هنگام تخریب ساختمانی در خیابان شهدای شرقی گنبدکاووس، در زیر آوار جان باخت. در این حادثه چهار نفر از کارگران که مشغول تخریب يك دستگاه ساختمان بودند ناگهان متوجه فرو ریختن سقف این بنا شدند که سه نفر از آنان فرار کردند و يك نفر موفق به فرار نشد. این کارگر که "میرشاهی" نام داشت، در این حادثه جان خود را از دست داد.

134- از تجمع معلمان کرمانشاه جلوگیری شد:

صبح روز یکشنبه 14 مهر (روز جهانی معلم) نیروهای انتظامی برای جلوگیری از تجمع معلمان مقابل اداره آموزش و پرورش تمام مسیرهای مرتبط به اداره را مسدود کرده و از تجمع افراد در نزدیکی اداره آموزش و پرورش ممانعت می کردند.

به گفته چند تن از معلمان حاضر در اطراف اداره آموزش و پرورش قرار است روز دو شنبه هفته آینده (22 مهر) معلمان مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کنند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه 1387/7/14

135- تسلیم نمی شویم

*کارگر معترض شرکت لاستیک سازی البرز: ده روز است از خانه فراری ام. نمی توانم به خانه بروم. نمی دانم با این جیب خالی به زن و بچه ام چه بگویم....

به گزارش سایت روشنگری به نقل از گفتگوی رادیو برابری با فعال کارگری داخل کشور گزارش داد: 1360 کارگر شرکت لاستیک سازی البرز بیش از پنج ماه است که در مصافی بسیار بیرحمانه و نابرابر با دستگاههای دولتی دست و پنجه نرم می کنند تا حقوق شان را دریافت کنند. این کارگران تاکنون چندین بار بازداشت و توسط نیروهای انتظامی از جمله در جریان حمله و تخریب دیوار این کارخانه ضرب و شتم شده اند. با این حال مبارزه و تلاش آنها برای دریافت حقوق شان همچنان ادامه یافته است. در تازه ترین اقدام، این کارگران روز یکشنبه 14 مهرماه در برابر محل اداره کار در تهران دست به تجمع زدند. یکی از کارگران این کارخانه در گفتگو با رادیو برابری وضعیت خود و سایر کارگران را شرح داد. به گفته این کارگر، اداره کار، سازمان صنایع و نهاد ریاست جمهوری کارگران را میان خودشان پاس کاری می کنند و هر نهادی مسولیت حل مشکل این کارگران را به عهده نهاد دیگری می اندازد. این کارگر گفت: " به ریاست جمهوری می رویم می گویند سازمان صنایع باید کارهای شما را پذیرش کند. به سازمان صنایع می رویم می گویند کارهای شما را پیگیری کرده ایم، باید به اداره کار مراجعه کنید. به اداره کار مراجعه می کنیم می گویند

سازمان صنایع را قبول نداریم و آنها اصلا حق دخالت ندارند. کارگران همه عصبانی و ناراحتند. اینجا زیر آفتاب ایستاده اند و هیچ کس نیست که به داد ما برسد. یک آقای از اداره کار آمده و فقط وعده و وعده داده و گفته است: بروید تامین اجتماعی، در حالی که تامین اجتماعی اصلا ربطی به ما ندارد. دارند ما را بین خودشان پاس کاری می کنند.

این کارگر به پلاکارد تهیه شده از سوی کارگران در اجتماع اعتراضی شان در برابر اداره کار اشاره کرد و گفت: روی پلاکاردی که تهیه کرده ایم، خطاب به وزیر کار نوشته ایم، ما کارگران شش ماه است حقوق نگرفته ایم، شما چطور؟ آیا می توانید بدون گرفتن یک ماه حقوق زندگی تان را بگذرانید؟

این کارگر معترض گفت: ده روز است از خانه فراری ام. نمی توانم به خانه بروم. نمی دانم با این جیب خالی به زن و بچه ام چه بگویم. الان فصل مدارس است. مدارس باز شده است. کارگران کلی هزینه دارند که نمی توانند بدهند. بسیاری از کارگران با خانواده هایشان مشکلات خانوادگی پیدا کرده اند و زنان شان را طلاق می دهند. کارگری بعد از 25 سال ازدواج زنش را طلاق داده است. هر لحظه احتمال این است که کارگران کارخانه ما دست به خودکشی بزنند.

این کارگر که به گفته خودش دارای مدرک تحصیلی لیسانس است در واکنش به این پرسش که ادعای برخی از کارفرمایان در باره ارتقاء شغلی کارگران به کجا رسیده است، با خشم و عصبیت گفت: ارتقاء شغل بخورد توی سرشان. ما اصلا حقوق نگرفته ایم. بیش از چهار ماه است که حقوق ثابت ما را نداده اند. تامین اجتماعی دفترچه های ما را ترخیص نمی کند. ما مشکل درمان و پزشکی داریم.

این کارگر تعداد کارگرانی که حقوق شان را دریافت نکرده اند کل کارگران کارخانه بالغ بر 1360 نفر ذکر کرد.

وی در پایان با صدایی که می لرزید به خبرنگار رادیو برابری گفت: "من از طرف همه کارگران این کارخانه برای شما اشک می ریزم. هیچ کس نیست که به داد ما برسد. ولی ما تسلیم نمی شویم و تا آخرین قطره خونمان از حقوق مان دفاع خواهیم کرد.

مشروح این گفتگو را در لینک زیر بشنوید:

<http://www.radiobarabari.net/files/2008/10/05/3.ram>

اخبار مبارزات کارگران ایران ، هفته سوم مهر ۱۳۸۷ (اکتبر ۲۰۰۸)

136 - احضار و تهدید دو معلم در سندج :

به گزارش فعالین حقوق بشر در تاریخ 15 مهر 87 : بنابر گزارشات دریافتی دو معلم و فعال فرهنگی به نام های یدالله زاره ای و رامین زندنیا، به اتهام شرکت در راهپیمایی و تجمع صنفی کانون صنفی معلمان کردستان در فراخوان پیشین، از سوی حراست اداره آموزش و پرورش ناحیه یک شهر سندج احضار گردیدند، نامبردگان در طی این احضار به صورت غیررسمی به هواداری از احزاب کردی متهم و مورد تهدید مبنی بر اخراج از این سازمان قرار گرفتند. شایان ذکر است معلمان و فعالان صنفی و فرهنگی کردستان در طی ماههای اخیر شاهد احضار، بازداشت و تهدید مکرر همکاران و تشکلات صنفی خود بوده اند.

137- حقوق پائین و سرکوب تلاش های صنفی معلمان ایران در آستانه روز جهانی معلم:

به گزارش رادیو بخش فارسی بی بی سی در تاریخ 15 مهر 87 ؛ پنجم اکتبر برابر با چهاردهم مهر روز جهانی معلم است. در چهل و چهارمین اجلاس وزرای آموزش و پرورش که در اکتبر سال ۱۹۹۴ در شهر ژنو برگزار شد، پیشنهاد فدریکو مایور دبیرکل وقت یونسکو برای نامگذاری روزی به نام روز معلم تصویب شد. از سال 1995، همه ساله نهادهای فرهنگی سازمان ملل متحد با صدور اطلاعیه و چاپ پوستر و طرح شعارهای جذاب در مورد اهمیت کار معلمان پنجم اکتبر را جشن می گیرند. امسال از همه خواسته شده است که با فرستادن یک کارت پستال زیبا از معلمان خود قدردانی کنند.

برگزاری مراسم در سطح ملی بر عهده کشورها گذاشته شده است. روز جهانی معلم در سالهای حاکمیت اصلاح طلبان که گشایشی در فضای مدارس ایران به وجود آمد، مورد توجه معلمان ایرانی قرار گرفت و برای اولین بار در سال ۸۳ وزیر آموزش و پرورش با ارسال پیامی این روز را به رسمیت شناخت. با بحث هایی که در اجلاس چهل و چهارم صورت گرفت این نظر تقویت شد که برای بالا بردن کیفیت آموزش باید معلمان از جایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار شوند. توصیه یونسکو به کشور های عضو ایجاد شرایط مناسب کار و زندگی برای معلمان و تقویت امید و اعتماد در میان آنها است. امسال نیز به همین مناسبت از سوی یونسکو، یونیسف، سازمان بین المللی کار، آموزش بین الملل و برنامه عمران سازمان ملل پیام مشترکی منتشر شده است. فعالیت های امسال بزرگداشت روز جهانی معلم بر تربیت حرفه ای معلمان برای آموزش با کیفیت متمرکز است.

جهان با کمبود ۱۸ میلیون معلم روبه روست. اگر نیاز دوره های بالاتر از جمله شاخه فنی و حرفه ای و نیز آموزش های غیر رسمی مانند نهضت سواد آموزی و آموزش از راه دور به معلمان حرفه ای و آموزش دیده را اضافه کنیم این رقم افزایش می یابد. کمبود معلمان حرفه ای و آموزش دیده یکی از موانع رسیدن به اهداف آموزش برای همه تا سال ۲۰۱۵ است. معلمان در اکثر کشورها با کمبود حقوق و مشکلات معیشتی دست به گریبانند. فقر، بیکاری، اپیدمی ایدز، خشونت و ناپایداری اجتماعی از جمله چالش های قرن ۲۱ است و نهادهای آموزشی باید برای مواجه شدن با این مشکلات تجهیز شوند. به دلیل عدم حمایت از معلمان و پایین بودن حقوق ها، افراد توانا و با کیفیت جذب شغل معلمی نمی شوند. روند خروج نیروهای کیفی از سیستم آموزش و پرورش نیز نگران کننده است. به دلیل عدم حمایت از معلمان و پایین بودن حقوق ها، افراد توانا و با کیفیت جذب شغل معلمی نمی شوند. روند خروج نیروهای کیفی از سیستم آموزش و پرورش نیز نگران کننده است.

در ایران آموزش و پرورش دستگاهی است غیر حرفه ای و ناتوان با یک میلیون ودویست هزار کارمند معلم که ۹۷ درصد بودجه جاری آن صرف پرداخت حقوق پرسنل می شود. ابزار آموزشی حنجره معلم است و گچ و تخته سیاه آن هم در کلاس های انباشته از دانش آموز که نفس کشیدن در آنها دشوار است. معلمان که میانگین حقوق آنها کمتر از ۴۰۰ دلار در ماه است، بر اثر تورم فزاینده سال به سال فقیر تر می شوند. بر اساس برخی برآوردها، قدرت خرید معلمان به یک سوم سالهای اول انقلاب تقلیل یافته است. نتیجه چنین روندی تضعیف جایگاه معلمان در بین اقشار جامعه و روی آوردن معلمان به شغل دوم و یا خروج از حرفه معلمی است.

معلمان در ده سال گذشته خواستار برقراری نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت بوده اند. اجرای قانون مدیریت خدمات دولتی که قرار است فاصله حقوق معلمان و سایر کارکنان دولت را کاهش دهد از جمله خواسته های ثابت معلمان است. اعتراضات گسترده معلمان در سال ۸۵ برای افزایش حقوق به نتیجه نرسید. به جای آن تعدادی از فعالان صنفی بازداشت و از دادگاه ها احکام حبس گرفتند و تعداد بیشتری نیز با تنبیهات اداری شامل کسر حقوق و تبعید و اخراج موقت رو به رو شدند. در آستانه سال جدید کانون های صنفی معلمان از شهرهای مختلف به تهران آمدند تا در جلسه ای صنفی مقدمات برگزاری روز جهانی معلم را فراهم کنند. اما ۳۷ نفر از آنها قبل از تشکیل جلسه توسط پلیس دستگیر و مدت کوتاهی بازداشت شدند. این اقدام باعث اعتراض دبیر کل آموزش بین الملل نهاد زیر مجموعه سازمان بین المللی کار شد.

روز جهانی معلم فرصتی است برای یاد آوری این نکته به دولتمردان و مردم که جامعه ای که قدر معلمان خود را نداند به آینده خود بی اعتنا است.

138- یک کارگر ساختمانی در اثر سگته مغزی فوت کرد:

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 15 مهر 87؛ دبیر اجرایی خانه کارگر کردستان از سقوط یک کارگر ساختمانی در حین کار در شهر سنندج خبر داد. به گزارش "ایلنا"، اقبال رضایی گفت: یکی از کارگران ساختمانی در حین کار از یک ساختمان 3 طبقه سقوط و بلافاصله فوت کرد. وی با اشاره به اینکه کارگر فوت شده 55 ساله بود، گفت: این کارگر روز پنجشنبه گذشته در اثر سگته مغزی روی داربست طبقه سوم سقوط کرد که منجر به مرگ وی شد.

پایان پیام

139- در ادامه خبر :

کشته شدن یک کارگر ساختمانی هنگام کار در سنندج:

یک کارگر ساختمانی در شهر سنندج از بالای یک ساختمان سه طبقه به زمین سقوط کرد و در دم جان داد. این کارگر توسط سرمایه دار یک شرکت ساختمانی استثمار می شد. او به دستور مسئولان شرکت در ارتفاع بسیار بالا بدون داشتن هیچ نوع امکانات ایمنی کار می کرد که ناگهان پایش لغزید و نتوانست خود را کنترل کند. کارگر مذکور 55 سال داشت. شرایط کارش به گونه ای بود که همیشه مرگ در نیم قدمی اش کمین کرده بود. بالا رفتن از ساختمان های بلند، کار در ارتفاعاتی که حفظ تعادل را بسیار دشوار و گاه غیرممکن می سازد و انجام همه این ها بدون حداقل امکانات حفاظتی لازم پیوسته مرگ را در پیش روی وی مجسم می ساخت. او هر صبح زیر فشار گرسنگی و اجبار زندگی راهی جایی برای فروش نیروی کار خود می شد. سرمایه داران در جریان خرید نیروی کارش فقط انجام سخت ترین کارها را از او نمی خواستند بلکه قبول خطر مرگ را نیز به گونه نامکتوب بر وی تحمیل می کردند. کارگر مقتول همواره زیر بختک مرگ کار می کرد. کارکردن در زیر بختک مرگ از جمله شرایط فروش نیروی کار در جهنم سرمایه داری ایران است.

15 مهر 87

140 - بازداشت چند معلم در تهران در روز جهانی معلم:

به گزارش صدای آلمان در تاریخ 15 مهر 87 به نقل از سایت روشنگری: یکشنبه، پنج اکتبر (۱۴ مهر) روز جهانی معلم است. در حالیکه در بسیاری از کشورهای جهان بدین مناسبت مراسم گوناگونی برگزار شد، فعالان کانونهای صنفی معلمان در ایران با تهدید از برگزاری هر گونه مراسمی بازداشت شدند. در تهران ۴ نفر از معلمان و اعضای هیأت مدیره کانون صنفی معلمان تهران دستگیر شدند.

مصاحبه با میراکبر رییسزاده، عضو کانون صنفی معلمان تهران، از معلمان دستگیر شده در برابر وزارت آموزش و پرورش در تهران، دقیقی پس از آزادی.

دو بچه وله: آقای رییسزاده، امروز در بیش از ۱۰۰ کشور جهان، روز جهانی معلم را جشن میگیرند. در ایران به این مناسبت چه خیر است؟

میراکبر رییسزاده: ما قرار بود که طبق روال هر سال که روز جهانی معلم را برگزار می کردیم، امسال نیز مراسمی را برگزار کنیم. اما برخی از دوستان ما تهدید شدند که اگر در این مراسم شرکت کنند، به شدت با آنها برخورد خواهد شد. برای همین، ظاهراً این قضیه تحت الشعاع قرار گرفت و به نوعی می شود گفت که به هم خورد. البته نه رسماً، اما در عمل، هماهنگی های لازم انجام نگرفت تا جلسه یا تجمعی باشکوه برگزار شود. هدف ما نیز موردی خاص نبود. ما می خواستیم جمع شویم و جشن کوچکی بگیریم. خود من شنیده بودم که همکارانم احتمالاً در جلوی وزارت آموزش و پرورش جمع می شوند. برای همین تا میدان فردوسی رفتم. سپس کمی به طرف بالا رفتم و دیدم که خبری نیست. منتظر بودم تا یکی از دوستانم را ببینم. آمدند و به من گفتند: "آقا، شما مشکوکید!" من پرسیدم: "به چه مشکوکید؟" گفتند: "باید کیفتان را ببینیم." گفتم: "شما که هستی؟" گفتند: "چکار دارید، من پلیس." در حالی که لباس شخصی بود. خلاصه کیف مرا گرفتند و باز کردند و وسایلم را بیرون ریختند، دفترچه تلفن و دیگر چیزها را. از جزوه هایی که "ای آی" (EI) منتشر کرده و در سایتش هم هست، من و دوستان یک دفترچه تهیه کرده بودیم.

دو بچه وله: آقای رییسزاده، لطفاً برای آن گروه از شنوندگانی که نمی دانند بگویید که "ای آی" چه سازمانی

است.

میراکبر رییسزاده: "ای آی" سازمان جهانی معلمان است که ۳۰ میلیون معلم از بیش از ۱۷۰ کشور عضو آن هستند. این سازمان نشانگر نوعی همبستگی جهانی است. معلمانی که در این سازمان عضو هستند در جهت ارتقای آموزش، رفع مشکلات معلمان و مسائلی در این حد فعالیت می‌کنند. ما این دفترچه را تهیه کرده بودیم که در آن پیام دبیرکل این سازمان جهانی و نامه‌هایی که خطاب به ایران در حمایت از معلمان نوشته بود، چاپ شده بود. این دفترچه را از من گرفتند و مرا به اتاقی در وزارتخانه هدایت کردند. در آنجا نیروهای پلیس امنیت و نیروهای حراست بودند. تا همین الان (ساعت ۷ بعدازظهر به وقت ایران) که من دارم از آنجا بیرون می‌آیم، مرا نگاه داشته بودند. کارتهای مرا گرفتند و گفتند باید به پلیس امنیت بیایی و جواب بدهی.

دوپچه وله: چند نفر معلم بودید، آقای رییسزاده؟

میراکبر رییسزاده: اصلاً نمی‌گذاشتند معلمان جمع شوند. گفتند که "ما شما را با دوربین دیده‌ایم." گفتند که "با دوربین دیدیم که جزوه رد و بدل می‌کنید." گفتیم "با همکارم دارم صحبت صنفی و معلمی می‌کنم. جزوه چیست؟ مگر جزوه ممنوعه در کیف ما هست؟ مگر می‌خواهیم به جایی آسیب برسانیم؟ ما تشکلی صنفی، NGO هستیم که در جهت اهداف صنفی حرکت می‌کنیم. اصلاً شما به چه حقی داشتید با دوربین مرا نگاه می‌کردید؟" گفتند: "نه، شما داشتید در اینجا جزوه رد و بدل می‌کردید!" چند جوانک بودند. گوش نمی‌کردند که چه می‌گویم. گفتیم: "آقا جان، ما آمده‌ایم اینجا تا تجمع و جشنی را برگزار کنیم، نه جشن اعتراضی، بلکه جشنی برای گرامیداشت روز معلم. حال که این جشن برگزار نشد و ما هم می‌خواهیم به خانه‌مان برگردیم، برای چه جلوی ما را گرفته‌اید؟" خلاصه تا همین الان ما را سین، جیم و تهدید می‌کردند. به من گفتند: "باید به پلیس امنیت بیایی، وگرنه، اگر نیایی، جلبات می‌کنم." فعلاً وضع من این است. آنقدر عرصه بر ما تنگ شده است که بدیهی‌ترین حرف‌مان را نمی‌توانیم بزنیم. آخر چرا آنقدر جسارت به خرج می‌دهند. اینکه معلم را می‌گیرند و می‌گویند که مشکوکیم، چه معنی می‌دهد؟ اگر واقعا می‌خواهید جامعه را اصلاح کنید، این همه مشکل در جامعه است به سراغ آنها بروید. چرا به معلم‌ها گیر داده‌اید؟ ما کاری با شما نداریم. انگار ما را دارند تهدید می‌کنند و می‌ترسانند. جرم من چیست؟ معلم بودن جرم است؟ این قضیه‌ای است که من امروز به آن مبتلا بودم.

دوپچه وله: آقای رییسزاده، یونسکو روز جهانی معلم را تعیین کرده تا بر نقش معلم در تربیت جوانان و در نتیجه در ساختن آینده جامعه‌ها و کشورها تأکید کند. با توجه به این برخوردی که با معلم‌ها می‌شود، چه برداشت و احساسی در شما بوجود می‌آید؟

میراکبر رییسزاده: ما گفته‌ایم که معلمان ما باید قدر ببینند. اگر معلم ما ضعیف باشد، نمی‌تواند انسانهای قوی به بار بیاورد. اینها یا این جمله را نمی‌توانند بفهمند، یا به آن گوش نمی‌دهند. ما می‌گوییم که معلم نباید دغدغه منزلتی، معیشتی و امنیتی داشته باشد. چنین معلمی است که می‌تواند دانش‌آموز قوی و خوب به بار آورد، ایران را خوشبخت کند و جامعه را بسازد. اگر شما معلم را ضعیف بخواهید، معلم‌های ضعیف نمی‌توانند انسانهای قوی به بار بیاورند. نمی‌دانم که چه سیاستی است که اینها فعلاً با ما این گونه برخورد می‌کنند. اصلاً گوش نمی‌دهند که مشکلات ما چیست. من می‌گویم که چندین سال است، حدود سی سال است که حق ما را نداده‌اید. حال ما صدایمان را بلند کرده و گفته‌ایم که خجالت بکش و حق ما را بده! این جرم است؟ بیایید با ما صحبت کنید. ما از اینها دعوت کرده و گفته‌ایم که بیایید و در جلسات ما شرکت کنید. در جلسات ما چیزهای عجیب و غریبی گفته نمی‌شود.

دوپچه وله: چه خواسته‌هایی را معلمان در حال حاضر دارند و بیان می‌کنند که با این مقاومت و فشار روبرو می‌شوند؟

میراکبر رییسزاده: معلمان خواسته‌های عجیب و غریبی ندارند. آنها می‌گویند که ما را از لحاظ معیشتی تامین کنید تا ما زیر خط فقر زندگی نکنیم. آنها همچنین می‌گویند که معلم از لحاظ منزلتی شأنش بالاتر از آن است که شما فکر می‌کنید. باید زمینه آن را فراهم کنید تا معلم در جامعه جایگاه واقعی خود را به دست آورد. این مشکلات است، همراه با یک سری مسائل صنفی، که چون از اول به آنها توجه نکرده‌اند، مشکلات انباشته شده است. در نظام اداری آموزش و پرورش، نظام قبیله‌ای حاکم است. باندبازی اداری وجود دارد. در مدارس به معلمان سخت می‌گیرند. وقتی ابلاغ معلم را به او می‌دهند، به سرش منت می‌گذارند. این بخصوص در مورد

فعالان صنفی صدق می‌کند. فعالان صنفی در مناطق آموزش و پرورش راحت نیستند. به سختی به آنان کلاس و درس می‌دهند. به هر مدرسه‌ای که می‌روند، مدیر اذیتشان می‌کند. سپرده‌اند که اینها را اذیت کنید. این وضعیت ماست. معلمها می‌گویند که این وضع نباشد؛ ما باید بدون دغدغه به کار آموزشی و تربیتی مان ادامه دهیم، نه اینکه در این جوی که ایجاد کرده‌اند زندگی کنیم.

مصاحبه‌گر: کیواندخت قهاری

141- مدیریت ایران خودرو و تغییر زمان و مکان جشن ارتقای شغلی:

مدیریت تراست عظیم ایران خودرو اعلام کرده است که 10 هزار کارگر را ارتقای شغل خواهد داد و با اجرای این طرح سطح دستمزد این کارگران را هم افزایش خواهد داد. اعلام این خبر زرمه‌هایی مبنی بر اعتراض احتمالی کارگران را به وجود آورده است، زیرا ارتقای شغلی فقط 10 هزار کارگر متضمن محروم ساختن چند ده هزار کارگر دیگر از شمول هر نوع تغییر وضعیت شغلی و بدین سان محرومیت از افزایش دستمزد است. بسیار طبیعی است که کارگرانی که از این ارتقای شغلی و افزایش دستمزد محروم می‌شوند فریاد اعتراض خود را بلند کنند. مدیریت ایران خودرو ابتدا قصد داشت که طرح خود را روز عید فطر و در حضور جمعیت وسیعی از کارگران اجرا کند. اما زرمه‌های مخالفت و هراس از واکنش اعتراضی یک جمعیت چند ده هزار نفری باعث شد که تصمیم خود را عوض کند. اجرای مراسم ارتقای شغلی در روز عید فطر لغو شد و به زمان دیگر و فرصت مناسب تری موکول گردید. مدیریت اینک اطلاع داده است که این مراسم روز سه شنبه 16 مهرماه در سالن اجتماعات شرکت «ساپکو» (یکی از شرکت‌های وابسته به ایران خودرو) برگزار خواهد شد. آنان با تغییر روز و محل اجرای مراسم تلاش می‌کنند تا شمار هر چه کمتری از کارگران به این سالن راه یابند، از تجمع گسترده کارگران جلوگیری کنند و نیروی انتظامی و امنیتی هر چه بیشتری را برای جلوگیری از خطر احتمالی اعتراض کارگران ناراضی به محل مراسم بیاورند. البته کارگران ایران خودرو نیز در مقابل این ترفندها و دسیسه‌چینی‌ها بیکار نخواهند نشست. آنان بر تحقق خواست‌های خود اصرار دارند و تلاش خواهند کرد که مراسم ترفیع شغلی 10 هزار کارگر را به میدان اعتراض گسترده کل کارگران ایران خودرو علیه شدت استثمار و بی‌حقوقی‌های خویش تبدیل کنند.

15 مهر 87

142- صدها کارگر کارخانه لاستیک‌سازی البرز با تجمع در محوطه وزارت کار خواهان رسیدگی به خواست‌ها و مطالبات خود شدند:

به گزارش صدای آلمان در تاریخ 16 مهر 87: صدها کارگر کارخانه لاستیک‌سازی البرز با تجمع در محوطه وزارت کار خواهان رسیدگی به خواست‌ها و مطالبات خود شدند. لاستیک‌سازی البرز پس از واگذاری به بخش خصوصی و به دلیل افت شدید تولید، از تیرماه سال جاری تعطیل شده است..

۱۴۰۰ کارگر لاستیک‌سازی البرز بیشتر از شش ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند. به گزارش اینلنا آنها در تجمع روز یکشنبه، ۱۴ مهر، خود خواستار انتقال دوباره مدیریت شرکت به بخش دولتی شده‌اند. کارخانه لاستیک البرز یکی از قدیمی‌ترین کارخانه‌های ایران است. این واحد تولیدی در سال ۳۷ شمسی تاسیس شد و در آغاز، بی‌اف گودریچ نام داشت. کارخانه پس از فروش آن به سرمایه‌داران ایرانی در سال ۵۵، به «کیان تایر» تغییر نام داد. پس از انقلاب به مالکیت دولت درآمد و در نهایت در سال ۸۰ نام آن به لاستیک البرز تبدیل شد. مدیران کنونی کارخانه، افت شدید تولید و قرار گرفتن آن در آستانه تعطیلی را ناشی از زیان‌دهی یا کمبود نقدینگی عنوان می‌کنند. اما محسن حکیمی، پژوهشگر مسائل کارگری در گفتگو با دوپچه‌وله بحث اصلی را ناشی از سودآورتر بودن حوزه‌های دیگر در بازار اقتصاد ایران می‌داند. وی ضمن اشاره به فروش ۶۰ درصدی سهام این کارخانه در سال ۷۳ به بخش خصوصی می‌گوید:

"در این زمان فروش کارخانه براساس آمار سایت لاستیک البرز رونق داشته است. حتی انواع لاستیک‌های خودروی شخصی و کامیون به خارج از کشور و به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر می‌شده‌اند. واقعیت اینست که در ایران، برخی عرصه‌های تولیدی چون نساجی، قند و شکر یا همین لاستیک، سودآوری کمتری به نسبت سایر رشته‌ها دارند. بنابراین سرمایه‌دار سعی می‌کند سرمایه‌اش را به جایی منتقل کند که سودآوری مطلوب داشته باشد. مثلاً سودآوری در رشته‌ی ساختمان الان بیشتر از تولید لاستیک است. تقاضا برای مواد غذایی یا مسکن در ایران بسیار بالاتر است و در نتیجه سرمایه‌گذار به سمت این رشته‌ها می‌رود."

به گفته محسن حکیمی، ۶۰ درصد سهام کارخانه البرز متعلق به آقای داور شرفی مدیر کارخانه است و باقی

سهام را بانک صنعت و معدن دارد. محسن حکیمی تاکید می‌کند که راه حل اصلی برای حل مشکل تولید، در اختیار گرفتن مدیریت کارخانه توسط شورای کارگران است. حکیمی نمونه‌های به بن‌بست رسیدن مدیریت دولتی در کارخانه‌های ایران را پایه استدلال خود قرار می‌دهد:

"نیشکر هفت‌تپه همین وضعیت را دارد که مالکیت‌اش دولتی‌ست. کاغذسازی پارس یا نساجی کردستان در سنج نیز همین وضع را دارند. کارخانه الکتریک رشت هم همین مشکل را دارد. کارگران آنجا هم چندی پیش آمدند تهران تجمع کردند و بعد نماینده دولت آمد و گفت که ما این کارخانه را واحد دولتی می‌کنیم. در حالی که چنین چیزی روی ندادو آنها هم کماکان بلاتکلیف هستند. کارگران باید از دولت بخواهند تا وام‌های کلانی را که به سرمایه داران این کارخانه‌های در حال تعطیل داده، در اختیار خود آنها بگذارد تا آنها به صورت شورایی کارخانه‌ها را اداره کنند. این تجربه در کشورهای دیگر هم بوده است. مثلاً در آمریکای لاتین و بخصوص آرژانتین، چندین کارخانه به تصرف کارگران درآمد."

ناگفته نماند که کارگران لاستیک البرز در فروردین ماه گذشته، در اعتراض به بحران تولید و تعویق حقوق خود، چند ساعت جاده منتهی به کارخانه، جاده تهران - اسلام‌شهر را مسدود کردند. این اعتراض با دخالت مأموران انتظامی به بازداشت دهها کارگر منجر شد.

محسن حکیمی، نبود تشکل‌های صنفی و با تجربه کارگری را بزرگترین چالش کارگران در رویارویی با مشکلات کاری می‌داند. این پژوهشگر و فعال مسائل کارگری در پایان اضافه می‌کند که کارگران هیچگاه با اتکا به جمعی به نام شورای اسلامی کار، موفق به دریافت حقوق مادی و قانونی خود نخواهند شد. کارگران لاستیک سازی البرز اعلام کرده‌اند که در صورت بی‌پاسخ ماندن خواسته‌هایشان، همراه با خانواده‌های خود در مقابل مجلس شورای اسلامی تحصن خواهند کرد.

143- رئیس کانون کارگران خباز:

میان کارگران و کارمندان تبعیض وجود دارد :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 16 مهر 87؛ رئیس کانون انجمن صنفی کارگران خباز کشور از ندادن سید کالا، ویژه ماه مبارک رمضان به کارگران، به خصوص کارگران شاغل در این صنف انتقاد کرد و گفت: دولت مسوول اصلی این بی‌عدالتی است.

علی یزدانی در گفت‌وگو با خبرنگار گروه کارگری "ایلنا"، تبعیض میان کارگران و کارگران را منحصر به سید کالای ماه رمضان ندانست و گفت: کم‌لطفی‌های وزیر کار و بازرگانی در این خصوص موجب تبعیض حق کارگران شد.

رئیس انجمن صنفی کارگران خباز استان اصفهان گفت: کارگران گمان می‌کنند که سید کالای ماه مبارک رمضان به دلیل اهمال نمایندگان کارگری به دست کارگران نرسیده است، در صورتی که این چنین نیست.

وی ضمن انتقاد از اینکه کارگران مشمول دریافت سهام عدالت نشده‌اند، گفت: به کارمندان و بازنشستگان سهام عدالت می‌دهند اما نوبت که به کارگر می‌رسد تبعیض‌ها شروع می‌شود. یزدانی یکی دیگر از مطالبات کارگران خباز را معافیت مالیاتی دستمزد خواند و گفت: اداره دارایی براساس لیست حق بیمه، مالیات از کارگران خباز کسر می‌کند در صورتی که در بسیاری از موارد، دستمزد کارگران کمتر از رقمی است که در لیست بیمه ذکر شده است. پایان پیام

144- وضعیت وخیم مرگ و میر کودکان در ایران: 2700 کشته و 95 هزار مصدوم کودک

در یک سال :

به گزارش روزنامه اعتماد در تاریخ 16 مهر 87: الناز محمدی؛ در سال 85 حدود 2700 کودک زیر 15 سال در اثر سوانح رانندگی در ایران فوت کردند و تقریباً 95 هزار کودک و نوجوان زیر 20 سال مصدوم شدند. این خبر از جمله اخبار مهمی است که این روزها و در آستانه 17 مهر، روز جهانی کودک، از سوی مسوولان و فعالان حقوق کودکان اعلام می‌شود؛ به طوری که حتی امسال این مسوولان با شعار، احتیاط، شادی، زندگی، به استقبال این روز رفته‌اند. به همین منظور امسال سازمان‌هایی چون سازمان بهزیستی کشور، وزارت بهداشت، شهرداری، یونیسیف و... تلاش دارند ضمن ابراز نگرانی از وضعیت وخیم مرگ و میر کودکان در سوانح رانندگی، با برگزاری مراسم‌های مختلفی در این زمینه به مردم اطلاع‌رسانی کنند. کریستین سالازار فولکمن، نماینده یونیسیف در ایران، دیروز در نشست خبری که به مناسبت روز جهانی کودک برگزار شد، با ابراز نگرانی از وضعیت مرگ و میر کودکان در حوادث رانندگی در ایران گفت؛ در حالی که ایران طی سال‌های اخیر گام‌های بلندی در جهت کاهش نرخ مرگ و میر کودکان از طریق واکسیناسیون و نظام شبکه بهداشتی کشور برداشته است، وضعیت رفت و آمد به طور فزاینده‌ی به جوان

ترین نسل کشور لطمه می زند؛ در سال 1385 حدود دو هزار و 700 کودک زیر 15 سال در اثر سوانح رانندگی در ایران فوت کردند که این آمار بسیار اسفناک و نگران کننده است. سال‌آزار تبعات غیرمستقیم سوانح بر کودکان را حقیقتی دانست که غالباً در گزارش‌ها فراموش می‌شود؛ یکی از این تبعات، فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر خانواده‌هایی است که ناگزیرند از معلولان سوانح مراقبت کنند. کودکی که دچار مصدومیت جدی است نیاز به مراقبت والدین دارد. هزینه‌های درمان و مراقبت از این کودکان، بر نگرانی والدین برای فرصت تحصیلی از دست رفته کودک می‌افزاید؛ نکته دیگر از دست رفتن نان آوران است که خانواده را به سمت فقر سوق داده یا کاملاً در فقر فرو می‌برد. دکتر، امیر امیرخانی، مدیرکل سلامت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت نیز با بیان اینکه در سال‌های اخیر برای پرداختن به سلامت کودکان دچار موانعی بوده‌ایم، تمرکز این وزارت را در حوزه کودکان بر حوادثی دانست که گریبانگیر کودکان می‌شود؛ از ارسال 1990 تا 2005، شاخص مرگ کودکان زیر پنج سال، در جهان حدود 20 درصد کاهش پیدا کرد. و این در حالی است که نظام سلامت در ایران توانسته است این شاخص را حدود 40 درصد کاهش دهد و ما پیش‌بینی می‌کنیم تا سال 2015 به حدود دوسوم این شاخص را کاهش دهیم. وی افزود؛ در کشور ما موضوع مدیریت و کنترل مرگ کودکان روند مناسبی دارد و ما توانستیم با شبکه گسترده‌ی که با عنوان پزشکی خانواده در بیمارستان‌ها راه‌اندازی کردیم، روند مرگ و میر کودکان را کنترل کنیم و آن را کاهش دهیم. وی با بیان اینکه 36 درصد مرگ و میر کودکان در ایران بر اثر سوانح ترافیکی اتفاق می‌افتد، تأکید کرد؛ طبق مطالعه‌ی که در سال 82 در این مورد انجام شده است در مورد کودکان پنج تا 14 سال، بیشترین درصد مرگ و میر بر اثر سوانح رانندگی، 9 درصد به دلیل بسته شدن شریان‌های تنفسی و سپس به دلایلی چون غرق‌شدگی، سوختگی و مسمومیت است. امیرخانی چند خبر نیز داشت؛ تدوین سند ارتقای سلامت کودکان در سطح ملی و برنامه جامع رشد کودکان با مشارکت سازمان‌هایی چون بهزیستی و صندوق کودکان سازمان ملل، بسیج اطلاع‌رسانی با عنوان 10 کلید طلایی برای سلامت دانش‌آموزان و مکلف شدن دانشگاه‌های سراسر کشور به تدوین برنامه ارتقای سلامت کودکان استان‌ها برای سال 88. اما فوت شش کودک از هر هزار کودک زنده متولد شده از دیگر مواردی بود که دکتر، حامد برکاتی، رئیس اداره سلامت کودکان وزارت بهداشت در جمع خبرنگاران به آن اشاره کرد؛ این آمار مربوط به کودکان زیر پنج سال است و طبق آمار سال 84 تا به حال به ازای هر هزار کودک زنده متولد شده شش کودک فوت کرده‌اند که این عدد نسبت به آمار کشورهای توسعه‌یافته آمار بسیار مناسبی است و از علل آن نیز می‌توان به حوادث ترافیکی و عوامل ژنتیکی و مادرزادی اشاره کرد. در ادامه این نشست، محمدحسین جوادی، مدیرکل دفتر کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی آخرین آمار کودکان زیر 18 سال را در ایران حدود 20 تا 25 میلیون اعلام کرد.

کودکان افغان، کودکان بی‌شناسنامه

اگر به آمارهای رسمی منتشر شده از سوی مسوولان درخصوص ازدواج زنان ایرانی با مهاجران و اتباع خارجی مراجعه کنیم، خواهیم دید هزاران زن ایرانی گرفتار ازدواج‌های غیرقانونی با مهاجران خارجی شده‌اند و اینک با بازگشت همسرشان به وطن، آنان با بی‌هویتی فرزندان‌شان روبه‌رو هستند. طبق آخرین آمارها هم اکنون حدود یک میلیون و 800 هزار مهاجر افغانی به‌طور رسمی و حدود دو میلیون و 300 هزار نفر به صورت غیررسمی در ایران زندگی می‌کنند که به خاطر ثبت‌نکردن بسیاری از این ازدواج‌ها به دلیل نداشتن کارت اقامت شوهران، آمار درستی از تعداد این ازدواج‌ها در دست نیست. اما در سال‌های اخیر با توجه به عملکردها و سیاست‌های متناقضی که دولت ایران درخصوص بازگرداندن افغانه در پیش گرفته است، وضعیت کودکان حاصل این ازدواج‌ها وخیم به نظر می‌رسد. از یک طرف خانواده‌ها و کودکان افغانی با موانع و محرومیت از خدمات و تسهیلات اجتماعی مواجه هستند و کودکان آنها از تحصیل بازمی‌مانند و از سوی دیگر بسیاری از این کودکان که از والدین ایرانی و افغانی هستند به لحاظ هویت و تابعیت خود وضعیت نامشخصی دارند. به این موارد باید آسانی تردد افغان‌ها در مرزهای کشور و دور باطل بلا تکلیفی هر چه بیشتر افغانه در ایران را اضافه کرد. سارا شهیار، کارشناس برنامه ثبت‌موالید یونیسیف، در مورد فعالیت‌های انجام شده توسط یونیسیف به اعتماد گفت؛ با توجه به اینکه در ایران تابعیت از پدر به فرزند می‌رسد و این یک قانون است، یونیسیف نمی‌تواند دخالت چندانی در این مورد بکند، اما یونیسیف در سال‌های اخیر با برقرار کردن رابطه با سازمان ثبت و احوال و دولت تلاش بسیاری را در زمینه ثبت این ازدواج‌ها انجام داده است تا لااقل کودکانی که حاصل این ازدواج‌ها هستند دارای گواهی ولادت باشند تا بتوانند بعد از 18 سالگی برای خود درخواست تابعیت کنند. کریستین سالازار نیز در مورد محکومیت کودکان زیر 18 سال در ایران به اعتماد گفت؛ با اینکه ایران در بسیاری از جنبه‌های مربوط به کودکان و نوجوانان اقدامات موثری را انجام داده است اما اقدامات ایران درخصوص مجازات کودکان زیر 18 سال با تعریف سازمان ملل از کودکان مجرم و همچنین کنوانسیون حقوق کودک در تناقضی جدی است و یونیسیف نیز در سال‌های اخیر

سعی کرده با تعامل کردن با قوه قضائیه و حتی رهبران مذهبی اقدامات مثبتی در این زمینه انجام دهد. به طوری که از سوی این سازمان پیشنهاد تاسیس دادگاه ویژه جرائم اطفال و صدور حکم متناسب با سن این مجرمین به قوه قضائیه داده شده است. جواد مدیرکل دفتر کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی نیز در ادامه، رویکرد اصلی قوه قضائیه را در زمینه اعدام نوجوانان در سال های اخیر استفاده از مجازات های جایگزین برای آنان دانست.

145- کشته شدن یک کارگر حین کار در قلعه تهران :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 16 مهر 87 آمده است : اسدالله کارگر 23 ساله ساختمانی به علت نبود امکانات ایمنی، در هنگام گودبرداری، بر اثر ریزش خاک در منطقه قلعه تهران کشته شد.

146- موج دستگیری معلمان :

در ماه های اخیر و به ویژه در این چند روز شمار زیادی از معلمان در مناطق مختلف کشور بازداشت و زندانی شده اند. دستگیری ها به ویژه به دنبال اعلام آمادگی معلمان برای راه پیمایی روز جهانی معلم تشدید شده است و هم اینک تعداد زیادی از معلمان شهرستان ها و تهران در سیاهچال ها به سر می برند. عده ای از دستگیرشدگان به جاهای کاملاً نامعلوم انتقال یافته اند و از هر گونه تماس آنان به خانواده هایشان جلوگیری به عمل آمده است. آخرین خبرها حاکی است که دو تن از معلمان سنندج به نام های یدالله زاره ای و رامین زندنیان نیز در شمار زندانیان هستند. در برخی از گزارش ها آمده است که شماری از معلمان را حتی در محل وزارت آموزش و پرورش و یا ادارات تابعه این وزارتخانه به گروگان گرفته اند و در همان جا زندانی کرده اند. جنبش معلمان به عنوان بخش جدایی ناپذیری از جنبش کارگری ایران در طول سال های اخیر به رغم همه افت و خیزهایش یکی از کانون های داغ و شعله ور اعتراض علیه شدت استثمار و بی حقوقی ها و سیه روزی های این بخش از طبقه کارگر بوده است. آن چه درحال حاضر مبارزات معلمان را تهدید می کند علاوه بر سرکوب بی امان دولت سرمایه داری میدان داری کاسیکارانه، سازشکارانه و مصلحت جویانه رفرمیسم راست سندیکالیستی است که زیر نام «کانون صنفی معلمان» به مانعی بر سر راه عروج گسترده ضدسرمایه داری توده های معلم و همپوندی و سازمانیابی مشترک آن ها با سایر همزنجیران کارگر تبدیل شده است. همه چیز حاکی از آن است که توسل به این امام زاده ها و این نوع کانون های رفرمیستی و سازشکارانه نه فقط هیچ گرهی از کوه مشکلات معلمان باز نمی کند بلکه کل نیروی پیکار طبقاتی آنان را به هدر خواهد داد. معلمان حتی برای رسیدن به مطالبات روز خود جز فشردن دست سایر بخش های طبقه کارگر و متشکل کردن خود در سازمان سراسری و شورایی ضد سرمایه داری توده های وسیع کارگر راه دیگری ندارند.

16 مهر 87

147 - تضييع حقوق کارگران به روايت «انجمن صنفی کارگران خباز»:

تشکل موسوم به « انجمن صنفی کارگران خباز» با درایت و تیزبینی بسیار اعجاب انگیزی که فقط در کف باکفایت نهادهای صنفی و سندیکایی است پرده از اسرار بسیار پیچیده و ناشناخته ای در جامعه سرمایه داری ایران برداشته است! این انجمن در کشف محیرالعقول تاریخی و افسانه ای خود متوجه شده است که گویا برخی بی عدالتی ها علیه توده های کارگرایران هم اعمال می شود! (این یکی را دیگر هیچ کس نمی توانست حدس بزند!) این انجمن برای اثبات ادعای خود حتی دلیل و مدرک هم جمع کرده و تا این جا دو مورد مهم ارائه داده است. مورد نخست این است که آقای وزیر بازرگانی یا وزیر کار مرتکب بی لطفی شده و سبد کالای ویژه ماه رمضان را از کارگران روزه دار دریغ داشته است. مورد دوم هم این است که سهام عدالت به کارگران داده نشده است.

به راستی که وقاحت عمله و اکره سرمایه هیچ حد و مرزی ندارد. در جامعه ای که 10 میلیون کارگر از فشار گرسنگی و بیکاری در باتلاق مذلت و مرگ و سیه روزی غوطه می خورند، در مملکتی که کارگران شاغل آن در ازای هر یک تومان دستمزد خویش حداقل 11 تومان ارزش اضافی به سرمایه داران می افزایند، در نقطه ای از جهنم کارگر سوز سرمایه داری که هر کارگر با دو شیفت و سه شیفت کار در شبانه روز قادر به تهیه نان خالی فرزندش نیست، در جامعه ای که شمار کثیر زنان طبقه کارگر برای نان بخور و نمیر فرزندانشان مجبور به تن فروشی هستند، آری در چنین جامعه ای حقوق تضييع شده کارگران به روايت این انجمن صنفی در بی لطفی وزیر بازرگانی برای دادن مقداری صدقه و رفع کفاره و احتمالاً زکات فطر به کارگران روزه دار خلاصه می شود!! مورد بعدی این تضييع حقوق در آه و ناله های این جماعت سرمایه مدار از این هم چندش آورتر و وقیحانه تر است. در روزهایی که سرمایه داران و دولت آن ها با توطئه گری تمام تصمیم گرفته اند فروش مقداری سهام کارخانه ها را با هدف افزایش سرمایه های نجومی سرمایه داران بر کارگران تحمیل کنند و معادل بهای این سهام را از دستمزد ناچیز آنان کسر کنند، این انجمن صنفی تحمیل این توطئه بر کارگران را نوعی احقاق حق آن ها !! تبلیغ می کند.

148- مراسم روز جهانی کودک :

16 مهر از ساعت 9 صبح تا 11 مراسم گرامیداشت روز جهانی کودک به میزبانی سازمان بهزیستی کرمانشاه برگزار شد. در این مراسم 1000 نفر از کودکان مهد کودکها و دبستانهای مختلف به همراه خانواده هایشان شرکت کرده بودند کودکان در حالی که صورتهایشان نقاشی شده بود و پلاکاردهایی در دفاع از حقوق خود در دست داشتند به شادی پرداختند در مراسم بروشور ها و بیانیه ی جمعیت تلاش برای جهان شایسته کودکان و قطعنامه همایش کودکان کار و خیابان به طور گسترده پخش شد گزارش به همراه تصاویر است

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه 16 / 7 / 87

149- اعتصاب در شرکت فلات پارس :

روز 16 مهر 100 نفر از کارگران شرکت پیمان کارگران شرکت فلات پارس اعتصاب کردند ساعت 7 صبح پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه نسبت به عدم کاری گودرزی پیمان کار شرکت فلات پارس در کارفرما به بالا کشیدن حق اضافه کاری اجباری 1 ساعته طی یک پرداخت حقوق یک ماه گذشته و قصد اعتصاب زدند ماه سپری شده دست به

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه 16 / 7 / 87

150 - تعداد ۷۲۴ هزار کودک از تحصیل باز مانده اند :

به گزارش روزنامه خراسان در تاریخ 17 مهر 87: اجرای ناقص قانون اجباری شدن آموزش تا پایان دوره راهنمایی به دلیل نبود اعتبارات لازم باعث شده است که ما همچنان با ۷۲۴ هزار کودک باز مانده از تحصیل روبه رو باشیم. بر اساس بند الف ماده ۵۲ قانون چهارم توسعه دولت موظف به فراهم کردن زمینه های تحصیل برای تمامی کودکان لازم التعلیم است. بر این اساس آموزش و پرورش آیین نامه این ماده قانونی را تصویب کرد و برای بررسی به هیئت دولت فرستاد. این آیین نامه در سال ۸۴ مورد تصویب قرار گرفت و پس از آن آموزش و پرورش موظف شد برای اجرای مطلوب، شیوه نامه اجرایی آن را تدوین و پس از تصویب برای اجرا به استان ها ابلاغ کند. این کار با دو سال تأخیر بالاخره در سال ۸۶ اتفاق افتاد و سپس با امضای وزیر وقت به تمام استان های کشور برای اجرا ابلاغ شد.

شهره حسین پور معاون دفتر آموزش برای همه وزارت آموزش و پرورش با بیان این مطالب به خراسان گفت: بر اساس مصوبه دولت، سازمان ها و وزارت خانه های بهداشت، دادگستری، مرکز آمار، سازمان ثبت احوال، معاونت راهبردی و صدا و سیما موظف به همکاری با آموزش و پرورش در اجرای این قانون شدند که در شیوه نامه اجرایی این قانون، نقش و وظایف هر يك از دستگاه ها مشخص شد. وی افزود: پس از تدوین و ابلاغ شیوه نامه مکاتباتی با دستگاه های مختلف انجام و از آن ها خواسته شد بر اساس شیوه نامه با آموزش و پرورش در اجرایی کردن قانون اجباری شدن آموزش تا پایان دوره راهنمایی همکاری کنند. به گفته این مسئول، از همان آغاز کار غیر از سازمان صدا و سیما بقیه سازمان ها اعلام همکاری کردند و به صورت گسترده وارد عمل شدند.

حسین پور با اشاره به این که صدا و سیما تاکنون به هیچ يك از مکاتبات و نامه های ما پاسخ نداده است، گفت: وظیفه صدا و سیما در این زمینه اطلاع رسانی و آگاه سازی و فرهنگ سازی است. وی افزود: در مرحله اول برای اجرای این قانون تصمیم گرفته شد ابتدا عوامل ممانعت والدین از تحصیل فرزندانشان بررسی و شناسایی شود تا پس از آن برنامه ریزی مناسبی برای جذب کودکان باز مانده از تحصیل صورت گیرد. معاون دفتر آموزش برای همه در پاسخ به این سوال که آیا این قانون در حال حاضر اجرا می شود، گفت: یکی از مواردی که به اجرای قانون کمک می کند، رفع عوامل باز دارنده تحصیل کودکان است که عوامل اقتصادی از مهم ترین عوامل است که برخی والدین به دلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی، از تحصیل فرزندان خود ممانعت به عمل می آورند. در مصوبه دولت نیز به صراحت تأکید شده است که سازمان مدیریت و برنامه ریزی (سابق) با هماهنگی آموزش و پرورش باید هر سال اعتباراتی را به اجرای این قانون اختصاص دهد؛ در حالی که این اعتبارات تاکنون اختصاص نیافته است. وی افزود: همان طور که ذکر شد در شناسایی و دسته بندی دلایل ممانعت والدین از تحصیل کودکان، یکی از عمده ترین دلایل، مشکلات اقتصادی و معیشتی است که برای راضی کردن والدین به تحصیل کودکان، باید هزینه های آموزشی او را تأمین کنیم که این مسئله نیاز به اعتبار دارد. بنابراین یکی از مشکلاتی که اجرای این قانون را با نقص مواجه کرده، کمبود اعتبارات است. به همین دلیل می توان گفت، قانون الزام آموزش تا پایان دوره راهنمایی به طور کامل اجرا نمی شود.

وی افزود: مشکلات فرهنگی که باعث بازماندن کودکان از تحصیل می شود با همکاری معلمان، شوراهای روستا و... برطرف می شود.

معاون دفتر آموزش برای همه همچنین در پاسخ به این که در حال حاضر کودکان بازمانده از تحصیل در دو مقطع ابتدایی و راهنمایی چه تعداد هستند، گفت: بر اساس آخرین آمار ۱۲۰ هزار و ۶۸۶ کودک در سن ابتدایی و ۶۰۳ هزار و ۳۳۲ کودک در سن راهنمایی از تحصیل محروم هستند که در مجموع می توان گفت: ۷۲۴ هزار و ۱۸ کودک در سنین ابتدایی و راهنمایی (۶ تا ۱۴ ساله) از تحصیل محروم هستند. وی افزود: اما روند جذب کودکان لازم التعلیم بازمانده از تحصیل برای آموزش در سال های اخیر با اقدامات انجام شده، بهبود یافته است. چرا که در سال ۸۱ آمار کودکان بازمانده از تحصیل بیش از یک میلیون نفر بود. وی افزود: براساس آمارها همچنین نرخ جذب خالص پایه اول ابتدایی در سال ۸۵ به ۹۵/۳ درصد رسیده این در حالی است که این رقم در سال ۷۹ حدود ۹۲/۸ درصد بوده است. همچنین آمارها نشان می دهد که پوشش تحصیلی در دوره ابتدایی از ۹۵/۹ درصد در سال ۷۹ به ۹۷/۸ درصد در سال ۸۵ رسیده که این مسئله حاکی از افزایش درصد پوشش تحصیلی در این دوره است. علاوه بر این پوشش تحصیلی در دوره راهنمایی از ۷۸/۴ درصد در سال ۷۹ به ۸۴/۹ درصد در سال ۸۵ رسیده است و این آمار نیز نشان از بهبود پوشش تحصیلی در این دوره دارد.

حسین پور همچنین درباره علل بازماندن از تحصیل بیش از ۷۰۰ هزار کودک در سن مدرسه گفت: تحقیقات نشان می دهد، بازماندن کودکان از تحصیل دارای عوامل درون و برون سازمانی است که کمبود معلم، کمبود مدرسه، کمبود معلم زن در مدارس دخترانه در مناطق روستایی، مختلط بودن دانش آموزان دختر و پسر در مدارس روستایی، بی توجهی و پی گیری نکردن تحصیل دانش آموزان به ویژه تحصیل دختران از سوی خانواده ها، مردودی و ترک تحصیل دانش آموزان دختر به دلایل مختلف همچون ممانعت خانواده از تحصیل آن ها، تطابق نداشتن محتوای درس ها با نیاز در مناطق مختلف کشور، نامناسب بودن فضاهای آموزشی، تطابق نداشتن زمان برگزاری مدارس با زندگی روستایی و عشایری از جمله دلایل درون سازمانی بازماندن کودکان از تحصیل است. همچنین بی انگیزگی در ادامه تحصیل، نبود بازار کار برای دانش آموختگان و درآمدزا بودن مشاغلی که ارتباطی با تحصیل ندارد نیز از جمله دلایل آن است.

وی افزود: عوامل برون سازمانی نیز شامل مواردی از جمله اقتصادی، فرهنگی، آداب و رسوم محلی، غیربومی بودن معلمان، ازدواج زودهنگام دختران، اولویت دادن پسران نسبت به دختران در امر تحصیل، بی سوادی والدین، دسترسی نداشتن به رسانه های گروهی، تبلیغات سوء در مورد تحصیل دختران، بافت اقتصادی خانواده های روستایی و عشایر، پرجمعیت بودن خانواده، ناتوانی خانواده در تامین هزینه های تحصیلی، استفاده از کار دختران در منزل و کار پسران در مزارع از جمله دلایل بازماندن کودکان از تحصیل است. این مسئول همچنین بر این مسئله نیز تاکید کرد: آمارها نشان می دهد که به دلایل فرهنگی و همچنین بهره گیری از دختران برای کار در منزل، ازدواج زودهنگام و ارجحیت دادن تحصیل پسران نسبت به دختران باعث شده است درصد بالایی از بازماندگان از تحصیل را دختران تشکیل دهند و در این موارد بیشتر ممانعت والدین از تحصیل دیده می شود. وی در پاسخ به این که آیا گزارش هایی از این موارد نیز در دست است، گفت: گزارش های زیادی به دست می رسد که حاکی از ممانعت خانواده ها از تحصیل دختران به دلایل مختلف از جمله ازدواج زودهنگام است. علاوه بر این که گزارش هایی نیز از ممانعت خانواده ها از تحصیل پسران وجود دارد. وقتی که در سال گذشته خبر ابلاغ شیوه نامه اجباری شدن تحصیل تا پایان دوره راهنمایی رسید، این امیدواری ایجاد شد که در سال های بعد آمار این کودکان به حداقل می رسد و حتی به صفر نزدیک خواهد شد، اما هنوز این اتفاق نیفتاده است و این قانون که تمام امیدها به آن بود به دلیل کمبود و نبود اعتبارات به طور ناقص اجرا می شود اما در سال گذشته برخی مسئولان آموزش و پرورش از اجرای روش بازدارنده ای خبر دادند که براساس آن والدینی که مانع تحصیل فرزندانشان می شوند، تا یک میلیون تومان جریمه می شوند چنان که قرار بود این خانواده ها در استان های کشور به مراجع قضایی معرفی شوند و جریمه نقدی از آن ها اخذ شود. اما به نظر می رسد این روش هیچ گاه به اجرا درنیامده است. حسین پور در این زمینه گفت: تاکنون هیچ یک از خانواده هایی که از تحصیل فرزندانشان ممانعت کرده اند، جریمه نشده اند؛ چرا که همان طور که ذکر شد مهم ترین دلیل ممانعت از تحصیل کودکان فقر اقتصادی است. بنابراین، این خانواده ها توان پرداخت جریمه را ندارند. ضمن این که در مواجهه با این خانواده ها، سیاست این است که از ابزارهای تشویقی برای جذب کودکان استفاده شود نه ابزار تنبیهی.

بنابراین روش تشویقی نمی تواند پاسخگو و برطرف کننده مشکل باشد. وی افزود: هدف این است که با فرهنگ

سازی و تامین نیازهای تحصیلی کودکان و رفع موانع دیگر زمینه جذب کودکان را به تحصیل فراهم آوریم و در صورت اختصاص اعتبارات مورد نیاز به این هدف زودتر دست خواهیم یافت.

151- پدر بیکار: برای حل مشکلات زیاد زندگی مان باید قربانی می‌دادیم به همین دلیل پسر 4ساله ام "علی اکبر" را سر بریدم :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 17 مهر 87 : فرزندکشی، شدیدترین مصداق کودک‌آزاری محسوب می‌شود که حتی وقوع يك مورد از آن نیز زیاد به نظر می‌رسد. این در حالیست که متأسفانه در سال‌های اخیر در کشورمان شاهد تعدادی از این نوع موارد کودک‌آزاری بوده‌ایم. به گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا، آخرین قتل از این دست روز گذشته اتفاق افتاد، درست يك روز قبل از روز جهانی کودک. و درست در شرایطی که بسیاری آماده می‌شدند تا روزی خوش را برای کودکان خود فراهم آورند. روز گذشته يك کودک چهارساله به نام، علی اکبر، در خواب از سوی پدرش به قتل رسید. اسماعیل 36 ساله پدر کودک در حالی که پس از این اقدام شاه‌رگ خود را نیز بریده بود، گفته بود برای حل مشکلات زیاد زندگی مان باید قربانی می‌دادیم به همین دلیل، علی اکبر، را سر بریدم اما قبل از کشتنش يك لیوان آب به او خوراندیم. اسماعیل که به گفته بستگانش از مدتی قبل اعتیادش را ترك کرده، به شدت عصبانی بود و در این اواخر از بیکاری رنج می‌برد.

جالب آنکه حدود يكسال و يك ماه از وقوع قتل کودکی می‌گذرد که ریشه آن را نیز می‌توان در اعتیاد و بیکاری پدر جست. در این حادثه کودک 5 ساله‌ای به نام، امیرحسین، از سوی پدر 31 ساله‌اش با تسمه خفه شد. پدر او نیز به تریاک اعتیاد داشته و بیکار بوده و همسرش به دلیل ترك نفقه و مطالبه مهریه، او را ترك کرده بود.

در حادثه دیگری در اواخر فروردین امسال، مردی، همسر و کودک 4 ماهه اش "پارسا" را به قتل می‌رساند. قضی پرونده از جمله مواردی که انگیزه قاتل بوده است را اینگونه عنوان می‌کند: "او با وجود داشتن آرزوهای بلندپروازانه مدت‌هاست که بیکار است و مخالف داشتن فرزند بوده است". چند روز بعد خبری منتشر می‌شود مبنی بر اینکه کودکی سه ساله به نام "امیرحسین" قربانی اعتیاد والدینش شد. در مورد دیگری که در شهریور 86 در اصفهان رخ داد، مردی پس از مصرف حشیش، به شدت دچار توهم شده و در اقدامی جنون‌آمیز کودک دوماه‌اش را با ضربات سیلی کشته است. نقطه مشترک همه این حوادث، اعتیاد به مواد مخدر و بعضاً بیکاری است و اگرچه پرداختن به این معضل از حوصله این گزارش خارج است اما می‌توان بار دیگر بر ضرورت توجه جدی و راهکارهای عملی‌تر در برخورد با این معضل از سوی مسوولان امر تاکید کرد.

آنچه از نظر حقوقی حائز اهمیت است، تناسب جرم و مجازات در خصوص پدیده ناهنجار "فرزندکشی" است که در آن در يك طرف کودک آسیب پذیر قرار دارد و در طرف دیگر پدر و مادری که حامی و نگهدار او هستند. طبق قوانین موجود اگر فرزندکشی توسط مادر طفل صورت گیرد مانند يك قتل عادی به آن رسیدگی می‌شود که اولیای دم کودک (پدر) می‌تواند برای قاتل کودک تقاضای قصاص، دیه یا گذشت کند اما اگر فرزندکشی از سوی پدر یا جد پدری انجام شود، طبق ماده 220 قانون مجازات اسلامی قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.

عمدتاً در خصوص این ماده قانونی به مبانی فقهی آن تکیه می‌شود البته برخی فقها مانند آیت‌الله العظمی صانعی در این زمینه معتقدند که "استثناء از اصل کلی قصاص در قتل ولد توسط والد که در روایات صحیح و معتبره آمده به نظر این جانب اختصاص به جایی دارد که قتل از راه عواطف و تخلف فرزند از نصایح خیرخواهانه‌ی پدر باشد نه سایر موارد که قتل با انگیزه‌های دیگر -که در بقیه قتل‌ها وجود دارد- باشد، که در آن صورت اصل کلی قصاص ثابت است و به عبارت دیگر عدم قصاص والد اختصاص دارد به جایی که جان پدر با همه عواطف و نصایح و خیرخواهی برای فرزندش و تخلف فرزند، به لیش رسیده و تقریباً اگر نگوییم تحقیقاً، پدر کانه به خاطر همان نصایح و تخلف‌ها بدون اختیار دست به چنین عملی زده، نه در جاهایی که پدر با انگیزه‌هایی که در سایر قتل‌ها موجود است قتل را انجام دهد یعنی قتل به خاطر اغراض شخصی و دشمنی و طمع در مال و پست و ریاست و یا فاش نشدن خیانت‌ها و امثال آنها بوده...".

توجه به سایر قوانین مربوط به کودک، شائبه تناقضی در این زمینه را به ذهن متبادر می‌کند. ارشد، فعال حقوق کودک در این زمینه به ایسنا می‌گوید: طبق ماده 223 قانون مجازات اسلامی هرگاه فرد بالغی طفل نابالغی را بکشد، قصاص می‌شود؛ در قوانین نیز سقط جنین مجازات دارد و این سوال مطرح می‌شود که چطور زمانی که جنین هنوز متولد نشده و توده‌ای از سلول است کشتن او جرم تقی می‌شود اما وقتی همان جنین به دنیا می‌آید و مثلاً 5 ساله می‌شود کشتن او برای پدر قصاص ندارد.

وی ادامه می‌دهد: چطور اگر مردی فرزند 5 ساله همسایه را بکشد، قصاص می‌شود در حالی که اگر فرزند خودش را بکشد که خشونت آن به مراتب بیشتر است، شامل قصاص نمی‌شود. البته حقیقت‌خواه، وکیل دادگستری در این خصوص خاطر نشان می‌کند که دستگاه قضایی به‌ویژه در سطوح

مدیریتی برخوردار بسیار خوب و قاطعی در اینگونه موارد دارد. نجفی توانا، وکیل دادگستری و مدرس حقوق دانشگاه نیز در این خصوص بیان می‌کند: دقیقاً روش قانونگذاری ما در بحث اطفال، معارض، متفاوت و متناقض است. در جایی بحث اصلاح و تربیت، انعطاف و گذشت و عدم مسوولیت کیفری برای اطفال نابالغ مثل صدر ماده‌ی 49 پیش‌بینی شده و در مواردی مانند تبصره‌ی 2 ماده 49 از یک طرف، ماده 220 قانون مجازات اسلامی از طرف دیگر و ماده 147 قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است. این مقررات با توجه به قاعده‌ی رأفت که از گفتار نبی‌اکرم (ص) استنباط شده در تعارض بوده و اصولاً این نوع قانونگذاری، خشونت‌گرایی را ترویج و فرهنگ خشونت را نهادینه می‌کند. این جرم‌شناس می‌گوید: ما برای طفلی که درک نمی‌کند، قدرت تشخیص و تمیز کافی ندارد، در مقابل اعمال ناآگاهانه خودمان، مجازات را مشروع تلقی می‌کنیم. تنبیه و خشونت را مجاز می‌شماریم. آیا می‌توان از این کودک انتظار داشت خشونت‌گریز باشد.

آخوندی، جرم‌شناس نیز خاطر نشان می‌کند: صرف‌نظر از اینکه قصاص نشدن پدری که فرزندش را به قتل رسانده، مخالف این قاعده کلی است که هر انسانی مسوول اعمال خود است اما چنین مقرراتی وجود دارد که شاید در زمان گذشته تا حدی قابل توجیه بود اما در دنیای امروز نمی‌توان به راحتی آن را پذیرفت. وی در ادامه می‌گوید: پدر باید در صورتی از قصاص معاف شود که برخی شرایط وجود نداشته باشد؛ در زمانی که پدر اعتیاد به آدم‌کشی دارد یا پس از ارتکاب جرم دیگری، مرتکب فرزندکشی می‌شود، این افراد نباید از مجازات فرزندکشی معاف شوند اما قانون جزایی ما به طور مطلق انشاء شده و اصل بر تفسیر مضیق قوانین جزایی و تفسیر به نفع متهم است.

آخوندی با بیان اینکه با پدیده فرزندکشی در اجتماع امروزی ما به نحو مطمئنی مبارزه نمی‌شود، اظهار می‌کند: ارفاق در این راستا درباره پدر قابل توجیه نیست.

این حقوقدان درباره‌ی نقش دادستان در پرونده‌های فرزندکشی می‌گوید: دادستان نماینده جامعه است و به نام جامعه مرتکبان جرایم را تحت تعقیب قرار می‌دهد اما در جرایم قابل گذشت دادستان حق مداخله ندارد مگر اینکه از طرف اولیای دم شکایتی شده باشد که متأسفانه در کشور ما قتل از جرایم قابل گذشت است که جز با شکایت شاکی رسیدگی صورت نمی‌گیرد.

وی درباره راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم فرزندکشی اظهار می‌کند: افزایش مجازات این جرم خوب است اما به تنهایی پاسخگو نیست زیرا فرزندکشی مساله‌ای اجتماعی است که باید همه مسوولانی که اصلاح جامعه به دست آنهاست وارد عمل شوند. دولتمردان نیز باید فقر را در جامعه از بین ببرند. اگرچه بارها تاکید شده است که تشدید مجازات مرتکبان نمی‌تواند به تنهایی مانع از وقوع جرایم شود اما تناسب جرم و مجازات و تاثیر بازدارنده قوانین در کنار انجام اقدامات زیربنایی و صحیح در حل معضلات اجتماعی همچون اعتیاد و بیکاری می‌تواند امید به آینده‌ای خالی از حوادث ناگوار فرزندکشی را برایشان به همراه آورد.

152- عضو انجمن صنفی کارگران نقاش:

دستمزد کارگر ساختمانی کفاف هزینه بیمه وی را نمی‌دهد:

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 17 مهر 87: عضو انجمن صنفی کارگران نقاش خواستار تصویب و اجرای قانون بیمه کارگران ساختمانی شد.

به گزارش "ایلنا"، رضا دهقان گفت: در حال حاضر به دلیل قطعی نبودن قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی، از نظر سازمان تامین اجتماعی هیچ تفاوتی بین کارفرما و کارگر ساختمانی وجود ندارد. به گفته این فعال کارگری، در حال حاضر اگر یک کارگر ساختمانی بخواهد از مزایای بیمه تامین اجتماعی استفاده کند باید مانند یک کارفرما، تمام حق بیمه را خودش به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند.

وی افزود: با شرایط فعلی و طبق بخشنامه‌های سازمان تامین اجتماعی، اگر حق بیمه کارگر تا سقف یک ماه پرداخت نشود تمامی سوابق بیمه‌ای وی باطل می‌شود.

به ادعای دهقان، شرایط دست‌وپاگیر فعلی برای بیمه شدن کارگران ساختمانی در حالی است که این کارگران برخلاف کارفرمایان از تمکن مالی برخوردار نیستند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توانند حق بیمه خود را با چند ماه تاخیر پرداخت کنند.

به گفته وی، تنها در استان تهران نزدیک به 15 هزار نفر از طریق نقاشی، بنایی، گچ‌کاری، سنگبری و جوشکاری ساختمان ارتزاق می‌کنند اما از هیچ پوشش بیمه‌ای برخوردار نیستند.

وی گفت: دستمزد روزانه این کارگران به طور متوسط 20 هزار تومان است که پس از کسر هزینه رفت‌وآمد و خوراک و با توجه به فصلی بودن کار، در عمل دریافتی این کارگران کفاف پرداخت تمامی حق بیمه را نمی‌دهد.

وی با تاکید بر لزوم اجرا شدن بیمه اجباری برای کارگران ساختمانی گفت: مسکوت ماندن مصوبه‌ای که

در مجلس قبل در رابطه با بیمه این کارگران تصویب شده بود، باید پایان یابد.
پایان پیام

153- بسیاری از کارفرمایان، کارگران ساختمانی را استثمار می کنند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 17 مهر 87؛ نماینده مهلباد در مجلس شورای اسلامی بیمه کارگران ساختمانی را به نفع آنها دانست و گفت: کارگرانی که در حین کار دچار حوادث می شوند باید پشتوانه قانونی داشته باشند و اگر بیمه باشند به نفع آنهاست.
جلال محمودزاده در گفت و گو با خبرنگار "ایلنا" افزود: کارگران ساختمانی با حوادث زیادی روبرو هستند که بیمه می تواند مشکل آنها و خانواده هایشان را تا حدودی حل کند.
وی گفت: در مناطق محروم، ما شاهد آسیب دیدگی بسیاری از این کارگران بوده ایم اما متأسفانه هیچ قانونی تاکنون از آنها حمایت نمی کرده است.
محمودزاده خاطرنشان کرد: کارگران ساختمانی به این دلیل که روزمزد هستند در بسیاری از مواقع توسط کارفرما استثمار می شوند.
او تصریح کرد: ما می خواهیم با تصویب این طرح کارگرانی که دچار مشکلات فیزیکی می شوند حداقل از هزینه های بیمارستانی معاف شوند و از مزایای بیمه عمر بهره مند شوند.
وی با اشاره به اینکه از امضا کنندگان این طرح بوده تأکید کرد: این حداقل کاری است که می توان برای این کارگران و خانواده هایشان انجام داد.
"پایان پیام"

154- احضار فعالین کارگری لاستیک البرز به دادگاه :

به گزارش سایت سلام دمکرات در تاریخ 17 مهر 87 آمده است : ولی الله صالحی، هوشنگ رحیم زاده، عزت الله برخوردار، اصغر احمدی، شریفیان و 6 کارگر دیگر کارخانه لاستیک البرز با شکایت کارفرما به دادگاه احضار شدند.

155- به گزارش سایت کارگزاران در تاریخ 17 مهر 87 آمده است : یک کارگر ساختمانی بر اثر سقوط بالابر در منطقه لویزان تهران جان خود را از دست داد.

156- در جشن ارتقاء برای ده هزار نفر از کارگران ایران خودرو :

کارگران ایران خودرو در حضور رئیس استان کار تهران خواستار بر چیده شدن بساط شرکت های پیمانکاری و لغو قراردادهای موقت و برقراری امنیت شغلی و افزایش حقوق ها شدند

روز سه شنبه 16 مهر ماه مراسم جشن بزرگ ارتقای شغلی کارگران ایران خودرو با حضور مدیران ارشد این شرکت و رئیس سازمان کار استان تهران و بخشی از کارگران ایران خودرو که از قبل گلچین شده بودند در سالن اجتماعات سایکو برگزار شد

این مراسم قرار بود با حضور اکثر کارگران ایران خودرو به صورت یک اجتماع بزرگ در داخل خود شرکت برگزار شود ولی مدیریت شرکت بعد از اعلام مراسم متوجه شد که تعدادی زیادی از کارگران با این کار مخالفند چون این ارتقاء شامل همه کارگران نمی باشد بلکه فقط شامل یک سوم از کارگران است و به غیر از بخشی از خود کارگران خود ایران خودرو تمام کارگران پیمانکار و پکیچی که هیچگونه مزایای به آنها تعلق نگرفته است از معترضینند

برداشتن سقف بودجه برای ارتقای شغلی که یکی از خواسته های کارگران ایران خودرو برای افزایش حقوقها است که در اثر مبارزه کارگران ایران خودرو در اعتصاب 10 تیر مدیریت به آن تن داده بود چون مدیریت می خواست با برگزاری یک مراسم در عید فطرو با ایجاد جو روانی و برای پاک کردن صورت مسئله اعتصاب کارگران و برای ایجاد تبلیغات در سطح شرکت و جامعه از اعتبار خود دفاع کند کارگران ایران خودرو متوجه نیت مدیریت شدند و برای مقابله بر آن خواستند از این فرصت استفاده کرده و این مراسم را به یک مجموع عمومی تبدیل کنند تا نظراکثریت کارگران را به تصویب برسانند برای همین مدیریت با شگرد خاص خود مراسم هفته قبل را لغو کرده و به جای آن این مراسم را در خارج از شرکت ایران خودرو در سالن سایکو که امکان دسترسی کارگران ایران خودرو در آن وجود ندارد با مجری گری شهریاری مجری باسابقه صدا و سیما که بیشتر حالت تبلیغاتی داشت برگزار کند مدیریت با انتخاب بخشی از کارگران که ارتقای شغلی شامل حالشان شده بود با این کار عملاً از برگزاری مراسم کارگری خوداری جلوگیری کرد.

تأکید کارگران ایران خودرو بر خواسته هایشان

ولی با تمام تدابیری که مدیریت اتخاذ کرده بود و حتی کسی را که به عنوان نماینده کارگران انتخاب کرده بودند نتوانست تصمیم کارگران را برای رسیدن به خواسته های اصلی شان باز بدارد در این مراسم بعد از سخنرانی مدیر عامل ایران خودرو باقری مدیر منابع انسانی ایران خودرو کارهای که قرار است برای کارگران انجام دهد را اعلام کرد که حل مشکل مسکن بهبود غذای کارگران و آگذاری سهام ارائه وام بیشتر و

افزایش سفرهای زیارتی از آن جمله اند
بعد از سخنرانی باقری یکی از کارگران به سخنرانی پرداخت وی ضمن درخواست رسیدگی به مواردی چون سرویس های ایاب و ذهاب و سایر امکانات رفاهی برای کارگران برخواست اصلی کارگران ایران خودرو که امنیت شغلی یکی از آنها است تاکید کرد
مرتضی فرهودی که از طرف خود مدیریت به عنوان نماینده ده هزار نفر از ارتقاء گیرندگان انتخاب شده بود گفت که آروزی او و همکارانش این است

که بساط پیمانکاران از ایران خودرو بر چیده شود و دیگر شاهد حضور هیچ کارگر پکیجی و پیمانکار در ایران خودرو نباشیم
کارکو.

157- گزارشی از شرکت «همپایه» در تهران:

شرکت پیمانکار همپایه به بخش خصوصی تعلق دارد و مالکان آن فردی به نام مهندس صادقی و همسرش هستند. این شرکت در زمینه برق کشی ساختمان مسکونی و صنعتی فعالیت می کند. حدود 1000 کارگر و مهندس و پرسنل در این شرکت مشغول به کار هستند. در سطح تهران این شرکت 5 کارگاه دارد و در سایر شهرها نیز دارای کارگاه های ثابت و سیار است، مانند کرمان. کارگران معمولاً در اکیپ های 40 الی 50 نفره تحت نظارت یک مهندس برق و چند تکنیسین برق برای انجام طرح های پروژه ای به شهر های مختلف به ماموریت می روند.

صادقی و همسرش از برکت استنمار کارگران در چند سال اخیر و از طریق دادن رشوه و شرکت در مزایده های مختلف به میلیارد ها تومان سرمایه دست یافته است. وی مالک چند برج است.
کارگران سرویس ایاب و ذهاب ندارند و اکثر آن ها در محل اجرای پروژه ها پراکنده اند و حتی از حداقل امکانات هم برخوردار نیستند. در این شرکت حتی تشکل دولتی هم وجود ندارد.

17 مهر 87

158- گزارشی از شرکت «آبرود شمال» در رشت:

شرکت آبرود شمال متعلق به بخش خصوصی است و بیش از 170 نفر کارگر را استنمار می کند که در 4 قسمت مشغول به کار هستند. این شرکت در قسمت های آسفالت و عمرانی و پل سازی و راه سازی فعالیت می کند. چهار قسمت شرکت آبرود شمال عبارتند از:

- 1- کارخانه باهنر نقش گستر آسفالت با حدود 70 نفر کارگر
- 2- کارخانه آسفالت آبرود با 130 نفر کارگر و پرسنل
- 3- فرودگاه رشت 25 نفر - اکیپ فرودگاه
- 4- حدود 50 نفر کارگر و پرسنل در کارگاه کاسپین حسن رود

صاحبان شرکت دو نفر بنام های علی رهبر و فریدون کریمی هستند. دفتر شرکت در شهرک گلزار رشت جنب تاکسی رانی قرار دارد. کارگران همه قراردادی هستند و قرارداد کارگران بخش پروژه ای نیز پس از اتمام پروژه لغو و آن ها بیکار می شوند. ساعت کار از 7 صبح تا 4 بعد از ظهر و گاهی 5 بعد از ظهر است. پایه حقوق طبق مصوبه اداره کار، 219 هزار تومان است. پنجشنبه ها نیز کارگران تا ساعت 4 و گاه 5 بعد از ظهر یکسره کار می کنند. از حق شیفت، اضافه کاری و مزد روزهای تعطیل خبری نیست.
کارگران بارها نسبت به شدت استنمار و بی حقوقی خود اعتراض کرده اند. در نتیجه اعتراض کارگران، در کارگاه آبرود - آسفالت سازی - در مرداد 1386 دو نفر، و در قسمت نقش گستر با هنر 3 نفر (راننده لودر) اخراج شدند. شدت کار در نقش گستر طوری بود که رانندگان لودر تا ساعت 11 شب یکسره مشغول به کار بودند. کارگران معتقدند در این شرکت 44 ساعت کار در هفته مصوبه دولت رعایت نمی شود.
در اثر تشدید استنمار، این سرمایه شرکت آبرود شمال است که گسترش می یابد. شرکت در حال حاضر مالک سرمایه های زیر است:

7- دستگاه لودر و 5 دستگاه بولدوزر.

- 300 هکتار زمین در شهر صنعتی رشت، 500 هکتار در زمین آبرود، صد هکتار زمین در معدن کدوسرا، 60 الی 70 هکتار زمین در حسن رود رو به روی پاساژ تجاری کاسپین، 40 الی 50 هکتار زمین جنب کارخانه پوشش در مسیر جاده رشت - انزلی.

همچنین صاحبان شرکت در دویی مالک زمین و خانه هستند و در آن جا به ساخت و ساز اشتغال دارند. آنان سرمایه به غارت رفته از استنمار کارگران را این گونه در حوزه های مختلف سرمایه گذاری مجدد می کنند. شرکت قبلاً شورای اسلامی داشت که توسط کریمی و رهبر منحل شد.

17 مهر 87

159- گزارشی از شرکت «سپید ماکیان» در رشت :

این شرکت، پیمانکاری است که از آذر ما 1385 کشتارگاه سپید رود واقع در پنج کیلومتری جاده رشت - تهران را اجاره کرده است. در کشتار مرغ ماشینی 18 دستگاه مشغول به کار است و هر دستگاه در طول فعالیت خود در شبانه روز حدود 1200 تا 1300 عدد مرغ با دست ذبح می شود. در قسمت کشتارگاه حدود 50 کارگر، 40 نفر در قسمت بسته بندی، 10 نفر در قسمت اداری، 10 نفر در قسمت پخش، و در تاسیسات 10 نفر کار می کنند. قسمت کشتار تک شیفت است، در تابستان از 6 عصر الی 6 صبح، که البته تاسیسات مربوط به کشتار از ساعت 4 عصر - 2 ساعت جلوتر - شروع به کار می کند. همچنین مرغ گیرها نیز 2 ساعت جلوتر (4 عصر) آغاز به کار می کنند. از آغاز نیمه دوم سال (اول پاییز) شیفت تغییر کرده و کارگران از صبح در محل کار حاضر شده و مشغول به کار می شوند.

در سپید ماکیان پایه حقوق کارگران صافی 219 هزار تومان است، بدون مزایا. از حق مسکن و اولاد، بن کارگری و وام خبری نیست. کارگران فاقد فیش حقوقی هستند. دستمزدها مستقیم در قسمت اداری پرداخت می شود. از مساعده هم خبری نیست. دستمزد معادل یک ماه پس از 45 روز پرداخت می شود. کارگران با قرارداد موقت سه ماهه کار می کنند و مجبورند تمام آنچه را که در قرار داد ذکر شده بپذیرند. البته کارگران حتی از متن پنج صفحه ای قرار داد اطلاعی ندارند و اعتراض آن ها منجر به اخراجشان می شود. به قول کارگران، اضافه کاری و عیدی کیلویی داده می شود، یعنی بدون محاسبه و برای یک سال حداکثر صد هزار تومان آن هم به عنوان پاداش. از مرخصی و تعمیرات خبری نیست. در طول هفته کارگران قسمت کشتار فقط پنجشنبه را تعطیل هستند و در ازای آن جمعه به سر کار می آیند.

در سال گذشته، حدود 15 نفر از کارگران به صورت جدا از هم در اداره کار در مورد دریافت حق شیفت، حق شب کاری و مزایا اقدام به شکایت کردند. در نتیجه، 2 نفر از کارگران تمام مزایای قانونی را دریافت کردند. اما این شکایت در نهایت منجر به اخراج تعدادی از کارگران معترض گردید.

در اردیبهشت ماه 87، به دنبال اعتراض کارگران و گزارش اداره بهداشت از وضعیت ذبح مرغ، شبکه پنج تلویزیون استان گیلان (شبکه باران) گزارش مشروعی از این شرکت تهیه کرد که انعکاس یافت.

شرکت با کم کردن نیروی کار و در نتیجه بالا بردن شدت کار و استثمار آخرین رمق این کارگران را از تن آن ها می رباید، به نحوی که کارگران در اثر شدت خستگی در پایان شیفت کاری نای راه رفتن را ندارند.

شام مختصری که نصیب کارگران می شود در حد لوبیا و کالباس است و دیگر هیچ.

اکثر کارگران این شرکت - سپید ماکیان - از شهرها و روستاهای اطراف مانند سنگر و بازقلعه می آیند. کارخانه فاقد سرویس ایاب و ذهاب است. به همین علت بعضی از کارگران شب ها در محل کارخانه باقی می ماندند، چون وسیله ای برای تردد ندارند.

امسال (87) کارگران تصمیم گرفتند که قرار دادهای امضا نکنند تا کارفرما متن آن را تغییر دهد. کارفرما با ایجاد رعب و وحشت و در نتیجه ایجاد تفرقه در بین کارگران مانع عملی شدن این تصمیم شد و 6 کارگر معترض را اخراج کرد. کارگران اخراجی با هزار بدبختی توانستند پس از شکایت خرید خدمت شوند و با مبلغ اندکی با سابقه های 14 ماه، 11 ماه و 10 ماه اخراج شوند. و از بیمه بیکاری هم البته خبری نبود. بقیه کارگران تن به امضای قرار داد پنج صفحه ای دادند، آن هم در نهایت بی حقوقی.

این شرکت وابسته به بخش خصوصی و متعلق به منوچهر رسولی (کارفرما) است. وی همراه 4 تن از برادران خود دارای مرغداری های بزرگی در منطقه کنته رود واقع در مسیر جاده رشت - پیر بازار است.

البته در این میان در مورد کارگران مرغداری های دولتی که تحت اجازه رسولی می باشد، فردی بنام صدیق، رسولی را تحت فشار گذاشته که کارگران را با همین شرایط و حتی سخت تر استثمار کند. لازم به ذکر است که کارگران قسمت مرغداری - بخش دولتی سپید رود - تحت اجازه رسولی با اضافه کاری سیصد هزار تومان می گیرند.

17 مهر 87

160 - از کف کار چه خبر ؟

از تاریخ شنبه 87/6/23 الی سه شنبه 87/6/26 کارگران کارخانه کف کار واقع در جاده رشت - سنگر پس از ماه ها عدم دریافت دستمزد در مقابل استانداری رشت واقع در خیابان معلم دست به تجمع اعتراضی زدند.

در حدود 200 نفر از کارگران کف کار هر یک 3 الی 4 میلیون تومان بابت حقوق معوقه از کارفرما طلب کار هستند. جزایری عرب که از نیمه دوم سال 86 بخشی از این کارخانه ورشکسته را خریداری کرد مدعی است تنها 20 درصد از سهم کارخانه را خریده و بقیه متعلق به دیگر سهامداران است که او آنان را نمی شناسد.

قابل ذکر است که فردی ضدکارگر به نام زهرابی مدیر عامل کارخانه است. این فرد که سال ها پیش به جرم زدنی از کارخانه هنگام خروج از کشور توسط ماموران و به کوشش کارگران دستگیر شده بود هم اکنون مشغول کار شکنی علیه کارگران است. زهرابی عامل اخراج تعداد زیادی از کارگران است. در بهمن سال 83 پس از بارش برف سنگین و 20 روز پس از این حادثه در حالی که فعالیت تولیدی کارگران ادامه داشت و کارخانه از ریزش برف حادثه ندیده بود، به دستور زهرابی عمداً ورق های حلبی سقف کارخانه کنده شد تا کارخانه بحران زده و ورشکسته نشان داده شود و او بتواند از وام بحران استفاده کند و کارگران را جهت دریافت بیمه بیکاری به اداره کار معرفی کند. کارگران از تیر ماه سال 1385 حاضر به دریافت بیمه بیکاری نشدند و خواستار بازگشت به کارخانه شدند و پس از آن همیشه حقوق معوقه خود را پس از ثبت در اداره کار طبق شکایتی حقوقی به دادگاه سنگر (از شهرستان های رشت و نزدیک کارخانه) از کارخانه طلب می کردند. از طرف دیگر زهرابی با تیز کردن دندان طمع از طریق سازمان ورشکستگی قوه قضائیه توانست طبق نامه ای این کارخانه میلیاردی را به مبلغ 60 میلیون تومان آن هم با پرداخت چک خریداری کند و پس از دریافت وام بحران 80 میلیونی توانست پول مباحه نامه را بپردازد. سند زمین کارخانه نیز در اختیار سازمان منابع طبیعی است که حاضر است در قبال دریافت حدود 2 میلیارد تومان آن را واگذار کند. البته بخشی از زمین ها و شیر خوارگاه و انبار کارخانه در سال های 84-85 به شرکت ورشکسته ایران الکترونیک فروخته شده بود که ایران الکترونیک مدتی دستگاه های تولید خود را به این قسمت انتقال داد و چند ماهی تولید کرد. و همان طور که اطلاع دارید ایران الکترونیک نیز تعطیل شده است و کارگران آن آواره شده اند و زمین های ساختمان سابق آن در داخل شهر به قیمت ناچیزی توسط باند قبه - همسر کرباسچی - و فائزه هاشمی رفسنجانی به تاراج رفته است.

از نیمه دوم سال 86 جزایری عرب همراه فردی دیگر بخشی از سهام کارخانه کنف کار را خریدند. در این مدت، کارگران توانستند در اثر پافشاری خود در جلوگیری از تعطیل کارخانه و چندین بار بستن جاده رشت - سنگر در نزدیکی کارخانه دستگاه های کارخانه را آماده تولید کنند. در ضمن جزایری عرب و شریکش توانستند در سه مرحله در نیمه دوم سال 86 با پرداخت دو میلیون و 700 هزار تومان به هر یک از کارگران بخشی از حقوق معوقه آن ها را پرداخت کنند. کارخانه از آغاز سال 87 آماده تولید و بهره برداری شد. اما زهرابی مزدور سرمایه با کار شکنی در مسیر تولید همچنان به بحران آفرینی مشغول است. جزایری عرب نیز اخیراً اعلام کرده منتظر دریافت وام از بانک صنعت و معدن از طریق وزارت صنایع و معادن است. و این در حالی است که دست و جیب کارگران در آغاز سال تحصیلی تهی است. لازم به ذکر است در طول مدت مقاومت کارگران دو تن از کارگران کارخانه از فشار فقر خود را حلق آویز کردند. تعدادی نیز که به مرز بازنشستگی رسیده بودند پس از فروش بخشی از دستگاه های کارخانه با حکم دادگاه سنگر مفاصا حساب خود را گرفتند.

همچنین، جزایری از اعتبار بانک صنعت معدن فعلاً - سال 87 - یک میلیارد تومان دریافت کرده و منتظر دریافت 2 الی 3 میلیارد تومان دیگر است و به همین بهانه کارگران را سر می دواند و وعده سر خرمن می دهد. کارگران هنگام تجمع در مقابل استانداری توسط لباس شخصی ها تهدید شدند که تجمع نکنند و بهانه به دست خبر گزاریها ندهند. در غیر این صورت به شیوه ای دیگری با آن ها برخورد خواهد شد.

17 مهر 87

161- مراسم روز جهانی کودک در کامپاران :

امروز در تاریخ 17 / 7 / 87 ساعت 10 صبح حدود 100 برگ قطع نامه و حدود 400 برگ تراک کودکانه یونیسف در سطح شهر و پارک مولوی کرد با حضور کودکان و تعداد زیادی خانواده مراسم روز جهانی کودک برگزار گردید و در این مراسم کودکان به بازی و شادی پرداختند که حدوداً این برنامه 1 ساعت به طول انجامید و قطع نامه در پایان برنامه توسط کودک 9 ساله قرائت شد و مراسم پایان یافت ضمناً این برنامه برای چهارمین سال است که در شهر کامپاران برگزار میشود.

قطع نامه ای که در میان حضار پخش شد بدین مضمون بود

« کودک قطعنامه روز جهانی »

در دنیایی زندگی میکنیم که هر روز سردمداران حاکم حرف از پیشرفتهای بزرگ در علوم، تکنولوژی و صناعی می زنند که همواره سود های مالتی میلیاردی برایشان به ارمغان می آورد ولی هنوز تعداد کودکانی که در فقر زندگی میکنند بالغ بر یک میلیارد نفر است. در دنیایی زندگی میکنیم که حکومتها دائماً، خودکفایی و رشد نجومی در زمینه های پزشکی و بیوتکنولوژی

را به رخ دیگران میکشند، اما کماکان بالغ بر سیصد میلیون کودک از خدمات بهداشتی محرومند. این دنیا پر از کالا و ثروتی است که حاصل کار و تلاش اکثریت جامعه است اما تنها در انحصار تعداد بسیار اندکی قرار دارد.

این دنیا بیگانه با انسانیت است زیرا طبق آمار در هر ثانیه یک کودک در جهان بر اثر نبود غذا و امکانات بهداشتی می میرد، در حالی که این مسئله با هزینه ای بسیار اندک قابل پیشگیری است. کودکان زیادی به دلیل فقر و فلاکت روز افزون خانواده ها مجبور به کار میشوند. و این همه در حالی است که طبق نظر کارشناسان، تنها با یک درصد از درآمد جهانی می توان فقر را به کلی ریشه کن کرد.

از این رو ما اعتقاد داریم که با همین امکانات نه تنها می توان و می بایست برای کودکان دنیایی بهتر ساخت بلکه می توان به درد و رنج تمامی بشریت پایان داد، آن هم همین امروز.

فعالین و مدافعان حقوق کودک متشکل در کمیته برگزاری روز جهانی کودک در سنج، در راستای جلب توجه افکار عمومی و ارائه راهکارهایی برای ایجاد شرایطی جهت بهتر زیستن کودکان، بندهای زیر را به عنوان حداقل خواسته های خویش اعلام می نماید:

۱- تامین بدون قید و شرط امنیت، آسایش و رفاه کودکان

۲- توقف فوری هر نوع خشونت علیه کودکان. قانون باید در قبال خشونت علیه کودکان صریح و بی تفسیر باشد.

۳- ممنوعیت اکید کار حرفه ای کودکان

۴- آموزش و پرورش، سلامتی و بهداشت رایگان و با استاندارد بالا برای همه کودکان

۵- ممنوعیت اکید هر نوع تنبیه و آزار کودک در خانواده و جامعه. ممنوعیت هر نوع زندانی و شکنجه کودکان. توقف فوری اعدام کودکان

۶- سرژرستی کودکان بی سرژرست توسط نهادهای ذیصلاح و قابل بررسی و کنترل و با هزینه و حمایت دولت. مقابله با فرهنگ عقب مانده نگاه به کودکان بدون خانواده به عنوان یتیم و غیره.

۷- حقوق کودک، ایرانی و غیر ایرانی نمی شناسد. کودک ملیت، مذهب و ایدئولوژی ندارد. کودکان موسوم به مهاجر باید از کلیه امکانات شایسته یک زندگی انسانی برای کودکان برخوردار باشد.

۸- ممنوعیت دست اندازی به بدن کودکان زیر پوشش سنت و فرهنگ. ممنوعیت ختنه کودکان.

162- حادثه در کارخانه ایران رادیاتور در شهر رشت :

کامران پاک باز، کارگر شرکت ایران رادیاتور در مورخه 17 مهر ماه 87، به علت فرسوده بودن دستگاه دای کاست و بسته شدن ناگهانی درب دستگاه، داخل دستگاه افتاده و وی در حالی که دچار خفگی و بیهوشی شده بود، با دهان پر از کف از دستگاه بیرون کشیده شد. هم‌اکنون نامبرده در بیمارستان رشت بستری میباشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری (منطقه شمال)- 1387/7/17

163- نیروهای امنیتی رژیم موبایل تعدادی از معلمان توقیف شده را پس از آزادی به آنها پس نداده اند:

به گزارش کانون صنفی معلمان تهران(طیف صنفی)، در تاریخ 18 مهر 87 : با گذشت 25 روز از دستگیری و آزادی معلمانی که برای برگزاری بزرگترین همایش کانونهای صنفی معلمان کشور و ضبط موبایل های این عزیزان بوسیله نیروهای امنیتی هنوز موبایل چند تن از این معلمان پس داده نشده است. معلمانی که موبایل شان با زور گرفته و پس داده نشده است به شرح زیر هستند: اسماعیل عبدی فعال صنفی شهرستان اسلامشهر

توفیق مرتضی پور هیات مدیره ی انجمن صنفی معلمان آذربایجان شرقی
محمود دهقان آزاد هیات مدیره ی کانون صنفی معلمان تهران
پیمان نودینیان هیات مدیره ی انجمن صنفی معلمان کردستان
احتمال می رود موبایل معلمان دیگر هنوز در دست برادران باشد.

164- گوشت قرمز 23 درصد گران شد :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ پنجشنبه 18 مهر 87 آمده است : بررسی گزارش های بانک مرکزی از متوسط نرخ خرده فروشی مواد خوراکی در تهران نشان دهنده افزایش 1609 تومانی قیمت هر کیلو گوشت گوسفند با استخوان در نیمه اول مهرماه امسال در مقایسه با مدت مشابه سال قبل است. همچنین در دوره مورد بررسی قیمت هر کیلو گوشت گاو و گوساله بی استخوان نیز 1597 تومان گران تر شده است. بر این اساس مهرماه امسال قیمت گوشت قرمز در مقایسه با ابتدای پاییز سال گذشته به طور متوسط 23 درصد رشد داشته است. ...

بر اساس این گزارش نرخ این اقلام در مقایسه با ماه قبل نیز به ترتیب یک و 2/3 درصد رشد داشته است. همچنین در هفته مورد گزارش، متوسط قیمت گوشت گوسفند با استخوان در فروشگاه های شهر 8833 تومان اعلام شده ضمن اینکه متوسط قیمت گوشت گاو و گوساله نیز در این فروشگاه ها 8491 تومان بوده است. گزارش خبرنگار ما از بازار گوشت قرمز حاکی از افزایش 500 تا 800 تومانی نرخ هر کیلو از انواع گوشت گوسفندی، گاو و گوساله طی یک هفته گذشته است به طوری که طی این مدت هر کیلو گوشت گوسفند در فروشگاه های شهر با قیمت هایی از 8500 تا 9000 تومان و گوشت گاو و گوساله نیز کیلویی 8000 تا بیش از 9000 تومان عرضه شده است.

بر اساس این گزارش قیمت انواع گوشت قرمز در مناطق مختلف شهر تهران یکسان نبوده و در برخی مناطق شمال شهر این نرخ حتی به کیلویی 12 هزار تومان نیز می رسد....

رئیس اتحادیه فروشندگان گوشت گوسفندی در این رابطه به «سرمایه» گفت: «در حال حاضر قیمت بارکرد هر کیلو گوشت گوسفند 7000 تا 7600 تومان است، اما 10 درصد افت گوشت تا رسیدن به مغازه موجب افزایش قیمت فروش گوشت می شود.»

کاظم صمدی یادآور شد: «در چنین شرایطی هر کیلو گوشت با سود هشت تا 10 درصد توسط واحدهای صنفی عرضه می شود.»

صمدی همچنین در پیش بینی وضعیت آینده بازار گوشت گوسفند گفت: «به دلیل خشکسالی و همچنین کمبود علوفه و به تبع آن کشتار زود هنگام گوسفندان قیمت گوشت قرمز در ماه های آینده افزایش خواهد یافت.» رئیس اتحادیه فروشندگان گوشت گاو نیز از ثبات قیمت گوشت گاو در بازار خبر داد و اظهار کرد: «با وجود پایان یافتن ماه رمضان هنوز قیمت گوشت قرمز تغییری نکرده است. در حال حاضر قیمت عمده فروشی هر کیلو گوشت گوساله 5500 تومان است که این نرخ در خرده فروشی توسط واحدهای صنفی پس از پاک کردن به حدود 9000 تومان افزایش می یابد.» علی خندان رو جوان همچنین به کاهش قیمت علوفه اشاره کرد و گفت: «طی هفته های اخیر قیمت علوفه در بازار کاهش یافته و قیمت جو و یونجه نیز در بازار با روند نزولی روبه رو شده است بنابراین پیش بینی می شود با کاهش قیمت نهاده های دامی، قیمت گوشت قرمز نیز سیر نزولی را طی کند.»...

165- اجتماع اعتراضی کارگران قند بردسیر:

کارگران کارخانه قند بردسیر یک سال تمام است که دستمزدهای خویش را دریافت نکرده اند. کل کارگران در وضعیتی بسیار اسفناک و دردبار به سر می برند و زنان و فرزندان آنان زیر فشار گرسنگی در خطر هلاکت و نیستی قرار گرفته اند. وضعیت اشتغال 150 کارگر این کارخانه در طول یک سال گذشته به صورت تعلیق در آمده و آینده کار آنان به طور کامل نامعلوم و سردرگم است. کارگران می گویند طی این یک سال هر روز و هر هفته به همه نهادهای دولتی رجوع کرده اند. فریاد اعتراض و خشم خویش را در همه جا سر داده اند اما دولت سرمایه داران گوشش بدهکار حرف هیچ کارگری نیست و گرسنگی میلیون ها زن و کودک خانواده های کارگری گوش هیچ سرمایه دار و دولتمرد سرمایه داری را آزار نمی دهد. 150 کارگر قند بردسیر در روز چهارشنبه 17 مهر ساعت 7 صبح همراه با همه زنان و بچه هایشان در محل کارخانه دست به تشکیل اجتماع زدند تا یک بار دیگر فریاد خشم خویش را بر جهنم کارگرسوز سرمایه فرو کوبند. آنان با خشم فریاد می زدند که خواستار بازگشت به کار، تضمین حتمی اشتغال و پرداخت کلیه دستمزدهای یک ساله خویش هستند.

18 مهر 87

166- تعویق 3 ماهه دستمزد کارگران شهرداری « دورود »:

کارگران شهرداری دورود 3 ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. این کارگران در بخش مربوط به فضای سبز کار می کنند و به دلیل تأخیر طولانی دستمزدها با مشکلات حاد معیشتی مواجه هستند. زیر فشار بدهی ها از خرید نیازهای اولیه زندگی به صورت نسیه نیز محروم مانده اند، زیرا هیچ سرمایه دار صاحب مغازه ای غذای نسیه به آنان نمی فروشد. در جهنم سرمایه داری ایران تنها کسانی که مجبورند تنها کالای خویش یعنی نیروی کارشان را به صورت نسیه آن هم 6 ماه به 6 ماه و گاه سال به سال و بیشتر بفروشند خیل عظیم کارگران هستند. کارگران قند بردسیر در طول این مدت بارها دست به اعتراض زده اند. آنان خواستار پرداخت فوری و بی قید و شرط کل دستمزدهای خویش هستند.

18 مهر 87

167- اعتراضات نافرجام رانندگان کامیون در اهواز:

رانندگان کامیون در اهواز پس از روزها مبارزه و اعتراض بدون دستیابی به مطالبات خود به مبارزه خود پایان دادند. حق بازسازی انجمن صنفی و رسیدگی بعدی به تقاضاها ظاهراً کل محتوای توافق بین کامیون داران و عمال دولتی سرمایه را تشکیل می دهد. تشکیل مجدد انجمن صنفی معمولاً بیش از آن که نیاز کارگران باشد احتیاج صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری است. زیرا کار این نوع انجمن ها کنترل مبارزات کارگران، جلوگیری از وقوع اعتصابات، خاموش ساختن صدای اعتراضات و در یک کلام کمک به تأمین و تضمین امنیت سرمایه است. این انجمن ها به وجود می آیند تا از طریق متقاعد ساختن کارگران به قبول شروط کارفرمایان و تمکین به شدت استثمار خویش توسط سرمایه نیاز تهاجم مدام نیروی سرکوب را کم کنند. به همه این دلایل چنین به نظر می رسد که توافق نهادهای دولتی با تشکیل انجمن صنفی چیزی نیست که دستاوردی برای مبارزات کارگران یا گره گشای مشکلات آنان باشد. بخش دوم توافق یعنی وعده رسیدگی ها بعدی نیز عملاً مصداق همان ضرب المثل معروف «به دنبال نخود سیاه فرستادن است». میلیمتر به میلیمتر جهنم سرمایه داری ایران با همین وعده و وعده های صاحبان سرمایه و دولت آن ها فرش شده است. اما هیچ کجا هیچ کارگری با دادن دل به این ترفندها و وعده های دروغین هیچ لقمه نانی برای شکم گرسنه فرزندش به چنگ نیاورده است. معضل کارگران راننده اهواز همچون کوه معضلات همه همزنجیران آن ها در سراسر ایران نه با انجمن صنفی حل می شود و نه در چهارچوب وعده و وعده های دولتمردان دچار هیچ کاهشی می شود. کارگران نیاز به یک سازمانیابی سراسری شورایی برای اعمال قدرت علیه سرمایه داری دارند. تنها از این طریق است که می توانند مطالبات خود را بر کارفرمایان و دولت تحمیل کنند.

18 مهر 87

168- تجمع 500 نفر از اهالی روستای شرف آباد در اتوبان شمالی کرمان:

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 19 مهر 87 : بیش از 500 نفر از اهالی روستای شرف آباد (کرمان) روز پنجشنبه با تجمع در اتوبان شمالی شهر کرمان که یکی از پرترددترین مسیرهای این شهر محسوب می شود، مانع تردد خودروهای عبوری شده و خواستار حضور استاندار کرمان برای پیگیری خواسته هایشان شدند.

ساعت 8 صبح پنجشنبه 18 مهرماه بیش از 500 نفر از اهالی روستای شرف آباد کرمان با حضور در محل اتوبان شمالی شهر کرمان (که مرز این روستا با شهر محسوب می شود) مانع تردد خودروهای عبوری شدند. تجمع کنندگان که نیمی از آنها را زنان تشکیل می دادند همچنین با آتش زدن لاستیک در جاده کرمان- زنگی آباد این جاده را نیز مسدود کردند. تجمع کنندگان دلیل خود از این اقدام را نبود آب آشامیدنی در روستای خود و عدم پیگیری مسوولان ذیربط عنوان می کردند.

انسداد اتوبان شمالی کرمان که سه ساعت ادامه پیدا کرد، در ساعت 11 با گفت و گوی سردار اسحاقی، فرمانده انتظامی استان کرمان پایان یافت اما همچنان جاده کرمان- زنگی آباد مسدود بود و تجمع کنندگان خواستار حضور استاندار کرمان در جمع خود بودند تا اینکه فرماندار کرمان با حضور در میان آنها به وسیله بلندگوی خودروی پلیس با تجمع کنندگان صحبت کرده و به تجمع کنندگان قول پیگیری مشکلاتشان را داد. علی اسماعیلی، فرماندار کرمان با حضور در میان معترضان گفت: اگر طرح هادی روستای شرف آباد کرمان به تصویب برسد همه مشکلات مردم این منطقه حل می شود و ما امیدواریم هرچه سریعتر این طرح به تصویب برسد.

وی افزود: موقتاً 10 تانکر آب را در روستا مستقر می کنیم تا فعلاً مشکل آب آشامیدنی مردم حل شود. فرماندار کرمان با درخواست از تجمع کنندگان برای پایان دادن به تجمع خود تصریح کرد: شما باید خواسته هایتان را از طریق قانون پیگیری کنید و مطمئن باشید مسوولان نیز خواسته ها و مطالبات شما را

پیگیری می‌کنند.
به گزارش خبرنگار ایسنا، تجمع کنندگان ساعت 12 به تجمع خود پایان دادند و کلیه مسیرهای مسدودی توسط آنها بازگشایی شد و اوضاع منطقه به حالت عادی برگشت.
منطقه شرف آباد جزو حاشیه شهر کرمان به حساب می‌آید که زیر نظر دهیاری بوده که متاسفانه ساخت و سازهای غیرقانونی در آن باعث ایجاد مشکلات فراوان شده است.

169- درگیری صدها تن از مردم روستای شرف آباد با نیروهای سرکوب پلیس :

به گزارش سازمان فدائیان (اقلیت) در تاریخ 19 مهر 87 آمده است: صدها تن از مردم تهیدست و زحمتکش روستای شرف آباد، و مناطق اطراف آن در نزدیکی شهر کرمان، روز پنج شنبه در اعتراض به غیربهداشتی بودن و قطع آب این مناطق، در ورودی شهر کرمان، بزرگراه شمالی یک تجمع اعتراض آمیز برپا کردند. آنها بزرگراه شمالی و جاده کرمان- زنگی آباد را مسدود کردند و خواهان رسیدگی فوری به خواست‌های خود شدند. مردم شرف آباد و مناطق اطراف آن که جمعیتی حدود ده هزار نفر را تشکیل می‌دهند، از داشتن آب آشامیدنی محروم‌اند. آنها از آب غیربهداشتی که از چاههای منطقه تامین می‌شود و پر از شن است و حتی برای شستشوی بدن هم مناسب نیست، استفاده می‌کنند که این مسئله باعث شیوع بیماری‌های انگلی و پوستی شده است. همین آب هم به مدت 5 روز قطع گردید و مردم ناگزیر شدند که آب مصرفی خود را از شهر کرمان تامین کنند. اعتراضات مکرر آنها تا کنون به نتیجه‌ای نرسیده بود. لذا تصمیم گرفتند که بزرگراه شمالی و جاده زنگی آباد را ببندند و استاندار را وادارند که برای پاسخگویی به خواست‌هایشان در محل حضور یابد. اما به جای استاندار، نیروهای سرکوب رژیم در محل حضور یافتند و به ضرب و شتم مردم و دستگیری آنها متوسل شدند. مردم نیز متقابلاً با آتش زدن لاستیک و سنگ و چوب با نیروهای سرکوب درگیر شدند. این درگیری‌ها تا عصر ادامه یافت. سرانجام در نتیجه پایداری مردم، فرماندار کرمان در محل حضور یافت و در حالی که جرأت پیاده شدن از ماشین پلیس را هم نداشت، به مردم قول داد که به فوریت تعدادی تانکر آب ارسال شود و هر چه سریعتر طرح آب رسانی به این مناطق به اجرا در آید.

بر طبق اخبار منتشره، روز گذشته نیز گروه‌های دیگری از کارگران کارخانه قند بردسیر که حدود یک سال است در بلاتکلیفی به سر می‌برند و دستمزد خود را دریافت نکرده‌اند، با تجمع و راهپیمایی در کارخانه، خواهان تحقق مطالبات خود و اجرای وعده‌های مقامات شدند. کارگران قند بردسیر تاکنون چندین تجمع اعتراضی در مقابل مراکز دولتی از جمله استانداری کرمان برپا کرده‌اند که به آنها وعده پرداخت دستمزدهای معوقه و ادامه کار داده شده بود. اما تا کنون به این وعده‌ها عمل نشده است.

در حالی که روزانه در ایران میلیاردها تومان حاصل دسترنج کارگران توسط سرمایه‌داران و دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی چپاول می‌شود، کارگران در فقر هولناکی به سر می‌برند، دستمزد آنها مدام به تعویق می‌افتد و توده‌های مردم روستاها و مناطق حاشیه‌نشین شهرها، از نمونه شرف آباد، حتی از داشتن آب آشامیدنی و بهداشتی نیز محروم‌اند.

170- به دنبال اعتراض و اعتصاب گسترده بازاریان، احمدی نژاد دستور توقف اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده را صادر کرد :

به گزارش بی بی سی در تاریخ 19 مهر 87 آمده است: در پی اعتراض برخی از بازاریان در شهرهای مختلف ایران، محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهور این کشور در نامه‌ای به شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد، دستور توقف اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده را صادر کرده است.
اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده هجده روز پیش شروع شده است اما در همین مدت تعدادی از صنعتگران و بازرگانان از دولت خواسته بودند اجرای این طرح را برای مدتی به تأخیر بیندازد.
بر اساس گزارشها، تعدادی از بازاریان اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز، کرمانشاه و تهران در اعتراض به اجرای مالیات بر ارزش افزوده، اعتصاب کرده و بازار چند شهر را تعطیل کرده بودند.
بازاریان نسبت به پرداخت سه درصد مالیات ارزش افزوده اعتراض داشتند و معتقد بودند که آنها فقط با افزایش قیمت می‌توانند این مالیات را بپردازند و این کار باعث کساد بازار خواهد شد چون قدرت خرید مشتریان را کاهش می‌دهد.

از نظر کارشناسان، دولت تبلیغ کافی در زمینه نحوه مالیات‌گیری برای این قانون انجام نداده بود و برای همین هر چه تلاش کرد نتوانست بازاریان معترض را به ادامه اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده قانع کند

و سرانجام در مقابل گسترش سیل اعتراض ها اجرای قانون را به حالت تعلیق درآورد. آقای احمدی نژاد، وزیر اقتصاد را موظف کرده تا در مدت دو ماه برنامه عملیاتی و راهکار مناسب برای اجرای صحیح قانون را تدوین کند.

مدت زمان تعلیق قانون مالیات بر ارزش افزوده مشخص نیست و در نامه آقای احمدی نژاد آمده است که "تا زمان ابلاغ دستور العمل های لازم و تمهید شرایط مناسب، اقدام مربوط به اخذ هر نوع وجوه در اجرای این قانون متوقف خواهد بود."

مزایا و معایب

مالیات بر ارزش افزوده تمامی زنجیره تولید کالا و خدمات را در بر می گیرد و در هر مرحله به نسبت ارزش افزوده ایجاد شده برای کالا و خدمات، مالیات جداگانه دریافت می شود. این روش جایگزین مالیات بر تولید و فروش می شود که مالیات آن به جای محصول نهایی در مراحل مختلف محاسبه و دریافت می شود.

به عقیده کارشناسان، مالیات بر ارزش افزوده می تواند به عادلانه شدن پرداخت مالیات ها کمک کرده و از مالیات مضاعفی که معمولا در روش های دیگر به مصرف کننده نهایی تحمیل می شود، جلوگیری کند. بر اساس قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصرف کنندگان در قبال خرید کالاها و خدمات صورتحساب دریافت می کنند ولی اکنون بسیاری از مشاغل به خصوص مشاغل خرده فروشی امکانات ارائه صورتحساب یا فاکتور فروش را ندارند.

مالیات در این روش سه درصد است که یک و نیم درصد آن مربوط به مالیات بر ارزش افزوده و یک و نیم درصد آن نیز عوارض شهرداری است.

برخی کارشناسان می گویند این روش مالیات ستانی می تواند موجب سالم تر شدن درآمدهای دولت، افزایش سهم مالیات از محل تولیدات داخلی و عادلانه شدن توزیع درآمد شود اما این نگرانی نیز وجود دارد که برقراری این شیوه مالیات ستانی به افزایش تورم بینجامد.

گسترده‌گی قوانین دست و پا گیر اداری، هزینه های بالای وصول، پیچیدگی امور تشخیص و نامعلوم بودن فعالیت های اقتصادی ممکن است این قانون را با مشکل روبرو کند.

در مقابل، کاهش فرار مالیاتی و گسترده‌گی منابع جدید مالیاتی از مهمترین مزایای قانون مالیات بر ارزش افزوده به شمار می رود.

برخی نیز عقیده دارند این شیوه مالیات ستانی توزیع درآمد را عادلانه تر کرده و نقش به سزایی در تعدیل فقر ایفا می کند. زیرا فقرا نسبت به سهمی که در مصرف دارند، مالیات کمتری خواهند پرداخت.

این قانون یکی از قوانین مهم برای اصلاح ساختار اقتصاد کلان ایران به حساب می آید که به شدت بر درآمدهای نفتی متکی است و سهم مالیات در آن بسیار پائین است.

بخش زیادی از فعالیت های اقتصادی در ایران زیر زمینی است و دولت نمی تواند از این فعالیت های اقتصادی مالیات دریافت کند.

دولت امیدوار بود با اجرای این قانون جلوی فرار مالیاتی را گرفته و سهم درآمدهای مالیاتی خود را افزایش دهد اما با اعتراض برخی از بازاریان فعلا اجرای این قانون به تعلیق در آمده است.

171- گرسنگی کارگران کاغذ سازی و ترفند صاحبان سرمایه:

کارخانه کاغذسازی پارس عملاً تعطیل شده است. کارگران 3 ماه است که دستمزد نگرفته اند. گرسنگی و فقر و فلاکت زندگی چند هزار کارگر و خانواده های آن ها را در کام خود فرو برده است. کارگران در

سرگردانی و بلا تکلیفی شدید به سر می برند و سرمایه داران برای جلوگیری از طغیان آنان کثیف ترین ترفندها را برنامه ریزی می کنند. صاحبان سرمایه با قساوت و سنگدلی وصف ناپذیری که فقط شایسته یک سرمایه

دار است شکم گرسنه فرزندان کارگران را به سلاح قلع و قمع جنبش و مبارزات توده های کارگر تبدیل کرده اند. آنان از کارگرانی که زیر فشار بی نانی فرزندانشان مجبورند به هر خفتی تن دهند، می خواهند که در قبال

مقدار اندکی روغن و برنج یا همان چیزی که به « بن کارگری » معروف است علیه همزنجیران خود جاسوسی کنند. سرمایه داران می دانند که کارگران طغیان خواهند کرد. می دانند که خشم و قهر آن ها منفجر خواهد شد و به همین دلیل به هر ترفندی دست می زنند تا شاید زمان انفجار را به تأخیر اندازند. راهی که

جانان سرمایه دار در پیش پای خود قرار داده اند در زمره کثیف ترین و تبهکارانه ترین ترفندها است.

کارگران باید با درایت و هوشیاری خویش این توطئه ها را خنثی کنند. این کار در گرو حرکت متحد و سازمان یافته آنان علیه سرمایه است. چندین هزار کارگر کاغذسازی پارس باید مثل روز بداند که همه راه ها

بسته است و فقط یک راه در پیش روی آن ها است. عریضه نویسی و شکایت هیچ مشکلی را حل نمی کند، و توسل به قانون سرمایه بستن طناب دار برگردن خویش است. تعطیل کارخانه شناس اعمال قدرت از طریق

اعتصاب و خواباندن چرخ تولید را نیز از کارگران سلب کرده است. با راه بندان های صرف و راه پیمایی

های بی ضرر هم هیچ روزه ای به سوی مجبور ساختن سرمایه داران و دولت آن ها به قبول مطالبات، تضمین اشتغال و پرداخت دستمزدهای معوقه باز نمی شود. این راه ها هیچ کدام ما را به مقصد نمی رسانند. ایجاد شورای کارگری، تصرف کارخانه کاغذ سازی پارس و خارج ساختن آن از دست سرمایه داران، تبدیل کارخانه به سنگر مبارزه و مقاومت، برنامه ریزی برای راه انداختن کارخانه توسط شورای کارگری، استمداد از توده کارگران همزنجیر، درخواست از کارگران صنایع و مؤسسات کلیدی سرمایه برای اعمال فشار و قدرت بر صاحبان سرمایه و دولت آن ها، مجبور ساختن دولت به تهیه رایگان مواد خام و مصالح لازم تولید و در یک کلام سازمانیابی یک جنبش نیرومند ضد سرمایه داری با دخالت بیشترین شمار کارگران تنها و تنها راه رسیدن به مقصود است. پیمودن این راه بسیار سخت است، اما همه راه های دیگر بسته اند. چاره ای نیست جز این که برای عبور از این راه دشوار برنامه ریزی کنیم و دست به تدارک بزنیم. فراموش نکنیم که ما در ایران چند ده میلیون و در سراسر جهان چند میلیارد نفر هستیم. سرمایه و تمامی هست و نیست آن با دستمان است که تولید می شود و ما قادریم که سرمایه را از هستی ساقط سازیم و در جهانی عاری از سرمایه و استثمار و طبقات و گرسنگی و فقر و حقارت زندگی کنیم. مبارزه ما برای تحمیل مطالبات مان بر سرمایه گام نخست این راه است. تلاش ما برای سازمانیابی شورایی و سراسری علیه سرمایه داری نیز سلاح و شرط لازم موفقیت ما در هر گام از این مبارزه است. بیابید حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر به صورت شورایی، سراسری و ضد سرمایه داری متشکل شویم.

19 مهر 87

172- تعویق طولانی دستمزد کارگران کارخانه های شیشه و گاز مینا:

کارگران دو کارخانه گاز و شیشه در مجتمع صنعتی مینا مدتی است که دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. یک بخش از حقوق کارگران که زیر نام ساختگی «حق تولید» پرداخت می شود 3 ماه است که به تعویق افتاده و بخش دیگر آن نیز بیش از 2 ماه است که به دست کارگران نرسیده است. کارگران کارخانه های شیشه و گاز مینا در استخدام شرکت های آدم فروشی موسوم به «پیمانکاری» هستند. شرکت پیمانکار چند ماه پیش شمار قابل توجهی از کارگران را بر پایه مصالح سوداندوزی بیشتر خود اخراج کرد و اکنون با گذشت بیشتر از دو ماه حتی دستمزدهای گذشته این کارگران اخراجی را نیز پرداخت نکرده است. کارگران بارها علیه جنایات سرمایه داران صاحب بنگاه و تعویق مکرر دستمزدهای خود اعتراض کرده و دست به مبارزه زده اند. اما این اعتراضات و شکایات همه وقت با دخالت دولت سرمایه داران به زیان کارگران و به نفع صاحبان سرمایه پایان یافته است.

19 مهر 87

173- اخراج 363 هزار افغان از ایران در سال گذشته:

به گزارش بخش فارسی بی بی سی در تاریخ 19 مهر 87: سرتیپ قاسم رضایی فرمانده مرزبانی نیروی انتظامی گفته است در سال گذشته 363 هزار تبعه افغان از ایران اخراج شده اند. به گفته آقای رضایی، تعداد اتباع خارجی اخراج شده در سال گذشته کاهش یافته و دلیل آن "کم شدن جدیت اخراج اتباع بیگانه از سوی دولت است." به گفته فرمانده مرزبانی ایران، این نیرو در سال گذشته، بیشتر از 46 هزار نفر از اتباع خارجی غیرمجاز را که در صدد ورود به ایران بودند، دستگیر کرده است. بر اساس گزارش آقای رضایی، در همین مدت، بیشتر از چهار هزار نفر از اتباع غیر مجاز نیز که در حال خروج غیرقانونی از مرز بودند، به وسیله نیروهای مرزبانی دستگیر شده اند. ایران در چند سال اخیر سعی کرده تا موانعی را در مرزهای خود به خصوص در مرزهای شرقی با افغانستان و پاکستان برای جلوگیری از ورود مواد مخدر و ورود غیرقانونی اتباع خارجی ایجاد کند. این کشور سرگرم حفر کانالی عمیق در بخشی از مرزهای شرقی این کشور است که امکان عبور خودرو و افراد بدون تجهیزات از آن وجود نخواهد داشت. ایران هم اکنون مشغول دیوارکشی بخشی از مرز خود در منطقه زابل در سیستان و بلوچستان است که به گفته رئیس پلیس مرزبانی، بزرگترین منطقه ورود "مواد مخدر، قاچاق انسان و قاچاق سوخت" است. راههای زمینی این منطقه سیصد کیلومتری با دیوارهای طولانی، کانال و خاکریز بسته می شود و از طریق تجهیزات راداری و 90 برجک نگهداری این منطقه کنترل خواهد شد. به گفته آقای رضایی، هزینه دیوارکشی هر کیلومتر از مرزهای مشترک ایران و افغانستان 400 میلیون تومان است اما بودجه ای که برای این کار اختصاص داده شده، بسیار کم است. در سال جاری مجلس 103 میلیارد تومان برای کنترل مرزها پیش بینی کرده اما برآورد پلیس مرزبانی ایران

در مرزهای جنوب شرق بیش از 300 میلیارد تومان است. بر اساس این طرح، در بخشی از مرزهای غربی ایران در مرز عراق نیز طرح انسداد مرزها در دست اجراست. این طرح، شامل احداث دیوارهای بتنی، احداث کانال، نصب سیم خاردار و ایجاد ایستگاههای نگهبانی است. بودجه مورد نیاز برای بستن کامل مرزها سه هزار میلیارد تومان (معادل سه میلیارد و سیصد میلیون دلار) برآورد شده و فرمانده پلیس مرزبانی ایران ابراز امیدواری کرده که تا شش سال دیگر این بودجه در اختیار پلیس مرزبانی قرار بگیرد. وظیفه پلیس مرزبانی

پلیس مرزبانی که کنترل مرز را بر عهده دارد، در سال گذشته بیشتر از 32 تن مواد مخدر، هزار و 344 قبضه سلاح و 800 هزار بطری مشروبات الکلی کشف کرده است. یکی از بخش های مهم طرح کنترل مرزها، افزایش تعداد نیروهای مرزبانی و امکانات کنترل مرزی است. نیروی انتظامی به دنبال افزایش شمار نیروهای مرزبانی به چهل هزار نفر است. ایران حدود 8700 کیلومتر مرز آبی و خاکی دارد که حدود 3200 کیلومتر آن مرز آبی و بقیه خاکی است و به گفته کارشناسان کنترل این حجم مرز آبی و خاکی بسیار دشوار است. با وجود تلاش های گسترده برای کنترل مرزها به خصوص مرزهای شرقی، حجم قاچاق مواد مخدر از طریق مرز ایران با افغانستان و پاکستان همچنان بالاست و بر اساس گزارشها تعدادی زیادی از اتباع افغانستان به صورت غیر قانونی و دور از چشم نیروهای مرزبانی وارد ایران می شوند. سرتیپ اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی در یک گفتگوی تلویزیونی گفته است: "در شش ماه اول سال جاری، 370 تن مواد مخدر در کشور کشف کرده ایم که رقم عجیب و غریبی است."

174- داستان لاستیک البرز و امید درس آموزی کارگران:

سرانجام پرده ها کنار رفت و رازی که برای عده ای سر به مهر می نمود از پرده برون افتاد. اکنون دیگر همه چیز روشن شده است. سرمایه داران لاستیک البرز با هیچ نوع کمبود نقدینگی مواجه نبوده اند. هیچ گونه مشکل مالی نداشته اند. بازار فروش آن ها از بالاترین سطح رونق برخوردار بوده و از همه آنچه که لازمه سوداندوزی کلان و کلان تر است به اندازه کافی نصیب داشته اند. اسرار مکشوفه به این جا محدود نمی شود. روشن شد که همه نهادهای دولتی سرمایه به کل مسائل کارخانه بسیار بهتر و دقیق تر از خود سرمایه داران واقف بوده اند. معلوم شد که همه چیز ترفند و توطئه و وارونه پردازی بوده است. باز هم ادامه دهیم. معلوم شد که بحث انتقال کارخانه از مالکیت صاحبان خصوصی به دولتی فقط حلقه ای از زنجیره سراسری ترفندها است. معلوم شد که کارگران به رغم تمامی هشیاری و بیداری باز هم از شناخت سیره و سنت و رسم کار سرمایه قاصر بوده اند و بالاخره معلوم شد که ما حقیقت مسئله را می گفتیم. ماجرا از این قرار است: در طول مدتی که مبارزات کارگران جریان داشته است، سرمایه داران صاحب کارخانه لاستیک البرز دست به کار سرمایه گذاری در کشور چین، تأسیس کارخانه لاستیک البرز در چین، برنامه ریزی استثمار کارگر چینی، تهیه لاستیک های ارزان تر، صادر کردن لاستیک ها به بازار داخلی ایران و کسب سودهای بسیار طلایی تر و انبوه تر در قیاس با تولید در کارخانه کنونی لاستیک سازی بوده اند. آنان در طی این مدت برنامه های خود را پیش برده اند. تمامی امور اداری و قانونی و کسب مجوز و تصمیم گیری های دولتی آن را پشت سر نهاده اند. سرمایه داران در طول این مدت کل سرمایه و دار و ندار کارخانه با همان حاصل کار و استثمار توده های کارگر عاصی در حال مبارزه را نیز از کارخانه کنونی خارج و به سرمایه گذاری انبوه در کشور چین پیوند زده اند. آری، در همان روزهایی که کارگران لاستیک البرز در راه بندها، اعتصاب ها و تحصن جلو مجلس و وزارت کار خواستار پرداخت حقوق معوقه و انتقال مالکیت کارخانه از سرمایه داران خصوصی به دولتی بودند، سرمایه داران همه ترفندهای بالا را باتیانی دولت سرمایه علیه کارگران به اجرا نهاده اند. اکنون جا دارد که ما یک بار دیگر این سؤال را تکرار کنیم: آیا وقت آن نرسیده است که به جای مبارزه با دست خالی با دست پر بجنگیم، کارخانه را تصرف کنیم، علیه انتقال سرمایه ها به کشور چین مبارزه کنیم، به سرمایه داران اخطار کنیم که حق انتقال هیچ ریالی از حاصل کار و استثمار ما را به جاهای دیگر ندارند و خودشان می توانند بدون سرمایه های حاصل استثمار ما گور خود را گم کنند و به هر کجا که می خواهند بروند؟ آیا وقت آن نرسیده است که شورای ضد سرمایه داری خویش را سازمان دهیم و همراه با همه توده های همزنجیر دولت سرمایه داری را مجبور کنیم که تمام وسائل و لوازم چرخه تولید را به صورت رایگان در اختیار ما قرار دهد. به نظر ما برای این کار حتی دیر هم شده است. اما ماهی را هر وقت از آب بگیریم تازه است، و مبارزه طبقاتی آگاهانه و متشکل با هر تأخیری امر اجباری و حیاتی ما است.

19 مهر 87

175-

در نشست فقر، نابرابری و کودکان عنوان شد:

افزایش نگران کننده تعداد کودکان کار

گروه اجتماعی، الناز محمدی؛ «فقر، نابرابری و کودکان» از جمله مسائلی بود که امسال در روز جهانی کودک و در کنار دیگر مسائلی چون کودک آزاری، تبعیض‌های حقوقی و کودکان کار، به آنها پرداخته شد. غروب چهارشنبه‌ی که گذشت، مراسمی با همین عنوان در حسینیه ارشاد برگزار شد که پژوهشگران اجتماعی و فعالان حقوق کودک در آن مشارکت داشتند. این مراسم که از سوی انجمن حمایت از حقوق کودکان ترتیب داده شده بود، در حالی برگزار شد که در آستانه روز کودک، آمارهای مختلفی مبنی بر افزایش کودک آزاری و تعداد کودکان کار در ایران نسبت به سال‌های گذشته منتشر شد، به طوری که طبق آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، در سال 85، از مجموع 13 میلیون و 253 هزار کودک رده سنی 10 تا 18 سال، سه میلیون و 600 هزار کودک، خارج از چرخه تحصیل و یک میلیون و 700 هزار کودک به صورت مستقیم درگیر کار بوده‌اند و از این تعداد یک میلیون و 670 هزار در گروه کودکان کار کشور بودند که 3/19 درصد آنها پسر (یک میلیون و 300 هزار نفر) و 8/5 درصد (370 هزار نفر) را دختران 10 تا 18 سال تشکیل داده‌اند. در کنار این اعداد باید آمار جهانی یونیسف را نیز مورد توجه قرار داد که طبق آن حدود 250 تا 260 میلیون کودک کار در سراسر جهان وجود دارد. هرچند آمارهایی که هر از چند گاه از سوی سازمان‌ها و انجمن‌های مربوط به کودکان در مورد به کار گماشتن آنان در خیابان‌ها و آزار و اذیت ارائه می‌شود، به روز نیست و گاهی اوقات یافتن آمار دقیق چنین مسائلی به دلیل وجود کار در منزل و کارگاه‌های مخفی زیرزمینی در ایران مشکل به نظر می‌رسد، ولی بیشتر فعالان حقوق کودکان بر این مساله توافق دارند که در حال حاضر حدود یک میلیون و 800 هزار کودک کار در کشور وجود دارد که باید هرچه سریع‌تر نسبت به کاهش این رقم و رساندن کودکان به حق و حقوق‌شان اقدامات لازم انجام گیرد. این در حالی است که با توجه به اینکه در پیمان نامه حقوق کودکان، به کارگیری کودکان در مشاغل سخت و همچنین استثمار آنان ممنوع است، این پیمان نامه همه سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و غیردولتی را ملزم به رعایت حقوق کودکان، به ویژه کودکان آسیب دیده مانند کودکان کار و خیابان کرده است. اما تقریباً در تمامی جوامع حقوق کودکان که نباید به چرخه کار و بهره‌کشی وارد شوند، نادیده گرفته می‌شود. فقر کودکان و اثراتی که نابرابری اجتماعی بر این مساله می‌گذارد از جمله مسائلی است که این روزها کارشناسان مختلف با انجام پژوهش‌های گوناگون به آن می‌پردازند.

«فرشید یزدانی» مدیر عامل انجمن حمایت از حقوق کودکان در نشست فقر، نابرابری و کودکان در روز جهانی کودک، با بیان اینکه هدف این نشست تبیین جنبه‌های مختلف فقر کودکان و تاثیر آن در زندگی حال و آینده کودکان و جامعه است، گفت: «افزایش تعداد کودکان کار در سال‌های گذشته و به وجود آمدن پدیده‌ی بی‌نام کودک فقر، از مسائلی است که توجه و رسیدگی به آن از الزامات است و باید توجه کنیم که وجود یک میلیون و 800 هزار کودک کار در کشور، یک پدیده تاسف‌آور است.» در ادامه این نشست، «فاطمه قاسم زاده» روانشناس و عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان، به بیان شباهت‌های فقر و نابرابری پرداخت؛ «در برخی موارد ریشه نابرابری را در فقر می‌دانند، اما باید گفت ویژگی‌هایی که فقر و نابرابری دارد تاثیرهای زیانباری بر کودکان و جامعه می‌گذارد و وظیفه ما مبارزه با فقر و از بین بردن ساختارهایی است که فقر را تولید و بازتولید می‌کنند.» قاسم زاده در ادامه گفت: «طبق تحقیقی که سازمان بهداشت جهانی انجام داده است، فقر و بی‌عدالتی تاثیرهای زیانباری بر سلامت افراد می‌گذارد و باعث مرگ زودرس افراد می‌شود، به طوری که براساس آمار، احتمال مرگ زنان بارداری که در شرایط فقر وجود ندارند، یک در 17 هزار و 400 نفر است. در حالی که این آمار در مورد زنان بارداری که فقیر هستند یک در هشت نفر است. آمارها نشان می‌دهد بین فقر و بی‌عدالتی با زنده بودن افراد و نه حتی سلامتی آنان رابطه مستقیمی وجود دارد.»

این روانشناس رشد در ادامه به ارائه نتایج تحقیق‌های مختلفی که در حوزه کودکان کار در تهران صورت گرفته است، پرداخت؛ «در مورد وضعیت کودکان کار در تهران باید گفت این کودکان بار فقری بزرگ را بر دوش می‌کشند و نتایج یک تحقیق در این مورد نشان می‌دهد این افراد در تمامی زمینه‌ها از جمله رشد شناختی و رشد اجتماعی دارای مشکلات فراوانند و باید به این موارد بدرفتاری، پرخاشگری و محرومیت از آموزش درست را نیز افزود.» دکتر «جباری» مدرس دانشگاه و عضو هیات علمی انجمن حمایت از کودکان در ادامه با بیان اینکه نگاه به فقر کودکان و بزرگسالان نباید به صورت یکسان باشد، گفت: «کودکان دارای شرایط جسمی و روحی متفاوتی هستند و فردی که نیازمند به دیگران است و برای بقای خود نمی‌تواند از خود دفاع کند، شرایطش با بزرگسالان متفاوت است، بعضی آسیب‌هایی که به کودکان وارد می‌شود جبران‌ناپذیر است و شرایط فقیرانه‌ی بی‌که کودک در آن بزرگ می‌شود، پیامدهای شدیدی را بر او تحمیل می‌کند.»

جباري ادامه داد؛ «کودکان فقیر، کودکانی هستند مملو از محرومیت های اجتماعی که از آنها رنج می برند و این محرومیت ها زیان های بسیاری را به آنها و حقوق شان وارد می کند که محرومیت غذایی، امکانات بهداشتی، نداشتن سرپناه، آموزش و اطلاعات از جمله آنهاست.»

وی در ادامه، کودکانی که در شرایط بد بهداشتی، آموزشی و اطلاعاتی گرفتار هستند را کودکان فقیر دانست؛ «ما نیازمند نگاه جامعه به مساله فقر کودکان هستیم و نابرابری و فقر را مبنای سیاستگذاری ها قرار می دهیم تا فقر تولید نکنیم بلکه از به وجود آمدن آن جلوگیری کنیم و این وظیفه دولت ها و البته سازمان های غیردولتی است که هرچه بیشتر زمینه های ریشه کن کردن فقر و نابرابری کودکان را از بین ببرند.»

میزگردی با رویکرد حقوقی فقر کودکان، از دیگر مراسم بود که در این نشست و با حضور «سعید مدنی» پژوهشگر مسائل اجتماعی و دکتر «قراچورلو» وکیل و دکتر «دادخواه» حقوقدان برگزار شد. مدنی در این میزگرد گفت؛ «رفاه افراد جامعه شامل کار، مراقبت های پزشکی، مسکن و خدمات اجتماعی است. در اصل سوم قانون اساسی هم به صراحت تاکید شده برای رسیدن به جامعه ایده آل باید ستادی تشکیل شده و هرگونه فقری را از بین ببرد و این تعهدی است که حدود 30 سال پیش در مسیر کار نظام قرار گرفته است. اما گزارش هایی که در سال های اخیر منتشر شده، نشان می دهد سمت و سویی که در این سال ها طی شده با آنچه که در قانون اساسی آمده، هماهنگی نداشته است، بلکه بنا بر آمار، تعداد افراد زیر خط فقر مطلق نیز افزایش پیدا کرده است، به طوری که بنا بر گزارش بانک مرکزی حدود 15 درصد از جمعیت جامعه زیر خط فقر مطلق قرار دارند.» مدنی با ابراز نگرانی از وضعیت تورم در کشور افزود؛ «وضعیت نابرابری و فاصله طبقاتی در ایران تاسف آور است، به طوری که از یک سو جمعیتی وجود دارد که درآمد کافی برای برطرف کردن نیازهای اساسی خود ندارد و از سوی دیگر جمعیتی وجود دارد که کاملاً در وضعیت ایده آلی به سر می برند.» وی ادامه داد؛ «بنا بر تحقیقی که به تازگی انجام شده است، 10 درصد جمعیت ثروتمند جامعه، بارها بیشتر از بقیه جامعه هزینه می کنند و وضعیت کودکان خانواده های فقیر تاسف آور است، به طوری که این کودکان در حوزه های آموزش، تغذیه و بهداشت، وضعیت بسیار بدی دارند.»

دکتر رزا قراچورلو در ادامه با بیان اینکه بین فقر و خشونت در کودکان رابطه مستقیمی وجود دارد، گفت؛ «فقر عامل بسیاری از ناهنجاری ها مانند تجاوز است، هنگامی که کودک حق شکایت از فردی که به او تجاوز کرده را ندارد و تنها ولی یا قیم او می تواند اعتراض کند، چطور می توانیم توقع داشته باشیم مشکلات دیگری برای او به وجود نیاید، چرا که در برخی از شرایط هم، ولی یا قیم کودکان هستند که به آنها تجاوز می کنند.» قراچورلو تاکید کرد؛ «اگرچه طبق قانون کار مصوب سال 69 و در مواد 79 تا 86 بر ممنوعیت به کارگماشتن کودکان زیر 15 سال تاکید شده است ولی ما همچنان شاهد کار کردن کودکان در خیابان ها و کارگاه های زیرزمینی هستیم که این مساله گاه تقصیر کارفرما است و گاه خود کودکان به خاطر امرار معاش مجبور به انجام دادن کار های سخت و زیانبار هستند.»

دادخواه وکیل دادگستری در ادامه این میزگرد گفت؛ «به استناد ماده 27 کنوانسیون وین، هیچ دولتی نمی تواند به تعهدات بین المللی و به استناد قوانین داخلی خود عمل نکند. در حالی که ما شاهدیم ایران با پذیرش کنوانسیون حقوق کودک نتوانسته چندان در عمل، عدالت را در مورد کودکان رعایت کند. به طور مثال ما 50 سال پیش دادگاه ویژه اطفال داشته ایم ولی امروز جای این دادگاه در نظام قضایی ما بسیار خالی است، به طوری که یک کودک دختر 8/5 ساله همانند یک زن 50ساله در دادگاه ها محاکمه می شود چون مبنای این حکم را سن بلوغ شرعی می داند، به طوری که در پیمان نامه حقوق کودک، این سن صراحتاً 15 سال اعلام شده است.» دادخواه در ادامه تاکید کرد؛ «جامعه بی می تواند مهربان باشد که دچار فقر و شکاف فاحش طبقاتی نباشد، تکلیف حکومتگران ایجاد امنیت است و تا زمانی که امنیت وجود نداشته باشد فرهنگ امکان رشد و تعالی نخواهد داشت.»

بر گرفته از : سایت اعتماد شنبه، 20 مهر 1387 - شماره 1791

<http://www.etemaad.com/Released/87-07-20/213.htm#117230>

176- هزینه ماهانه زندگی ثروتمندان 19 برابر فقیران کشور/بی حقی کودکان در ایران و تاثیر آن بر کودکان آسیب دیده :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ 20 مهر 87. مهرزاد غنی پور
، هزینه های ماهانه ثروتمندترین افراد جامعه 19 برابر بیشتر از فقیرترین اقشار جامعه است. این نکته ای بود
که سعید مدنی، کارشناس رفاه اجتماعی در همایش فقر، نابرابری و کودکان، که عصر روز چهارشنبه به
مناسبت روز جهانی کودک در حسینیه ارشاد برگزار شده بود به آن اشاره کرد. به گفته او 10 درصد
ثروتمندترین افراد جامعه نسبت به 10 درصد فقیرترین اقشار هزینه های ماهانه بیشتری دارند. او در ادامه
گفت: رتبه ایران در خاورمیانه از لحاظ تورم، اول است و ایران به لحاظ تورم پنجمین کشور دنیاست.
مدنی ادامه داد: در شرایطی که ما در کشورمان تورم 20 درصدی داریم باید گفت حتی وضعیت کشورهای
عربی همسایه از نظر تورم از ما بهتر است به طوری که نرخ تورم در قطر 12 درصد و در بحرین 3/3
درصد است.

او با اشاره به اینکه هزینه های ماهانه زندگی 20 درصد ثروتمندترین افراد جامعه 11 برابر هزینه های
ماهانه زندگی 20 درصد فقیرترین افراد جامعه است، گفت: در این شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی
کودکانی که در خانواده های فقیر به سر می برند شرایط بدتری از لحاظ آموزش و تغذیه دارند به طوری که
هنوز مساله سوءتغذیه و کوتاهی قد و کمبود وزن در بعضی استان ها از جمله سیستان و بلوچستان، کردستان
و خرم آباد بسیار جدی است.

قاسم زاده روانشناس و عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان نیز از دیگر سخنرانان این همایش بود که به
بررسی روان شناختی فقر کودکان اشاره کرد و گفت: فقر و بی عدالتی تاثیرات زیانباری بر سلامت افراد می
گذارد و سبب کوتاهی عمر و مرگ زودرس آنها می شود برای مثال احتمال مرگ مادر باردار در سوئد یک
در 17 هزار و 400 نفر است در حالی که احتمال مرگ مادر باردار در افغانستان یک در هشت نفر است.
او در ادامه گفت: براساس پژوهش ها وضعیت سلامت افراد جامعه کمتر به عوامل ژنتیکی و بیولوژیکی
بستگی دارد و در مقابل عوامل اجتماعی از جمله فقر و بی عدالتی است که بیشترین تاثیر را در سلامت افراد
دارد.

قاسم زاده ادامه داد: براساس پژوهش های مرکز تحقیقات فقر مزمن در لندن پنج عامل در فقر تاثیرگذارند که
عبارت از ناامنی، محدود کردن شهروندان و نبود دموکراسی، توزیع نابرابر فضا و امکانات، تبعیض های
اجتماعی و نابرابری و فرصت های اندک شغلی است.

این روانشناس در ادامه به تحقیقی که بر کودکان کار و خیابان در تهران بین سال های 80 تا 85 انجام شده،
اشاره کرد: فقر آثار زیانباری بر رشد و سلامت کودکان می گذارد و کودکان کار معمولاً دچار مشکلاتی از
جمله کاهش قد و کمبود وزن هستند. آنها در معرض انواع بدرفتاری ها، سوءاستفاده ها و بی محبتی ها قرار
دارند که سبب ایجاد خصوصیت انتقام گیری، پرخاشگری و تخریب در آنها می شود. این کودکان در محیط
های ناامن زندگی می کنند و محیط سالمی برای ایجاد ارتباط ندارند و از الگوی خوب چه هم سال و چه
بزرگسال محرومند.

جباری جامعه شناس و استاد دانشگاه به عنوان دیگر سخنران این همایش به موضوع فقر کودکان از منظر
جامعه شناسی پرداخت و گفت: فقر فقط برای خانوار تعریف شده در حالی که فقر کودک مقوله ای جداساز است که
از آن غفلت شده است.

او در ادامه گفت: فقر تنها به معنی نداشتن سطح خاصی از درآمد نیست بلکه امروزه نداشتن قابلیت های
آموزشی و اساسی هم فقر محسوب می شود. ممکن است کودک کار با تلاش خود ماهانه 300 هزار تومان
درآمد برای خانواده اش کسب کند اما او با گذاشتن این زمان، فرصت درس خواندن و به دست آوردن بسیاری
از قابلیت ها را از دست می دهد. او چون آموزش ندیده اعتمادبه نفس ندارد و ناچار می شود که انزوا را
تجربه کند. او نمی تواند چانه زنی کند و مجبور به تحمل شرایط استثمارگرانه خواهد بود.

کودکان در ایران حق شکایت ندارند

رزا قراچورلو حقوقدان هم از رویکرد حقوقی به فقر کودکان پرداخت: کودکان در ایران حق طرح شکایت
ندارند و حتی اگر در خانه و از طرف نزدیک ترین افراد مورد تجاوز قرار گیرند باز نمی توانند طرح
شکایت کنند و فقط ولی یا قیم که گاهی خودش عامل تجاوز بوده چنین حقی را دارد.

قراچورلو در ادامه گفت: براساس قانون کار سال 1369 کودک زیر 15 سال نباید در کارگاه ها به کار
گماشته شود که در این صورت پروانه کسب کارفرما لغو می شود اما در عمل چنین کودکانی را در بازار کار
می بینیم که یا کارفرما آنها را به کار گرفته یا کودک به خاطر فقر و نیاز خود اصرار به کار کردن دارد. او
به ممنوعیت استخدام افراد زیر 12 سال در کارگاه های فرش بافی هم اشاره کرد و گفت: اما در مناطق
محروم کودکان بسیاری هستند که به خاطر فقر خود مایلند تا در این کارگاه ها فرش ببافند.
او همچنین معتقد است کودک در قوانین همچون کالا در نظر گرفته شده و براساس ماده 220 قانون مجازات

اسلامی اگر پدری کودکش را به قتل برساند، قصاص نمی شود. قراچورلو در ادامه گفت: اگر کودکی قربانی اعمال منافی عفت از جمله زنا و لواط قرار گیرد به جای حمایت از کودک مجازات شخص زانی کمتر می شود چرا که با یک فرد نابالغ زنا انجام داده و مجازاتش فقط 100 ضربه شلاق است.

در ادامه این همایش محمدعلی دادخواه حقوقدان نیز درباره حقوق کودکان گفت: 50 سال پیش ما در ایران دادگاه ویژه اطفال داشتیم و کودکان در آن دادگاه محاکمه می شدند اما اکنون به جای ترقی، به عقب گام برداشته ایم و در حال حاضر کودک 8/5 ساله دختر همانند یک زن 45 ساله محاکمه می شود چرا که مبنای بر بلوغ شرعی است.

او در ادامه گفت: این خودفریبی است که بگوییم ما در ایران افراد کمتر از 18 سال را اعدام نمی کنیم در حالی که محکوم را در زندان نگه می داریم تا به 18 سالگی برسد و بعد او را اعدام کنیم.

بگذاریم کودکان بدون دخالت ما کودکی خود را بگذرانند

در ادامه این همایش از علی اشرف درویشیان نویسنده و داستان نویس پیشکسوت ایرانی به عنوان حامی حقوق کودکان تقدیر شد. او در حالی که بر صندلی چرخدار نشسته بود و با کمک چهار جوان به بالای سکو آمد از خاطرات کودکی و رنج های خود در آن دوران گفت: به همه ما در دوران کودکی و نوجوانی توهین های بسیاری شده، به یاد می آورم زمانی که خردادماه مدرسه تعطیل شد و من به دنبال استاد بنا رفتم تا به من کاری یاد بدهد اما او عذر آورد که کار به زیر سقف رسیده و تو انگار از پارسال هم کوچک تر شده ای و نمی توانی خشت و آجر را تا آن ارتفاع بیندازی. اشک در چشم هایم جمع شد اما او بالاخره قبول کرد و به دنبالش به خانه ای قدیمی در جنوب شهر کرمان رفتم؛ جایی که زیر هر خشت، 20 عقرب می جنبید. من پایین روی کلوخ هایی که زیرپا فرو می رفتند ایستاده بودم و استاد بنا بالای دیوار خشت ها را با دست آماده می کرد و بالا می انداختم. خشت ها خار و تیغ و خرده شیشه داشت و دستمان را می برید و من تلاش می کردم تا خشت ها را حتی از سر استاد هم بالاتر بیندازم. زمانی که یکی از خشت ها را بالا انداختم استاد برای گرفتن آن خشت پایش تکان خورد و نزدیک بود که بیفتد، فحش رکیکی به من داد و فردای آن روز به من گفت امروز شاگرد دارم و بهتر است که بروی در میدان شهرداری بنشین.

جواب شدن از سوی استاد بنا تلخ ترین حادثه زندگی علی اشرف درویشیان بود. او گفت: همه ما در کودکی خود توهین هایی را تحمل کرده ایم.

او در ادامه گفت: صمد بهرنگی اولین نویسنده ای بود که توجه جدی به کودک کرد و پیش از آن توجهی به کودک نمی شد اما بهرنگی توانست قشر فرودست جامعه را مطرح کند.

درویشیان از توقیف دوچرخه، ضمیمه روزنامه همشهری هم ابراز تأسف کرد و گفت: باید می دیدید قیافه نوجوانی را که ضمیمه دوچرخه را می خواست و دکه دار به او گفت که دیگر این ضمیمه در نمی آید.

مشکلات کودک ایرانی بیشتر شده است

در ادامه این همایش بیانیه ای هم از سوی انجمن حمایت از حقوق کودکان به مناسبت روز جهانی کودک صادر شد که در بخشی از آن آمده است: نظام آموزشی ایران در کشاکش رفت و آمد مردان سیاست حتی نتوانسته امکانات لازم را برای آموزش عمومی همه کودکان ایران فراهم کند. هنوز تعداد زیادی از کودکان در شهرها و روستاهای ایران به حداقل نیازهای سلامت و بهداشت دسترسی ندارند و حیات کودکان ما در سیستان و بلوچستان، لرستان و کردستان و بسیاری از مناطق دیگر از سوی انواع بیماری ها تهدید می شود. هنوز کودکان بسیاری در معرض روز افزون انواع خشونت ها از سوی بزرگسالان قرار می گیرند و اخبار کودک آزاری ها از سراسر کشور به ویژه شنیع ترین آنها یعنی آزار جنسی منتشر می شود. هنوز نظام حقوقی بزرگسال مدار مجازات هایی خشن را به کودکان مجرم تحمیل می کند و تعدادی از آنها را تا رسیدن به چوبه دار تا 18 سالگی به انتظار مرگ در زندان ها محبوس می کند.

177- راهپیمایی و تجمع کارگران فرش غرب بافت و پرریس در مقابل اداره کارسندج :

دنبال مجمع عمومی مشترک نماینده های کارگران فرش غرب بافت و پرریس در مورخه 87/7/17 و اتحاد تصمیم در آن برای تشدید اعتراض متحدانه به آراء صادره از سوی اداره کار سندج، امروز شنبه بیستم مهر ماه این کارگران از ساعت 9 صبح تا 12 ظهر در مقابل اداره کار سندج دست به تجمع زدند.

در تجمع امروز، کارگران غرب بافت به همراه خانواده های خود از چهار راه ادب به طرف اداره کار راهپیمایی کرده و در آنجا به کارگران پرریس پیوستند. این کارگران و خانواده های آنها در طول مسیر راهپیمایی پلاکاردهایی در اعتراض به اداره کار سندج بدست گرفته بودند و تا آخرین دقایق تجمع پلاکاردهای خود را در دست داشتند.

شرکت همسران کارگران فرش غرب بافت در تجمع و راهپیمایی آنان از چهار راه ادب به سوی اداره کار و همچنین پلاکاردهای متفاوتی که امروز این کارگران بدست گرفته بودند باعث شد تا توجه افکار عمومی در سطح شهر بیش از پیش به اعتراضات آنان جلب شود. همین امر باعث حضور بیشتر نیروهای انتظامی و امنیتی نیز در محل تجمع شده بود.

بنا بر اظهار کارگران در تجمع امروز اغلب نیروهای انتظامی با کارگران ابراز همدردی میکردند و به جز چند مورد پاک کردن گوشیهای حاوی عکس های گرفته شده از تجمع، تنش خاصی پیش نیامد. همچنین برخی از نیروهای امنیتی اظهارات کارگران را در مورد تبنانی اداره کار سندج با کارفرمایان یادداشت میکردند و سه نفر نیز از خبرنگاران صدا و سیمای استان برای تهیه گزارش در این تجمع حضور پیدا کرده بودند.

کارگران فرش غرب بافت و پرریس در تجمع امروز خود پارچه نوشته و پلاکاردهایی را با عناوین زیر بدست گرفته بودند:

اسدی استعفا، استعفا(رئیس اداره کار سندج) – هیئت حل اختلاف حامی کارفرماست – اداره کار سندج حامی کارفرمایان است – کار، معیشت، زندگی حق مسلم ماست – چه کسی جوابگوی تحصیل بچه های ما کارگران است- اداره کار عدالت عدالت- آیا کارگر حق زندگی ندارد، آیا کارگر انسان نیست – قرارداد موقت، بردگی مدرن است – کارگر اتحاد اتحاد – ما حکم صادره غیر قانونی هیت حل اختلاف را محکوم می کنیم – آیا انحلال شرکتها در یک روز ممکن است- ما خواهان بازگشت به کار خود هستیم و....

در تجمع امروز این کارگران هیچ پاسخ روشنی به آنان داده نشد و مامورین حراست اداره کار آنها را به استانداری کردستان ارجاع دادند. به همین دلیل فردا کارگران فرش غرب بافت به همراه خانواده های خود برای پیگیری خواست هایشان به این استانداری خواهند رفت و در صورت عدم پاسخگویی روشن به آنها و لغو احکام هیئت حل اختلاف، این کارگران به همراه کارگران پرریس و سایر کارگران عضو اتحادیه در سندج اعتراضات خود را تشدید خواهند کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران رای صادره اداره کار سندج در مورد کارگران فرش غرب بافت و پرریس را بشدت محکوم میکند و بیش از پیش تلاش خواهد نمود همدوش اعضای خود در این کارخانه ها بیشترین اعتراضات را بر علیه آراء صادره از سوی اداره کار سندج که در تبنانی آشکار و عریان با کارفرمایان است، سازمان دهد.

اداره کار سندج بطور ظالمانه ای حقوق کارگران پرریس و فرش غرب بافت را با 18 سال سابقه کار پایمال کرده و برای تامین منافع کارفرمایان و خوش خدمتی عنان گسیخته به آنان، این کارگران را به روز سیاه نشانده است. از نظر ما هیئت حل اختلاف، رئیس و اداره کار سندج باید پاسخگوی این ستم خود بر کارگران باشند و ما بنوبه خود در اتحادیه آزاد کارگران ایران لحظه ای در این مورد ساکت نخواهیم نشست.

اتحادیه آزاد کارگران 87/7/20

178- کارگران فرش غرب بافت و نساجی پرریس مقابل اداره کار تجمع کردند:

امروز شنبه 20 مهر از ساعت 9 صبح تا 12 ظهر کارگران فرش غرب بافت به همراه خانواده هایشان در حالیکه پلاکاردهای اعتراضی با خود داشتند، مقابل اداره کار سنندج تجمع کرده و نسبت به عدم پاسخگویی مسئولین اداره کار به خواست بازگشت به کار و پرداخت حقوق معوقه آنان به اعتراض پرداختند، در این تجمع کارگران نساجی پریس به نشانه حمایت از کارگران فرش غرب بافت با در دست داشتن پلاکاردهائی حضور داشتند. حضور حمایتی کارگران نساجی پریس طبق تصمیم گیری و توافق قبلی در مجمع عمومی مشترک میان کارگران هر دو کارخانه صورت گرفته بود. تجمع اعتراضی کارگران به همراه خانواده ها وسیعا از سوی مردم حمایت شده است.

کارگران در مذاکره با مسئولین اداره کار گفتند در صورتیکه تا دو سه روز آینده مشکلشان حل نشود به تهران خواهند رفت و در مقابل ادارات دولتی تجمع خواهند کرد.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه 1387/7/20

179- اطلاعیه ی جمعی از کارگران ایران خودرو درمورد جشن ارتقاء در این شرکت

ما خواهان افزایش حقوق ها بر اساس رشد تورم هستیم :

دوستان و همکاران گرامی
هفته گذشته دهها نفر از دوستان کارگر گرد هم آمدند تا شاهد ارتقا برای ۱۰ هزار نفر از همکاران خود باشند. ۱۰ هزار نفر شادمان از افزایش حقوقشان و بیش از ۱۰ هزار نفر ناراحت از عدم افزایش حقوقشان.
همانطوری که پیش بینی شده بود، مدیریت از گرد هم آمدن ما کارگران جلو گیری کرد. مدیریت از اتحاد ما هراسان است. مدیریت خواست با این کار تفرقه بین ما کارگران بوجود بیاورد. بخشی از ما کارگران را شاد و بخشی را گریان کرد. مدیریت می خواست که ما کارگران دور هم جمع نشویم چون می دانست ارتقای گروه شغلی فقط یکی از خواسته های ما کارگران است. مدیریت اگر اجازه اجتماع ما کارگران را در داخل خود شرکت می داد این عده نیز به جمع ناراضیان می پیوستند چون می دانست کارگران زیادی از این ارتقا ناراحت و عصبانی هستند.
مدیریت می دانست اگر ۲۰ هزار نفر از کارگران دور هم جمع شوند بزرگترین مجمع عمومی کارگران برگزار خواهد شد و آنوقت این کارگران هستند که تصمیم خواهند گرفت که افزایش حقوق ها بر چه مبنایی باشد. ولی جشن با حضور اندکی از همکاران که اکثر آنها گلچین شده بودند برگزار شد.
ما همین حرکت را نیز به فال نیک می گیریم چون اعتقاد داریم این حرکت یکی از دست آوردهای مبارزه ما کارگران و اعتصاب ۱۰ تیر است. این موفقیت را یک گام به پیش دانسته و خودمان را برای رسیدن به خواسته های دیگر آماده می کنیم. اهدا یک گروه شغلی فقط یکی از خواسته های ما بود، هنوز خواسته های زیادی داریم که باید برای رسیدن به آنها مبارزه کنیم. باید همچنان آگاهانه و متحدانه به پیش برویم و اجازه ندهیم صفوف متحد ما از هم جدا شود.
دوستان کارگر که ارتقا شامل شان شده، ما این ارتقاء را به آنها تبریک می گویم و می دانیم خودتان بهتر می دانید که این ارتقاء چیزی غیر عادی و حاتم بخشی مدیریت نیست بلکه این ارتقاء حق شما است که مدیریت با قانون های من در آوردی به عقب انداخته بود. باز خیلی کسانی دیگری هستند که بیش از چند سال در انتظار این ارتقاء هستند. ما افزایش حقوق ها را علاوه بر ارتقای گروه شغلی می خواهیم. ما خواهان افزایش حقوق ها بر اساس تورم امروزی برای همه کارگران هستیم. ما می دانیم افزایش حقوق امسال نسبت به تورم هیچ است. پس فریب این یک گروه را نمی خوریم.
برگزاری مراسم اهدای ده هزار ارتقای شغلی که در راستای افزایش حقوق ها انجام گرفت بی شک یک دست آورد بزرگ برای ما کارگران است که در راستای اعتصاب ۱۰ تیر بدست آمد.
این پیروزی یک گام به پیش بود چون خواست اکثر کارگران ایران خودرو بود. اکثر کارگران برای افزایش حقوق ها چشم به ارتقای شغلی و کارائی دارند. این موفقیت یک گام به جلو است ولی کافی نیست ولی نشان دهنده این است که مبارزه و اعتصاب ما بیهوده نبوده است. اگر امروز مدیریت می آید و برای ده هزار نفر گروه شغلی می دهد و برای بعضی از خواسته هایمان نیز وعده می دهد، از ما می ترسد چون مدیریت باور دارد که چرخ های کارخانه با دستان توانمند ما می چرخد و می داند اگر لحظه ای دستان ما از تولید باز بایستد شرکت میلیاردها تومان ضرر خواهد کرد. مدیریت مجبور است به خواسته های ما اعتنا کند، اگر ما بخواهیم. مدیریت می داند اکنون با کارگران آگاهی روبرو است که برای رسیدن به خواسته هایشان مجذوب نشدند و فریب این تبلیغات را نخوردند و دیدیم همکارمان که چقدر زیبا گفتند که آرزوی ما کارگران برچیدن بساط پیمانکاران است. مدیریت اکنون می داند خواست های اساسی ما

فراتر از یک گروه شغلی و اضافه کردن چند تومان کارآئی است. پس ایمان بیاوریم که در پس هر مبارزه پیروزی نیز است. ایمان بیاوریم و بدانیم موفقیت تنها در سایه مبارزه آگاهانه و متحدانه و هوشیارانه بدست خواهد آمد.

پس پاشو همکار عزیز با آگاهی مان باورهای جهل را فرو بریزیم.

پاشو با اتحادمان زنجیرهای گسسته را پیوند بزنیم.

پیروزی ما کارگران تنها در گروه اتحادمان است.

پس همکار عزیز!

پا شو دست به دست هم بدهیم تا با عزمی جزم تر دنیای دیگری را بشناسیم،

به همت خودمان برای آگاهی مان گام بر داریم،

باور داریم گر من و تو آگاه نشویم،

دنیا تغییر نخواهد کرد.

پس بیا با همت خودمان برای آگاهی خودمان قدم بر داریم،

تا هم آوا با یکدیگر،

فلک جنبش کارگری را سقف بشکافیم،

و طرحی نو در اندازیم .

باشد که به مدد هم برای ساختن دنیای بهتر،

گامهای موثرتری بر داریم

همراه شو عزیز... همراه شو عزیز.

تنها نمان به در

کین درد مشترک... هرگز جدا جدا درمان نمی شود!

دشوار زندگی هرگز برای ما...

بی رزم مشترک آسان نمی شود.

پیروزی ما کارگران در گرو آگاهی و اتحاد و تشکل مان است.

ما این پیروزی را به همکاران گرامی تبریک می گویم.

جمعی از کارگران ایران خودرو

۸۷/۷/۲۰

180- هشدار نسبت به افزایش سواستفاده جنسی از کودکان در ایران :

به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 20 مهر 87 : مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان با اشاره به آمار شش ماهه سال 87 در مورد کودک آزاری، نسبت به افزایش سوء استفاده جنسی از کودکان هشدار داد. یزدانی در گفتگو با ایلنا، با اعلام دریافت 80 مورد کودک آزاری طی 7 ماه، اضافه کرد: 45 درصد این موارد جسمی، 55 درصد عاطفی، 36 درصد غفلت و 10 درصد جنسی بوده است که این آمار با یکدیگر همپوشانی دارد. وی ادامه داد: همچنین بیشتر آزارها در خانواده‌ها از سوی والدین به ویژه پدر صورت گرفته است که این موضوع از به وجود آمدن مهارت های اصلی فکر کردن، اعتماد به نفس و رشد اجتماعی در کودک جلوگیری می‌کند. یزدانی با تاکید بر اینکه گزارش‌هایی که در اختیار انجمن قرار می‌گیرد، موارد بسیار حاد و حتی جبران ناپذیر کودک آزاری را شامل می‌شود، خاطر نشان کرد: بر اساس يك نمونه گیری مستقل که از سوی يك پژوهشگر روی دو هزار کودک انجام شده، 39 درصد کودکان با تنبیه بدنی آشنا هستند. مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان یادآور شد: همچنین خانواده‌هایی که اقدام به کودک آزاری می‌کنند اغلب با مشکلاتی مانند اعتیاد، طلاق، اختلافات شدید خانوادگی، فقر، فوت یکی از والدین، کودکان معلول و بیماری دست به گریبانند. یزدانی افزود: علاوه بر این کیفیت روابط درونی و میزان استحکام خانواده این کودکان متزلزل بوده و اغلب این خانواده‌ها شلوغ و طرد شده از اقوام و اجتماع هستند. وی خاطر نشان کرد: 60 درصد کودکان آزار دیده دختر و 40 درصد پسر بوده اند.

181- کارگران بخش ساختمان نمی توانند حق بیمه بپردازند:

فقط در استان تهران بیش از 15000 کارگر در رشته های نقاشی، گچ بری، بنائی، سنگبری و جوشکاری ساختمان مشغول کار هستند. هیچ یک از این کارگران بیمه نیستند. زیرا دستمزد نازل آن ها برای پرداخت حق بیمه کفاف نمی دهد. بسیار شنیدنی است که هر کارگر برای استفاده از آنچه به نام بیمه موسوم است باید درست به اندازه کارفرمایان هزینه پرداخت کند. به بیان دیگر، حق بیمه پرداختی یک کارگر با یک سرمایه دار برابر است!! این کارگران در بهترین حالت 20 هزار تومان در روز حقوق می گیرند. بیشتر ایام سال به

طور کامل بیکارند و قادر به یافتن هیچ کاری نیستند. حتی با فرض این که در سال 180 روز کار کنند باز هم دستمزد ماهانه آنان به طور متوسط از 300 هزار تومان تجاوز نمی کند. یک نکته دیگر این که جمعیت عظیم کارگران ساختمانی در همان حال که سازندگان کل ساختمان های شهر و ده، ادارات دولتی، ویلاها، آسمان خراش ها، برج ها، جاده ها، خیابان ها و ... هستند خود آواره و بی خانه اند و مجبورند اجاره بهای مسکن بپردازند. کارگری که دستمزد ماهانه اش در بهترین حالت 300 هزار تومان است در جامعه ای که این حقوق برای اجاره مسکن و خورد و خوراک هم کفاف نمی دهد چگونه می تواند هزینه بیمه پرداخت کند؟! 20 مهر 87

182- نساجی کردستان تعطیل و کارگران آن بیکار شدند:

مبارزات طولانی کارگران نساجی کردستان برای جلوگیری از تعطیل کارخانه و بیکاری به هیچ نتیجه ای نرسید. کارگران مجبور به تسویه حساب شدند و بیکاری آنان قطعی شد. چند صد کارگر کارخانه در طول این چند سال مدام علیه بیکارسازی ها و علیه تعویق دستمزدها پیکار کردند. راهکارهای رایج کارگران در این مبارزات اعتصاب، تحصن و راه پیمایی بود. اعتصاب در مورد معین این کارخانه همچون همه کارخانه های درحال تعطیل دیگر، هیچ راهکار مؤثری نمی توانست باشد. زیرا تولیدی وجود نداشت که قدرت توده کارگر علیه آن اعمال شود. سرمایه داران مترصد انتقال سرمایه های خویش به حوزه های پرسودتر بودند و در این راستا برای تعطیل کارخانه برنامه ریزی می کردند. در چنین وضعی، اعتصاب نه اعمال قدرت بلکه دادن فرصت به سرمایه دار برای پیشبرد کارهای خویش بود. تحصن و راه پیمایی نیز نشانی از اعمال قدرت واقعی علیه صاحبان سرمایه و دولت آن ها نداشت. زیرا باز هم روند تولید ارزش اضافی و ساختار قدرت سرمایه را آماج تهاجم خود قرار نمی داد. کارگران نساجی کردستان در سیر مبارزات خود یک راه بیشتر به سوی پیروزی نداشتند. آنان باید کارخانه را تصرف می کردند. باید محل کار خویش را به سنگر مقاومت در مقابل سرمایه تبدیل می کردند. باید شورای ضدسرمایه داری خویش را بر پا می ساختند. باید برای برخوردارشدن از قدرت مؤثر پیکار به سوی همزنجیران کارگر خویش در استان کردستان و سپس سراسر ایران می رفتند. باید با اتکا به قدرت طبقاتی خود دولت سرمایه داری را مجبور می کردند تا مواد اولیه و مصالح مورد نیاز کار کارخانه را به طور رایگان در اختیار آنان قرار دهد. در یک کلام، کارگران برای رسیدن به مطالباتشان باید به صورت متشکل علیه سرمایه داری مبارزه می کردند و راه مبارزه متشکل علیه سرمایه مستلزم عبور از این گذرگاه ها بود. 20 مهر 87

183- کارگران ساختمانی آذربایجان شرقی بیانیه صادر کردند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 21 مهر 87 ؛ کارگران ساختمانی استان آذربایجان شرقی در بیانیه ای خواستار توجه و رسیدگی بیشتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در زمینه بیمه این کارگران شدند. در این بیانیه چنین آمده است: نظر به اهمیت حمایت از افشار آسیب پذیر جامعه به ویژه کارگران زحمتکش ساختمانی که در سخت ترین شرایط و در سنگین ترین کارها و با وجود هزاران خطر مشغول به کار هستیم و اتفاقات و حوادث مرگبار نیز در کمین ما نشسته است و در این برهه حساس که طرح اصلاح قانون بیمه های تامین اجتماعی کارگران ساختمانی در دستور کار مجلس است، انتظار داریم با در نظر گرفتن همه جوانب امر و سختی کار و خطر آفرینی آبا تخصیص بودجه ای کارگران را بیمه ی تامین اجتماعی نمایند تا با وجود حوادث مرگبار که هر چه چند گاهی شاهد کشته شدن چندین تن در پروژه های ساختمانی هستیم، با دلگرمی به بیمه بتونیم به کار و فعالیت های خویش ادامه دهیم و تا حدی از نگرانی های خانواده هایمان کاسته شود. در ادامه این بیانیه از کانون تصمیم گیری و تصمیم سازی خواسته شده که به این درخواست منطقی و انتظار ناچیز آنها جامه عمل پوشیده شود. پایان پیام

184- کارگران ساختمانی باید تحت پوشش بیمه اجباری قرار بگیرند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 21 مهر 87 ؛ به اعتقاد عضو انجمن انبوه سازان استان تهران، کارگران ساختمانی باید هر چه زودتر از مزایای بیمه اجباری بهره مند شوند. به گزارش ایلنا، محمدجعفر کرمی گفت: برای صنعت ساختمان به ویژه کارگران آن، تصویب و اجرای قانون حساب شده بیمه اجباری کارگران ساختمانی ضروری است. وی افزود: بار مالی که به اجرای این قانون به صنعت ساختمان تحمیل می شود، منطقی و توجیه پذیر است.

این مقام کارفرمایی که معتقد است تمامی کارگران باید به بهترین نحو ممکن از خدمات بیمه ای بهره مند باشند، گفت: در حال حاضر نه تنها کارگران ساختمانی بلکه تمامی کارگرانی که تحت بیمه اجباری هستند، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. وی یادآور شد: با وجود اجباری بودن بیمه برای کارگران صنعتی، این کارگران به دلیل پایین بودن سطح خدمات بیمه تامین اجتماعی از وضعیت بیمه ای مطلوبی برخوردار نیستند. کرمی معتقد است که در کنار ساختار عریض و طویل سازمان تامین اجتماعی، باید امکان فعالیت

شرکت‌های بیمه خصوصی نیز فراهم شود تا در یک فضای رقابتی کیفیت خدمات بیمه تامین اجتماعی افزایش یابد.

وی گفت: در حال حاضر در صنعت ساختمان به دلیل اختیاری بودن بیمه تامین اجتماعی، استفاده از بیمه‌های خصوصی مرسوم است که هم برای کارگران و هم برای کارفرمایان هزینه و خدمات این بیمه‌ها در مقایسه با هزینه و خدمات بیمه تامین اجتماعی متداول به صرفه و بهتر است.
پایان پیام

185- تعلل شهرداری منطقه 22 در دادن اجازه ساخت مسکن به کارگران راه‌آهن :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 21 مهر 87 ؛ شهرداری منطقه 22 تهران به تعاونی مسکن کارگران راه‌آهن برای ساخت مسکن امضای این تعاونی مجوز نمی‌دهد.

به گزارش ایلنا، هاشمی، رئیس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران راه‌آهن گفت: با وجود آنکه این تعاونی در منطقه وردآورد مالک قطعی زمین سنددار است اما شهرداری منطقه 22 از صدور مجوز ساخت خودداری می‌کند.

هاشمی گفت: این زمین از حدود 40 سال پیش در اختیار این تعاونی قرار گرفته است اما به دلیل تعلل شهرداری تاکنون چندین نفر اعضا فوت و امتیاز آنها به وارثان واگذار شده است.

بر اساس پیگیری‌های خبرنگار ایلنا، روابط عمومی شهرداری منطقه 22 اعلام کرد: هرچند این موضوع به معاونت حمل و نقل و ترافیک مرتبط می‌شود، اما معاونت مذکور هنوز در این خصوص پاسخی نداده است.

پایان پیام

186- کارخانه تراکتورسازی جیرفت به علت تامین نشدن نقدینگی تعطیل شد:

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 21 مهر 87: مدیر کارخانه تراکتورسازی جیرفت گفت: کارخانه تراکتورسازی جیرفت پس از 10 سال تولید به علت عدم تامین نقدینگی از مهرماه سال جاری تعطیل شده است.

نصرت سالاری در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه کویر، مهمترین عامل تعطیلی کارخانه را تخصیص نیافتن تسهیلات عنوان کرد و افزود: عدم همکاری مسئولین استان در تامین نقدینگی از جمله مواردی است که برای این کارخانه مشکل به وجود آورده است.

وی اظهار کرد: سرمایه در گردش کارخانه صرف قطعات ساخت داخل شده است که 60 الی 70 درصد کل قطعات، جهت تولید 500 الی 600 دستگاه تراکتور به دلیل جلوگیری از نوسانات قیمت، خریداری شده است و هم اکنون در انبار کارخانه موجود است.

سالاری اضافه کرد: 20 درصد از قطعات وارداتی این کارخانه که لازمه مونتاژ و استارت خط تولید تراکتور است، از شرکت گلدونی ایتالیا خریداری شده است و از اول تیرماه در گمرک بندرعباس به علت عدم تامین نقدینگی متوقف و مشمول جریمه عدم ترخیص شده است.

وی یادآور شد: دولت باید ایجاد به موقع نقدینگی داشته باشد چرا که تعطیلی این کارخانه منجر به بیکاری 50 نفر از پرسنل مجرب به صورت مستقیم شده است و همچنین تبعات تعطیلی این کارخانه به صورت غیر مستقیم روی 70 کارگاه خصوصی طرف قرارداد با تراکتورسازی جیرفت در سراسر کشور، مشاهده می‌شود.

مدیر کارخانه تراکتورسازی جیرفت تصریح کرد: حداقل حمایت دولت در تامین نقدینگی در مقطع فعلی 10 میلیارد ریال است تا کارخانه بتواند این بحران را پشت سر بگذارد.

سالاری اظهار کرد: در زمان تولید، موافقت پروانه این کارخانه سه هزار دستگاه در سال بود که روزانه بین سه تا هفت تراکتور تولید می‌کرد و تنها کارخانه صنعتی فعال در رده تولید ماشین آلات کشاورزی در جنوب شرق محسوب می‌شود.

وی یادآور شد: باتوجه به این که جیرفت قطب کشاورزی استان محسوب می‌شود حفظ و نگهداری کارخانه برای این شهرستان بسیار حائز اهمیت است و جای تاسف دارد که پس از 10 سال تولید مکرر امروز به علت 20 درصد قطعات لازم که در گمرک متوقف شده است، شاهد تعطیلی آن باشیم.

مدیر کارخانه تراکتورسازی جیرفت در پایان گفت: تامین سرمایه در گردش برای این کارخانه از آذرماه سال 86 دنبال و متأسفانه در مرحله معرفی به بانک متوقف شده است و هم اکنون در طرح آمایش صنعتی ثبت نام کرده اما هنوز از وام خبری نیست.

187- تجمع معلمان حق التدریسی و آموزش یاران نهضت سوادآموزی مقابل مجلس :

به گزارش خبرگزاری فارس در تاریخ 21 مهر 87 آمده است : جمعی از معلمان حق التدریسی و آموزش یاران نهضت سوادآموزی از صبح امروز مقابل مجلس تجمع کردند.

تجمع کنندگان که تعدادشان به حدود 80 نفر می‌رسد همگی از معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران سواد آموزی هستند که از استان های یزد کرمان، سمنان می‌باشند و با تجمع مقابل مجلس خواستار استخدام در آموزش و پرورش می‌باشند. این عده از تجمع کنندگان با تجمع مقابل مجلس خواستار ملاقات با نمایندگان مجلس و حل مشکلات خود شدند.

188- تجمع اهالی روستای قلات شیراز در اعتراض به عملکرد یکی از نهادهای نظامی :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 21 مهر 87 آمده است: جمعی از اهالی روستای قلات شیراز با تجمع مقابل استانداری فارس خواستار خروج یکی از نهادهای نظامی از اراضی خود شدند.

منطقه فارس، جمعی از اهالی روستای قلات شیراز با تجمع مقابل استانداری فارس به آنچه که تصرف اراضی خود توسط یکی از نهادهای نظامی کشور خواندند، اعتراض کردند و مدعی شدند بیش از 300 هکتار از اراضی زراعی این منطقه توسط یکی از نیروهای مسلح جهت ساخت تأسیسات و پادگان نظامی تصرف شده است.

یکی از اهالی معترض این روستا در گفت و گو با ایسنا گفت: یکی از شرکت‌های عمرانی وابسته به یک ارگان نظامی شبانه در اراضی قلات کانتینر و تجهیزات عمرانی پیاده کرده و می‌گویند می‌خواهیم در 250 هکتار از اراضی این منطقه پادگان نظامی احداث کنیم.

وی گفت: مدیران این شرکت مدعی هستند که از طریق کارشناسان دادگستری قیمت اراضی تعیین شده و پول آن را پرداخت می‌کنند اما آیا می‌شود به زور وارد خانه کسی شد و بعد به او گفت پول شما را می‌دهیم؟! این شهروند قلاتی خاطر نشان کرد: اگر مردم نخواهند املاک خود را به فروش برسانند باید چه کسی را ببینند؟!

یکی دیگر از معترضان نیز به خبرنگار ایسنا گفت: 10 روز است که با این نهاد نظامی درگیر هستیم اما هیچ کس از ما نمی‌پرسد چه می‌خواهید؟ اصلاً حرف ما را گوش نمی‌دهند!

یک مرد کهنسال اهل قلات نیز گفت: من از زمان پدر بزرگم به یاد دارم که در این املاک کشاورزی می‌کردیم.

وی ادامه داد: هیچ کس به حرف گوش نمی‌دهد! حتی ما را به بخشداری و فرمانداری و استانداری راه نمی‌دهند. نمی‌دانیم حقمان را از چه کسی طلب کنیم؟

اسماعیل، یکی دیگر از اهالی روستای قلات هم به خبرنگار ایسنا گفت: در منطقه قدرت 35 هکتار زمین کشاورزی دارم که میراث 100 ساله پدری است، حالا می‌گویند این زمین توسط منابع طبیعی به یکی از ارگان‌های نظامی واگذار شده است.

وی گفت: مسوولان این ارگان نظامی هم می‌گویند پول اراضی را به خانواده نوبخت مالک خانی قلات پرداخت کرده‌ایم در حالی که این اراضی ربطی به نوبخت ندارد.

189- تجمع اعتراضی در اصفهان :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 21 مهر 87 آمده است: برخی شهروندان اصفهانی همراه اعضای تشکل‌های غیردولتی در اعتراض به عبور مترو از زیر چهارباغ عباسی و همچنین شفاف سازی درباره‌ی بودجه‌ی پروژه‌ی مترو اصفهان، مقابل دبیرخانه‌ی شورای شهر اصفهان تجمع کردند.

تجمع‌کنندگان پس از پایان تجمع که روز گذشته برگزار شد، بیانیه‌ای به این شرح صادر کردند: از آنجا که پاسداری و نگاهداری آثار ملی در هر کشور از وظایف تك تك افراد آن ملت است و بافت تاریخی هر شهر، هویت و میراث فرهنگی آن شهر و کشور است، جای بسی شورش و شگفتی است که شورای شهر اصفهان به عنوان يك نهاد مردمی که وظیفه‌ی پی‌گیری حقوق مردم و منافع عمومی را دارد، خود به عاملی در راستای تخریب آثار تاریخی و طبیعی و علیه منافع عمومی تبدیل شده است.

هنوز یاد و خاطره‌ی اقدامات شورای شهر و خسارت‌های جبران‌ناپذیر وارد شده به بافت و بناهای تاریخی شهر از جمله کارخانه‌های چهارباغ بالا، حمام خسروآقا، بلندمرتبه‌سازی در حریم پل‌های تاریخی، از بین بردن سنگ‌فرش اصلی، آب‌نماها و سردر باغ‌های دوره‌ی صفوی در زیر خیابان چهارباغ بالا و پایین به‌واسطه‌ی حفاری ایستگاه‌های مترو و ... کمرنگ شده است که بار دیگر شورای شهر تصمیم خود را مبنی بر عبور مترو از زیر خیابان چهارباغ عباسی مطرح می‌کند و بدون توجه به مصوبات شورای عالی ترافیک کشور، وزارت کشور، شورای ترافیک استان، استانداری اصفهان، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور و

اصفهان و بدون توجه به تذکرها و اعتراض‌های گسترده‌ی کارشناسان، متخصصان، نیروهای آگاه و دلسوز و همچنین شکایت شهروندان به دادسرا که خطرهای این کار را گوشزد کرده‌اند و همچنین بدون توجه به نشانه‌های عینی خسارت‌ها از جمله ریزش چندباره‌ی دیوار مترو، بر اجرای غیرقانونی آن پا می‌فشارند.

ما شهروندان نظر به این‌که ماده‌ی 560 قانون مجازات اسلامی و ماده‌ی 127 اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و ماده‌ی 15 میثاق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، که ایران نیز آن را پذیرفته و حفاظت از میراث فرهنگی را برعهده‌ی تک‌تک افراد کشور گذاشته و همچنین محور تاریخی شهر اصفهان قابلیت قرار گرفتن جزو میراث جهانی را دارد (در مصوبه‌ی اجلاس سازمان یونسکو در چین مطرح شد و در آن صورت بیش از 120 اثر تاریخی یکباره به ثبت میراث جهانی خواهند رسید) و با این اقدام شورای شهر به این امکان خنده‌ی جدی وارد می‌شود و با توجه به این‌که ما در قبال آیندگان مسوولیم و باید از اسناد و مدارک و آثار تاریخی خود پاسداری کنیم و آن‌ها را از هویت فرهنگی و تاریخی خود محروم نسازیم و در نهایت، این‌که اقدام شورای شهر برخلاف دستور قضایی مبنی بر تعطیلی و توقف عملیات مترو در چهارباغ عباسی است، تصمیم شورای شهر را برخلاف منافع عمومی و مصالح میراث فرهنگی می‌دانیم و خواهان برخورد قاطع و جدی مقامات مسوول با تصمیم شورای شهر و بویژه ریاست آن هستیم.

امید داریم، به وظیفه‌ی قانونی و تاریخی خود عمل کنید و نگذارید، یکی از گهربارترین دستاوردهای تمدن ایران‌زمین از بین برود.

190- کارگران ایران خودرو خواستار برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری، لغو قراردادهای موقت، برقراری امنیت شغلی و افزایش حقوق ها هستند :

به گزارش شبکه همبستگی کارگری در تاریخ 21 مهر 87: کارگران ایران خودرو در حضور رئیس استان کار تهران خواستار برچیده شدن بساط شرکتهای پیمانکاری و لغو قراردادهای موقت و برقراری امنیت شغلی و افزایش حقوق ها شدند

روزسه شنبه 16 مهر ماه مراسم جشن بزرگ ارتقای شغلی کارگران ایران خودرو با حضور مدیران ارشد این شرکت و رئیس سازمان کار استان تهران و بخشی از کارگران ایران خودرو که از قبل گلچین شده بودند در سالن اجتماعات سایکو برگزار شد

این مراسم قرار بود با حضور اکثر کارگران ایران خودرو به صورت یک اجتماع بزرگ در داخل خود شرکت برگزار شود ولی مدیریت شرکت بعد از اعلام مراسم متوجه شد که تعدادی زیادی از کارگران با این کار مخالفند چون این ارتقاء شامل همه کارگران نمی باشد بلکه فقط شامل یک سوم از کارگران است و به غیر ازبخشی از خود کارگران خود ایران خودرو تمام کارگران پیمانکار و پکیچی که هیچگونه مزایای به آنها تعلق نگرفته است از معترضینند

برداشتن سقف بودجه برای ارتقای شغلی که یکی از خواسته های کارگران ایران خودرو برای افزایش حقوقها است که در اثر مبارزه کارگران ایران خودرو در اعتصاب 10 تیر مدیریت به آن تن داده بود چون مدیریت می خواست با برگزاری یک مراسم در عید فطرو با ایجاد جو روانی و برای پاک کردن صورت مسله اعتصاب کارگران و برای ایجاد تبلیغات در سطح شرکت و جامعه از اعتبار خود دفاع کند کارگران ایران خودرو متوجه نیت مدیریت شدند و برای مقابله بر آن خواستند از این فرصت استفاده کرده و این مراسم را به یک مجموع عمومی تبدیل کنند تا نظراکثریت کارگران را به تصویب برسانند برای همین مدیریت با شگرد خاص خود مراسم هفته قبل را لغو کرده و به جای آن این مراسم را در خارج از شرکت ایران خودرو در سالن سایکو که امکان دسترسی کارگران ایران خودرو در آن وجود ندارد با مجری گری شهریاری مجری باسابقه صدا و سیما که بیشتر حالت تبلیغاتی داشت برگزار کند مدیریت با انتخاب بخشی از کارگران که ارتقای شغلی شامل حالشان شده بود با این کار عملا از برگزاری مراسم کارگری خوداری جلوگیری کرد . تاکید کارگران ایران خودرو بر خواسته هایشان

ولی با تمام تدابیری که مدیریت اتخاذ کرده بود و حتی کسی را که به عنوان نماینده کارگران انتخاب کرده بودند نتوانست تصمیم کارگران را برای رسیدن به خواسته های اصلی شان باز بدارد در این مراسم بعداز سخنرانی مدیر عامل ایران خودرو باقری مدیر منابع انسانی ایران خودرو کارهای که قرار است برای کارگران انجام دهد را اعلام کردکه حل مشکل مسکن بهبود غذای کارگران واگذاری سهام ارائه وام بیشتر و

افزایش سفرهای زیارتی از آن جمله اند
بعد از سخنرانی باقری یکی از کارگران به سخنرانی پرداخت و ی ضمن در خواست رسیدگی به مواردی
چون سرویس های ایاب وذهاب و سایر امکانات رفاهی برای کارگران بر خواست اصلی کارگران ایران
خودرو که امنیت شغلی یکی از آنها است تاکید کرد
مرتضی فرهودی که از طرف خود مدیریت به عنوان نماینده ده هزار نفر از ارتقاء گیرندگان انتخاب شده بود
گفت که آروزی او و همکارانش این است
که بساط پیمانکاران از ایران خودرو بر چیده شود و دیگر شاهد حضور هیچ کارگر پکیجی و پیمانکار در
ایران خودرو نباشیم
کارکو

191- گسترش اعتصاب در بازار تهران :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ یکشنبه 21 مهر 87 آمده است : جمعی از اعتصاب کنندگان با تبلیغات
گسترده در بازار بزرگ تهران به دنبال تعطیلی کامل بازار هستند و در این راستا نیز تاکنون توانسته اند
صنف کفاشان و فروشندگان پوشاک را با خود همراه کنند. به گزارش خبرنگار «سرمایه» روز گذشته کل
بازار تهران به حالت نیمه تعطیل درآمده بود و تعدادی از اعضای صنف کفاشان و فروشندگان پوشاک، فرش
و طلافروشان نیز به حمایت از دیگر اعتصاب کنندگان به جمع آنها پیوستند.

گفته می شود گردهمایی اصناف و بازاریان تهران که قرار بود با حضور سردار رادان در مسجد... خمینی
فردا (22 مهرماه) برگزار شود، به دلیل تعطیلی گسترده در بازار امروز انجام می شود.
اعضای صنوف طلافروشان، فرش فروشان و بنکداران هر روز با حضور چندساعته در بازار تهران بدون
بازکردن در مغازه، منتظر تغییر مصوبه دولت هستند.

اعتصاب تا نتیجه قطعی

اعتصاب کنندگان صنف طلافروش اعلام کردند تا زمانی که نتیجه موردنظرشان حاصل نشود، به اعتصاب
خود ادامه می دهند.
همچنین رئیس اتحادیه فرش فروشان که روز گذشته برای بازکردن مغازه به بازار رفته بود نتوانست اعضای
صنف را به پایان اعتصاب متقاعد کند. فرصت دو ماهه رئیس جمهوری برای بررسی هرچه بیشتر قانون
مالیات بر ارزش افزوده نیز نتوانسته است از تعطیل شدن بازارها جلوگیری کند و دیروز در ادامه تعطیلی ها،
بازار فرش فروش های تهران نیز تعطیل شد.

زمان اندک برای توجیه

محمد طحان پور رئیس اتحادیه لوازم خانگی تهران در گفت وگو با «سرمایه» ضمن مثبت دانستن مالیات بر
ارزش افزوده، عدم توجیه شدن اصناف را از مهم ترین عوامل اعتراض ها به اجرای آن می داند. به گفته او
توجیه نبودن ماموران مالیاتی نیز مزید بر علت شده است.
وی افزود: «نوعی از بی اعتمادی که میان اصناف و سازمان امور مالیاتی وجود دارد نیز بر مشکلات افزوده
است.»

وی مدت زمان دوماه را زمانی بسیار اندک برای توجیه اصناف دانست و گفت: «زیرا بسیاری از اصناف
حتی با گذشت زمان هنوز هم واحدهای خود را به صورت بسیار سنتی اداره می کنند.»
طحان پور ادامه داد: «امروز روسای اتحادیه های تهران و روز دوشنبه روسای مجامع صنفی کل کشور
دعوت شده اند تا جلسات مشترکی با مسوولان دارایی و سازمان امور مالیاتی داشته باشیم تا بتوانیم مشکلات
اصناف را حل کنیم.»
در عین حال شنیده ها از پیشنهادات صنوف دیگر تهرانی برای تعطیل کردن بازارشان حکایت دارد که بعضاً
این پیشنهادات توسط اتحادیه های مربوطه رد شده است.
اما نایب رئیس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف گفت: «اصناف به دنبال لغو قانون مالیات بر ارزش افزوده
هستند.»

بازار یکپارچه

سید مجتبی عراقچی در خصوص تعطیلی دیروز بازار فرش فروش های تهران به فارس ادامه داد: «با توجه

به اینکه فرش از قانون مالیات بر ارزش افزوده معاف است دلیل تعطیلی بازار فرش فروش ها در حمایت از سایر اصناف است.»

وی افزود: «فرش فروش ها به دلیل تعطیلی بازار پارچه فروش ها و طلا فروشان اقدام به تعطیلی بازار کرده اند. عراقچی گفت: «به رغم تاکیدات فراوان اتحادیه بر بازکردن بازار مینی بر اینکه اجرای این قانون در نهایت به نفع بازاریان است اما موفق نشدیم.» عراقچی گفت: «دلیل دیگر تعطیلی بازار رکود بازار فرش است که مزید بر علت شده و برخی از کسبه فروشندگان فرش دستباف اقدام به تعطیلی بازار کرده اند.» قاسم نوده فراهانی عضو هیات رئیسه سومین دوره شورای اصناف کشور نیز در گفت و گو با «سرمایه» بی اطلاعی اصناف و عدم شفافیت این قانون را عاملی برای اعتراض اصناف اعلام می کند که دو ماه زمان کمی برای حل این مشکلات خواهد بود.

خطوط خارجی

نوده فراهانی همچنین به فارس گفت: «وقتی آقای رئیس جمهوری اجرای قانون را دو ماه به تعویق می اندازد ولی هنوز برخی از کسبه اقدام به تعطیلی بازار می کنند به این معنا است که اینها از جای دیگری خط می گیرند.» وی در پاسخ به این سوال که منظور از جای دیگر کجاست تصریح کرد: «من حرف سیاسی نمی دانم و نمی توانم بگویم» وی افزود: «تعدادی از کسبه که اقدام به تعطیلی بازار کرده اند به دنبال لغو قانون هستند که این کار خیلی بی ربط است چرا که لغو قانون از طریق تعطیلی بازار اتفاق نمی افتد.» به گزارش فارس، عضو هیات مدیره کنفدراسیون صنعت گفت: «مشکلات اخیر در اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده چندان به آموزش مربوط نمی شود هر چند این موضوع نیز تا حدی موثر است ولی دلیل اصلی، عدم تمایل صنوف و پیشه وران به ارائه اطلاعات عملکرد شفاف است.»

رایزنی برای بازگشایی

محمدحسین فلاح معتقد است: «این سطح از کسب و کار بخش عمده ای از اقتصاد کشور را در دست دارد و از ابتدا هم از هر نوع نظم پذیری طفره رفته است در حالی که موسسات بزرگ تبعیت از قوانین را همیشه به طور اجباری داشته است.» فلاح کتمان تعطیلی بازار برخی کالاها را مانعی برای تعطیلی بازار بقیه محصولات ندانست و گفت: «فعالان بازار با یکدیگر در ارتباطند و در تصمیم گیری ها هماهنگ هستند.» اما رئیس اتحادیه طلا و جواهر نیز از رایزنی برای بازگشایی کامل بازار طلا فروشان تهران خبر داد. به گفته کوروش گوهربین بازار طلا فروشان تهران دیروز نیمه تعطیل بود اما اتحادیه طلافروشان در تلاش است با رایزنی و گفت و گو این بازار به طور کامل بازگشایی شود.

192- مافیای قاچاق و تعطیلی بازار :

به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 21 مهر 87 : رئیس مجمع امور صنفی تولیدی تهران با اشاره به تعطیلی امروز بازار، گفت: با صحبت هایی که روز گذشته انجام شده بود قرار بود امروز بازاریان مغازه های خود را بازکنند اما معلوم نیست چه دست های در کار است که امروز هم بازار با مشکل مواجه شد. محمد پورمزرعه در گفتگو با ایلنا ادامه داد: چندین نفر را به بازار فرستادیم تا از شرایط مطلع شویم در تلاش هستیم شرایط را برای ادامه فعالیت بازار آماده کنیم. وی افزود: یک عده منافعشان با اجرای این قانون به خطر می افتد و دوست ندارند این قانون اجرایی شود در واقع این افراد تعطیلی بازار را دنبال می کنند. در این شرایط که رئیس جمهور تعلیق این قانون را دستور داده اند، یک عده سوءاستفاده گر به دنبال ادامه اعتصابات هستند. عضو سابق هیات رئیسه شورای اصناف تصریح کرد: واردکنندگانی که کالاهای قاچاق وارد می کنند با اجرای این قانون به مشکل برمی خورند حتی اگر درصدی به عنوان مالیات از آنها اخذ نشود منافع آنها به خطر می افتد چراکه آنها از شفاف سازی هراس دارند. وی گفت: مقاومت برای بازگشایی بازار و پایان اعتراضات از طرف این دسته از افراد شکل می گیرد. بسیاری از واحدهای صنفی مشکلی ندارند و قصد بازگشایی مغازه هایشان را دارند اما می ترسند با آنها برخورد شود، شیشه های مغازه شکسته شود و اجناس آنها به مخاطره بیفتد که مغازه ها را تعطیل نگاه داشته اند. پورمزرعه ادامه داد: به هر حال کلیه کالاهای رسمی و غیر رسمی باید بر اساس اسناد و مدارک عرضه شود از آنجا که کالاهای قاچاق اسناد ندارند و صاحبان آنها در هر اسناد بیشتر آسیب ببینند.

وی افزود: برای شفافسازی لازم است نظام توزیع در بازار سامان یابد. معتقدیم باید این قانون اجرایی شود اما باید پیش از اجرا فرصت کافی برای آموزش گذاشته شود. اینکه ده روز قبل از اجرای قانون جلسه آموزشی گذاشته شود منطقی نیست. درخواست ما یک سال و یا حداقل ۶ ماه تعلیق این قانون است تا بتوان در این مدت فرهنگسازی لازم صورت گیرد.

گفتنی است، بازار تهران، امروز را هم با آرامش آغاز نکرد. اعتصاب و تعطیلی بازار در اعتراض به قانون مالیات بر ارزش افزوده همچنان ادامه دارد. از بازار تهران خبر می‌رسد امروز بازار طلا و جواهر که در ورودی بازار تهران قرار دارد و همچنین بازار پارچه‌فروشان که آن هم در موقعیت استراتژیکی در بازار قرار دارد، در تعطیلی و اعتصاب به سر می‌برند ضمن اینکه بازار فرش‌فروشان و بلورفروشان نیز همچنان تعطیل هستند. این تعطیلی‌ها در بازار تهران فعالیت کلیه صنفاها را تحت‌الشعاع قرار داده و شرایط به گونه‌ای است که بازار تهران به کلی تعطیلی را تجربه می‌کند.

193- آتش سوزی در واحد تقطیر پالایشگاه اصفهان:

واحد تقطیر پالایشگاه گاز و نفت اصفهان دچار آتش سوزی شده است. علت حریق و انفجار ظاهراً انباشت حجم فراوان بنزین و ازدیاد درجه حرارت در واحد دچار حادثه بوده است. در این انفجار حداقل 16 کارگر آسیب دیده اند. میزان سوختگی‌ها و شدت آسیب دیدگی‌ها هیچ معلوم نیست. کارگران مصدوم توسط یک شرکت پیمانکاری استثماری شده اند. شرکت مزبور به روال همه شرکت های آدم فروشی مشابه ترجیح داده است که هزینه ایمنی محیط کار و وسایل حفاظت از جان کارگران را نپردازد و در عوض آن را به سود خود اضافه کند.

21 مهر 87

194- معاون پلیس امنیت تهران، خبر تجمع کسبه بازار تهران را تکذیب کرد :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 21 مهر 87 : معاون امنیت پلیس تهران بزرگ از عادی بودن وضعیت امنیتی بازار تهران خبر داد.

در پی تعطیلی صبح امروز بخشی از بازار تهران سرهنگ خانچرلی در گفت‌وگو با ایسنا، با رد کردن خبر تجمع کسبه بازار تهران گفت: امروز جمعی در بازار نداشته‌ایم، بلکه نزدیک به 40 تا 50 تن از کسبه‌های بازار، به منظور مشکلات صنفی خود جلسه‌ای را تشکیل داده بودند.

وی با اشاره به این که در حال حاضر کل بازار تهران باز است افزود: تنها بعضی از کسبه مغازه‌های خود را به تصمیم خود بسته و اقدام به برگزاری جلسه کرده‌اند.

اخبار مبارزات کارگران ایران ، هفته چهارم مهر ۱۳۸۷ (اکتبر ۲۰۰۸)

195- يك فعال کارگري:

اخذ مالیات بر ارزش افزوده به کارگران فشار می آورد :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 22 مهر 87 ؛ به اعتقاد يك فعال کارگري، اجرائی قانون مالیات بر ارزش افزوده به زیان طبقه اکثریت حقوق بگیر کارگر و کارمند است. به گزارش اینلنا، کاظم فرج اللهی معتقد است به دلیل غیر مردمی بودن سیاست های اقتصادی دولت، مجموعه سیاست های مالیاتی کنونی به زیان طبقه حقوق بگیر جامعه است. وی گفت: کارگران و کارمندان چون نفعی در ارزش افزوده ایجاد شده ندارند در هنگام خرید کالا باید از پرداخت هزینه اضافی تحت عنوان مالیات بر ارزش افزوده معاف باشند. این فعال کارگري گفت: ارزش افزوده بهایی است که در هنگام عرضه کالا به بازار به نفع تولید کننده، فروشنده و واسطه‌ها، جدا از قیمت تمام شده تولید کالا(هزینه دستمزد کارگر، مواد اولیه، استهلاک ابزار آلات و....) بر قیمت کالا اضافه می شود از اینرو کارگران و کارمندان چون در این نفع سهمی ندارند؛ نباید بابت مصرف کالا از آنها مالیت گرفت. وی افزود: در صورت افزایش واقعی دستمزد ها دولت می تواند از این گروه به عنوان مصرف کننده کالا

مالیات بر مصرف دریافت کند.

فرج اللهی گفت: در شرایط کنونی به دلیل ضعف نظام مالیاتی، طبقه حقوق بگیر، کارگر و کارمند بیشتر از طبقه صاحب ثروت در تامین هزینه دولت نقش دارند زیرا از یکسو ماه به ماه از دریافتی زیر خط فقر این طبقه حداقل بگیر مالیات به درآمد کسر می شود اما در مقابل طبقه صاحب ثروت کمتر حاضر به پرداخت مالیات واقعی خود هستند.

به اعتقاد عضو آخرین شورای اسلامی کار کارخانه چیت ری، در چنین شرایطی بار مالی ناشی از اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده به طور ناعادلانه ای بر عهده طبقه حقوق بگیر خواهد بود. وی حتی مدعی شد که اجرای این قانون هیچگاه نمی تواند از واردات بی رویه و قاچاق انبوه کالاهای خارجی به عنوان یکی از دلایل اصلی تعطیلی کارخانجات و بیکاری کارگران جلوگیری کند، زیرا روابط صاحبان منفعت پیچیده تر از آن است که اجرای یک قانون ساده بتواند از استمرار آن جلوگیری کند. فرج اللهی گفت: چنین مالیات هایی را تنها زمانی می توان از مصرف کننده و تولیدکننده کسر کرد که تولیدکنندگان داخلی و خارجی سیستم رقابتی سالم امکان فعالیت داشته باشند و در کنار آن دستمزدهای واقعی به طبق حقوق بگیر پرداخت شود.

وی با بیان اینکه تا این لحظه به دلیل نبود نهاد واقعی صنفی و مدنی، تا این لحظه هیچ کس در خصوص وصول چنین مالیات هایی نظر طبقه حقوق بگیر به ویژه کارگران را جویا نشده است، گفت: ادامه این روند باعث نابسمان تر شدن وضعیت می شود.

پایان پیام

196- کشته شدن دو کارگر در حین کار :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 22 مهر 87 آمده است: یک کارگر ساختمانی 30 ساله به علت سقوط در یک چاه 50 متری در خیابان نیاوران تهران کشته شد. همچنین کارگر ساختمانی 50 ساله به علت سقوط در یک چاه 30 متری در چهارراه یافت آباد تهران کشته شد. نبود امکانات ایمنی دلیل مرگ این کارگران است.

ادامه خیر :

197- سقوط و مرگ دو کارگر در چاه ویل سودجویی سرمایه:

سوانح محیط کار و مرگ و میرهای انبوه کارگران در هنگام کار صرفاً محصول سودجویی صاحبان سرمایه و خودداری آن ها از پرداخت هزینه ایمنی محیط کار و وسائل حفاظتی مورد نیاز کارگران است. در چند ماه اخیر شمار کثیری از کارگران در محیط های کار و در شرایط هولناک استثمار به عمق چاه سقوط کرده اند. سرمایه داران صاحب این مراکز کار و تولید از وجود این چاه ها مثل روز روشن اطلاع دارند. این چاه ها عموماً در این مراکز مورد استفاده هم نیستند و انگار تنها خاصیت و مورد مصرف آن ها گرفتن جان کارگران است. به نظر می رسد که بستن دهانه این چاه ها هزینه چندان هم ندارد. با این همه، سرمایه داران حتی حاضر به پرداخت این هزینه های ناچیز هم نیستند. آخرین گزارش از این دست مربوط به مرگ دو کارگری است که همین امروز در چاه ویل سودجویی سرمایه سقوط کرده اند. یکی از این دو نفر در خیابان نیاوران برای یک شرکت ساختمانی کار می کرده است. او هنگام راه رفتن بدون این که از وجود چاه در محل کار خویش هیچ اطلاعی داشته باشد ناگهان به عمق 50 متری چاه سقوط می کند و در دم جان می سپارد. کارگر دوم از توده بردگان مزدی افغان بوده است. او نیز در چهارراه یافت آباد واقع در بزرگراه سعیدی توسط یک شرکت ساختمانی استثمار می شده است. این کارگر 50 ساله بی اطلاع از وجود کمینگاه مرگ هنگام کار در یک چاه 30 متری سقوط کرده و در همان لحظات نخستین جان باخته است.

22 مهر 87

198- پنج روز پس از حضور لاریجانی در دانشگاه شیراز، اوضاع این دانشگاه دوباره متشنج شد:

امروز سه شنبه 22 مهرماه، جلسه ای با نام «پشت پرده ی تحصن های صنفی در دانشگاه های کشور» و «بررسی جریان های رادیکال در دانشگاه» توسط انجمن اسلامی مستقل دانشگاه شیراز برگزار شد که دروغ پرداز ی های سخنران این جلسه باعث گردید تا بار دیگر اوضاع دانشگاه شیراز متشنج شود. سخنران این جلسه فردی به نام «قربانی» بود که مدعی شد، دانشجوی دکتری علوم سیاسی در دانشگاه تهران و همچنین عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه است. وی که ادعای عضویت در دفتر تحکیم وحدت را داشت و با اعلام این که در تابستان اخیر نیز در نشست تحکیم وحدت حضور داشته است، سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: «صحبت های بنده کاملاً مستدل و علمی است و بنا به اسناد موجود حرکت های دانشجویی در شمال غرب کشور تحت تاثیر «پژاک»، در سیستان و بلوچستان متأثر از «جندالله» و «عبدالملک ریگی» و در خوزستان نیز جدایی طلبان عرب به هدایت این جریان ها می پردازند» وی در برابر پافشاری های دانشجویان از ارایه هرگونه مدرکی خودداری کرد و تمامی فعالیت های هویت طلبانه را هدایت شده توسط خارج از کشور قلمداد

کرد. این امر باعث شد که دانشجویان در مراحل متعدد اعتراض خود را به اظهارات وی با هو کردن و شعار دادن نشان دهند.

در ادامه وی به فعالیت دانشجویان طیف چپ و «آزادی خواه و برابری طلب» اشاره کرد و گفت: «این دانشجویان کسانی هستند که در سال 81 در دفتر تحکیم وحدت طیف علامه رسوخ کردند و قصد داشتند تا با استفاده از پتانسیل دفتر تحکیم، زمینه بروز جنبش‌های سوسیالیستی را در دانشگاه‌های کشور فراهم کنند.» وی مرتباً تأکید می‌کرد که «آزادی و برابری مد نظر این گروه‌ها آن آزادی و عدالتی که شما مد نظر دارید نیست و این دانشجویان عملاً از همجنس‌بازی و مسایل اینچینی می‌زنند. این دانشجویان به احزاب خارج از کشور وابسته‌اند و پارلمان بریتانیا عملاً آن را هدایت و خطه می‌کند.» در این هنگام یکی از دانشجویان از جای خود برخاست و گفت: «چرا به خود اجازه می‌دهید با تهمت و افترا برای کسانی که با صداقت در راه آزادی و عدالت مبارزه می‌کنند پرونده سازی کنید و بدون ارایه هرگونه مدرکی اینگونه صحبت می‌کنید.» قربانی در جواب چیز تازه‌ای نگفت و حرف‌های قبلی خود را مجدداً تکرار کرد.

صحبت‌های وی آنچنان بی‌پایه و اساس بود که دانشجویان در مراحل متعدد با دست زدن و شعار دادن خواستار پایان دادن به سخنرانی و دادن وقت برای پرسش‌های شفاهی شدند. اما قربانی با بیان این که چند دقیقه‌ای بیشتر از سخنرانی‌اش باقی نمانده است، صحبت خود را اینچنین ادامه داد: «دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب از تکنیک‌های زیادی استفاده می‌کنند، مثل تحصن طولانی مدت به دلیل مسائل صنفی و کشاندن آن به مسایل سیاسی، آنتی سنترال بودن و این که مشخص نباشد چه کسانی عضو این دانشجویان هستند و در کجاها فعالیت می‌کنند و بالاخره ایجاد تله‌های جنسیتی برای مسئولین دانشگاه نظیر معاونت‌های آموزشی و دانشجویی» این اظهارات باعث شد که دانشجویان به شدت به حرف‌های وی واکنش نشان دهند و حرف‌های را وی اقدامی در جهت تطهیر حادثه زنجان و رفع اتهام از مددی معاون دانشجویی این دانشگاه قلمداد کنند. مددی در نهایت با اعلام این که دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب در 9 شهر ایران از جمله شیراز، تهران، اصفهان، زنجان، مشهد، تبریز و... فعالیت‌های خود را به صورت زیر زمینی ادامه می‌دهند به پایان رساند. یکی از نکته‌های جالب صحبت‌های او این بود که با تعدادی از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب نیز صحبت‌های کرده است و نواقص کار آن‌ها را به آن‌ها گفته است.

پس از این که «قربانی» با توجه به فشار دانشجویان ناراضی مجبور شد حرف‌های خود را تمام کند، یکی از دانشجویان در قسمت پرسش‌های شفاهی گفت: «شما چگونه به خود اجازه می‌دهید اقتضای که در دانشگاه زنجان به بار آمد را تله جنسیتی برای معاون دانشجویی این دانشگاه قلمداد کنید. دانشگاه شیراز در اسفندماه سال گذشته شاهد تحصنی یازده روزه بود که دلیل آن بسته بودن فضایی دانشگاه و تک‌صدایی شدن آن بود. همین الان دانشجویان منتقد و مخالف از داشتن تریبون محروم‌اند و تنها تشکل‌های وابسته به حاکمیت مجوز فعالیت دارند. مجوز فعالیت‌های انجمن اسلامی همین دانشگاه لغو شده است و مدیریت دانشگاه دو سال است که از دادن مجوز به این تشکل خودداری می‌کند. با چه منطقی شما از وابسته بودن این جریانات به خارج از کشور دم می‌زنید» صحبت‌های این دانشجو با تشویق ممتد حضار در سالن همراه بود و جواب قانع کننده‌ای نیز از طرف قربانی داده نشد.

دانشجوی دومی که برای پرسش شفاهی به پشت تریبون فراخوانده شده بود، صحبت‌های خود را اینچنین مطرح کرد: «صحبت یک برگ نیست، وای جنگل را بیابان می‌کنند، هیچ حیوانی به حیوانی نمی‌دارد روا، آنچه این نامردمان با جان انسان می‌کنند. من سوسیالیست نیستم، اما سوسیالیست‌ها را دوست دارم! من فارس، بلوچ، کرد، ترک و عرب و تمامی مردم از هر نژاد و قوم قبیله‌ای که باشند را دوست دارم... شما گفتید رادیکالیسم با تسامح یعنی انحراف، اما رادیکال بودن به معنای برخورد ریشه‌ای با مسائل و مشکلات است و طبق این تعریف من هم رادیکال هستم... جنبش دانشجویی، جنبشی بدون ایدئولوژی مسلط است که دانشجویان از هر گروه و طیف فکری در دل آن جای دارند. سوسیالیست، لیبرال، دیندار سکولار و همه گونه طیف فکری می‌توانند عضوی از این جنبش باشند» این دانشجو با اشاره به صحبت‌های قربانی گفت: «جنبش دانشجویی، جنبشی آنتی سنترال است. ما به جایی وابسته نیستیم، کسانی وابسته هستند که از معافیت سربازی تا تضمین شغل پس از اتمام تحصیلات و غیره برخوردارند» این دانشجو مرتباً توسط حضار در سالن تشویق شد و دانشجویان شعار می‌دادند: «دانشجوی باغیرت حمایت می‌کنیم». در بین حرف‌های دانشجو یکی از نیروهای بسیجی فریاد زد که «شما هم ویزای آمریکا می‌گیرید» که این امر اعتراضات وسیع دانشجویان را به همراه داشت.

اما تشنج در این جلسه وقتی به اوج خود رسید که مجری از همین دانشجوی بسیجی برای پرسش شفاهی دعوت کرد. دانشجویان معتقد بودند که این فرد که «کریمی» خطاب می‌شد برای پرسش شفاهی نام‌نویسی نکرده است و حق ندارد صحبت کند. پس از این مدتی جلسه متشنج بود بالاخره این دانشجو در پشت تریبون حاضر شد و گفت: «دانشجویان همین دانشگاه با صدای آمریکا و رادیوفردها که به سازمان سیا وابسته است، مصاحبه کرده‌اند و کاملاً وابسته‌اند... شما که به تفکیک جنسیتی در کلاس‌های عمومی اعتراض دارید و

می‌گویید این بی احترامی به دانشجویان است، آیا این که افراد دور خانه‌های خود دیوار می‌کشند نیز بی احترامی به دیگران است؟!» وی در ادامه مدعی شد که سال گذشته عده‌ای از افراد حاضر در تالار در جلسه‌ای که تحت عنوان مناظره آزادی برگزار شده است، عنوان کردند که احکام اسلام منسوخ شده است و احزاب کمونیستی خارج از کشور از یکی دانشجویان دانشگاه شیراز حمایت کرده‌اند. کریمی به شدت توسط دانشجویان هو شد و عده‌ای از دانشجویان اعتراض خود را با شعارهای «مرگ بر جیره خور» و «مرگ بر طالبان» نشان دادند. در ادامه یکی از دانشجویان که مدعی بود کریمی در حرف‌های خود به وی اهانت کرد، خواستار پاسخگویی شد که مجری اعلام کرد وقت جلسه به اتمام رسیده است. وقتی این دانشجو خواسته خود را مصرتر پیگیری کرد عده‌ای از اعضای انجمن اسلامی مستقل و بسیج به طرف وی حمله کردند که این عمل باعث ایجاد زد و خورد بین این گروه و سایر دانشجویان شد. نیروهای بسیج با حمله به یکی از دانشجو پیراهن وی را پاره کردند که این امر باعث خشم بیشتر دانشجویان و بالا گرفتن زد و خورد شد. دانشجویان حاضر در سالن با شعار «توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد» اعتراض خود را به فعالیت‌های سرکوبگرانه نیروهای بسیج نشان دادند.

دانشجویان حاضر در سالن به مدت 20 دقیقه از خروج قربانی جلوگیری کردند و خواستار پاسخگویی و مسئولیت وی در قبال اظهاراتش شدند. اما بالاخره با اصرار وی به او اجازه‌ی خروج از تالار فجر را دادند. پس از خروج قربانی دانشجویان همچنان در تالار فجر باقی ماندند و خواستار اتمام فضای پرونده سازی علیه دانشجویان منتقد شدند، حتی وقتی مسئولین حراست دانشگاه چراغ‌های تالار را خاموش کردند نیز دانشجویان حاضر به ترک آنجا نشدند.

در نهایت دانشجویان با خواندن سرود «یار دبستانی من» به سمت میدان رویروی تالار فجر حرکت کردند و با ایجاد حلقه‌هایی در آنجا به شعار دادن و سرود خوانی پرداختند. شعارها از این قرار بود: «توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد»، «انجمن قلابی، ننگت باد ننگت باد»، «ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا بجنگیم» و...

199- در نامه کارگران تبریز به وزیر بازرگانی عنوان شد:

محروم کردن کارگران از سبد کالای رمضان تبعیض بود :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 22 مهر 87 گزارش کرده است : کارگران واحدهای صنعتی ، تولیدی و خدماتی تبریز در نامه ای به وزیر بازرگانی خواستار اختصاص سبد یارانه ماه مبارک رمضان به آنها شدند و عدم اختصاص آن به کارگران را نشانه تبعیض و کم لطفی نسبت به این قشر دانستند. به گزارش "ایلنا" در این نامه چنین آمده: ما کارگران تولیدی و صنعتی و خدماتی کلانشهر تبریز درخواست توجه بیشتر دولت کریمه و عدالت محور برای ایجاد امکانات اجتماعی در جامعه برای همه امت ایران اسلامی هستیم اما متاسفانه در بعضی از مواقع کارگران بیمه شده تامین اجتماعی مورد بی مهری و بی توجهی دولتمردان قرار گرفته اند. در ادامه چنین بیان شده: موضوع سبد یارانه ماه مبارک رمضان برای فرهنگیان و نظامیان و کارکنان دولت و نادیده گرفته شدن هزاران هزار از کارگران واحدهای تولیدی و خدماتی دلیل بسیار منطقی و محکم برای ادعای ماست. به اعتقاد نویسندگان این نامه اعتراضی از دولت و حکومت اسلامی بعید است که با محروم کردن کارگران از این سبد کالا تبعیض را در جامعه بسط و گسترش دهد. در پایان این نامه کارگران امضا کننده درخواست کرده اند که جهت برخورداری شدن تمامی کارگران از این سبد حمایتی هرچه سریعتر دستور مقتضی از سوی وزیر اقتصاد و امور بازرگانی صادر شود. پایان پیام

200- بدون شرح :

در نامه انتقادی دبیر شورایی هماهنگی کارفرمایان کشور عنوان شد:

اعمال قوانین غلط و ضد ملی جیب مردم را تهی می کند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 22 مهر 87 ؛ به دنبال اجرای قانون مالیت بر ارزش افزوده که اعتراض گسترده بازاریان در چند روز گذشته منجر شد، "عباس وطن پرور"، دبیر شورایی هماهنگی کارفرمایان کشور با ارسال نامه ای به رییس جمهور ضمن انتقاد از نحوه تصویب و اجرای این قانون، ماهیت اصلی مالیات بر ارزش افزوده را تشریح کند. وی که به گفته خود در زمانی که این لایحه در کمیسیون اقتصادی مجلس هفتم بررسی می شد؛ در کارگروه بررسی این لایحه نیز عضویت داشت ؛ می نویسد: بررسی و تصویب لایحه فوق بر اساس اصل 85 قانون اساسی به عنوان تجربه ای نادر به کمیسیون اقتصادی مجلس واگذار شده بود. در حالی که اکثریت نمایندگان نهادهای دولتی و بخصوص وزارت کشور همواره بصورت فعال شرکت داشتند ، حضور نمایندگان شهرداریها بخصوص دو شهر تهران و قم نیز بسیار فعال تر از حضور نماینده وزارت کشور بود.

به گفته وطن پرور در زمان بررسی این لایحه از بخش خصوصی و تعاون کشور فقط نمایندگان دو تشکل حضور داشتند . که یکی از این دو نماینده در طول مدت جلسات بدون کمترین عکس العمل و اظهار نظری تنها به دنبال آن بود تا مانند شهرداریها در این قانون سهم بگیرد.

وی می نویسد: " این درحالی است که نماینده وزارت صنایع در کنار دیگر نماینده بخش خصوصی ، واقعا پشتیبان صنعت و تولید بود و از هر فرصتی برای اثبات غلط بودن این لایحه استفاده میکرد . ولی گوش شنوایی برای شنیدن دلائل آنها وجود نداشت که نداشت."

به ادعای این عضو کمیسیون بررسی لایحه مالیات بر ارزش افزوده در این بین موضوع جالبی که همواره به بحث ها دامن میزد حضور برخی نمایندگان محترمی بود که به جد مدافع نظرات نمایندگان نهادهای دولتی مخصوصا شهرداریها برای افزایش و توسعه دریافت عوارض مختلف از مردم بودند.

وی که معتقد است بعد از گنجاچه شدن خواسته های شهرداری ها این قانون از مسیر اصلی خود منحرف شد؛ می نویسد: پس از آنکه با آمدن اعضای شورای و شهردار تهران به این کمیسیون با انتظارات شهرداری تهران به بهانه خدمت به مردم و ممانعت از افزایش هزینه های شهرداری برآورده شد؛ دیگر نهادها نیز به میدان آمده سهم خواهی هائی میکردند که این نتیجه ای جز انحراف قانون و تبعیض و حذف سلامت اقتصادی نداشت.

به گفته دبیر شورای هماهنگی و سیاستگذاری کارفرمایان بخش خصوصی با وجود دقت و پیگیری رییس وقت کمیسیون اقتصادی مجلس هفتم در زمان بررسی این لایحه برخی از نمایندگان دفاع از خواسته های نمایندگان دولت را بر دفاع از منافع کلان ملت ترجیح دادند بطوری که حتی برخورد بد و دور از ادب برخی نمایندگان مجلس باعث شد تا مخالفان به نشانه اعتراض جلسه کمیسیون را ترک کنند.

وطن پرور در نامه خود خطاب به رییس جمهور می نویسد: درنهایت پس آنکه این لایحه در چند جلسه بررسی شد؛ فشار خارج از کمیسیون باعث می شود تا لایحه مورد نظر در قالب قانونی غیر همخوان با شیوه مالیات ستانی و مخرب پایه های اخلاقی و اقتصادی جامعه تصویب شود.

وطن پرور با بیان اینکه اعضای کارگروه بررسی لایحه مالیات بر ارزش افزوده که در بسیاری از جلسات کمیسیون اقتصادی مجلس هفتم حضور داشته است، احساس می کند که باید تجربه و مشاهدات خود را مطرح نماید خطاب به رییس جمهور می گوید:

اجازه ندهیم پایه های معنویت و اخلاق در کشور بیش از این با اعمال قوانین و مقررات غلط و ضد ملی تضعیف ، و جیب مردم تهی تر گردد.

در ادامه این نامه دبیر شورای هماهنگی کارفرمایان کشور در این نامه در تشریح ماهیت اصلی مالیات بر ارزش افزوده، می نویسد:

VALUE ADDED TAX شیوه ای برای تامین هزینه های مورد نیاز دولتهاست ، اما تمام کشورهای پیشرفته دنیا ، حتی کشور مبتکر این طرح یعنی آلمان از شیوه CONSUMPTION- VALUE ADDED TAX استفاده میکنند (یعنی مالیات بر ارزش افزوده بر پایه مصرف) ، و کمتر کشوری است که از روش PRODUCT - VALUE ADDED TAX (مالیات بر ارزش افزوده بر پایه تولید) استفاده نماید . در طرح این مالیات اهداف زیر مطرح میگردد :

- یکنواخت سازی شیوه دریافت مالیات .

- کاهش نرخ مالیات که باعث سنگین بودن مطالبات گذشته زمینه قانون گریزی را به جامعه تحمیل می نماید .

- شفاف شدن میزان مالیات پرداختی و درآمد بخش های مختلف و در نتیجه شفاف شدن درآمد دولت . یعنی مردم را به مالیات دادن ترغیب کنند و موانع مالیاتی را بر طرف کنند در حالی که در قانون مطرح قصد آن دارند که علاوه بر مالیات عملکرد سالیانه واحد های تولیدی ، این مالیات آشناری را بگیرند زیرا ادعا میشود که از مصرف کننده دریافت میگردد که ناصحیح است . بر این شیوه از دریافت مالیات ایراداتی علمی هم وارد است که در ذیل به آن اشاره میگردد :

1- نفي عدالت مالیاتی ، عدالت مالیاتی به این مفهوم است که هر کس بر مبنای درآمد مالیات بدهد ولی زمانی که اقلامی مانند ارزاق عمومی مشمول این مالیات میگردند ، طبقه کم درآمد و پر درآمد را یکسان در بر میگیرد . در لایحه تنظیم شده در ایران بسیاری از این اقلام از شمول قانون معاف گردیده اند که در نتیجه بازهم مشمول هر دو طبقه خواهد بود و کمکی به طبقه کم درآمد نیست .

2- تورم زائی و تشدید تورم ، زمانی که بر قیمت تمام شده کالائی مبلغی به هر نامی اضافه شود موجب افزایش قیمت و تورم میگردد . مخصوصا که نتیجه اعمال این روش بسیار فوری و شفاف خود را مشخص میکند و بلافاصله خود را در سبد هزینه خانوار منعکس میکند و در نتیجه واکنش را خواهد بود .

3- کاهش قدرت خرید مردم و افزایش فاصله طبقاتی در جامعه ، زمانی که عوامل تولید و مواد اولیه دچار افزایش قیمت گردد طبیعتا با ثابت بودن میزان درآمد بسیاری از آحاد مردم ، قدرت خرید آنان کاهش می یابد و فاصله فقیر و غنی در جامعه افزایش می یابد . در چند ساله اخیر بعلت مشکلات اقتصادی موجود قدرت خرید مردم بسیار کاهش یافته بگونه ای که طبق آخرین برآورد انجام شده رتبه قدرت خرید ایرانیان در بین سایر کشورها بسیار کاهش یافته که بعلت ثروتی که در این مملکت نهفته است بسیار جای تاسف دارد .

جالب است علی رغم آنکه فون زیمنس طراح این شیوه مالیاتی يك بازرگان آلمانی بود ولی دولت آلمان بعنوان ((اولین)) استفاده کننده از این طرح وارد به میدان عمل نشده است.

جناب ریاست جمهور ، یقینا حضرتعالی اطلاع دارید که بحث مالیات بر ارزش افزوده از دیمه سال 1366

با تقدیم لایحه ای به مجلس وقت آغاز شد ولی فراز و فرودهایی را تجربه نمود تا اینکه در سال 1370 بخش امور مالی صندوق بین المللی پول از دولت ایران درخواست نمود که نسبت به شفاف سازی روشهای مالیاتی کشور اقدام کند. که بلافاصله دولت وقت نیز تشکیل سازمان امور مالیاتی را ضمن تقدیم برنامه سوم توسعه اقتصادی تقدیم مجلس نمود که به استناد تبصره 59 آن تشکیل گردید و سپس لایحه تغییر سیستم محاسبه مالیات عملکرد سالانه (اعمال ضریب 25 درصد بر درآمد مشمول مالیات) را به تصویب رساند تا نظر آن سازمان تامین گردد، حال با شرایط اقتصادی ما چقدر سختی داشت بماند.

از آن تاریخ دولت برای تامین نیاز هزینه بدنه سنگین و کم راندمان خود به دنبال راهی موفق در تامین هزینه های خود بود و سازمان مالیاتی در گزارش خود اظهار میدارد دولت برای تامین منابع مورد نیاز دو راه دارد :

اول - استفاده از محل درآمدهای مالیاتی .

دوم - استفاده از درآمدهای غیر مالیاتی.

درآمدهای غیر مالیاتی وجوهی هستند که دولت از مسیر فعالیت های اقتصادی خود تامین میکند که چون غیر مطمئن و نامنظم است و خطر کسر بودجه را در پی دارد پس استفاده از شیوه اخذ مالیات از درآمدهای مالیاتی بهترین گزینه میباشد. از این مطالب مشخص میگردد که دولت هدفی برای کاهش هزینه های خود پیش بینی نکرده، اما سعی دارد که با توسل به طرق مختلف درآمد زائی خود را افزایش دهد.

در پی آن در تاریخ 7 دئ 1383 ریاست محترم وقت سازمان امور مالیاتی خبر داد که مجمع تشخیص مصلحت نظام، اجرای ((VALUE ADDED TAX)) را بعنوان سیاست مکمل نظام جدید مالیاتی کشور در کنار سیستم مالیات عملکرد سالانه و دیگر عوارض و مالیاتها تصویب کرده و سازمان امور مالیاتی شرکتی آلمانی، بنام GTZ را برای آموزش و آشنائی با شیوه و راه کار استفاده از مالیات ((VALUE ADDED TAX)) انتخاب نمود و کارشناسان این شرکت در تاریخ 84/1/27 به ایران آمده و برای عده ای از مدیران سازمان مالیاتی و وزارت دارائی به همراه تعدادی از نمایندگان مجلس و کارشناسان دفتر مالیات بر ارزش افزوده، اقدام به تشکیل کلاسهای توجیهی نمودند.

این شیوه از دریافت مالیات را میتوان بر پایه این اصول تعریف نمود :

PRODUCT - VALUE ADDED TAX مالیات بر ارزش افزوده از تولید.

ADDED TAX INCOME- VALUE مالیات بر ارزش افزوده از درآمد.

CONSUMPTION- VALUE ADDED TAX مالیات بر ارزش افزوده از مصرف.

GROSS NATION PRODUCT- VALUE ADDED TAX مالیات بر ارزش افزوده تولید ناخالص ملی.

در بین این چهار روش، گسترده ترین و وسیع ترین پایه پلکانی و آبشاری ممکن که بیشتری میزان درآمد برای دولت را تامین میکند، روش مالیات بر ارزش افزوده تولید میباشد و کمترین سطح مالیات پذیری از روش مالیات بر ارزش افزوده مصرف تامین میگردد.

نکته مهم و قابل توجه : طراحان محترم لایحه مالیات بر ارزش افزوده برای کشور ما همواره اعلام میکنند که بیش از 140 کشور در دنیا از شیوه مالیات بر ارزش افزوده استفاده میکنند ولی هیچگاه مطرح نمیکند که این کشورها از چه روش اجرائی از بین چهار روش فوق استفاده و سود میجویند.

در سال 1962 اتحادیه اروپا استفاده از VALUE ADDED TAX را به کشورهای هم پیمان توصیه نمود و اعلام نمود که از ژانویه 1970 تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا ملزم به بهره جستن از این شیوه هستند.

اما همانگونه که همگان میدانیم، اکثر این کشورها علاوه دیگر کشورهای پیشرفته صنعتی که این شیوه دریافت مالیات را پذیرفته اند، فقط از شیوه مالیات بر ارزش افزوده از مصرف استفاده میکنند که فاقد خاصیت پلکانی و دریافت مالیات مضاعف و آبشاری میباشد.

طراحان مالیات فوق حتی در گزارش مشترکی که بنام ((ادبیات موضوعی مالیات بر ارزش افزوده)) در مرداد ماه سال 1384 چاپ و تکثیر شده است، در صفحه هشتم می نویسند :

((چون مالیات بر ارزش افزوده از نوع تولیدی، هزینه کالاهای سرمایه ای را مشمول پرداخت مالیات میکند، در نتیجه هزینه سرمایه گزاران افزایش پیدا میکند و به همین علت انگیزه سرمایه گزاران کاهش می یابد. هرچند این شیوه موجب درآمد بیشتری برای دولتها میشود))

در همین گزارش در صفحه نهم پاراگراف آخر اذعان گردیده است که :

((در روش مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرف، چون سرمایه گزاران و استهلاک از شمول پایه مالیاتی خارج شده، یعنی در این حالت بار مالیاتی از تولید به مصرف انتقال یافته، این امر باعث بالا رفتن انگیزه سرمایه گزاران و تولید در اقتصاد میشود، بنا براین اکثر کشورهای اجرا کننده نظام مالیاتی بر ارزش افزوده از این روش استفاده میکنند.))

در کتاب ((نگرشی به مالیات بر ارزش افزوده و چگونگی اجرای آن در ایران)) در صفحه چهار چاپ 1383 مطرح میگردد :

((اولین بار مالیات بر ارزش افزوده در سال 1948 (یعنی پس از سی سال از طرح آن) در فرانسه به اجرا درآمد. این مالیات در بدو اجرا تولیدات کارخانه ها را پوشش میداد اما در سال 1954 و در

پی اصلاح سیستم مالیات بر فروش ، فرانسه مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرف را اعمال کرد .)) همچنین در صفحه هفتم این کتاب دقیقاً علت وانگیزه استفاده از این مالیات را مطرح می نماید :

1- کشورهای اروپای غربی برای اعمال يك شكل متحد و مشترك مالیات بر فروش .
2- کشورهایمانند آمریکای لاتین ، برزیل و..... برای افزایش کسب درآمد دولت .
از اسم بسیار بسیط و شیوه های متفاوتی که در محتوای VALUE ADDED TAX وجود دارد بهره جسته اند . ولی همگی آن شیوه های متفاوت را میتوان ((مالیات بر ارزش افزوده)) نامید . در حالی که یکی حامی تولید و سرمایه گزاریست و به عدالت مالیاتی نزدیک تر است ولی دیگری ضد تولید و سرمایه گزاریست و به عدالت مالیاتی توجه کمتری دارد ولی برای دولت ایجاد درآمد تصاعدي میکند .
جناب آقای رئیس جمهور تا کنون مشخص گردید که انتخاب شیوه اجرائی دریافت مالیات بنام ارزش افزوده بر پایه تولید ضد تولید و سرمایه گزاری میباشد ولی فاجعه وقتی بیشتر میشود که انتخاب شیوه محاسباتی آن نیز احصاف بیشتری را تحمیل نماید که خواهش مند است عنایت فرمائید :
برای محاسبه مالیات بر ارزش افزوده بر پایه تولید دو روش وجود دارد :
- روش تفریقي (روش صورت حساب) خرید - فروش = ارزش افزوده
- روش تجمیعی مجموعه تمام هزینه های تولید اعم از مستقیم و سربار = ارزش افزوده
طراحان لایحه فوق ، که از يك دهه قبل هدف خود را ((TAX REFORMING)) متحول کردن شیوه دریافت مالیات در ایران قرار داده اند ، اولین اشتباه خود را در تثبیت نمودن نرخ مالیات عملکرد به 25 درصد انجام دادند ، زیرا فقط ساده سازی شیوه کار خود را مد نظر قرار داده و عدالت مالیاتی را قربانی مسئولیت پذیری خود نمودند .

اکنون نیز طراحان مالیات بر ارزش افزوده از طرح شیوه تجمیعی خود داری کرده اند ، زیرا چنانچه متوسل به استفاده از این روش گردند ، در تعریف و ذکر عوامل مشمول مالیات برای پیاده کردن مالیات بر ارزش افزوده ، موضوعاتی شفاف میگردد که :

اولا - دریافت مالیات از آنها با شیوه مالیات بر ارزش افزوده ، ناقض قانون مالیاتهای مستقیم است .
ثانیا - به صورت شفاف دریافت مالیات مضاعف را در دوره های پیش بینی شده عریان میکند .
مالیات بر ارزش افزوده با شیوه تفریقي به خوبی بیان کننده مفهوم غلط ، عدالت گریز ، ضد تولید و ضد اشتغال ارزش افزوده در سیستم محاسباتی فوق میباشد . زیرا مفهوم ارزش افزوده در این شیوه مالیاتی عبارتست از گرفتن مضاعف و مجدد درصدی از مجموع پرداختها و هزینه های يك واحد تولیدی بعد از مرحله خرید مواد اولیه و کالاهای نیمه ساخته که در فاکتور وجود دارد .
آیا پرداخت دستمزد به کارگر و سایر هزینه های مرتبت با آن بعنوان خرید خدمت نیروی انسانی باید مشمول مالیات گردد ؟

- آیا پرداخت هزینه هائی مانند ، اجاره مکان ، آب برق ، گاز و تلفن..... به مفهوم خرید امکانات و عوامل موثر در تولید باید مشمول پرداخت مالیات مضاعف گردد ؟ زیرا یکبار مالیات آنها در فیش صادره لحاظ و پرداخت گردیده است .

- آیا بر پرداخت مالیات حقوق ، 30 درصد حق بیمه سازمان تامین اجتماعی بازهن باید مالیات پرداخت نمود ؟

- دولت در هنگام فروش کالاهائی مانند بنزین 30 درصد عوارض دریافت میکند و این کالا یکی از عوامل موثر در تولید است و در قیمت تمام شده موثر است . آیا دولت انتظار دارد از اینگونه عوارض مالیات مضاعف بگیرد ؟

چرا سازمان امور مالیاتی این اقلام را از بحث ((خرید)) منفک میکند و در صد آن بر می آید که نام آنرا به ((ارزش افزوده)) تغییر دهد و از آن ارقام و دهها نوع عوارض و مالیاتهای که به ((دولت پرداخت)) شده ، مجدداً رقم دیگری به نام مالیات دریافت کند ؟

جای تعجب است که کارشناسان محترم سازمان با قاطعیت مضاعف بودن و ابشاری بودن این شیوه دریافت مالیات را تکذیب می فرمایند !!

برای عنایت بیشتر ، محیطی آزمایشی که تمام عوامل بصورت یکسان فعالیت کنند و دارای راندمان و هزینه های مساوی باشند را طراحی میکنیم و فرض میکنیم که در هر مرحله مبلغ مواد اولیه و لوازم بسته بندی

و 70 واحد یا 70 درصد قیمت کالای فروش رفته باشد ، کلیه هزینه های تولید 20 درصد قیمت کالای فروش رفته باشد و سود بنگاه 10 درصد در نظر گرفته شود .

جناب رئیس جمهور ، اگر يك محیط آزمایشگاهی طراحی کنیم که تمام واحدهای فعال در آن محیط شرایط یکسانی دارند و نسبت مصرف مواد اولیه 70 و استفاده از عوامل مختلف تولید 20 و سود هر يك از واحد ها 10 واحد فرض شود ، اگر يك کالا یا ماده اولیه 15 بار در این محیط یکنواخت و پایلوت چرخیده شود و ضریب مالیاتی 3 درصد باشد سهم مالیات دولت نسبت به اول دوره که به ازاء خرید 70 واحد مواد اولیه فقط 2/1 واحد پرداخت شده 24409/5 درصد افزایش می یابد که گویای تورم زانی این قانون غلط است. آیا منظور طراحان این قانون احصاف به جامعه است؟

حال اگر آخرین فروشنده نیز نتواند مالیات مورد نظر را از مصرف کننده بگیرد و به دولت مسترد نماید .
قریب به 477 درصد برابر سود خود را باید به سازمان مالیاتی کشور پرداخت نماید که فساد اجرائی این قانون از تجمیع عوارض و قانون کد اقتصادی منحل شده قبل به مراتب بیشتر خواهد بود .
جای تعجب است که مسئولان محترم کشور از تشابه نرخ 3 درصدی بین تجمیع عوارض و ارزش افزوده

این دوشیوه مالیات گیری را یکسان اعلام و یکی را جایگزین دیگری می نماید .
مقام محترم ریاست جمهوری ، تعدادی از کشورهای صنعتی که هم فرهنگ مالیات پذیری در جامعه آنان بیشتر از کشور ما نهادینه شده ، هم بعزت نداشتن مرزهای خاکی شرایط تجاری شفاف تری دارند ، هم از تنوع کمترینگاهها و موسسات تجاری دولتی ، شبه دولتی ، نیمه دولتی ، خیریه ای و..... برخوردارند از قبول اجرای مالیات بر ارزش افزوده تا این تاریخ به هر شکل و شیوه ای از آن خود داری نموده اند ، حال چه اراده پنهانی وجود دارد که سازمان امور مالیاتی ما را مجبور میکنند که با دست خودمان تیر خلاص بر پیکر تولید مان بزنیم ؟

بعنوان نمونه سازمان امور مالیاتی خود میزبان بر گزارى اجلاس مقامات مالیاتی کشورهای اسلامی بود . این مقامات در کمیته ای که برای بررسی مالیات بر ارزش افزوده به ریاست آقای براهیم کتانی از کشور مغرب تشکیل گردید ، بیانیه ای در پنج صفحه در تاریخ پنج شنبه اول دسامبر 2005 صادر نمود که هر چند با زبانی دیپلماتیک مطرح گردیده ولی بیان کننده آن است که ورود به این موضوع ظرافت بسیار خاصی را طلب میکند که به ذکر بخشی از آن در زیر می پردازد :

1- مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی گسترده بر ((پایه مصرف)) است . V.A.T. IS A BROAD - BASED TAX ON CONSUMPTION

2- مالیات بر ارزش افزوده درآمد واقعی و قابل ملاحظه ای برای دولت تولید میکند ، اما قبل از رسیدن به وضعیت [تولید درآمد] نیازمند صرف زمان و پول جهت آماده شدن برای پیاده سازی است .

BEFOR REACHING THE PRODUCES REAL CONSIDERABLE REVENUEFOR GOVERNMENTS BUT IMPLEMENTATION STATE, IT TAKES TIME AND MONEY TO GET READY FOR

3- نظام مالیات بر ارزش افزوده (مخصوصا قانون و رویه های آن) باید در حد امکان ساده باشد تا مودیان در تمکین از آن با مشکلی مواجه نباشند .

4- معافیت زنجیره مالیات بر ارزش افزوده را میشکند و در نتیجه سبب بروز آثار آبخاری مالیات مضاعف [میگردد] .

5- آگاه سازی عموم بخش بسیار مهمی از مرحله پیش از اجرای مالیات بر ارزش افزوده است . جامعه مودیان باید از وظائف و حقوق خود در رابطه با مالیات بر ارزش افزوده مطلع باشند . صرف زمان و بودجه کافی برای این کار الزامی است .

ملاحظه میگردد هیچ يك از مقامات در بیانیه کمترین اشاره ای به موفقیت های خود ندارند و حتی نمونه موفق را معرفی نکرده اند . ولی در مقابل با توجه با مشکلاتی که در اثر ورود به این طرح با آن مواجه شده اند ، دیگر کشورهای را (تلویحا ایران را) از قبل هوشدار میدهند .

مخصوصا در بند 9 این بیانیه از فساد و تخلفی که در اثر ارتباط مودی و ممیز ایجاد میگردد به صراحت اعلام میگردد که زمینه استفاده از فناوری اطلاعات محیا گردد .

در بند 10 مجددا تاکید میکند که : ((از رویه های حسابداری از پیش طراحی شده و آزمایش شده و کاملا تایید شده برای اجرای آن استفاده گردد)) .

از همه مهمتر بر مالیات بر ارزش افزوده بر پایه مصرف تاکید میکنند ولی سازمان امور مالیاتی خود را به غفلت میزند و اخذ مالیات بر پایه پلکان تولید را چون در آخرین پلکان معامله با مصرف کننده صورت میگیرد آنرا مصرفی می نامد .

همه مطالب فوق گویای مشکلات حادث در این کشورها و دلیل نا موفق بودن آنهاست . قصد تطویل عرایض و ورود به اشتباهات موجود در بند قانون فوق را ندارد ولی همانگونه که در نخست معروض داشتیم این شیوه مالیاتی چیزی است که مانند برخی قوانین و مقررات غلط موجود موجب افزایش اخلاق گریزی و توسعه فساد اجتماعی در کشور خواهد گردید . چرا کشور ژاپن در مقابل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای اعمال و اجرای این قانون مقاومت میکند ؟

7- پیشنهاد:

- دولت باید به سیستم فشنل وسنتی بازار و دلالتی خاتمه دهد . پنهان کاری اقتصادی و نبود اطلاعات جامع از فعالیت کلیه کسبه و بازاریان به نوعی ارزش تبدیل گردیده است ، چرا دولت برای تامین

نیازهای خود فقط تولید کنندگان را هدف میگیرد .
- چرا وزارت بازرگانی و دیگر متولیان امر هنوز تعریف جامعی از عمده فروش و خرده فروش اعلام ننموده و مرز این دو مطلب نامشخص است ؟

- چرا سازمان امور مالیاتی در زمان اعمال بند (ب) ماده 97 از يك تولیدکننده صورت حسابهای بانکی را طلب میکند ولی وزارت دارائی و بانک مرکزی چشم بر جابجائی هزاران میلیارد تومان پول در شبکه

بانکی کشور می بندد ؟

دولت باید قانون مجهز شدن اصناف به صندوقهای الکترونیکی را که سالهاست دنیا از آن عبور نموده را به جد تعقیب و اجرا و اعمال نماید ، سالهاست که مهلت اجرای آن پایان یافته است و وزارت بازرگانی

بعنوان مسئول شورای مرکزی اصناف در جزئی ترین مطالب آنان دخالت میکند ملی در اعمال قانون با اصناف مماشات می نماید . چرا ؟

بهترین ، ساده ترین و اصولی ترین روش دریافت مالیات ، روش دریافت مالیات بر مصرف و در پای صندوق میباشد . چندین سال است که تولید کنندگان و کارشناسان مستقل معضلات لایحه ای که

امروز آنرا قانون می نامیم را فریاد زده اند ، یقین داشته باشیم تاخیر در اجرای قانون مشکلات اساسی

آنها حل نخواهد کرد و دولت باید آنها را برای اصلاح به مجلس عودت دهد. اگر این قانون به هر دلیلی اجرا گردد، مانند بسیاری از طرحهای نظام مالیاتی گذشته از جمله، اعمال کد اقتصادی، تجمیع عوارض و..... یکبار آزمایش میشود و بسیاری از تولید کنندگان را متضرر و گرفتار می نماید، آنگاه مانند بسیاری از سیاستها و برنامه ریزیهائی که بر پایه آزمون و خطا اعمال گردیده حذف خواهد شد، چون از پایه غلط، ضد تولید، ضد اشتغال و مفسده زا میباشد.

عباس وطن پرور

تهران - مهر ماه 1387

منابع مورد استناد:

آشنائی با مالیات بر ارزش افزوده، دفتر اجرائی طرح مالیات بر ارزش افزوده چاپ 1382
سلسله گزارشات مرکز پژوهشهای مجلس، ارزیابی عملکرد نظام مالیاتی چاپ مهر 85

سایت سازمان امور مالیاتی WWW.VAT.IR

ادبیات موضوعی مالیات بر ارزش افزوده، دفتر طرح مالیات بر ارزش افزوده چاپ 1384

مقالات متعدد جناب آقای اکبر کمیجانی

مقالات جناب آقای الیاس نادران

مقالات جناب آقایان نادر آریا، فرهاد طهماسبی، رضا کباری

بیانیه دومین اجلاس عمومی مقامات مالیاتی کشورهای اسلامی، کمیته مالیات بر ارزش افزوده، پنج

شنبه اول دسامبر سال 2005 در تهران

201- کودکان کار کودکان فراموش شده:

به گزارش روزنامه اعتماد در تاریخ 22 مهر 87: طه ولی زاده: یک سال پیش هم کلام دخترک ده ساله بی شدم که از طبقه محروم جامعه بود و برای تامین نیازهای خانواده اش و فرار از کتک های پدر دائم الخمرش رو به فروش فال های حافظ در مقابل یکی از معروف ترین رستوران های ایران آورده بود تا شاید رهگذران بی درد، بی خیال از کوله بار دردش لطفی کنند و از او فالی بخرند. پس از چهار، پنج بار که همدیگر را دیدیم با آن لحن معصومانه اش برایم از زندگی اش گفت. از سرگذشت و سرنوشت محتوم خودش و خواهرانش. اینکه چگونه پدرش برای تامین تریاک خود، دختران هنوز ده ساله نشده اش را هر ماه به دست به اصطلاح کارفرمایی می دهد، اینکه آنها چه بلایی بر سرشان می آورند...

قصدم خواندن مرثیه بر پیکر نیمه جان شهرم نیست که تا امروز هر چه نوشته شده و هر چه خوانده شده فریاد و امصیبتا و احسرتا بوده و قطره اشک هایی که هنوز فرو نغلتیده بر گونه ها خشک شده اند. چه ببینیم و چه خود را به ندیدن بز نیم کودکان خیابانی همین جا در مقابل چشم های بسته ما در همین شهر زندگی می کنند. کودکانی که می فهمند، احساس دارند، آرزو دارند، کودکانی که کار می کنند، کودکانی که ده ساله، صد ساله می شوند. همان طور که گفته شد نگاه به کودکان کار اگر نه همواره اما اکثراً نگاهی ترحم آمیز و احساسی بوده است. هر چند این نوع نگاه هرگز قابل سرزنش نیست اما به راستی چاره ساز نیز نخواهد بود. بررسی این معضل و کمک به مرتفع کردن آن نیاز به توجه پایه بی و زیربنایی پژوهشگران و مسوولان به این پدیده دارد که موارد گوناگون و بسیاری را شامل می شود از جمله؛ چگونگی و چرایی به وجود آمدن و استمرار این پدیده، بررسی آماری به کارگیری کودکان در موقعیت ها، مشاغل و محیط های جغرافیایی مختلف، بررسی آماری سنین شروع به کار کودکان در مناطق مختلف کشور، استفاده از تجربه های نهادهای بین المللی و کشورهای دیگر در مبارزه با این پدیده و بومی کردن این تجارب و ده ها مورد دیگر.

اگرچه همانند هر داده دیگری متأسفانه آمار دقیق یا نزدیک به واقعیتی از تعداد کودکان کار و پراکندگی شان در موقعیت های گوناگون در سطح شهرها و روستاهای ایران در دست نداریم اما با توجه به آمارهای سازمان های جهانی می شود به بزرگی این فاجعه در جهان و به تبع آن در ایران پی برد. براساس آمارهای سازمان جهانی یونسف در سال 2006، حدود 158 میلیون کودک کار 14-5 ساله در جهان وجود دارد که این رقم در گروه سنی 17-5 سال به 218 میلیون می رسد. 128 میلیون - از 218 میلیون - یعنی چیزی حدود 58 درصد از این کودکان در بدترین شرایط کاری فعالیت می کنند. یک سوم این کودکان در شرایط بسیار خطرناک و ریسک پذیری کار می کنند که باید به سرعت برای دور کردن آنها از چنین محیط هایی اقدامی شود و 70 درصد این کودکان بدون پرداخت کمترین حقوقی به کار واداشته می شوند.

براساس داده های این سازمان در سال 2002، هر ساله 8/4 میلیون کودک در جهان به عنوان برده مورد استثمار قرار می گیرند، به سرزمین هایی دورتر از محل زندگی شان گسیل می شوند، در نبردها و منازعات

نظامی به کار گرفته می شوند یا مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته و همچنین در سایر فعالیت های غیرقانونی مثل حمل مواد مخدر و... از آنها استفاده می شود. همواره اولین سوالی که در مواجهه با این مشکل به ذهن می رسد این است که کودکان به چه منظوری و چرا کار می کنند؟ در یک نگاه کلی می توان این گونه گفت که بیشتر این کودکان به این دلیل کار می کنند که برای زنده ماندن نیاز به این پول یا غذای مختصری دارند که کارفرمایان شان در اختیار آنها می گذارند. استخدام کودکان بسیار کم هزینه تر از استخدام افراد بالغ است. به علاوه اینکه ظرافت و انعطاف دست و بدن کودکان در تسریع برخی کارها که نیاز به ظرافت دارند بسیار موثر است. برای برخی از بچه ها مدرسه و تحصیل گزینه یی برای ادامه زندگی نیست زیرا تحصیلات معمولاً پرهزینه هستند و همچنین برخی خانواده ها این گونه فکر می کنند که تحصیل کودک را از زندگی واقعی دور می سازد.

موضوع دیگری که می تواند مورد پژوهش قرار گیرد نوع شغل هایی است که کودکان درگیر آن هستند و نگاه آماری به پراکندگی این کودکان در کشور. به عنوان مثال اینکه چند درصد این کودکان در مزارع کار می کنند؟ چند درصد در کارخانه ها، معادن، کارگاه های آجرپزی مشغول به فعالیتند؟ اینکه آیا خرید و فروش کودکان در کشور ما به ویژه به منظور سوءاستفاده های جنسی وجود دارد، در چه سطحی و چه ابعادی این پدیده در حال جریان است؟ نکته یی که هرگز نباید فراموش شود این است که ممکن است در ایران علت هایی در گسترش این معضل دخیل باشند که در سایر نقاط جهان مطرح نیستند. برای مثال بسیاری از این کودکان افرادی هستند که به دلیل داشتن پدر غیر ایرانی - بیشتر افغانی یا عراقی - تابعیت ایرانی ندارند و فاقد شناسنامه هستند. این کودکان از هیچ گونه کمک دولتی برخوردار نمی شوند و تنها امیدشان نهادهای غیردولتی نظیر انجمن حمایت از حقوق کودکان کار است. بررسی این قبیل سوال ها و به دنبال چاره بودن برایشان ضروری تر از برگزاری مراسمی است که با نگرش خوشبینانه تنها نیاز چند روز این کودکان را جواب می دهد؛ مراسم و جشن هایی که بیشتر قصد تحریک احساسات آنی و زودگذر را دارند و هرگز با این مشکل به صورت ریشه یی مبارزه نکرده اند. در چند سال اخیر سازمان های غیردولتی در جهت بهبود وضعیت این کودکان شکل گرفته اند که اقدامات قابل توجهی را در این راستا انجام داده و می دهند. این مراکز عموماً با دو مشکل اساسی روبه رو هستند. نخست فقدان نیروی متخصص و دوم مشکلات مالی. کمکی که از طرف دولت به این سازمان ها می شود به زحمت هزینه های یکی، دو ماه را برطرف می کند. همچنین به دلیل آگاه نبودن بیشتر مردم از وجود چنین نهادهایی، این مراکز نمی توانند خیلی به کمک های مردمی تکیه کنند. با وجود تمام این مشکلات، تشکیل این سازمان های غیردولتی نوید فردای بهتری را می دهند.

نکاتی که در این یادداشت به آنها اشاره شد تنها سرفصل هایی هستند که می توانند مورد پژوهش و بررسی قرار گیرند. پژوهش هایی که به حتم تأثیر قابل توجهی بر زندگی و آینده کودکان کار خواهند داشت. اگر امروز درصدد درمان این زخم برنیاپیم و مثل هر مشکل دیگری بخواهیم با تزریق مسکن های گذرا درد را تسکین دهیم و به فرداها حواله اش کنیم، فردا می رسد و ما حسرت تمام لحظه هایی را که بیهوده از دست داده ایم، خواهیم خورد.

202- واکنش "کیهان" به تعطیلی بازار و پیشنهاد قلع و قمع "چماقداران" در بازار:

به گزارش سایت روشنگری در تاریخ 22 مهر 87 آمده است: تعطیلی یک پارچه بازارها در تهران، اصفهان و تبریز روزنامه کیهان را به خشم آورده است و این روزنامه در یادداشت سیاسی خود خواستار قلع و قمع افرادی که از آنها به عنوان دست های پشت پرده اعتصاب بازار و "ارادل و اوباش چماقدار" در بازار نام برد شد. متن یادداشت کیهان:

"آن روز مولایمان حضرت امیر علیه السلام که از سستی و تنبلی برخی یاران خویش دلگیر و غمزده بود، بر سنگی در کوفه ایستاد و با اندوهی آمیخته به ملامت، لب به سخن گشود. جماعت در اطراف ایشان حلقه زده بودند، اما، علی(ع) گویا با خود سخن می گفت، یا شاید راز غمزدگی با خدای خویش در میان می گذاشت... کجا بندگان من که راه حق سپردند و با حق، رخت به خانه آخرت بردند؟ کجاست عمار؟ کجاست ابن تیهان؟ کجاست دوشه‌دینین؟ و کجا هستند برادران دیگرم که همانند آنها بودند؟ با یکدیگر به مرگ پیمان بستند، دشمنان، سرهای آنان را برای فاجران هدیه بردند و..."

نوف بکالی که از یاران حضرت و در آن جمع حضور داشت، می گوید، چون سخن حضرت امیر(ع) به اینجا رسید، دستی به محاسن مبارک خویش کشید و زمانی دراز، گریست... آنگاه سر برافراشت و ادامه سخن خویش گرفته و فرمود؛ دریغا از برادرانم که قرآن را خواندند و در حفظ آن کوشیدند. واجب را برپا کردند، پس از آن که در آن اندیشیدند، سنت را زنده کردند و بدعت را میراندند. به جهاد دعوت شدند و پذیرفتند. به

پیشوای خود اعتماد کردند و در پی او رفتند و... خطبه 181 نهج البلاغه

چند روزی است برخی از اصناف و بازاریان به تحریک شناخته شده تعدادی اندک از کلان سرمایه داران سودجو و حرامخوار که کمترین مشابهتی با توده های عظیم تجار و بازرگانان و بازاریان مؤمن و خداجوی ندارند، در اعتراض به اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، مغازه های خود را به میل و یا به تهدید عوامل وابسته به همان کلان سرمایه داران مفت خور تعطیل کرده اند! این در حالی است که دولت برای توضیح و روشنگری درباره این قانون، اجرای آن را دو ماه به تاخیر انداخته و اصناف را به رایزنی و تبادل نظر پیرامون قانون یاد شده فراخوانده است و ظاهراً، دیگر نباید بهانه ای برای اعتصاب باقی مانده باشد، ولی متأسفانه و باز هم به تحریک همان گروه اندک، دیروز هم شماری از اصناف به اعتصاب ادامه دادند. ادامه این حرکت ناپسند بعد از تعلیق دوماهه قانون از سوی دولت و دعوت اصناف به رایزنی و تبادل نظر به وضوح نشان می دهد که ماجرای دیگری در میان است و متأسفانه شماری از بازاریان و اصناف که همواره به پاکدستی، ایمان و تعهد اسلامی و انقلابی شناخته شده و می شوند، در چنبره فریب دیگران گرفتار آمده اند! و یا -خدای نخواست- در مقابله با این حرکت مشکوک و ناپسند، کوتاهی کرده اند...

اینجاست که باید گفت؛ کجایند، شهید عراقی ها، شهید اسلامی ها، شهید لاجوردی ها و دهها بازاری شهید دیگر که آن روزها در مقابل توطئه رژیم طاغوت مردانه ایستادند، شکنجه شدند، زندان کشیدند، به تبعید رفتند و لی هرگز از یاری اسلام و مردم مظلوم کشور خویش دست نکشیدند و هویت اسلامی و انقلابی بازاریان مؤمن و متعهد را بر تارک بازارها ثبت کردند و داغ سوءاستفاده از بازاریان و اصناف را بر دل سیاه رژیم خونریز و غارتگر پهلوی و حامیان بیرونی آن نهادند و....

کجایند بازاریان بسیاری که در روزهای آتش و خون، کسب و کار و رونق بازار و انهداند و به جبهه ها شتافتند، خون دادند، خون دل خوردند و از حریم اسلام، انقلاب و مردم مظلوم کشور خویش دفاع کردند... امروز، باز هم، بازار همان بازار است و اصناف همان اصناف ولی پرسش این است که با وجود توده های مؤمن و انقلابی اصناف و بازاریان، چرا باید معدودی کم شمار و کلان سرمایه دار، خواست خود را که بی گمان خواست دشمنان تابلودار اسلام است بر آنان تحمیل کنند؟! ماجرا روشن تر از آن است که زمینه ای برای فریب خوردگی بازاریان مؤمن و متعهد وجود داشته باشد، چرا؟!...

مالیات بر ارزش افزوده، راه کاری است که نزدیک به یکصد سال سابقه دارد و امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، مخصوصاً کشورهای پیشرفته و صنعتی با نرخ بالای 17 تا 25 درصد اجرا می شود.

در این روش

1- دست واسطه ها و دلال هایی که کمترین نقش مثبتی در تولید و یا تجارت- به مفهوم واقعی آن- ندارند قطع می شود. این يك امتیاز بزرگ و غیرقابل انکار به نفع مردم.

2- جلوی اقتصاد زیرزمینی که یکی از عوامل اصلی تورم و گرانی است گرفته می شود این نیز امتیاز دوم برای مردم و تولیدکنندگان و بازرگانانی است که نمی خواهند حرام خواری کرده و درآمدهای ناسالم داشته باشند.

3- حساب های مالیاتی شفاف می شود و در نتیجه، شمار محدودی از صاحبان درآمدهای کلان که از امکانات عمومی بیشترین بهره را می برند و کمترین سهم را می پردازند، نمی توانند از پرداخت مالیات که حق دولت و به بیان دیگر حق مسلم مردم است طفره بروند. در حال حاضر، اصلی ترین اقشار تامین کننده درآمد مالیاتی دولت- بخشی از بیت المال- کارمندان و کارگران و قشرهای محروم و مستضعف جامعه هستند. یعنی توده های عظیم مردم که مالیات می دهند و از امکانات عمومی کمترین بهره را می برند و در مقابل آنها، صاحبان درآمدهای بالا قرار دارند که مالیات نمی دهند و در همان حال از مالیاتی که اقشار محروم پرداخته اند بیشترین استفاده را می کنند.

4- مردم به جای آن که مالیات کنونی تجمیعی 4 درصدی را به طور غیرمحسوس پرداخت کنند، مالیات 3 درصدی پرداخت می کنند و از آنجا که پرداخت مالیات از سوی آنها کاملاً محسوس و ثبت شده است، در مقابل انتظارات منطقی نیز از دولت خواهند داشت، به بیان دقیق تر، مصرف کنندگان مالیات کمتری می دهند و انتظارات به جا و منطقی نیز دارند. ضمن آن که بسیاری از کالاهای مصرفی مثل مواد خوراکی، بهداشتی، صنایع دستی و... از این مالیات معاف هستند.

5- شفاف شدن حساب ها، از رشوه دهی و رشوه خواری در عرصه مالیاتی کشور- که متأسفانه خیلی هم کم نیست!- جلوگیری می کند. چرا که در این حالت، از دست رشوه خوار کاری بر نمی آید و رشوه دهنده نیز، خود مفت خور است و پول مفت به رشوه خوار نمی دهد.

6- اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده یکی از مؤثرترین راه کارهای تجربه شده برای مقابله با قاچاق کالا، فساد اقتصادی و پولشویی است. آیا صنف محترم تولیدکننده کفش فراموش کرده اند که چگونه رنج تولید را بر خود هموار می کنند ولی با نوع خارجی همین کالا- مثلاً چینی- که به طور قاچاق وارد شده توان رقابت ندارند و....

7- تمامی مفاد قانون مالیات بر ارزش افزوده به وضوح نشان می دهد که اجرای این قانون به نفع مصرف کننده، تولیدکننده، تجار و کسبه است، اگر کسی در این واقعیت کمترین تردیدی دارد می تواند، نظر و دیدگاه خود را به طور مستند و مستدل با تصویب کنندگان این قانون و کارشناسان اقتصادی دولت در میان بگذارد. آیا این راه که دولت و مجلس آمادگی کامل خود را برای این گفت و گو و رایزنی اعلام کرده اند، گره گشا نیست؟

8- بلافاصله بعد از اعلام تعویق دوماهه اجرای این قانون از سوی دولت که با هدف روشنگری درباره آن صورت پذیرفته بود، آن عده معدود که می دانستند با روشن شدن اصل ماجرا مهر رسوایی مردم ستیزی و مفت خواری بر پیشانی آنان خواهد نشست، به جای استقبال از این پیشنهاد، بر دامنه تحریکات و فریبکاری خود افزودند و این سؤال را بی جواب گذاشتند که اگر این قانون آن گونه که ادعا می کنید به نفع مردم و تجار و تولیدکنندگان نیست، چرا از ارائه دلایل خود در يك نشست رو در رو با کارشناسان طرفه می روید؟! و چرا از يك سو برای فریب مردم و از سوی دیگر برای همراهی با دشمنان بیرونی، نعل و ارונה می زنید؟! 9- دیروز آقای محمد آزاد رئیس شورای اصناف کشور با صراحت اعلام کرد که عده ای چماقدار اصناف را وادار به تعطیلی واحدهای خود کرده اند، آقای آزاد تصریح کرد، چماقداران اصناف مختلف را تهدید به آتش زدن و تخریب مغازه ها کردند، و... اظهارات آقای محمد آزاد که با مشاهدات عینی خبرنگاران و عکاس کیهان انطباق کامل دارد، نشان می دهد که اولاً؛ ماجرا يك ماجرای صنفی نیست و همانگونه که برخی اخبار و گزارش های مستند گواهی می دهند، دست های پنهان دشمنان بیرونی و دنباله های داخلی آنها، پشت این ماجرا قرار دارد. ثانیاً؛ حکایت از آن دارد که اصناف محترم و بازاریان متعهد و مؤمن خواستار تعطیلی نبوده و نیستند ولی متأسفانه برای حمایت از آنها در مقابل چماقداران دست همتی از آستین اقتدار مسئولان نظام بیرون نیامده است. چرا؟!...

آیا تعجب آور و تأسف انگیز نیست در حالی که به آسانی در مقابل حمله نظامی دشمنان، خرابکاری تروریست ها و... ایستاده و توطئه آنان را خنثی کرده ایم، از مقابله با يك مشت ارادل و اوباش چماقدار طرفه برویم؟! چرا باید مسئولان محترم انتظامی و امنیتی، اصناف متعهد را در مقابل ارادل چماقدار تنها بگذارند؟! اگر تعارف می کنید!- که به یقین نمی کنید- قلع و قمع ارادل را به مردم و اصناف و بازاریان متعهد و انقلابی بسپارید و قاطبه متعهد اصناف و بازاریان را در مقابل ارادل بی دفاع نگذارید. و بالاخره شایسته و ضروری است که بزرگان و معتمدین بازار و اصناف دعوت خیرخواهانه و منطقی دولت را لیبك گفته و نظرات کارشناسی خود را با کارشناسان دولت در میان بگذارند تا ضمن روشنگری درباره ماهیت قانون مالیات بر ارزش افزوده و توضیح منافع آن برای مردم، اگر نقص و اشکالی نیز بر آن وارد است با حمایت دولت خدمتگزار و مردمی این نواقص احتمالی را برطرف کرده و راه سوءاستفاده دشمنان را سد کنند.

203- اقتصاد ایران: افزایش بیکاری یا رشد شدید تورم :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 22 مهر 87 آمده است : رقابت بر سر بالا بودن مبلغ یارانه نقدی در آینده به یکی از محورهای تبلیغاتی در انتخابات کشور بدل خواهد شد که هیچ دولتی از آن خلاصی نمی یابد. مسعود نیلی استاد و رئیس دانشکده مدیریت دانشگاه صنعتی شریف شنبه شب در میزگرد طرح تحول اقتصادی و تاثیر آن بر فضای کسب و کار اظهار کرد: , اگر فرض را بر این بگیریم که دولت قصد دارد، قیمت تمامی حامل های انرژی را به سطح قیمت خلیج فارس برساند، شاهد بروز دو نتیجه در سطح مصرف کنندگان نهایی و تولید کنندگان خواهیم بود. افزایش قیمت حامل های انرژی در خانوارهای مصرف کننده انرژی باعث می شود که افراد در بخش هایی که می توانند به مصرف کمتر از انرژی رو بیاورند و این در حالی است که در بخش هایی که نمی توان کاهش مصرف داشت، افزایش قیمت انرژی، خود را در چهره افزایش هزینه های زندگی به سبب خانوارها تحمیل می کند. این افزایش سهم هزینه انرژی در سبب خانوارها با فرض ثبات سقف درآمدها، باعث می شود، تقاضا برای دیگر اقلام کاهش یابد که ناگزیر به حذف کالاهای غیر ضرور از سبب خرید منجر می شود که کسادی و رکود را در این اصناف به دنبال خواهد داشت در این سطح باید به نکته بسیار مهمی توجه کرد و آن هم وضعیت درآمد سرانه مردم در ایران است؛ توضیح اینکه بنابر یک نحوه محاسبه که مورد تایید مجامع بین المللی نیز هست، درآمد سرانه از تقسیم تولید ناخالص داخلی به جمعیت و نرخ ارز حاصل می شود که بر مبنای این محاسبه، درآمد سرانه ایرانیان حدود چهار هزار دلار است، یعنی هر کدام از ما امکان قدرت خرید چهار هزار دلار در بازارهای جهانی را داریم. آمار دیگری که آن هم از سوی نهادهای بین المللی تایید می شود، درآمد سرانه برحسب قدرت خرید محاسبه می شود که فاصله آن با درآمد سرانه در شیوه محاسبه قبلی بسیار زیاد است به گونه ای که این عدد بین 10 تا 12 هزار دلار تخمین زده شده است. فاصله شش هزار دلاری موجود دقیقاً بیانگر میزان یارانه ای است که دولت ما

برای حفظ رفاه عمومی جامعه پرداخت می کند. در واقع اگر دولت یارانه ندهد سطح رفاه ما در حد همان درآمد سرانه چهار هزار دلار است و این همان شرایطی است که دولت ها همواره از پیامدهای اجتماعی آن هراسناک بوده اند. پیامدهای واقعی سازی انرژی در بنگاه های تولیدی نیز به اشکال دیگری ظاهر می شود به این ترتیب که افزایش قیمت انرژی خصوصا در صنایع انرژی بر باعث بالا رفتن هزینه های تولید و در نتیجه افت حجم فروش می شود و بسیاری از صنایعی که با فناوری های قدیمی و فاقد توجیه اقتصادی فعالیت می کنند را هم به ورطه ورشکستگی می کشاند. از طرفی فعالیت ها و بنگاه هایی که از محل منابع آزاد شده از عدم پرداخت یارانه ها ایجاد شده اند با تاخیر وارد فاز تولید می شوند بنابراین دولت در این مقطع زمانی در حساس ترین و سرنوشت سازترین موقعیت تصمیم گیری قرار می گیرد. دولت یا باید در برابر موج اعتراض افزایش بیکاری برای مدتی مقاومت کند یا با فشار به سیستم بانکی و بودجه به این واحدهای ورشکسته نقدینگی تزریق کند تا سرپا بمانند که در چنین حالتی نتیجه ای جز افزایش نقدینگی و رشد شدید تورم حاصل نخواهد شد. قیمت ارزان انرژی در ایران باعث رواج استفاده از فناوری های قدیمی، از رده خارج و فاقد توجیه اقتصادی شده است، بنابراین صنایع ما در شرایط واقعی شدن قیمت ها تنها در صورتی قادر به ادامه فعالیت خواهند بود که فناوری های فعلی را با فناوری های جدید تعویض کنند و این الزام در حالی است که در کشور از نظر مسائل و مراودات بین المللی شدیداً در تنگنا و محدودیت قرار دارد. تردیدی در ضرورت تغییر و اصلاح این شرایط وجود ندارد ولی مهم تر از این مساله و حتی شیوه اصلاح، انگیزه و نگاهی است که این تغییرات را مدیریت و راهبری می کند، چرا که اگر مجموعه حرکت به سمت اقتصاد مدرن باشد باید سایر مولفه های این طرح هم با اصول این کیهان فکری (پارادایم) همخوانی داشته باشد. رقم یارانه پرداختی از سوی دولت در حوزه انرژی حدود 100 میلیارد دلار عنوان می شود و این در حالی است که کل نقدینگی بخش خصوصی کشور حدود 170 میلیارد دلار است به عبارت دیگر این 100 میلیارد دلار در حالی پرداخت می شود که هیچ چرخش نقدینگی صورت نمی گیرد ولی اگر این یارانه ها نقدی پرداخت شود این مبلغ باید به صورت شفاف و با اسکناس رد و بدل شود در نتیجه تقاضا برای پول نقد افزایش می یابد و این به معنی خروج نقدینگی غیر دیداری از بانک هاست. بنابراین اگر دولت همچنان بخواهد سیاست کاهش نرخ بهره را دنبال کند سیستم بانکی با موجی از خروج نقدینگی و کمبود منابع مواجه می شود یا اگر از طرفی تولید با افزایش قیمت انرژی، هزینه های تولید را افزایش دهیم و از سوی دیگر سیاست کاهش نرخ ارز را پیگیری کنیم در واقع تیر خلاص را به صنایع داخلی شلیک کرده ایم. از این رو همخوانی سیاست ها و انگیزه ها در اجرای این تحولات بسیار مهم است.

204- شمار کودکان کار در ایران بیش از یک و نیم میلیون نفر است:

به گزارش سایت روشنگری در تاریخ 22 مهر 87 آمده است: نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس با ابراز نگرانی نسبت به وضعیت کودکان کار گفت: اگر آمار مرکز آمار ایران در مورد بیش از یک و نیم میلیون کودک کار در کشور واقعی باشد بیانگر جدی بودن این مشکل است و همه دستگاه های دولت و حاکمیت باید به سمتی بروند که مشکل را حل کنند.

مجید نصیرپور نماینده مجلس از سراب افزود: کمیسیون اجتماعی از سازمان بهزیستی آماری از وضعیت کودکان کار خواسته است و قرار است طی دو تا سه هفته آینده برنامه های طراحی شود که پس از برگزاری جلسه ای با مسوولان مربوطه راهکارهای برون رفت از مشکلات را بررسی کنیم.

نصیرپور اعتراف کرد که فقر یکی از ریشه های کار کودکان است و گفت: "جامعه آینده ایران نیازمند سلامت کودکان و نسلی سالم است و در این میان فقر یکی از موضوعاتی است که بر جامعه جوان کشور به شدت موثر است، و باید برای برون رفت از مشکل و پیدا کردن راهی برای تامین زندگی احاد جامعه تلاش کرد."

205- بیکاری وسیع کارگران پلاستیک سازی ها:

کارگران پلاستیک سازی ها نیز فوج فوج به جرگه بیکاران می پیوندند. سرمایه داران صاحب کارخانه های تولید پلاستیک سرمایه گذاری در عرصه های دیگر استثمار نیروی کار را سودآورتر ارزیابی می کنند و به همین دلیل رغبت چندانی به ادامه کار در این رشته ندارند. این سرمایه داران همچون همه همتایان طبقاتی خویش برای تعطیل کارخانه و بیکارسازی خیل وسیع توده های کارگر معمولاً همه جا از سیاست واحدی پیروی می کنند و برای پیشبرد امور با بهره گیری از تجارب یکدیگر به برنامه ریزی های یکسانی دست می زنند. اولین اقدام همه آن ها خودداری از پرداخت دستمزدهای کارگران برای ماه های طولانی است. آنان با این کار خود از یک سو تمام پولی را که باید صرف پرداخت بهای نیروی کار شود یک راست به مصرف

ترمیم کسر و کمبود وجوه مربوط به سرمایه گذاری های نوین خویش می رسانند و از سوی دیگر کارگران را وادار به تمرین پذیرش بیکاری و قبول تدریجی بیکار شدن می کنند. سرمایه داران پلاستیک سازی ها کارخانه به کارخانه این سیاست را با موفقیت پیش برده اند. تا امروز بسیاری از کارخانه ها را تعطیل و جمعیت وسیعی از کارگران را بیکار ساخته اند.

22 مهر 87

206- موج بیکاری کارگران مبل سازی ها:

شمار زیادی از کارخانه های مبل سازی در مناطق مختلف کشور زیر فشار رقابت میان بخش های مختلف سرمایه در معرض تعطیل قرار دارند و صاحبان آن ها سرمایه های خود را به حوزه های پر رونق تر و سودآورتر منتقل می کنند. تعطیل این کارخانه ها با موج بسیار گسترده ای از بیکار سازی کارگران همراه است و هم اینک هزاران کارگر تولید مبل یا بیکار شده اند و یا در معرض بیکاری قرار دارند. جمعیت وسیعی از این کارگران تمامی سال های عمر کاری خویش را در این رشته کار کرده اند و جز مهارت ها و تجارب مربوط به این رشته تولیدی هیچ تخصص و تجربه دیگری ندارند. سابقه کار بسیاری از این کارگران از 25 سال نیز بیشتر است. این جمعیت کثیر اینک به خیل عظیم بیکاران آواره ای تبدیل شده اند که در هیچ کجای جهنم سرمایه داری هیچ روزنه امیدی برای اشتغال و یافتن کار جدید ندارند. بیکاری، گرسنگی و فقر و فلاکت و مرگ، این هیولاهای همه جا حاضر برهوت بردگی مزدی، سایه خود را بر سر آن ها و افراد خانواده هایشان سنگین ساخته است. کارگران بیکار شده در همه جا دست به شکایت و اعتراض زده اند. اما در هیچ کجا به هیچ نتیجه ای نرسیده اند. یکی از این کارگران با دنیایی غم و اندوه می گوید: « من خودم بعد از 25 سال کار در آستانه بازنشستگی باید دنبال کار دیگری بروم تا بتوانم خرج زندگی ام را در بیاورم. اما متأسفانه کاری نیست که انجام بدهم. تقریباً همه چنین وضعیتی دارند الا مقامات دولتی که دردشان درد مردم کم درآمد نیست و دنبال کار خودشان هستند و گوششان به حرف های ما بدهکار نیست.»

22 مهر 87

207- پیام همبستگی سندیکای کارگران شرکت واحد در هفته ی اقدام جهانی با کارگران ایران

: در این پیام همبستگی آمده است:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از اعلام هفته همبستگی جهانی با کارگران ایران که از تاریخ ۲۲ تا ۲۸ مهر ماه و توسط فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) اعلام شده است، تشکر و قدردانی می کند.

حمایت های بی دریغ و دوستانه شما امید و توانایی ما را در راه مبارزه برای دست یابی به اهداف صنفی مان، احقاق حقوق پایه ای کارگران و حفظ و گسترش تشکل مستقل کارگری مان استوارتر می دارد.

ما در سندیکای کارگران شرکت واحد در هفته همبستگی جهانی برای بهبود وضعیت کارگران حمل و نقل در سطح جهان و به ویژه ایران خود را در کنار شما می بینیم و از خواسته های به حق همه همکاران خود در بخش های مختلف حمل و نقل حمایت می کنیم. ما از تمام کارگران شرکت واحد و همه کارگران ایران انتظار داریم در سطح گسترده به این کمپین همبستگی بپیوندند.

این اقدام بین المللی شما برای ما فرصتی دوباره است تا به همراه همه کارگران در ایران بر خواسته های به حق خود تأکید کنیم:

۱- سندیکای کارگران شرکت واحد خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آقای منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکا از زندان است.

۲- سندیکای کارگران شرکت واحد ایجاد تشکل های مستقل کارگری را حق مسلم کارگران می داند و بر آن تأکید دارد.

۳- سندیکای کارگران شرکت واحد خواهان ابطال تمامی پرونده هایی است که برای فعالان سندیکایی و دیگر کارگرانی که به جرم مبارزه برای برپایی تشکل و احقاق حقوق صنفی شان تشکیل شده است.

۴- سندیکای کارگران شرکت واحد برای بازگشت به کار کارگران اخراج شده سندیکایی که تنها به خاطر دفاع از حقوق صنفی خود و همکارانشان از کار اخراج شده اند، پافشاری می کند.

با امید به گسترش عدالت در همه جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۲۳/۷/۱۳۸۷

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

(استفاده از مطالب این سایت، با ذکر کامل منبع (نام و آدرس سایت سندیکای واحد) بلامانع است.)

208- نامه وکلای سندیکا به معاونت قوه قضائیه : در رابطه با نقض حقوق آقای اسالو

معاون محترم و سخنگوی قوه قضائیه
جناب آقای جمشیدی
احتراما"

آقای منصور اسالو به خاطر فعالیت در سندیکا شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در تاریخ 1/10/1384 دستگیر و روانه زندان می شود . نحوه دستگیری ، نگهداری و بازجویی وی که مغایر با آیین دادرسی کیفری و حقوق شهروندی بود ، طی لویحی به مقامات قضایی اعلام گردید. آقای اسالو پس از سپری کردن حدود 8 ماه بدون محاکمه و بصورت بازداشت موقت ، در تاریخ ۱۸/۵/۱۳۸۵ به قید وثیقه آزاد و در تاریخ 25/1385/12 در شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب بصورت غیر علنی و به اتهام تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی به موجب مواد ۵۰۰ و ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی به ۵ سال حبس محکوم می گردد ، در جلسه دادگاه ، مراتب نقض قانون و انحراف دادگاه را آشکار نمودیم . متأسفانه در رای صادره ، دفاعیات وکلای متهم مورد توجه قرار نگرفت و دادگاه ، آقای اسالو را به تحمل ۵ سال حبس تعزیری محکوم نمود .

با وجود اینکه دادگاه بر حسب آئین دادرسی ، مکلف به ابلاغ رای و ارائه نسخه ای از آن به وکلا بود ، دادنامه به وکلا تحویل داده نشد و صرف رویت رای به منزله ابلاغ ، تلقی گردید . موارد تخلف مدیر شعبه به هیئت نظارت و پیگیری حقوق شهروندی و مدیر کل محترم دادگستری استان تهران گزارش گردید و در این خصوص پیگیری ادامه دارد . برای احقاق حقوق موکل جهت اعمال ماده ۱۸ تلاش نمودیم متأسفانه تقاضای اعمال ماده ۱۸ به خاطر در اختیار نداشتن رای مرحله بدوی ، مقدور نگردید و از این جهت نیز حق دفاع متهم تضییع گردید ولی سیر نقض حقوق آقای اسالو محدود به این موارد نمی باشد . مشارالیه در شرایطی که در انتظار اعلام رای تجدید نظر بود ، در روز 19/4/1386 هنگامیکه با اتوبوس عازم محل سکونت خود بود به بهانه (همراه داشتن) اعلامیه های شرکت واحد مبنی بر تقاضای تمکین مدیر عامل شرکت واحد به تعهدات خود در قبال کارکنان شرکت واحد دستگیر و مورد ضرب و شتم بازداشت کنندگان خود قرار گرفت .

تقاضای اسالو مبنی بر شکایت از مامورین مذکور و اعزام به پزشک قانونی هرگز جامه عمل نپوشید . در طول مدت حبس ، مشکلات و تشریفات مربوط به صدور مجوز ملاقات با وکلا ، عملاً به مانعی برای ملاقات با وی تبدیل شده است بطوریکه در طول ۱۶ ماه حبس مشارالیه ، فقط ۲ بار امکان ملاقات با وکلا فراهم شده است و از زمانیکه وی به بازداشتگاه رجائی شهر منتقل شده است ، دشواری های ملاقات با وی دو چندان شده و عملاً تا به امروز هیچ ملاقاتی بین وکلای آقای اسالو در زندان رجائی شهر صورت نگرفته است و این در شرایطی است که آقای اسالو به علت ناراحتی قلبی و عمل چشم ، نیازمند مراقبت های پزشکی و اعزام بموقع وی به مراکز درمانی می باشد . حسب اظهار مادر آقای اسالو ، در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۳۱ موفق به ملاقات با وی شده است ، جای بخیه های چشم به خاطر تاخیر در اعزام به بیمارستان عفونت کرده ، ناراحتی قلبی آقای اسالو به لحاظ عدم اعزام وی به مراکز درمانی شدت گرفته ، چشم ایشان به خاطر عدم دسترسی بموقع پزشک آسیب دیده و فضای آلوده زندان سلامتی وی را به خطر انداخته است . از طرف دیگر در رفتار با وی مقررات قانون اساسی ، آیین دادرسی و حقوق شهروندی معطوف به احترام به شان و منزلت انسان و ممنوعیت هتک حرمت و کرامت زندانی رعایت نشده است .

با عنایت به مراتب فوق و در اجرای تکالیف حرفه ای خود به پشتوانه قانون اساسی ، قوانین جزائی، آیین دادرسی کیفری و حقوق شهروندی و آزادی های مشروع و با عنایت به اینکه مقامات و مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران بسط عدالت و دفاع از حریم آزادی ها و احترام به شان و منزلت انسان را در بیانات و اظهارات خود مورد تأکید قرار داده اند ، که نمونه بارز آن سخنان ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحده می باشد.

تقاضا دارد ترتیبی اتخاذگردد که موارد نقض حقوق وی مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفته ، امکان دسترسی وی به مراکز درمانی حسب مقررات فراهم شده ، بازگشت مجدد وی به زندان اوین مورد توجه قرار گیرد و همانند زندانیان دیگر از مرخصی مقرر در آیین نامه سازمان زندان ها برخوردار گردد ، همچنین مستدعی است دستور فرمائید در چهار چوب ظرفیت های قانونی عدالت قضایی با رعایت حرمت انسانی در خصوص موکل به اجرا گذاشته شود .

یوسف مولایی ، پرویز خورشید

وکلای آقای اسالو

سه شنبه ۲۳ مهر ۱۳۸۷ - ۱۴ اکتبر ۲۰۰۸

209- حضور نماینده سندیکای کارگران شرکت واحد در مراسم اهدای جایزه رز نقره ای:

اطلاعیه

نماینده سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برای دریافت جایزه رز نقره ای عازم بروکسل شد
صبح روز دوشنبه مورخه ۲۱/۷/۱۳۸۷ آقای دکتر یوسف مولایی وکیل محترم سندیکا جهت دریافت جایزه رز نقره ای که در شصتمین سال تاسیس این نهاد به سندیکای کارگران شرکت واحد اختصاص داده شده است عازم بلژیک شد.
سولیدر» در سال ۱۹۴۸ میلادی با هدف کمک بین المللی به کارگران جهان تاسیس شد.
این سازمان غیردولتی با کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اروپا و سازمان بین المللی کار، «آی ال او»، همکاری می کند.
سولیدر هر ساله، جایزه «رز نقره ای» را به افراد و نهادهایی که در راه عدالت اجتماعی، برابری و حقوق کارگران مبارزه و تلاش می کنند، اهدا می کند.
این جایزه در شصتمین سال تاسیس سولیدر به خاطر استقامت و پایداری سندیکای کارگران شرکت واحد به این نهاد مستقل کارگری اهدا می شود .
مراسم اهدای جایزه رز نقره ای روز چهارشنبه مورخه ۲۴/۷/۱۳۸۷ صورت می گیرد و نماینده سندیکا با حضور خود و رساندن صدای مظلومیت و استقامت اعضای این سندیکا، در مراسم اهدای جایزه شرکت خواهد نمود .
با امید به گسترش عدالت در جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه
۲۳/۷/۱۳۸۷

210- رییس سازمان کار و امور اجتماعی استان:

نیمی از جویندگان کار سمنان در سال 86، غیربومی بودند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 23 مهر 87؛ رئیس سازمان کار استان سمنان گفت: سال گذشته 22 هزار نفر برای یافتن شغل ثبت نام کردند که 47 درصد این افراد از استان های همجوار بودند.
علی ایمانی در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری "ایلنا" افزود: صنعتی بودن استان سمنان و مهیا بودن بستر شغلی، افراد جویای کار را از استان های همجوار مثل مازندران و گلستان به این استان می کشاند.
وی با بیان اینکه 50 درصد از جویندگان کار صاحب شغل شده اند، گفت: افرادی که در رشته های فنی تخصص دارند بهتر جذب بازار کار شدند.
وی تصریح کرد: 33 درصد از کسانی وارد بازار کار شدند در رشته های فنی مهارت داشتند و 67 درصد آنها نیز افراد غیرماهر بودند.
ایمانی گفت: در برخی موارد در رشته های شغلی فنی دچار کمبود نیرو هستیم که از جمله آن می توان به رشته ماشین ابزار اشاره کرد.
پایان پیام

211- نماینده کاشان در خانه ملت:

کارگران ساختمانی بی پناه ترین قشر جامعه هستند :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 23 مهر 87؛ نماینده مردم کاشان، آران و بیدگل تصویب بیمه کارگران ساختمانی را امری برشمرد که برای این قشر منافع زیادی دارد و باعث اطمینان خاطر آنها می شود.
علی اصغر گرانمایه پور در گفت و گو با خبرنگار "ایلنا"، با بیان این مطلب گفت: این کارگران در گوشه و کنار خیابان ها و میادین شهر می ایستند تا از آنها برای کار دعوت به عمل آید و غالباً مدت زیادی بیکار هستند.
وی افزود: کارگران ساختمانی بی پناه ترین قشر جامعه هستند که کارفرمای ثابتی ندارند.
گرانمایه پور در ادامه گفت: بیمه این کارگران باعث اطمینان خاطر آنان می شود و منافع زیادی برای آنها دارد.
او تصریح کرد: لایحه ای که قبلاً در این خصوص مطرح شد مبلغ زیادی را از کارفرمایان طلب می کرد و این مساله باعث بالا رفتن بهای مسکن می شد.
وی تأکید کرد: در طرح جدید مبلغ متعادلی از هر کس که پروانه ساخت می گیرد، دریافت و به حساب بیمه تأمین اجتماعی ریخته می شود.
این نماینده مجلس افزود: با این مبلغ قیمت مسکن بالا نمی رود و کارگرانی که در آن ساختمان کار می کنند، بیمه می شوند.
گرانمایه پور خاطر نشان کرد: با بیمه شدن کارگران ساختمانی، آنها از مزایای بازنشستگی و تخفیف حین درمان بهره مند می شوند.
پایان پیام

212- مواد خوراکی 7 تا 143 درصد گران شد :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ سه شنبه 23 مهر 87 آمده است : گزارش های موجود از بازار مواد خوراکی نشان می دهد در نیمه دوم نخستین ماه از فصل پاییز گوشت قرمز، میوه های تازه و حبوب با قیمت های بالاتری در مقایسه با نیمه اول مهرماه، مهمان سفره های مردم بوده است. گرچه این بار بررسی متوسط نرخ خرده فروشی 11 گروه از مواد خوراکی در هفته منتهی به 19 مهر ماه جاری مشخص کرد تنها در سه گروه مذکور در مقایسه با هفته ماقبل افزایش قیمت رخ داده و در باقیمانده اقلام بررسی شده قیمت ها ثابت یا رو به کاهش بوده است

اما متوسط نرخ خرده فروشی این 11 گروه که شامل 46 قلم از مواد خوراکی است در هفته مورد بررسی و در مقایسه با مدت مشابه سال قبل نشان دهنده رشد 82/87 تا 143 درصدی قیمت انواع برنج، نوسان قیمتی از 29/3 تا 115/5 درصد در گروه میوه های تازه و رشد 16/12 تا 30/78 درصدی قیمت ها در گروه لبنیات است. در این دوره گروه سبزی های تازه نیز با نوسان قیمتی از 4- تا 58/4 درصد روبه رو بوده است. در این میان روغن نباتی مایع و جامد با رشد قیمتی از 36/3 درصد تا 45/9 درصد، گوشت مرغ با 44/6 درصد رشد، تخم مرغ با افزایش قیمت 40/87 درصدی، گروه حبوب با رشد قیمتی از 7/6 تا 61 درصد و گوشت قرمز با رشد 23 درصدی روبرو است

گزارش بانک مرکزی

در شرایطی که برخی از فعالان بازار خرده فروشی مواد خوراکی از حرکت خزانده و آرام نرخ این مواد در سربالایی قیمت ها خبر می دهند، بانک مرکزی نیز متوسط نرخ خرده فروشی برخی مواد خوراکی در تهران در هفته منتهی به 19 مهرماه جاری را اعلام کرد که این گزارش نیز از افزایش قیمت میوه های تازه، گوشت قرمز و حبوب در مقایسه با هفته ماقبل حکایت دارد ضمن اینکه براساس این گزارش در هفته مورد بررسی قیمت تخم مرغ، برنج، سبزی های تازه، گوشت مرغ، قند، شکر و چای در مقایسه با هفته ماقبل و هفته مشابه ماه قبل کاهش یافته و قیمت لبنیات و روغن نباتی نیز بدون نوسان بوده است.

بر اساس این گزارش در هفته مورد بررسی در گروه لبنیات قیمت تمام اقلام این گروه نسبت به هفته قبل ثابت بود. بهای تخم مرغ کاهش جزئی یافت و شانه ای 3250 تا 3700 تومان فروش می رفت. در گروه برنج قیمت برنج و ارداتی غیرتایلندی و برنج داخله درجه دو ثابت بود و بهای سایر انواع برنج کاهش جزئی داشت. در میادین زیر نظر شهرداری به جز برنج داخله درجه یک که عرضه کمی داشت سایر انواع برنج عرضه نمی شد. در گروه حبوب قیمت نخود و لپه نخود افزایش یافت و بهای سایر اقلام این گروه ثابت بود. در خواروبار فروشی های زیر نظر شهرداری اقلام حبوب عرضه نمی شد. در هفته مورد بررسی در میادین زیر نظر شهرداری تهران پرتقال درجه یک و لیموشیرین عرضه نمی شد و انار، گلابی، شلیل و شبرنگ و هلو عرضه کمی داشت ولی بقیه اقلام میوه و سبزی تازه را که تعدادی از آنها از نظر کیفی در سطح پایینی قرار داشتند به نرخ مصوب سازمان میادین میوه و تره بار شهرداری می فروختند. میوه فروشی های شهر اقلام مرغوب میوه و سبزی تازه را عرضه می کردند که در گروه میوه های تازه قیمت انواع سیب تخم لبان، نارنگی، انار، طالبی و خربزه کاهش ولی بهای سایر اقلام این گروه افزایش داشت. در گروه سبزی های تازه قیمت لوبیا سبز افزایش جزئی ولی بهای سایر اقلام این گروه کاهش داشت. در این هفته قیمت گوشت گوسفند افزایش یافت و بهای گوشت تازه گاو و گوساله ثابت بود و قیمت گوشت مرغ کاهش داشت. در هفته مورد بررسی قیمت قند و چای خارجی کاهش ولی بهای شکر و روغن نباتی مایع افزایش جزئی یافت. قیمت روغن نباتی جامد نیز ثابت بود.

لبنیات و تخم مرغ

در هفته مورد گزارش در گروه لبنیات بهای تمام اقلام این گروه نسبت به هفته قبل ثابت بود و قیمت تخم مرغ 0/1 درصد کاهش داشت.

برنج و حبوب

در هفته مورد بررسی در گروه برنج، قیمت برنج و ارداتی تایلندی 0/8 درصد و برنج داخله درجه یک 0/2 درصد کاهش داشت و بهای سایر انواع برنج ثابت بود. در گروه حبوب قیمت نخود 1/3 درصد و لپه نخود 0/4 درصد افزایش یافت و بهای سایر اقلام این گروه بدون تغییر بود.

میوه ها و سبزی های تازه

در هفته مورد گزارش در گروه میوه های تازه قیمت سیب قرمز تخم لبنان 2/2 درصد، سیب زرد تخم لبنان 2/8 درصد، نارنگی 7/8 درصد، انار 4/3 درصد، طالبی 10 درصد و خربزه 0/7 درصد کاهش ولی بهای سایر اقلام این گروه بین 0/8 تا 15/5 درصد افزایش داشت. در گروه سبزی های تازه قیمت لوبیا سبز 0/8 درصد افزایش ولی بهای سایر اقلام این گروه بین 1/2 تا 7/3 درصد کاهش داشت.

گوشت قرمز و گوشت مرغ

در این هفته قیمت گوشت گوسفند 1/3 درصد افزایش ولی بهای گوشت مرغ 1/4 درصد کاهش داشت. قیمت گوشت تازه گاو و گوساله نیز بدون تغییر بود.

قند، شکر، چای و روغن نباتی

در هفته مورد گزارش قیمت قند 1/9 درصد و چای خارجی 0/2 درصد کاهش ولی بهای روغن نباتی مایع 0/1 درصد و شکر 0/6 درصد افزایش یافت. قیمت روغن نباتی جامد ثابت بود.

213- رئیس سازمان کار و امور اجتماعی استان همدان:

رهایی از بحران بیکاری با افزایش تولید و بهره وری ممکن است :

تهران- خبرگزاری کار ایران در تاریخ 23 مهر 87 ؛ رئیس سازمان کار و امور اجتماعی استان همدان یکی از راهکارهای لازم برای رهایی از بحران بیکاری و شکوفایی اقتصاد کشور را تقویت و افزایش تولید همراه با بهره‌وری دانست و گفت: امروزه کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه به نقش مهم کارگاه‌های زودبازده و صنایع کوچک در اقتصاد پی برده و موفقیت‌های چشمگیری بدست آورده‌اند. به گزارش "ایلنا"، مسعود اقلامی گفت: یکی از دغدغه‌های جدی مسوولان، پایین بودن بهره‌وری در کشور است که ریشه آن در مسایل فرهنگی جامعه است. وی در بازدید از یک شرکت صنعتی گفت: عمده مشکل بیکاری در کشور ما از نوع بیکاری ساختاری است، به عبارتی مهارت‌های افراد با مهارت‌های موردنیاز مشاغل و فعالیت‌ها تناسب ندارد و لذا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و علمی کاربردی ضروری است. وی با بیان اینکه یکی از سیاست‌های راهبردی وزارت کار و امور اجتماعی تثبیت اشتغال با کمک به واحدهای تولیدی فعال است، افزود: این مهم در واحد کارگری شهرستان تویسرکان تحقق پیدا کرده است. پایان پیام

214- خودداری آموزش و پرورش از پرداخت حقوق معلمان رسمی :

به گزارش خبرگزاری فارس در تاریخ 23 مهر 87 : رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت: آموزش و پرورش در پرداخت برخی از حق‌الزحمه‌های معلمان رسمی مشکل دارد. علی عباسپور تهرانی‌فرد در پاسخ به این پرسش که تکلیف افرادی که در آزمون استخدامی آموزش و پرورش پذیرفته شدند اما احکام استخدام آنها صادر نشده است، چه می‌شود، گفت: آموزش و پرورش بودجه‌ای برای به‌کارگیری این معلمان ندارد و به همین دلیل از صدور احکام استخدام آنها خودداری می‌کند. وی ادامه داد: در حال حاضر آموزش و پرورش در پرداخت برخی از حق‌الزحمه‌های معلمان رسمی مانند حق‌التدریس‌ها و اضافه‌کاری‌ها مشکل دارد و در این حالت نمی‌تواند استخدام جدیدی داشته باشد. عباسپور اظهار داشت: متأسفانه هنوز دولت لایحه‌ای برای حل کسری بودجه وزارت آموزش و پرورش به مجلس تقدیم نکرده است.

215- ادامه مبارزات کارگران غرب بافت و پریس:

کارگران اخراجی کارخانه های فرش غرب و ریسندگی پریس یک بار دیگر در مقابل اداره کار سندانج اجتماع کردند. کارگران خواستار دریافت دستمزدها و مطالبات معوقه خویش بودند. آنان پلاکاردهایی را با خود حمل می کردند که روی آن ها نوشته شده بود. « ما گرسنه هستیم»، « بی عدالتی تا کی؟». کارگران غرب بافت پس از 18 سال کار در سخت ترین شرایط کاری و تحمل وحشیانه ترین اشکال استثمار سرانجام

به حکم کارفرما از کارخانه اخراج شده اند. کارگران پرریس نیز هر کدام سال ها پیشینه کار و استثمار شدن دارند. این کارگران مدت ها است که علیه بیکارسازی ها و برای حصول مطالبات خود مبارزه می کنند. تحصن در کارخانه، اعتصاب، راه پیمایی و اشکال دیگر اعتراض همه و همه توسط آن ها صورت گرفته است. سرمایه داران و عمال دولتی سرمایه هر روز با وعده و وعید تلاش کرده اند تا فریاد خشم و عصیان آن ها را خاموش سازند. کارگران همچنان به مبارزه ادامه می دهند. آنان خواستار تضمین اشتغال و پرداخت فوری دستمزدهای خود هستند.

23 مهر 87

216- درد دل های یک کارگر:

«... تا چندی قبل قیمت لیموترش کیلویی 600 تومان بود اما الان 1500 تومان شده است. نمی دانم مغازه داران کنار خانه احمدی نژاد چرا این قدر ارزان فروش هستند و چرا قیمت های کنار خانه او اصلاً بالا و پایین نمی رود!! مدت ها است که حقوق کارگر همان 200 هزار تومان باقی مانده است ولی قیمت ها تصاعدی و با سرعت برق بالا می روند. ما نمی دانیم در این مملکت کارگر چه جرمی کرده است؟ اصلاً آیا کارگر ارزش دارد؟ اصلاً آدم هست؟ در مصوبه جدید قانون کار سرمایه دار هر وقت بخواهد می تواند کارگر را بیرون بیندازد. مدام تبلیغ می کنند و می گویند برای کارگران سهام عدالت وجود دارد. این درحالی است که در اوراق ما را سر کار گذاشته اند. می گویند یک میلیون و پانصد هزار تومان به ما می دهند ولی از طرف دیگر می گویند این پول نزد آن ها بماند. دو سال روی آن سرمایه گذاری کنند. ببینند سودش چقدر است. در صورتی که ما کارگران این سهام را نمی خواهیم. ما می خواهیم همان طور که به نماینده ها 100 میلیون وام می دهند به ما حداقل پنج میلیون وام بدهند. برای همه چیز باید پول بدهیم از گاز و نفتی که اول انقلاب مجانی اعلام شده بود تا حتی نفس کشیدن باید پول بدهیم. الان برای تمام خانه ها در ارومیه عوارض نوسازی فرستادند. مگر این پول را از اول دریافت نکردید؟ الان فیش هایی برای تمام خانه های ارومیه فرستادند و می گویند هر کس هم این پول را نپردازد مشمول جریمه خواهد شد. البته جدای از این برای بردن زباله های شهرداری هم از ما پول می گیرند. شهردار این منطقه سه میلیون حقوق ماهیانه می گیرد. و کارمندان نزدیک آن ها بین دو تا دو و نیم میلیون حقوق می گیرند. خدایا شاهد است که نیم ساعت هم سر کار نمی مانند و کار نمی کنند. بستگان من در شهرداری هستند و من این چیاول ها را از نزدیک دیده ام. آیا این پول من و شما نیست؟ چرا باید این اختلاف طبقاتی باشد. آیا این عدالت اجتماعی است؟ این آقا زاده ها و کسانی که در چیاول ما نقش دارند. در راس همه آن ها احمدی نژاد قرار دارد. در چنین وضعیتی باید بگویم این مملکت دیگر جای ماندن نیست...»

23 مهر 87

217- کشتار کارگران ساختمانی در اصفهان:

در طول ماه های اخیر سرمایه داران بخش ساختمان در شهر اصفهان بسیاری از بناهای جدید خود را با ریختن خون کارگران و قربانی ساختن جان بردگان مزدی به اتمام رسانده اند. آخرین حادثه در خیابان شیخ صدوق رخ داده است. کارگر 30 ساله ای که مشغول گودبرداری بوده است ناگهان زیر آوار دیوار بلند مماس با گود می ماند و زیر ده ها تن خاک مدفون می شود. خارج ساختن جسد کارگر از زیر آوار برای مدتی به درازا می کشد. وقتی کارگر را از زیر خاک خارج کردند استخوان جمجمه او بر روی سنگ های پیرامون پخش بود. این کارگر اهل شهر فلاورجان بوده است که برای فروش نیروی کار خویش راهی اصفهان شده بود. او همسر و یک کودک خردسال دارد. با مرگ وی این هر دو انسان نیز به برهوت گرسنگی و فقر و تن فروشی پرتاب شدند. احتمال ریزش دیوار آن قدر بالا بوده است که هیچ فرد عابری، هیچ آدم غیرمجبوری و هیچ کس که تیغ تیز گرسنگی او را دچار اجبار نساخته باشد به عبور از آن نقطه تن نمی داده است. اما این کارگر مجبور بود و سرمایه دار صاحب شرکت با سوء استفاده دژخیمانه از اجبار این کارگر او را در قتل گاه به تولید سود برای سرمایه مشغول ساخته بود. بنا به نقل خبرنگاران ساعاتی بعد که معاون شهرداری منطقه برای تماشای صحنه کشتار به آن جا آمد هیچ رغبتی به مشاهده وضع دیوار فروریخته، دلیل ریزش، چیزی به نام شرایط کار و طرح ضرورت لوازم ایمنی و دلیل نبود آن و نوع این مسائل نداشت. او با آمدن به آن جا هم وظیفه اداری و هم تکلیف شرعی خود را به اندازه کافی به جا آورده بود. از این هم مهم تر، ضرورت پاسداری از منافع کارفرمایان و دفاع از حریم قدس سرمایه به هیچ وجه جایی برای رغبت او به موضوعاتی که گفتیم باقی نمی گذاشت. کشتار کارگران ساختمانی در شهر اصفهان و همه شهرهای دیگر ایران امر رایج و همیشگی سرمایه داری ایران است. همین چندی پیش در خیابان میر در منطقه 6 کارگری که به حکم سرمایه دار صاحب شرکت در طبقه ششم ساختمان کار می کرد ناگهان پایش لغزید و یک راست به چاه آسانسور سقوط کرد. نقطه ای که این کارگر در آن جا کار می کرد هیچ شانسی برای حفظ تعادل وجود نداشت. سرمایه

دار شرکت هیچ وسائل ایمنی در اختیار کارگر قرار نداده بود و پرداخت یک ریال را هم برای حفظ جان کارگر امری غیر ضروری و بی معنی می دانست. حادثه خیابان میر فقط چند وقتی پس از واقعه دلخراش خیابان سپهسالار رخ می داد. در این جا نیز کارگری که در طبقه هفتم به حکم کارفرما بدون داشتن هیچ وسائل ایمنی و در بدترین شرایط کاری استثمار می شد تعادل خود را از دست داد و از ارتفاع چند ده متری با سر به زمین سقوط کرد و در دم جان داد. خون این کارگر کف خیابان را رنگین ساخت.

23 مهر 87

218- اعتصاب پرسنل شرکت برق گیلان برای پرداخت حقوق عقب افتاده :

به گزارش آژانس ایران خبر در روز چهارشنبه 24 مهر 87، پرسنل اداره ی برق گیلان، در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوق عقب افتاده خود دست به تجمع اعتراضی زدند

کارکنان این اداره از تیر ماه حقوق و مزایا نگرفته اند و در شرایط بسیار سختی روزگار می گذرانند .

یکی از کارکنان این اداره به خبرنگار آژانس ایران خبر گفت: در طول سه سال گذشته هیچ گونه افزایش حقوقی برای کارکنان این شرکت در نظر گرفته نشده است. هیچ مزایای اضافی دریافت نکرده ایم، نه عیدی و نه پاداش و نه بن و هیچ چیز دیگر، 4 ماه هم هست حتی یک ریال حقوق نگرفته ایم، آقایان بگویند ما در این تورم چطور زندگی کنیم و خرج خانواده هایمان را بدهیم؟

کارکنان با اعتصاب خواستار پرداخت سریع حقوق و مزایا و توضیح برای تاخیر در پرداخت حقوق و دلایل آن شدند .

219- احضار فعال شرکت سندیکای شرکت واحد تهران و حومه به دادگاه :

به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ 24 مهر 87 آمده است : غلامرضا غلامحسینی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به علت شرکت در اعتراضات صنفی سال 86 کارگران شرکت واحد در دادگاه تجدید نظر استان تهران تبرئه شد . نامبرده که در تابستان سال جاری پس از 82 روز بازداشت با قرار وثیقه 100 میلیونی از زندان آزاد شد، قرار است در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه شود.

220- باز هم اجتماع معلمان حق التدریسی در مقابل مجلس:

روز سه شنبه بیست و سوم ماه مهر بار دیگر شمار کثیری از معلمان که عموماً زن بودند در برابر مجلس سرمایه دست به اجتماع زدند. این معلمان 10 سال است که به صورت قراردادی کار می کنند. در ماه های تابستان و کل ایام تعطیل هیچ حقوقی نمی گیرند. از هیچ نوع تضمین شغلی برخوردار نیستند. به همه این معلمان در شروع کارشان وعده داده اند که به سرعت به استخدام درخواهند آمد. اما اکنون با گذشت 10 سال همچنان به صورت قراردادی و بدون هیچ نوع تضمین شغلی به کار خویش ادامه می دهند. شمار بسیار زیادی از همزنجیران این معلمان نه 10 سال که 30 سال است قراردادی کاری کنند و استثنای می شوند. معلمان زن شب را در مقابل مجلس تحصن کرده اند. آنان تلاش دارند تا فریاد اعتراض خود را هر چه بلندتر به گوش همه برسانند. ما از همه کارگران می خواهیم که به حمایت همزنجیران و همسرانشان معلم خویش برخیزند و به هر شکلی که می توانند به دولت سرمایه اعتراض کنند.

24 مهر 87

221- اعتراض کارگران به مصادره « بُن کارگری»

سرمایه داران ایران به مصداق مثل معروف « قاشق و چنگال هفت دست، شام و ناهار هیچی» دستمزد ناچیز کارگران را تا آنجا که امکان داشته به اجزا تقسیم نموده و برای هر قسمت نامی تعیین کرده اند. حق افزایش تولید، حق بهره وری، حق ایاب و ذهاب، حق مسکن، حق اولاد، حق خوار و بار و بسیاری حق های دیگر همه پشت سر هم ردیف شده اند تا پوششی بر بی حقوقی مطلق و گرسنگی مرگبار کارگران باشند. « بُن کارگری» هم در شمار همین « حق» ها است و تازه خود این بُن هم دارای سلسله مراتب و اجزای اندرونی خاص خود است !! نام یکی از این اجزا « بُن کارگری ویژه ماه رمضان» است. سرمایه داران همه این تقسیمات را انجام می دهند تا همواره و در هر شرایطی که بخواهند و به هر بهانه ای که مصلحت ببینند بخش هایی از همان دستمزد ناچیز را هم قطع کنند و مصادره نمایند. نمونه این قطع کردن ها و مصادره نمودن ها کاری است که وزارت بازرگانی دولت سرمایه داری در مورد بُن کارگری ویژه ماه رمضان انجام داده است. هیچ کارگری این بُن را دریافت نکرده است و کارگران ضمن اعتراض خواستار پرداخت فوری آن هستند.

222- نرخ تورم کالاهای مختلف در مهرماه:

تورم 34/5 درصدی خوراکی‌ها و 29/7 درصدی گاز و برق:

به گزارش روزنامه اعتماد در تاریخ 24 مهر 87 : شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مردادماه سال جاری به 27/6 درصد رسید که از افزایش 1/8 درصدی نسبت به ماه قبل خود حکایت دارد. براساس گزارش بانک مرکزی، رشد شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در تیرماه سال جاری نسبت به خردادماه 0/5 درصد و نسبت به سال قبل 26/1 درصد افزایش یافته است. براساس این گزارش، رشد این شاخص‌ها در پنج‌ماهه نخست امسال نسبت به دوره مشابه 25/9 درصد و در چهارماهه نخست امسال نسبت به سال 86 معادل 25/5 درصد رشد داشته است.

شاخص گروه‌های اصلی مانند خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها 1/7 درصد، دخانیات 0/5 درصد، پوشاک و کفش 1/3 درصد، مسکن، آب، گاز، برق و سایر سوخت‌ها 2/1 درصد، اثاث و لوازم خانه 1/0 درصد، بهداشت و درمان 1/6 درصد، حمل و نقل 3/8 درصد، تفریح و امور فرهنگی 0/9 درصد، تحصیل 0/6 درصد، رستوران و هتل 1/4 درصد و کالاها و خدمات متفرقه 1/6 درصد افزایش و شاخص ارتباطات 0/1 درصد کاهش یافته است. لازم به ذکر است شاخص خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها 34/5 درصد، دخانیات 13/0 درصد، پوشاک و کفش 21/90 درصد، مسکن، آب، گاز و برق 29/7 درصد، اثاث منزل 28/5 درصد، بهداشت و درمان 24 درصد، حمل و نقل 19/8 درصد، تفریح و امور فرهنگی 9/5 درصد، تحصیل 13/6 درصد، رستوران و هتل 30/5 درصد و کالاها و خدمات متفرقه 24/6 درصد رشد اما شاخص ارتباطات 0/6 درصد کاهش داشته است.

گفتنی است شاخص کل بهای گروه‌های اختصاصی در گروه کالاها در این ماه نسبت به ماه قبل 2 درصد، خدمات 1/7 درصد و مسکن، آب، گاز و برق 2/1 درصد رشد داشته و همچنین این شاخص‌ها نسبت به سال گذشته به ترتیب 28/4، 26/8 درصد و 29/7 درصد رشد داشته است. به گزارش موج، شاخص تورم خوراکی‌ها معادل 1/7 درصد بوده که این امر ناشی از افزایش 11/8 درصدی نرخ مرغ بوده و شاخص سایر اقلام گروه‌ها مانند پرتقال 7/2 درصد، انواع نان 5/7 درصد، سیب درختی 5/1 درصد، هلو 30/6 درصد، پنیر پاستوریزه 7/7 درصد، کاهو 15/4 درصد، انواع خیار 5/7، رب گوجه‌فرنگی 1/4 درصد، گوشت تازه گاو یا گوساله بدون استخوان 1/6 درصد، انواع ماهی 3/2 درصد، کره پاستوریزه 6/2 درصد، انواع ماست 1/8 درصد، ماکارونی 4/1 درصد و هندوانه 3/6 درصد رشد داشته است.

براساس این گزارش، نرخ انواع برنج 3/5 درصد و لیموترش 18/8 درصد رشد داشته است. لازم به ذکر است شاخص بهای ارتباطات نسبت به ماه قبل 0/1 درصد و در مقایسه با سال گذشته 0/6 درصد کاهش داشته است.

223- تعدادی از دستگیرشدگان اعتصاب بازار در زندان :

به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در مهر 87 آمده است : گزارشات رسیده از بند الف - در زندان اصفهان حاکی است که تعداد زیادی از بازاریان و جوانانی که در جریان اعتصاب و اعتراضات اصناف و بازاریان اصفهان شرکت داشتند دستگیر و به این بند منتقل شده اند.

در حال حاضر در تمامی سلولهای انفرادی این بند بازاریان و جوانان دستگیر شده در بازداشت بسر می‌برند. این بند همانند بند 209 زندان اوین در کنترل بازجویان وزارت اطلاعات می‌باشد. زندانیان سیاسی در این بند تحت شکنجه‌های جسمی و روحی برای گرفتن اعتراضات غیر واقعی قرار می‌گیرند.

زندانیان سیاسی که در سلولهای انفرادی این بند زندانی هستند تا به حال هیچگونه ارتباطی با خانواده‌های خود نداشته‌اند و مراجعات مکرر خانواده‌های آنها برای اطلاع یافتن از وضعیت و شرایط عزیزانشان تا به حال بی نتیجه بود و با تهدیدهای مکرر بازجویان وزارت اطلاعات مواجه هستند.

از طرفی دیگر روز دوشنبه 22 مهر ماه یک زندانی بنام امید خدایی 29 ساله جهت اجرای حکم اعدام به سلولهای انفرادی منتقل گردید.

امید خدایی در سن 23 سالگی به اتهام قتل دستگیر و به زندان دستگرد اصفهان منتقل گردید او در بند آموزشی زندان اصفهان زندانی بود روز دوشنبه برای اجرای حکم اعدام به سلولهای انفرادی منتقل گردید. و صبح سه شنبه 23 مهر ماه در زندان دستگرد اصفهان به دار آویخته شد. هدف از این اعدامها ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه است.

صدور احکام ضد بشری اعدام زندانیان سیاسی، کودکان، سنکسار و اعدام های دست جمعی به دستور و تایید شاهرودی رئیس قوه قضائیه رژیم صورت می گیرد. علیرغم اینکه ایران متعهد به اجرای معاهدات و کنوانسیون های بین المللی است ولی تا به حال شاهرودی تمامی این معاهدات و کنوانسیونهای بین المللی را نقض نموده .

224 - مالیات مربوط به طبقه کارگر است. در حال حاضر مربوط به سایر اصناف نیست:

یکی از کارگران در همین رابطه به خبر نگار صدای کاوه ها گفت: اصلی ترین مشکل ما مالیاتی است که ماهانه از ما میگیرند. این در حالی است که وقتی حقوقمان به خاطر اضافه کاری به مقدار جزئی افزایش یابد. دولت به سرعت مالیات را هم بالا می برد. به ازای هر هزار تومان کار صد و شصت تومان برای بیمه و مالیات از حقوقمان کسر میکنند.

من ماهیانه صد و پنجاه تا صد و شصت هزار تومان باید مالیات بدهم. و همیشه میگویم دولت برای هوای که در آن تنفس میکنم از ما مالیات میگیرد. و این از انصاف به دور است .

در حال حاضر وضعیت به گونه ای است که مالیات مربوط به طبقه کارگر است. و مربوط به سایر اصناف نیست. ما چون قشر مستضعف هستیم پس مالیات هم مربوط به ما است!!!!

این کارگر زحمتکش در ادامه افزود: آیا این عادلانه است که سالانه 5 میلیون تومان حقوق دریافت میکنم. و با یک شخص تاجر که سالانه بالای 100 میلیون تومان حقوق دریافت میکند. و 1 میلیون تومان بابت مالیات میدهد. مالیاتمان تقریباً یکی باشد. دولت باید این مالیات را از حقوق کارگر بردارد و باید تجدید نظر شود. چون نمیتوانیم اضافه کاری کنیم همین امر باعث کاهش راندمان در واحد تولیدی مان میگردد. زیرا در غیر این صورت چنانچه حقوقمان بیشتر گردید. مالیات نیز به صورت تصاعدي بیشتر خواهد شد.

از طرف دیگر سال گذشته معاف از مالیات سالیانه دویست و بیست هزار تومان بود ولی امسال همان عدد قبلی اعلام شده در حالیکه به نسبت افزایش حقوق باید حدود ده هزار تومان نیز بر معاف از مالیات افزوده میگردد . ولی امسال چنین اقدامی صورت نگرفت.

225 - صدور حکم زندان تعلیقی برای یعقوب سلیمی :

دادگاه انقلاب دولت سرمایه داری آقای یعقوب سلیمی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد را به 6 ماه حبس تعلیقی محکوم کرده است. یعقوب سلیمی یک سندیکالیست و از جمله فعالان کارگری شرکت واحد است که در چهارچوب قوانین دولت سرمایه داری ایران خواستار برخی اصلاحات به نفع کارگران است. صدور حکم زندان برای وی به علت همین فعالیت های سندیکالیستی صورت گرفته است. ما حکم زندان برای یعقوب سلیمی یا هر فعال کارگری دیگر ولو فعالان سندیکالیست را محکوم می کنیم و خواستار الغای فوری آن هستیم.

24 مهر 87

226- کارخانه شیرپاستوریزه ارومیه " با کمبود شیر به عنوان مواد اولیه " روبرو است:

به نقل از سایت " انجمن صدای کاوه ها " بنا به گزارشهای دریافتی از این و احد تولیدی این کارخانه با کمبود جدي شیر به عنوان ماده اولیه مواجه است یکی از کارگران در پاسخ به این سوال خبرنگار صدای کاوه ها که آیا به لحاظ تولید این واحد تولیدی بامشکلی مواجه است یا نه؟ این چنین پاسخ داد:

مادر تامین ماده اولیه مشکل داریم. مشکل اصلی کارخانه شیر پاستوریزه نداشتن شیر به عنوان ماده اولیه است. علت این امر برنامه ریزی غلط استانی است. از همین رو دامپزشکی و جهاد دانشگاهی نیز نتوانستند عملکرد درستی داشته باشند. در واقع شیری که در استان وجود دارد، کیفیت لازم را ندارد به همین خاطر ما شیر را برگشت میدهیم. تا حداقل استانداردها را داشته باشد. البته یک سری کارخانه های هستند که از این شیر نامرغوب استفاده میکنند ولی به دلیل این که این کارخانه خصوصی است و یا به خاطر وجدان کاری که وجود دارد از شیر نامرغوب استفاده نمیکند. ولی در مجموع مشکل ما شیر با کیفیت است.

227- اعتراض رانندگان کامیون به فروش پایانه حمل کالا:

دولت سرمایه داری تنها پایانه حمل کالا در قزوین موسوم به پایانه « لیا » را در چهارچوب اجرای اصل خصوصی سازی به قیمت 9 میلیارد و 300 میلیون تومان به عده ای از سرمایه داران صاحب شرکت ها و مؤسسات حمل و نقل فروخته است. دولت در شرایطی به فروش این پایانه اقدام کرده که از ماه ها پیش موج مبارزه کارگران راننده کامیون علیه وخامت بیش از پیش شرایط کار و معیشت خود زیر فشار سودجویی ها و تشدید استثمار برنامه ریزی شده مؤسسات حمل و نقل در چند شهر کشور به راه افتاده است. کارگران حمل و نقل قزوین به دنبال وقوع این معامله ضمن ارسال نامه ای برای احمدی نژاد مراتب اعتراض خود را نسبت به این اقدام دولت سرمایه ابراز کرده اند. آنان در بخشی از نامه خویش به ویژه بر این نکته تأکید کرده اند که کل پایانه « لیا » محصول کار و زحمت و استثمار سال های طولانی آنان است و فقط آنانند که حق دارند این مؤسسه را کنترل و اداره کنند. کارگران خواستار ابطال فوری قرارداد فروش و دخالت نافذ خود در اداره پایانه شده اند.

24 مهر 87

228- عدم دریافت حقوق 200 کارگر شرکت چینی رویال در استان سمنان :

به گزارش ایلنا در تاریخ 25 مهر آمده است : حسین طاهرزاده دبیر اجرایی خانه کارگر استان سمنان اعلام کرد: 200 کارگر شرکت چینی رویال مدت 3 ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. همچنین عیدی و پاداش سال 86 نیز به کارگران پرداخت نشده است.

229- نرخ تورم کالاهای مختلف در مردادماه: تورم 34/5 درصدی خوراکی ها و 29/7 درصدی گاز و برق :

به گزارش سایت " آسمان نیوز " و به نقل از روزنامه اعتماد در تاریخ 26 مهر 87 آمده است : شاخص کل بهای کالاهای و خدمات مصرفی در مردادماه سال جاری به 27/6 درصد رسید که از افزایش 1/8 درصدی نسبت به ماه قبل خود حکایت دارد. براساس گزارش بانک مرکزی، رشد شاخص کل بهای کالاهای و خدمات مصرفی در تیرماه سال جاری نسبت به خردادماه 0/5 درصد و نسبت به سال قبل 26/1 درصد افزایش یافته است. براساس این گزارش، رشد این شاخص ها در پنجماهه نخست امسال نسبت به دوره مشابه 25/9 درصد و در چهارماهه نخست امسال نسبت به سال 86 معادل 25/5 درصد رشد داشته است.

شاخص گروه های اصلی مانند خوراکی ها و آشامیدنی ها 1/7 درصد، دخانیات 0/5 درصد، پوشاک و کفش 1/3 درصد، مسکن، آب، گاز، برق و سایر سوخت ها 2/1 درصد، اثاث و لوازم خانه 1/0 درصد، بهداشت و درمان 1/6 درصد، حمل و نقل 3/8 درصد، تفریح و امور فرهنگی 0/9 درصد، تحصیل 0/6 درصد، رستوران و هتل 1/4 درصد و کالاهای و خدمات متفرقه 1/6 درصد افزایش و شاخص ارتباطات 0/1 درصد کاهش یافته است. لازم به ذکر است شاخص خوراکی ها و آشامیدنی ها 34/5 درصد، دخانیات 13/0 درصد، پوشاک و کفش 21/9 درصد، مسکن، آب، گاز و برق 29/7 درصد، اثاث منزل 28/5 درصد، بهداشت و درمان 24 درصد، حمل و نقل 19/8 درصد، تفریح و امور فرهنگی 9/5 درصد، تحصیل 13/6 درصد، رستوران و هتل 30/5 درصد و کالاهای و خدمات متفرقه 24/6 درصد رشد اما شاخص ارتباطات 0/6 درصد کاهش داشته است.

گفتنی است شاخص کل بهای گروه های اختصاصی در گروه کالاهای در این ماه نسبت به ماه قبل 2 درصد، خدمات 1/7 درصد و مسکن، آب، گاز و برق 2/1 درصد رشد داشته و همچنین این شاخص ها نسبت به سال گذشته به ترتیب 28/4، 26/8 درصد و 29/7 درصد رشد داشته است. به گزارش موج، شاخص تورم خوراکی ها معادل 1/7 درصد بوده که این امر ناشی از افزایش 11/80 درصدی نرخ مرغ بوده و شاخص سایر اقلام گروه ها مانند پرتقال 7/2 درصد، انواع نان 5/7 درصد، سیب درختی 5/1 درصد، هلو 30/6 درصد، پنیر پاستوریزه 7/7 درصد، کاهو 15/4 درصد، انواع خیار 5/7، رب گوجه فرنگی 1/4 درصد، گوشت تازه گاو یا گوساله بدون استخوان 1/6 درصد، انواع ماهی 3/2 درصد، کره پاستوریزه 6/2 درصد،

انواع ماست 1/8 درصد، ماکارونی 4/1 درصد و هندوانه 3/6 درصد رشد داشته است. براساس این گزارش، نرخ انواع برنج 3/5 درصد و لیموترش 18/8 درصد رشد داشته است. لازم به ذکر است شاخص بهای ارتباطات نسبت به ماه قبل 0/1 درصد و در مقایسه با سال گذشته 0/6 درصد کاهش داشته است

230 - کارگری جان خود را در حین کار از دست داد :

به گزارش سایت ایسکانیوز در تاریخ 26 مهر 87 آمده است : به علت خاکبرداری غیر اصولی از دیواره ای که جنس خاک آن دستی و نزدیک به فضای سبز حاشیه خیابان بود یک کارگر بر اثر ریزش آوار در یک ساختمان نیمه تمام جان خود را از دست داد .

231- نامه محمود صالحی

کارگران و فعالان کارگری متشکل در فدراسیون جهانی حمل و نقل !

آقای راندال هاوارد

رییس فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل

از کارگران و فعالان کارگری "آی.تی.اف" به خاطر اعلام یک هفته همبستگی با کارگران ایران بسیار تشکر می‌کنم

طبقه کارگر جهان در سراسر دنیا با مصائب و مشکلات بیشماری علی‌الخصوص در طول این بحران بزرگ و گسترده اقتصادی مواجه شده اند که همه آنان به اتحاد و حمایت از همدیگر نیازمندند، با این حال ما کارگران ایران با مشکلات بیشتری مواجه شده چون از حقوق اساسی کارگری از قبیل آزادی تشکل محروم شده‌ایم. بنابراین همبستگی طبقاتی کارگران جهان با کارگران ایران اهمیت بسیاری برای ما دارد و من امیدوار هستم که این حمایت و همبستگی طبقاتی ادامه داشته باشد.

ما کارگران ایران علی‌رغم محرومیتمان از حقوق اصلی کارگری در تلاش و مبارزه روزانه در راستای بهبود موقعیت کار و اجتماعی خود هستیم. هر چند در این مبارزه ما درحال رودرویی با سببیت و پرداخت بهای سنگینی هستیم، اما ما به مبارزه خویش ادامه داده تا هنگامیکه به اهدافمان از جمله دستیابی به حق تشکل نائل می‌شویم. همبستگی و پشتیبانی کارگران جهان، ما را در این مبارزه و در جهت تحقق خواست و مطالباتمان یاری خواهد داد.

اجازه بدهید از این فرصت استفاده کرده و از فدراسیون و سایر کارگرانی که برای آزادی من از زندان، کمپین‌هایی را سازمان داده‌اند و همچنین از کوشش‌های بی‌نهایت با ارزش شما جهت رهائی منصور اسانلو، رئیس سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران، مراتب قدردانی و تشکر را بعمل آورم.

ارادتمند

محمود صالحی

26 مهر 1387 - 18. Oct.2008

232- نامه وکلای سندیکای شرکت واحد به سخنگوی قوه قضائیه در اعتراض به نقض

حقوق اسالو:

معاون محترم و سخنگوی قوه قضائیه

جناب آقای جمشیدی

احتراما"

آقای منصور اسالو به خاطر فعالیت در سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در تاریخ 10/10/1384 دستگیر و روانه زندان می‌شود. نحوه دستگیری، نگهداری و بازجویی وی که مغایر با آیین دادرسی کیفری و حقوق شهروندی بود، طی لوایحی به مقامات قضایی اعلام گردید. آقای اسالو پس از سپری کردن حدود 8 ماه بدون محاکمه و بصورت بازداشت موقت، در تاریخ 18/05/1385 به قید وثیقه آزاد و در

تاریخ 25/1385 در شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب بصورت غیر علنی و به اتهام تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی به موجب مواد ۵۰۰ و ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی به ۵ سال حبس محکوم می‌گردد، در جلسه دادگاه، مراتب نقض قانون و انحراف دادگاه را آشکار نمودیم. متأسفانه در رای صادره، دفاعیات وکلای متهم مورد توجه قرار نگرفت و دادگاه، آقای اسالو را به تحمل ۵ سال حبس تعزیری محکوم نمود.

با وجود اینکه دادگاه بر حسب آئین دادرسی، مکلف به ابلاغ رای و ارائه نسخه ای از آن به وکلا بود، دادنامه به وکلا تحویل داده نشد و صرف رویت رای به منزله ابلاغ، تلقی گردید. موارد تخلف مدیر شعبه به هیئت نظارت و پیگیری حقوق شهروندی و مدیر کل محترم دادگستری استان تهران گزارش گردید و در این خصوص پیگیری ادامه دارد. برای احقاق حقوق موکل جهت اعمال ماده ۱۸ تلاش نمودیم متأسفانه تقاضای اعمال ماده ۱۸ به خاطر در اختیار نداشتن رای مرحله بدوی، مقدور نگردید و از این جهت نیز حق دفاع متهم تضییع گردید ولی سیر نقض حقوق آقای اسالو محدود به این موارد نمی‌باشد. مشارالیه در شرایطی که در انتظار اعلام رای تجدید نظر بود، در روز 19/4/1386 هنگامیکه با اتوبوس عازم محل سکونت خود بود به بهانه (همراه داشتن) اعلامیه های شرکت واحد مبنی بر تقاضای تمکین مدیر عامل شرکت واحد به تعهدات خود در قبال کارکنان شرکت واحد دستگیر و مورد ضرب و شتم بازداشت کنندگان خود قرار گرفت.

تقاضای اسالو مبنی بر شکایت از مامورین مذکور و اعزام به پزشک قانونی هرگز جامه عمل نپوشید. در طول مدت حبس، مشکلات و تشریفات مربوط به صدور مجوز ملاقات با وکلا، عملاً به مانعی برای ملاقات با وی تبدیل شده است بطوریکه در طول ۱۶ ماه حبس مشارالیه، فقط ۲ بار امکان ملاقات با وکلا فراهم شده است و از زمانیکه وی به بازداشتگاه رجائی شهر منتقل شده است، دشواری های ملاقات با وی دو چندان شده و عملاً تا به امروز هیچ ملاقاتی بین وکلای آقای اسالو در زندان رجائی شهر صورت نگرفته است و این در شرایطی است که آقای اسالو به علت ناراحتی قلبی و عمل چشم، نیازمند مراقبت های پزشکی و اعزام بموقع وی به مراکز درمانی می‌باشد. حسب اظهار مادر آقای اسالو، در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۳۱ موفق به ملاقات با وی شده است، جای بخیه های چشم به خاطر تاخیر در اعزام به بیمارستان عفونت کرده، ناراحتی قلبی آقای اسالو به لحاظ عدم اعزام وی به مراکز درمانی شدت گرفته، چشم ایشان به خاطر عدم دسترسی بموقع پزشک آسیب دیده و فضای آلوده زندان سلامتی وی را به خطر انداخته است. از طرف دیگر در رفتار با وی مقررات قانون اساسی، آیین دادرسی و حقوق شهروندی معطوف به احترام به شان و منزلت انسان و ممنوعیت هتک حرمت و کرامت زندانی رعایت نشده است.

با عنایت به مراتب فوق و در اجرای تکالیف حرفه ای خود به پشتوانه قانون اساسی، قوانین جزائی، آیین دادرسی کیفری و حقوق شهروندی و آزادی های مشروع و با عنایت به اینکه مقامات و مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران بسط عدالت و دفاع از حریم آزادی ها و احترام به شان و منزلت انسان را در بیانات و اظهارات خود مورد تاکید قرار داده اند، که نمونه بارز آن سخنان ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد می‌باشد.

تقاضا دارد ترتیبی اتخاذگردد که موارد نقض حقوق وی مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفته، امکان دسترسی وی به مراکز درمانی حسب مقررات فراهم شده، بازگشت مجدد وی به زندان اوین مورد توجه قرار گیرد و همانند زندانیان دیگر از مرخصی مقرر در آیین نامه سازمان زندان ها برخوردار گردد، همچنین مستدعی است دستور فرمائید در چهار چوب ظرفیت های قانونی عدالت قضایی با رعایت حرمت انسانی در خصوص موکل به اجرا گذاشته شود.

یوسف مولایی، پرویز خورشید

233- نگرانی جمهوری اسلامی از اعتصاب و اعتراض بازاریان:

به نوشته سایت "آسمان نیوز" در تاریخ 26 مهر 87 آمده است: نایب رئیس مجلس گفت: اصناف و بازاریان باید با هوشیاری بیش از پیش مراقب دسیسه های سیلی خورده های انقلاب باشند.

به گزارش واحد مرکزی خبر، حجت الاسلام محمدحسن ابوترابی فرد در جلسه علنی امروز مجلس گفت: بازار و اصناف به عنوان یکی از ارکان کلیدی جامعه دینی و نظام اسلامی همیشه نقش بارزی ایفا کرده است و یکی از پایگاه های قدرتمند دفاع از روحانیت، مرجعیت دینی و حوزه های علمیه بوده و هستند.

وی افزود: نقش تعیین کننده اصناف و بازاریان در پیروزی و شکل گیری نظام اسلامی بر کسی پوشیده نیست و اکنون با وجود مشکلات اقتصادی و فشار استکبار و نظام سلطه، بیشترین همراهی را با نظام اسلامی و کمترین هزینه را دارند.

وي تأکید کرد: دولت باید اصناف و بازاریان را مشاوران امین، لایق و توانای خود بداند و از دیدگاه های دلسوزانه آنان در اداره امور اقتصادی کشور به طور وافی استفاده کند و اجازه ندهد مطالبات صنفی و اظهار نظرهای مشفقانه دستاویز دشمنان ملت قرار گیرد.

نایب رئیس مجلس اضافه کرد: بازار نیز در این باره باید از درایت و هوش بیش از پیش بهره مند باشد و با موضوع به دقت برخورد کند. اصناف و بازاریان باید با هوشیاری بیش از پیش مراقب دسیسه های سیلی خورده های انقلاب باشند

234- حوادث کارگری ، تازه کار بودن یا عدم آموزش کافی :

طبق گزارش رسیده آژانس ایران خبر 26 مهر صبح امروز 8:05 یکی از کارگران قسمت کنترل تکمیل که تازه کار بوده و آموزش های لازم را ندیده است (تازه کار بودن به دلیل اخراج کارگران با سابقه و استفاده از نیروهای تازه کار بخاطر دریافت حقوق کم) در هنگام کار، بدون توقف کامل دستگاه، دست خود را جهت رفع نقص و خارج کردن اشیاء ولوازمی از بین غلطک ها داخل دستگاه می برد، که دستش در بین غلطک ها گیر کرده و دچار سانحه می شود.

این کارگر بعد از این حادثه به بیمارستان انتقال یافت و تاکنون ، گزارش دقیقی از وضعیت وی در دسترس نیست.

235- کارخانه شیر پاستوریزه با کمبود شیر روبرو است :

منبع : انجمن صدای کاوه

کارخانه شیر پاستوریزه ارومیه "با کمبود شیر به عنوان مواد اولیه" روبرو است

بنا به گزارشهای دریافتی از این و احد تولیدی این کارخانه با کمبود جدي شیر به عنوان ماده اولیه مواجه است. یکی از کارگران در پاسخ به این سوال خبرنگار صدای کاوه ها که آیا به لحاظ تولید این واحد تولیدی بامشکلی مواجه است یا نه؟ این چنین پاسخ داد: ما در تامین ماده اولیه مشکل داریم. مشکل اصلی کارخانه شیر پاستوریزه نداشتن شیر به عنوان ماده اولیه است. علت این امر برنامه ریزی غلط استانی است. واز همین رو دامپزشکی و جهاد دانشگاهی نیز نتوانستند عملکرد درستی داشته باشند. در واقع شیری که در استان وجود دارد، کیفیت لازم را ندارد به همین خاطر ما شیر را برگشت میدهم. تا حداقل استانداردها را داشته باشد. البته يك سري کارخانه های هستند که از این شیر نامرغوب استفاده میکنند ولي به دلیل این که این کارخانه خصوصی است و یا به خاطر وجدان کاری که وجود دارد از شیر نامرغوب استفاده نمیکند. ولي در مجموع مشکل ما شیر با کیفیت است.

236- مصدوم شدن یک کارگر در ایران خودرو:

یکی از کارگران ایران خودرو که در قسمت کنترل تکمیل کار می کرد هنگام کار دچار سانحه شد و دستش لای چرخ ماشین گیر کرد. این کارگر در زمره بردگان مزدی ارزان بهایی است که اخیراً به دنبال اخراج شمار فراوان کارگران پیمانکاری کارخانه با نازل ترین میزان دستمزد مشغول کار شده است. او برای شروع کار خود هیچ نوع آموزشی ندیده است، زیرا در مسلک و مرام سرمایه داران ایران پرداخت یک ریال برای آموزش های مربوط به ایمنی جان کارگران عین اسراف و تبذیر و کفران نعمت است. بدترین کفران نعمت ها در رساله شرعی و عرفی این جماعت آن است که انسان حق سودآوری هر چه عظیم تر سرمایه را درست رعایت نکند و در تضمین سود حداکثر سرمایه ها به هر شکل و عنوانی کوتاهی کند. کارگر مصدوم به بیمارستان منتقل شده است. در باره وسعت و شدت آسیب دیدگی او هیچ خبری نرسیده است.

26 مهر 87

237- اعتصاب کارگران برق گیلان:

کارگران برق استان گیلان حدود 4 ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. در این 4 ماه هیچ ریالی زیر هیچ کدام از عناوین و اصطلاحات رایج سرمایه داران ایران به طور مثال پاداش، مزایای شغلی، حق تولید و مانند این ها که همگی بر روی هم اگر پرداخت شوند همان دستمزد نازل کارگر را تشکیل می دهند به هیچ

کارگری پرداخت نشده است. «عیدی» سال پیش هم به آنان داده نشده است. کارگران برق گیلان در چنین وضعی زیر فشار گرسنگی خود و زنان و فرزندان چرخ کار را از چرخش بازداشته و دست به اعتصاب زده اند. آنان در اجتماع روز چهارشنبه 24 مهر 87 به صورت دسته جمعی فریاد می زدند که پس از چهار ماه کار بدون هیچ دستمزد چگونه زندگی کنیم؟ از کجا نان افراد خانواده خود را تهیه کنیم؟ الان چند ماه است که هیچ صاحب مغازه ای به ما هیچ ریالی نسیه نمی دهد. به هر کدام از فروشگاه ها یک دنیا بدهکاریم. همه طلبکاران ما را تهدید به دادگاه و زندان و شلاق و جریمه و مجازات می کنند. این چه زندگی خفت باری است که بر ما تحمیل شده است؟ کارگران ضمن تشریح وضعیت فاجعه بار زندگی خود و اعتراض به صاحبان سرمایه، بر ضرورت مبارزه برای دستیابی به مطالبات خود تأکید کردند. آنان اعلام کردند که تا گرفتن دستمزدهای معوقه به اعتصاب ادامه خواهند داد.

26 مهر 87

238- افزایش شدید واردات کالا به ایران :

به گزارش بی بی سی در تاریخ 27 مهر 87 ؛ گمرک ایران گزارش داده که واردات کالا در شش ماه اول سال جاری خورشیدی به مرز 30 میلیارد دلار رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود نه میلیارد دلار افزایش نشان می دهد. در شش ماه اول سال گذشته میزان واردات بیشتر از 21 میلیارد دلار و میزان صادرات غیر نفتی نیز هفت میلیارد دلار بود. بر اساس گزارش گمرک، صادرات غیر نفتی نیز نسبت به سال گذشته افزایش یافته و به حدود نه میلیارد و 600 میلیون دلار رسیده است. گزارش نیمه اول سال نشان می دهد که تجارت خارجی ایران بدون صادرات نفت، در شش ماه اول سال جاری با کسری 20 میلیارد دلاری رو به رو بوده است. امارات متحده عربی بزرگترین شریک تجاری ایران در شش ماه اول سال بوده و این کشور هم در صادرات کالا به ایران و هم در واردات کالا از این کشور در صدر فهرست شرکای تجاری ایران قرار داشته است. بر اساس این گزارش کشورهای امارات متحده عربی، چین، عراق، هند، کره جنوبی مهمترین مشتریان کالاهای صادراتی ایران بوده اند. در همین مدت بیشترین کالاهای وارداتی نیز به ترتیب از کشورهای امارات متحده عربی، آلمان، چین، سوئیس و کره جنوبی وارد ایران شده است. صادرات و واردات

بخشی از سهم کالاهای غیر نفتی را محصولات نفتی تشکیل می دهد چنانکه مهمترین کالایی که در بخش صادرات غیر نفتی ثبت شده و بیشترین سهم را در میان کالاهای صادراتی دارد، پروپان مایع شده است که ارزش آن 638 میلیون دلار بوده و نزدیک به هفت درصد ارزش کل صادرات را تشکیل می دهد. علاوه بر پروپان، متانول، بوتان مایع شده و اتیلن نیز از جمله محصولات نفتی است که در صدر فهرست کالاهای غیر نفتی صادراتی ایران در شش ماه اول قرار دارد. پسته مهمترین کالای غیر نفتی است که سهم آن در صادرات کالاهای نفتی 370 میلیون دلار است و در میان فهرست کالاهای صادراتی نیز پسته در ردیف پنجم قرار دارد. پیش بینی می شود که میزان صادرات پسته به دلیل خشکسالی شدید سال جاری و سرمازدگی اوایل بهار در نیمه دوم سال به شدت کاهش یابد. بر اساس گزارش گمرک ایران، در شش ماه اول سال، بنزین مهمترین کالای وارداتی ایران بوده است و در این مدت 2 میلیارد و 532 میلیون دلار بنزین از خارج وارد شده است. بعد از این ماده سوختی، شمش آهن و فولاد مهمترین کالای وارداتی ایران در این دوره بوده و بعد از آن روغن های سبک، دانه ذرت، قطعات خودرو و گندم مهمترین کالاهای وارداتی این کشور در شش ماه اول سال بوده است. در شش ماه اول سال بیشتر از 36 هزار دستگاه خودروی سواری خارجی به ارزش 654 میلیون دلار وارد ایران شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته تقریباً دو برابر شده است. در چند سال اخیر با افزایش درآمد نفتی ایران، واردات کالا به شدت افزایش یافته و از 22 میلیارد و 300 میلیون دلار در سال 1381 به بیشتر از 48 میلیارد دلار در سال 1386 رسیده است. کارشناسان می گویند که اگر روند واردات به شکل فعلی ادامه پیدا کند، واردات ایران در پایان سال به 60 میلیارد دلار خواهد رسید.

239- قتل بر سر آب در ابهر و سکوت مسوولان

***مردم جان خود را بر سر آب از دست می دهند و مسوولان عذرخواهی که هیچ، حتی از اطلاع رسانی دریغ می ورزند :**

به گزارش سایت روشنگری در تاریخ 27 مهر 87 آمده است : مسوولان استان چه پاسخی در قبال این فاجعه‌ی انسانی دارند؟

امروز کودکان و مردان و زنان روستای خوشنام و امثال آن می‌گویند: " آوردن نفت بر سر سفره‌های ما پیشکش، ما نمی‌خواهیم نفت را بر سر سفره‌های ما بیاورید، ما آبی را می‌خواهیم که حیوانات و پرندگان نیز حق دارند که از آن بنوشند."

***رحمت‌اله بیگدلی**

یک. بعد از اطلاع‌رسانی در باره‌ی ماجرای اسفبار داغ‌گذاری بر بدن سه کودک در یکی از مراکز تحت پوشش بهزیستی استان زنجان که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شد، بنا به دلایلی قصد نداشتیم که به برخی از اخبار تأسف باری که به دست ما می‌رسد بپردازم و به همین دلیل از پوشش خبری زندانی شدن یک دختر فرزند شبانه‌روزی بهزیستی در آذربایجان شرقی که توسط خبرنگار ما در تبریز ارسال شده بود، خودداری کردم. تا این‌که احضاریه‌ای از دادگاه به دست این‌جانب رسید که حاکی از شکایت مدیرکل سابق بهزیستی استان زنجان از بنده بود و مرا به تاریخ 87/7/17 به دادگاه فرا خوانده است، آن هم با ادعای نشر اکاذیب؛ آن هم اکاذیبی که منجر به برکناری مدیرکل سابق و اقدامات مسوولان بهزیستی کشور به منظور نصب دوربین‌های مداربسته در مراکز نگهداری کودکان بهزیستی در سراسر کشور شد! البته حرف‌های نگفتنی بسیاری در خصوص بهزیستی استان زنجان و شیوه‌ی نامطلوب پیگیری این ماجرای تأسف بار توسط مسوولان بهزیستی کشور مطرح است که شاید به بخشی از آن‌ها در آینده‌ی نزدیک بپردازم. البته این‌جانب سه بار قبل از تشریف به مکه‌ی مکرمه در مردادماه سال‌جاری با تلفن همراه آقای فقیه، رئیس سازمان بهزیستی کشور تماس گرفتم تا برخی از حقایق را به اطلاع ایشان برسانم، ولی با کمال تأسف آقای فقیه حاضر به شنیدن این حقایق نشد و تلفن همراه خود را به همراهان خود داد. شایان ذکر است که این‌جانب قریب یک ساعت فیلم از گزارشی که در خصوص ماجراهای روی داده در مراکز تحت پوشش بهزیستی زنجان روی داده است تهیه کرده‌ام و یک نسخه از آن را به دنبال درخواست اداره‌ی کل اطلاعات استان زنجان به آنان داده‌ام.

دو. در خبر ارسالی از تبریز آمده بود که "مدیرکل بهزیستی آذربایجان شرقی با طرح شکایتی علیه یکی از دختران بی‌سرپرست و تحت پوشش شبانه‌روزی بهزیستی، وی را روانه‌ی زندان کرده است!" در ادامه‌ی خبر آمده بود: "خانم مریم سیدمردانی از فرزندان محببه، پاک و تلاشگر و مسوولیت پذیر بهزیستی تبریز بوده که اخیراً به‌طور مستقل زندگی می‌کرده و به‌دلیل فشار ناشی از مشکلات مالی و عدم توان تأمین مایحتاج ضروری زندگی و اجاره‌ی منزل به اداره‌ی کل بهزیستی آذربایجان شرقی مراجعه می‌کند و با جواب منفی مسوولان روبرو می‌شود. علی‌رغم التماس‌های فراوان وی هیچ کمکی به او نمی‌شود و به دستور [...] از اداره‌ی کل بیرون رانده می‌شود. در ادامه متأسفانه به جای دستگیری و حمایت از این بانوی رنج‌دیده از وی تحت عنوان پرخاشگری به مدیرکل بهزیستی طرح شکایت و در نهایت از ابتدای ماه مبارک رمضان روانه‌ی زندان تبریز می‌شود!" البته بروز پرخاشگری از سوی کسانی که در چنین وضعیتی به سر می‌برند امری طبیعی است و انتظار می‌رود کسانی که در این‌گونه نهادها از مردم استمداد می‌کنند که با حمایت خویش در ماه مهمانی خداوند، زمینه‌ی آزادی زندانیان را فراهم آورند، خود به زندانی کردن فرزند خود مبادرت نورزند. جالب این‌که در گزارش خبرنگار ما آمده است: "مددکار زندان تبریز برای آزادی این دختر بی‌پناه، چندین بار با مسوولان بهزیستی آذربایجان شرقی تماس گرفته است، اما گوش شنوایی نبوده است تا این فرزند مهر بهزیستی را از زندان آزاد کند!"

سه. خبر سوم در باره‌ی حادثه‌ی اسفناکی است که در روستای خوشنام شهرستان ابهر روی داده است. در این حادثه‌ی دردناک که به علت فقدان آب در این روستا و سفر اهالی آن به روستای هم‌جوار با تراکتور به منظور استفاده از آب روی داده، یک مادر و دختر او که نامزد بوده و قرار بوده است بعد از ماه رمضان عروسی کند درگذشته و دختری دیگر حافظه‌ی خود را از دست داده و از ناحیه‌ی لگن و پا و دست به شدت مصدوم شده است و مرد جوان دیگری که تازه از دواج کرده به شدت از ناحیه‌ی لگن و پا و دست و صورت آسیب دیده است. همچنین 4 نفر دیگر در این حادثه مجروح شده‌اند. این حادثه در در ماه مبارک رمضان و آن هم در طلب آب روی داده است.

امروزه به دلیل تأثیرات بسیار عمیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجرت روستاییان به شهرها، دولت‌ها سیاست‌ها و برنامه‌های گسترده‌ای را به کار می‌گیرند که مانع این مهاجرت‌ها شوند. البته سال‌هاست که در کشور ما نیز تلاش بر این است که از سیل مهاجرت روستاییان به شهرها با اتخاذ برخی از سیاست‌ها

جلوگیری شود. اما متأسفانه نه تنها این برنامه‌ها محقق نشده، بلکه سیل خروشان مهاجرت روز به روز بیشتر شده است. یکی از مهم‌ترین علل افزایش مهاجرت‌های روستاییان، فقدان نگاه عادلانه در توزیع فرصت‌ها و امکانات است. این فقدان نگاه عادلانه موجب می‌شود که امکانات ابتدا به پایتخت و سپس به مراکز استان‌ها و در نهایت اندکی هم به مراکز شهرستان‌ها اختصاص یابد و چیزی دندان‌گیر نصیب دیگر شهرها و روستاها نشود. به دلیل همین توزیع نامتناسب فرصت‌ها و امکانات، شهرهای بزرگتر هر روز بیشتر از گذشته گسترش ناموزون و نامتناسب می‌یابند و جمعیت مهاجر بیشتری را به خود جذب می‌کنند. این روند نامطلوب موجب می‌شود که شهرهای کوچکتر و بالاخص روستاها به علت فقدان امکانات و فرو رفتن در فقر و فلاکت، روز به روز به نابودی نزدیکتر شوند. یکی از مهم‌ترین علل بروز چنین وضعیتی این است که مدیران در شهرهای کوچکتر به دلیل واداری به افراد و برخی جریانات سیاسی و مشغول شدن به بازی‌های سیاسی، توان انجام وظایف قانونی خود را ندارند، و گرنه مگر می‌شود که پس از گذشت حدود سی سال از انقلابی به نام اسلام و به منظور برقراری حکومت عدل علی، هنوز برادران و خواهران محروم و مظلوم ما در برخی از روستاهای استان زنجان که بعضاً فاصله‌ای کمتر از 200 کیلومتر با پایتخت دارند از آب آشامیدنی و بهداشتی محروم باشند و برای تهیه‌ی آب مجبور شوند که با تراکتور به روستای دیگری عزیمت کنند و در نتیجه چندین نفر به علت سقوط تراکتور به دره جان خود را از دست بدهند و چند نفر دیگر مصدوم و مجروح بشوند. آری در شهرستان ابهر که ندای نمونه بودن مدیران آن از هر سوی به آسمان بلند است، حدود یک‌ماه پیش تعدادی از روستاییان محروم برای شست‌وشوی لباس و انجام تکالیف شرعی و بهداشتی خود مجبور می‌شوند که دسته‌جمعی سوار تراکتور شوند و با طی مسافتی در روستای هم‌جوار به دنبال آب باشند! در نتیجه به هنگام برگشت آنان به روستای خود، تراکتور که وسیله‌ی مناسبی برای حمل مسافر نیست به دلیل سنگینی بار و خرابی راه واژگون می‌شود و تعدادی از روستاییان را به کام مرگ می‌فرستد و تعدادی دیگر از آنان را روانه‌ی بیمارستان می‌کند. اینک این حادثه‌ی ناگوار در استان زنجان و شهرستان ابهر و در نزدیکی پایتخت، روی داده است و خانواده‌هایی را داغدار و احساسات عمومی را جریحه‌دار کرده است. حال آیا مسؤولان استان زنجان و شهرستان ابهر پاسخی برای خانواده‌های داغدار و مردمی که احساساتشان جریحه‌دار شده است، پاسخی دارند؟

این‌جانب بارها در سخنرانی‌ها و در کلاس‌های درس دانشگاه، این بخش از نامه‌ی علی(ع) به عثمان‌بن‌حنیف انصاری فرماندار خویش در بصره را برای مردم و دانشجویان خوانده‌ام که می‌فرماید: "اگر بخواهم می‌توانم به عسل مصفا و مغز این گندم و جامه‌های ابریشم راه یابم، ولی هیهات که هوای نفس بر من چیره شود، و حرص مرا به گزینش خوراک‌های لذیذ بکشاند در حالی که شاید در حجاز یا یمامه کسی باشد که به یافتن نان قرصی امید ندارد و هرگز مزه‌ی سیری را نچشیده باشد و یا چگونه شب با شکم انباشته از غذا سر بر بالین نهیم و در اطراف من شکم‌هایی گرسنه و جگرهایی سوزان باشند."

از پیامبر اکرم(ص) روایت است، که مردم در سه چیز؛ "آب، گیاه و آتش" شریکند. ابوداود روایت کرده است که مردی از پیامبر(ص) پرسید: چه چیز است که منع از آن روا نیست؟ فرمود: آب. باز پرسید: دیگر چه چیز است؟ فرمود: گیاه. سپس پرسید: دیگر چه چیز است؟ فرمود: نمک. ابوداود پس از نقل این قبیل اخبار توضیح می‌دهد که مقصود از آتش در این گونه روایات که مردم در آن شریکند، وسیله‌ی آتش است که آن عبارت از نفت و هیزم و امثال آن است؛ بدین معنی که ذکر آتش و گیاه و آب موضوعیت ندارد، و مراد آن است که آب، گیاه و وسایل آتش و نظایر آن که بر اثر فعالیت کسی به وجود نیامده و خداوند آن مواهب را به خلق ارزانی داشته، حقّ تمام مردم است و به فردی معین اختصاص ندارد.

اما امروز با کمال تأسف در جمهوری اسلامی، برخی از روستاییان محروم و برادران و خواهران مسلمان ما در چند کیلومتری ما جان خویش را بر سر آب از دست می‌دهند و مسؤولان استان از عذرخواهی که پیش‌کش، حتی از اظهار تأسفی و اطلاع‌رسانی در این زمینه دریغ می‌ورزند!

در مباحث تاریخ تمدن می‌خوانیم که معمولاً تمدن‌ها و آبادی‌ها در کنار رودها و جاهای پر آب به وجود آمده است. حال چگونه انتظار داریم که آبادی خوشنام شهرستان ابهر که در آن مردمانی سخت‌کوش، بی‌ادعا و قانع زندگی می‌کنند بتوانند آبادی خود را با چنین وضعیتی حفظ کنند و چگونه انتظار داریم که ما به نام جمهوری اسلامی از آنان بخواهیم که قصد مهاجرت نکنند و همچنان در روستای خویش بمانند؟!.

اخیراً یکی از خبرنگاران ما که برای بررسی این حادثه‌ی تأسف‌بار به روستای خوشنام رفته بود، در گزارش خود آورده است: مردم روستای خوشنام که مردمی متدین هستند، می‌گویند، ما بعضاً به علت فقدان آب، مدت‌ها نمی‌توانیم وظایف و تکالیف شرعی خود را به جا آوریم و منتظر می‌مانیم تا شاید وسیله و یا امکانی فراهم آید تا با حضور در روستاهای هم‌جوار بتوانیم تکالیف شرعی خود را به جا آوریم. ای مسؤولان استان و ای مدیران کشور، والله در مقابل چنین حوادثی از جمله درگذشت و مصدومیت این برادران و خواهران مظلوم در خوشنام ابهر مسؤولید و باید پاسخگوی عملکرد خود در روزی که پست و مقام و ثروت و قدرت نفعی به حال شما نخواهد داشت باشید.